



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عزیز ما صاب
الربا

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



تذکره

آداب سفر عمره و حج
از زنگنه احمد بیگلر

مؤلف: زنگنه احمد بیگلر
مترجم: سید علی حسینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسافر قبله : آداب سفر عمره و حج از نگاه اهل بيت عليهم السلام

نويسنده:

جعفر صادقي فدكي

ناشر چاپي:

مشعر

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	مسافر قبله : آداب سفر عمره و حج از نگاه اهل بیت علیهم السلام
۱۸	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۲۳	فهرست
۴۲	دیبچه
۴۴	مقدمه
۴۸	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۴۸	اشاره
۵۰	۱. تعریف عمره و حج
۵۳	۲. اهمیت و جایگاه عمره و حج
۵۳	اشاره
۵۳	الف) کعبه، نخستین خانه بنا شده برای بشر
۵۷	ب) حج از ارکان اسلام
۵۸	ج) حج، احیا کننده اصول و فروع دین
۶۲	د) حاجی و معتمر، میهمان ویژه الهی
۶۴	ه) تأکید ائمه معصومین علیهم السلام بر به جا آوردن مکرر حج و عمره
۶۶	و) اجبار مسلمانان به انجام حج و عمره در صورت ترک آن
۶۷	ز) زوال حیات مادی و معنوی با ترک حج و عمره
۶۸	۳. حکمت و اهداف عمره و حج
۶۸	اشاره
۶۹	الف) توبه و پاک شدن از آلودگی ها
۷۱	ب) تهذیب نفس و ایجاد تقوا
۷۲	ج) اقامه دین و تقویت ایمان

۷۴ (د) گسستن از شیطان و دشمنان خدا (تبری)
۷۸ (ه) پیوند با رهبران الهی و دوستان خدا (تولی)
۸۰ (و) آشنایی و اتحاد مسلمانان با یکدیگر
۸۲ (ز) شناخت معارف دین و انتقال آنها به دیگران
۸۴ (ح) آزمایش و امتحان مؤمنان
۸۶ (ط) بهره مندی از منافع دنیوی
۸۸ (ی) برخورداری از برکات اخروی
۸۹ آداب عمره و حج
۹۴ فصل دوم: آداب پیش از سفر عمره و حج
۹۴ اشاره
۹۶ مقدمه
۹۶ اشاره
۹۷ ۱. توجه به مقصد و اهداف سفر
۱۰۲ ۲. تعجیل در انجام دادن سفر عمره و حج
۱۰۵ ۳. تهیه هزینه و نیازمندی های سفر
۱۰۵ اشاره
۱۰۵ الف) تأمین هزینه و توشه سفر
۱۰۸ ب) تأمین مخارج خانواده
۱۰۹ گشاده دستی در هزینه و توشه سفر
۱۱۱ ۴. توبه و پرداخت حقوق خدا و خلق
۱۱۱ اشاره
۱۱۳ اقسام حقوق و راه های جبران آنها
۱۱۳ اشاره
۱۱۴ الف) حقوق الهی
۱۱۵ ب) حقوق مشترک میان خدا و بنده
۱۱۶ ج) حق الناس

- ۱۱۷ ماجرای علی بن یقظین و ابراهیم جمال
- ۱۱۹ ۵. تهیه مال و توشه حلال
- ۱۱۹ اشاره
- ۱۲۱ اقسام مال حرام
- ۱۲۲ ۶. شناخت مناسک و احکام مورد نیاز
- ۱۲۶ ۷. نوشتن وصیت نامه
- ۱۲۶ اشاره
- ۱۲۸ الف) وصیت نیکو نمودن
- ۱۲۹ ب) شاخصه های وصیت نیکو
- ۱۳۰ ۸. انتخاب همسفر شایسته
- ۱۳۰ اشاره
- ۱۳۱ ویژگی های همسفر شایسته
- ۱۳۱ اشاره
- ۱۳۱ الف) همشأن بودن
- ۱۳۲ ب) انداختن انسان به یاد خدا
- ۱۳۲ ج) اهتمام به اوقات نماز و کمک به دیگران
- ۱۳۳ د) داشتن اخلاق نیک
- ۱۳۴ به همراه بردن خانواده و خویشاوندان
- ۱۳۵ ۹. اعلام سفر و بدرقه زائر
- ۱۳۵ اشاره
- ۱۳۶ بدرقه معتمر و حج گزار
- ۱۳۷ ۱۰. غسل، نماز و... هنگام خروج از منزل
- ۱۳۷ اشاره
- ۱۳۸ الف) غسل کردن
- ۱۳۸ ب) اقامه نماز و تودیع خانواده
- ۱۳۹ ج) قرانت سوره ها و دعایی خاص هنگام خروج

- ۱۴۰ (د) صدقه دادن
- ۱۴۰ (ه) گفتن ذکر خاص، هنگام خروج از منزل
- ۱۴۲ فصل سوم: آداب سفر عمره و حج
- ۱۴۲ اشاره
- ۱۴۴ مقدمه
- ۱۴۴ اشاره
- ۱۴۵ ۱. توکل بر خداوند و طلب خیر از او
- ۱۴۵ اشاره
- ۱۴۵ الف) توکل بر خداوند
- ۱۴۷ ب) طلب کردن خیر از خداوند
- ۱۴۹ ۲. اخلاص در نیت
- ۱۵۰ ۳. آغاز و تداوم سفر با دعا و یاد خدا
- ۱۵۳ ۴. اجتناب از ارتکاب گناه و گفتار و کردار بیهوده
- ۱۵۹ ۵. صبر و تحمل سختی ها
- ۱۵۹ اشاره
- ۱۶۱ الف) پیاده رفتن به حج و عمره
- ۱۶۳ ب) تحمل گرمای سرزمین وحی
- ۱۶۴ ج) تحمل بیماری
- ۱۶۵ ۶. داشتن اخلاق نیک و شایسته
- ۱۶۷ ۷. کمک به همسفران و ناتوانان
- ۱۶۷ اشاره
- ۱۷۰ امام زین العابدین علیه السلام و کمک به زائران
- ۱۷۰ بایسته های کمک به دیگران
- ۱۷۴ ۸. تواضع، آرامش و داشتن وقار
- ۱۷۴ اشاره
- ۱۷۷ معنا و نمادهای تواضع

- ۱۷۷ اشاره
- ۱۷۷ الف) تواضع ظاهری
- ۱۸۰ ب) تواضع و خشوع باطنی
- ۱۸۱ ۹. شروع از مدینه یا مکه
- ۱۸۵ ۱۰. آداب ورود و حضور در مدینه
- ۱۸۵ اشاره
- ۱۸۷ الف) رعایت حرمت حرم و اهل آن
- ۱۸۹ ب) غسل کردن
- ۱۸۹ ج) زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای معصوم علیهم السلام
- ۱۹۰ د) کامل خواندن نماز
- ۱۹۱ ه) بسیار خواندن نماز
- ۱۹۳ و) دعا و نماز در مکان های خاص مسجدالنبی صلی الله علیه و آله
- ۱۹۳ اشاره
- ۱۹۳ یک - مرقد مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۹۴ دو - روضه پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۹۴ سه - منبر پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۹۵ چهار - محراب پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۹۶ پنج - ستون های مسجد
- ۱۹۷ ز) سه روز روزه گرفتن
- ۲۰۰ ح) زیارت قبور شهدا و مؤمنان
- ۲۰۲ ط) زیارت مساجد و مشاهد مشرفه
- ۲۰۶ ی) وداع با پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام
- ۲۰۷ ۱۱. زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام
- ۲۰۷ اشاره
- ۲۰۹ الف) فلسفه و اهداف زیارت
- ۲۰۹ یک - تجدید عهد با اولیای الهی

- ۲۱۰ دو - پاک شدن از آلودگی ها
- ۲۱۱ سه - درخواست رزق مادی و معنوی
- ۲۱۲ چهار - تقرب به خداوند
- ۲۱۳ پنج - احیای احکام و آموزه های دین
- ۲۱۵ (ب) آداب زیارت
- ۲۱۷ ۱۲. شریک کردن دیگران در اعمال خیر سفر
- ۲۱۷ اشاره
- ۲۲۰ الف) زیارت اهل بیت علیهم السلام و اولیای الهی
- ۲۲۱ (ب) عمره و حج مستحبی
- ۲۲۲ ج) طواف خانه خدا
- ۲۲۲ (د) دعا و استغفار
- ۲۲۴ چه افراد و تعدادی را در اعمال خود شریک کنیم؟
- ۲۲۷ ۱۳. زینت تشیع و اهل بیت علیهم السلام بودن
- ۲۲۷ اشاره
- ۲۲۹ الف) داشتن ورع و تقوا
- ۲۳۰ (ب) ارتباط با اهل سنت
- ۲۳۲ ج) تقیه و پرهیز از اعمال تفرقه انگیز
- ۲۳۴ مصادیق اعمال تفرقه انگیز
- ۲۳۶ ۱۴. آداب ورود در ضیافت الهی (احرام)
- ۲۳۶ اشاره
- ۲۳۸ الف) آداب قبل از احرام
- ۲۳۸ اشاره
- ۲۳۸ یک - نگه داشتن موی سر و ریش قبل از احرام
- ۲۳۹ دو - نظافت بدن
- ۲۴۰ سه - مسواک زدن
- ۲۴۰ چهار - غسل کردن

- ۲۴۲ پنج - اقامه نماز قبل از احرام
- ۲۴۳ (ب) آداب مقارن احرام
- ۲۴۳ اشاره
- ۲۴۳ یک - خواندن دعا
- ۲۴۵ دو - پوشیدن لباس سفید و پنبه ای
- ۲۴۵ سه - اشتراط تحلل با خداوند
- ۲۴۶ چهار - تلفظ نیت احرام
- ۲۴۷ پنج - بلند گفتن تلبیه
- ۲۴۷ شش - تکرار کردن تلبیه
- ۲۴۸ ۱۵. آداب ورود و حضور در حرم و شهر مکه
- ۲۴۸ اشاره
- ۲۵۱ الف) آداب ورود به حرم و شهر مکه
- ۲۵۱ اشاره
- ۲۵۱ یک - احرام
- ۲۵۳ دو - طهارت و غسل
- ۲۵۴ سه - ورود با خضوع، آرامش و وقار
- ۲۵۵ چهار - خواندن دعا هنگام ورود
- ۲۵۶ پنج - ورود به منزل و محل اقامت
- ۲۵۶ (ب) آداب حضور در حرم و شهر مکه
- ۲۵۶ اشاره
- ۲۵۷ یک - رعایت حرمت حرم و اهل آن
- ۲۵۸ دو - اجتناب از ارتکاب و فکر معصیت
- ۲۶۰ سه - کامل خواندن نماز
- ۲۶۰ چهار - عبادت، ذکر و نماز بسیار
- ۲۶۱ پنج - تلاوت قرآن و ختم آن
- ۲۶۲ شش - زیارت مشاهد و قبور اولیای الهی و مؤمنان

- هفت - عمره مفرده ۲۶۴
- هشت - اجتناب از برداشتن لُقطه حرم ۲۶۵
- نه - دفن میت در حرم ۲۶۷
۱۶. آداب ورود و حضور در مسجدالحرام ۲۶۸
- اشاره ۲۶۸
- الف) آداب ورود به مسجدالحرام ۲۶۹
- اشاره ۲۶۹
- یک - تطهیر بدن و غسل ۲۶۹
- دو - ورود از باب بنی شیبه ۲۶۹
- سه - سلام و دعا هنگام ورود ۲۷۱
- چهار - ورود با خشوع، آرامش و وقار ۲۷۱
- پنج - دعا هنگام مشاهده کعبه ۲۷۲
- ب) آداب حضور در مسجدالحرام ۲۷۲
- اشاره ۲۷۲
- یک - استلام حجرالاسود و دعا نزد آن ۲۷۳
- دو - طواف خانه خدا ۲۷۵
- اشاره ۲۷۵
- آغاز کردن اعمال مسجد با طواف ۲۷۶
- استلام یا اشاره به حجرالاسود ۲۷۶
- حرکت از نزدیک کعبه ۲۷۷
- حرکت با اعتدال، وقار و آرامش ۲۷۷
- اشتغال به دعا، ذکر و قرائت قرآن ۲۷۸
- طواف فراوان ۲۷۹
- سه - نماز فراوان ۲۸۱
- چهار - نماز و دعا در حطیم ۲۸۱
- پنج - نماز، دعا و زیارت در حجر اسماعیل ۲۸۳

- شش - دعا در زیر ناودان کعبه ۲۸۴
- هفت - نماز و احرام نزد مقام ابراهیم ۲۸۵
- هشت - استلام ارکان کعبه و دعا نزد آنها ۲۸۷
- نه - دعا و اقرار به گناهان در ملتزم ۲۸۸
- ده - دعا و استغفار در مستحجار ۲۹۰
- یازده - چنگ زدن به پرده کعبه و دعای فراوان ۲۹۱
- دوازده - نگاه بسیار به خانه خدا ۲۹۳
- سیزده - نوشیدن و بر روی خود ریختن آب زمزم ۲۹۳
- چهارده - گریه نزد کعبه ۲۹۵
- پانزده - زیارت حضرت اسماعیل و دیگر پیامبران الهی علیهم السلام ۲۹۶
۱۷. آداب صفا و مروه و سعی میان آنها ۲۹۷
- اشاره ۲۹۷
- الف) شتاب در سعی پس از طواف ۲۹۹
- ب) طهارت و وضو داشتن ۲۹۹
- ج) نوشیدن آب زمزم قبل از سعی ۲۹۹
- د) استلام یا اشاره به حجرالاسود ۳۰۰
- ه) خروج از باب مقابل حجرالاسود ۳۰۰
- و) بالا رفتن و وقوف طولانی بر صفا ۳۰۰
- ز) انجام دادن سعی با آرامش و وقار ۳۰۱
- ح) هروله کردن بخشی از مسعی ۳۰۲
- ط) دعا و ذکر فراوان ۳۰۲
- ی) گریه کردن یا خود را به گریه زدن ۳۰۳
۱۸. آداب حلق و تقصیر ۳۰۴
- اشاره ۳۰۴
- الف) اختیار حلق ۳۰۵
- ب) شروع از موهای جلوی سر ۳۰۶

- ج) تقصیر از همه مو و ناخن ها ۳۰۷
- د) تقصیر در مروه ۳۰۷
- ه) دفن موهای حلق شده در منا ۳۰۸
- و) تأخیر حلق و تقصیر پس از بازگشت ۳۰۸
۱۹. همانند شدن با احرام گزاران در ایام حج ۳۰۸
۲۰. آداب ورود و وقوف در عرفات ۳۱۰
- اشاره ۳۱۰
- الف) حرکت و حضور با آرامش، وقار و تواضع ۳۱۲
- ب) تلاوت دعا هنگام حرکت ۳۱۲
- ج) تلبیه گفتن تا عرفات ۳۱۳
- د) طهارت و غسل ۳۱۳
- ه) اصرار در دعا و مناجات ۳۱۳
- و) قرائت قرآن ۳۱۶
- ز) فراوان ذکر گفتن ۳۱۶
۲۱. آداب ورود و وقوف در مشعرالحرام ۳۱۷
- اشاره ۳۱۷
- الف) حرکت با آرامش و وقار ۳۱۹
- ب) تأخیر انداختن نماز مغرب و عشا تا مشعر ۳۲۰
- ج) احیاء و شب زنده داری شب مشعر ۳۲۱
- د) دعا و ذکر فراوان ۳۲۲
- ه) جمع کردن سنگریزه های رمی جمرات ۳۲۳
۲۲. آداب ورود و وقوف در منا ۳۲۴
- اشاره ۳۲۴
- الف) دعا و مناجات ۳۲۶
- ب) مبادرت به رمی جمره عقبه ۳۲۷
- ج) کامل کردن اعمال حج در روز دهم و یازدهم ۳۲۹

- ۳۲۹ (د) اقامت در منا در ایام تشریق
- ۳۳۰ (ه) تعلیم و تعلم مناسک و معارف دین
- ۳۳۲ (و) تکبیر گفتن پس از نمازها
- ۳۳۳ (ز) نماز و ذکر الهی در مسجد خیف
- ۳۳۵ ۲۳. کوتاه کردن اقامت در مکه
- ۳۳۷ ۲۴. صدقه دادن خرما پس از اعمال عمره و حج
- ۳۳۸ ۲۵. وداع با کعبه
- ۳۴۳ فصل چهارم: آداب پس از سفر عمره و حج
- ۳۴۳ اشاره
- ۳۴۵ مقدمه
- ۳۴۵ اشاره
- ۳۴۶ ۱. نیت انجام دادن دوباره عمره و حج
- ۳۴۸ ۲. هدیه خریدن و هدیه دادن
- ۳۴۸ اشاره
- ۳۵۰ الف) اهمیت هدیه و سوغاتی
- ۳۵۲ ب) بایسته های هدیه خریدن و هدیه دادن
- ۳۵۲ اشاره
- ۳۵۲ یک - مقدم داشتن تکالیف و هزینه های واجب
- ۳۵۳ دو - خلوص نیت
- ۳۵۴ سه - همسانی هدیه با سفر
- ۳۵۵ چهار - خرید هدیه در حد توان
- ۳۵۵ پنج - نافع بودن هدیه برای هدیه گیرنده
- ۳۵۶ شش - تبعیض نگذاشتن میان هدیه گیرندگان
- ۳۵۶ هفت - قبول هدیه و جبران آن
- ۳۵۷ ج) مکان تهیه هدیه و سوغاتی
- ۳۶۰ ۳. استقبال و ملاقات حج گزار

۴. ولیمه و اطعام مؤمنان ۳۶۲
- اشاره ۳۶۲
- الف) اهمیت و جایگاه ولیمه و اطعام ۳۶۳
- ب) آداب ولیمه و اطعام ۳۶۴
- اشاره ۳۶۴
- یک - اخلاص و تحصیل رضای الهی ۳۶۴
- دو - اولویت دادن به مؤمنان ۳۶۶
- سه - دعوت از فقرا همراه با اغنیا ۳۶۶
- چهار - تهیه طعام نیکو ۳۶۷
- پنج - شرکت نکردن در مجالس ولیمه بدون دعوت ۳۶۸
- شش - پذیرش دعوت مسلمان برای مجلس ولیمه ۳۶۹
۵. حفظ دستاوردها و بقای بر پیمان ها ۳۷۰
- اشاره ۳۷۰
- الف) دستاوردها و پیمان های حج گزار در عمره و حج ۳۷۱
- اشاره ۳۷۱
- یک - دستاوردهای عمره و حج ۳۷۲
- دو - عهد و پیمان ها در عمره و حج ۳۷۴
- ب) راه های حفظ دستاوردها و پیمان ها ۳۷۸
- اشاره ۳۷۸
- یک - به ودیعه سپردن اعمال، نزد خداوند متعال ۳۷۹
- دو - مواظبت و استمرار بر دستاوردهای سفر ۳۸۱
- سه - حضور مداوم در مجالس موعظه و تذکر ۳۸۲
۶. انتقال معارف دین و اخبار اهل بیت علیهم السلام ۳۸۳
- اشاره ۳۸۳
- معارف و آموزه های قابل انتقال به دیگران ۳۸۶
۷. نگه داشتن حوله احرام برای کفن ۳۸۹

۳۹۳ کتابنامه

۴۰۵ درباره مرکز

مسافر قبله : آداب سفر عمره و حج از نگاه اهل بیت علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: صادقی فدکی، سید جعفر، 1346 -

عنوان و نام پدیدآور: مسافر قبله: آداب سفر عمره و حج از نگاه اهل بیت علیهم السلام / مولف سید جعفر صادقی فدکی؛ تدوین پژوهشکده حج و زیارت.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، 1395.

مشخصات ظاهری: 368 ص.

شابک: 150000 : 1-652-540-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: کتابنامه: ص. [361] - 368 ؛ همچنین بصورت زیرنویس.

عنوان دیگر: آداب سفر عمره و حج از نگاه اهل بیت علیهم السلام.

موضوع: حج

Hajj*

حج -- احادیث

Hajj -- Hadiths*

حج عمره

Hajj omra*

حج عمره -- احادیث

Hajj omra -- Hadiths*

شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. پژوهشکده حج و زیارت

رده بندی کنگره: BP188/8/ص156 4 1395

رده بندی ديويي: 297/357

شماره کتابشناسی ملی: 4241332

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

آداب سفر عمره و حج از نگاه اهل بیت علیهم السلام

مؤلف سید جعفر صادقی فدکی

تدوین پژوهشکده حج و زیارت.

ص: 3

دبیاچه 15

مقدمه 17

فصل اول: مفاهیم و کلیات

1. تعریف عمره و حج 23

2. اهمیت و جایگاه عمره و حج 26

الف) کعبه، نخستین خانه بنا شده برای بشر 26

ب) حج از ارکان اسلام 30

ج) حج، احیا کننده اصول و فروع دین 31

د) حاجی و معتمر، میهمان ویژه الهی 35

ه) تأکید ائمه معصومین علیهم السلام بر به جا آوردن مکرر حج و عمره 37

و) اجبار مسلمانان به انجام حج و عمره در صورت ترک آن 39

ز) زوال حیات مادی و معنوی با ترک حج و عمره 40

3. حکمت و اهداف عمره و حج 41

الف) توبه و پاک شدن از آلودگی ها 42

ب) تهذیب نفس و ایجاد تقوا 44

ص: 5

ج) اقامه دین و تقویت ایمان 45

د) گسستن از شیطان و دشمنان خدا (تبری) 47

ه) پیوند با رهبران الهی و دوستان خدا (تولی) 51

و) آشنایی و اتحاد مسلمانان با یکدیگر 53

ز) شناخت معارف دین و انتقال آنها به دیگران 55

ح) آزمایش و امتحان مؤمنان 57

ط) بهره مندی از منافع دنیوی 59

ی) برخورداری از برکات اخروی 61

آداب عمره و حج 62

فصل دوم: آداب پیش از سفر عمره و حج

مقدمه 69

1. توجه به مقصد و اهداف سفر 70

2. تعجیل در انجام دادن سفر عمره و حج 75

3. تهیه هزینه و نیازمندی های سفر 78

الف) تأمین هزینه و توشه سفر 78

ب) تأمین مخارج خانواده 81

4. توبه و پرداخت حقوق خدا و خلق 84

الف) حقوق الهی 87

ب) حقوق مشترک میان خدا و بنده 88

ج) حق الناس 89

5. تهیه مال و توشه حلال 92

6. شناخت مناسک و احکام مورد نیاز 95

7. نوشتن وصیت نامه 99

ص: 6

الف) وصیت نیکو نمودن 101

ب) شاخصه های وصیت نیکو 102

8. انتخاب همسفر شایسته 103

ویژگی های همسفر شایسته 104

الف) همشأن بودن 104

ب) انداختن انسان به یاد خدا 105

ج) اهتمام به اوقات نماز و کمک به دیگران 105

د) داشتن اخلاق نیک 106

9. اعلام سفر و بدرقه زائر 108

10. غسل، نماز و... هنگام خروج از منزل 110

الف) غسل کردن 111

ب) اقامه نماز و تودیع خانواده 111

ج) قرائت سوره ها و دعایی خاص هنگام خروج 112

د) صدقه دادن 113

ه) گفتن ذکر خاص، هنگام خروج از منزل 113

فصل سوم: آداب سفر عمره و حج

مقدمه 117

1. توکل بر خداوند و طلب خیر از او 118

الف) توکل بر خداوند 118

ب) طلب کردن خیر از خداوند 120

2. اخلاص در نیت 122

3. آغاز و تداوم سفر با دعا و یاد خدا 123

4. اجتناب از ارتکاب گناه و گفتار و کردار بیهوده 126

ص: 7

5. صبر و تحمل سختی ها 132

الف) پیاده رفتن به حج و عمره 134

ب) تحمل گرمای سرزمین وحی 136

ج) تحمل بیماری 137

6. داشتن اخلاق نیک و شایسته 138

7. کمک به همسفران و ناتوانان 140

8. تواضع، آرامش و داشتن وقار 147

معنا و نمادهای تواضع 150

الف) تواضع ظاهری 150

ب) تواضع و خشوع باطنی 153

9. شروع از مدینه یا مکه 154

10. آداب ورود و حضور در مدینه 158

الف) رعایت حرمت حرم و اهل آن 160

ب) غسل کردن 162

ج) زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای معصوم علیهم السلام 162

د) کامل خواندن نماز 163

ه) بسیار خواندن نماز 164

و) دعا و نماز در مکان های خاص مسجدالنبی صلی الله علیه و آله 166

یک - مرقد مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله 166

دو - روضه پیامبر صلی الله علیه و آله 167

سه - منبر پیامبر صلی الله علیه و آله 167

چهار - محراب پیامبر صلی الله علیه و آله 168

پنج - ستون های مسجد 169

ز) سه روز روزه گرفتن 170

ح) زیارت قبور شهدا و مؤمنان 172

ص: 8

ط) زیارت مساجد و مشاهد مشرفه 174

ی) وداع با پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام 178

11. زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام 179

الف) فلسفه و اهداف زیارت 181

یک - تجدید عهد با اولیای الهی 181

دو - پاک شدن از آلودگی ها 182

سه - درخواست رزق مادی و معنوی 183

چهار - تقرب به خداوند 184

پنج - احیای احکام و آموزه های دین 185

ب) آداب زیارت 187

12. شریک کردن دیگران در اعمال خیر سفر 189

الف) زیارت اهل بیت علیهم السلام و اولیای الهی 192

ب) عمره و حج مستحبی 193

ج) طواف خانه خدا 194

د) دعا و استغفار 194

13. زینت تشیع و اهل بیت علیهم السلام بودن 199

الف) داشتن ورع و تقوا 201

ب) ارتباط با اهل سنت 202

ج) تقیه و پرهیز از اعمال تفرقه انگیز 204

14. آداب ورود در ضیافت الهی (احرام) 208

الف) آداب قبل از احرام 210

یک - نگه داشتن موی سر و ریش قبل از احرام 210

دو - نظافت بدن 211

سه - مسواک زدن 212

چهار - غسل کردن 212

پنج - اقامه نماز قبل از احرام 213

ص: 9

ب) آداب مقارن احرام 214

یک - خواندن دعا 214

دو - پوشیدن لباس سفید و پنبه ای 215

سه - اشتراط تحلل با خداوند 215

چهار - تلفظ نیت احرام 216

پنج - بلند گفتن تلبیه 217

شش - تکرار کردن تلبیه 217

15. آداب ورود و حضور در حرم و شهر مکه 218

الف) آداب ورود به حرم و شهر مکه 221

یک - احرام 221

دو - طهارت و غسل 222

سه - ورود با خضوع، آرامش و وقار 223

چهار - خواندن دعا هنگام ورود 224

پنج - ورود به منزل و محل اقامت 225

ب) آداب حضور در حرم و شهر مکه 225

یک - رعایت حرمت حرم و اهل آن 226

دو - اجتناب از ارتکاب و فکر معصیت 227

سه - کامل خواندن نماز 229

چهار - عبادت، ذکر و نماز بسیار 229

پنج - تلاوت قرآن و ختم آن 230

شش - زیارت مشاهد و قبور اولیای الهی و مؤمنان 231

هفت - عمره مفرده 233

هشت - اجتناب از برداشتن لُقطه حرم 234

نه - دفن میت در حرم 236

16. آداب ورود و حضور در مسجدالحرام 237

الف) آداب ورود به مسجدالحرام 238

یک - تطهیر بدن و غسل 238

ص: 10

- دو - ورود از باب بنی شیبه 238
- سه - سلام و دعا هنگام ورود 239
- چهار - ورود با خشوع، آرامش و وقار 239
- پنج - دعا هنگام مشاهده کعبه 240
- ب) آداب حضور در مسجد الحرام 240
- یک - استلام حجرالاسود و دعا نزد آن 241
- دو - طواف خانه خدا 243
- سه - نماز فراوان 249
- چهار - نماز و دعا در حطیم 249
- پنج - نماز، دعا و زیارت در حجر اسماعیل 251
- شش - دعا در زیر ناودان کعبه 252
- هفت - نماز و احرام نزد مقام ابراهیم 253
- هشت - استلام ارکان کعبه و دعا نزد آنها 255
- نُه - دعا و اقرار به گناهان در ملتزم 256
- ده - دعا و استغفار در مستجار 258
- یازده - چنگ زدن به پرده کعبه و دعای فراوان 259
- دوازده - نگاه بسیار به خانه خدا 261
- سیزده - نوشیدن و بر روی خود ریختن آب زمزم 261
- چهارده - گریه نزد کعبه 263
- پانزده - زیارت حضرت اسماعیل و دیگر پیامبران الهی علیهم السلام 264
17. آداب صفا و مروه و سعی میان آنها 265

الف) شتاب در سعی پس از طواف 267

ب) طهارت و وضو داشتن 267

ج) نوشیدن آب زمزم قبل از سعی 267

د) استلام یا اشاره به حجرالاسود 268

ه) خروج از باب مقابل حجرالاسود 268

و) بالا رفتن و وقوف طولانی بر صفا 268

ص: 11

ز) انجام دادن سعی با آرامش و وقار 269

ح) هروله کردن بخشی از سعی 270

ط) دعا و ذکر فراوان 270

ی) گریه کردن یا خود را به گریه زدن 271

18. آداب حلق و تقصیر 272

الف) اختیار حلق 273

ب) شروع از موهای جلوی سر 274

ج) تقصیر از همه مو و ناخن ها 275

د) تقصیر در مروه 275

ه) دفن موهای حلق شده در منا 276

و) تأخیر حلق و تقصیر پس از بازگشت 276

19. همانند شدن با احرام گزاران در ایام حج 276

20. آداب ورود و وقوف در عرفات 278

الف) حرکت و حضور با آرامش، وقار و تواضع 280

ب) تلاوت دعا هنگام حرکت 280

ج) تلبیه گفتن تا عرفات 281

د) طهارت و غسل 281

ه) اصرار در دعا و مناجات 281

و) قرائت قرآن 284

ز) فراوان ذکر گفتن 284

21. آداب ورود و وقوف در مشعرالحرام 285

الف) حرکت با آرامش و وقار 287

ب) تأخیر انداختن نماز مغرب و عشا تا مشعر 288

ج) احیاء و شب زنده داری شب مشعر 289

د) دعا و ذکر فراوان 290

ص: 12

ه) جمع کردن سنگریزه های رمی جمرات 291

22. آداب ورود و وقوف در منا 292

الف) دعا و مناجات 294

ب) مبادرت به رمی جمره عقبه 295

ج) کامل کردن اعمال حج در روز دهم و یازدهم 297

د) اقامت در منا در ایام تشریق 297

ه) تعلیم و تعلم مناسک و معارف دین 298

و) تکبیر گفتن پس از نمازها 300

ز) نماز و ذکر الهی در مسجد خیف 301

23. کوتاه کردن اقامت در مکه 303

24. صدقه دادن خرما پس از اعمال عمره و حج 305

25. وداع با کعبه 306

فصل چهارم: آداب پس از سفر عمره و حج

مقدمه 313

1. نیت انجام دادن دوباره عمره و حج 314

2. هدیه خریدن و هدیه دادن 316

الف) اهمیت هدیه و سوغاتی 318

ب) بایسته های هدیه خریدن و هدیه دادن 320

یک - مقدم داشتن تکالیف و هزینه های واجب 320

دو - خلوص نیت 321

سه - همسانی هدیه با سفر 322

چهار - خرید هدیه در حد توان 323

پنج - نافع بودن هدیه برای هدیه گیرنده 323

شش - تبعیض نگذاشتن میان هدیه گیرندگان 324

ص: 13

- هفت - قبول هدیه و جبران آن 324
- ج) مکان تهیه هدیه و سوغاتی 325
3. استقبال و ملاقات حج گزار 328
4. ولیمه و اطعام مؤمنان 330
- الف) اهمیت و جایگاه ولیمه و اطعام 331
- ب) آداب ولیمه و اطعام 332
- یک - اخلاص و تحصیل رضای الهی 332
- دو - اولویت دادن به مؤمنان 334
- سه - دعوت از فقرا همراه با اغنیا 334
- چهار - تهیه طعام نیکو 335
- پنج - شرکت نکردن در مجالس ولیمه بدون دعوت 336
- شش - پذیرش دعوت مسلمان برای مجلس ولیمه 337
5. حفظ دستاوردها و بقای بر پیمان ها 338
- الف) دستاوردها و پیمان های حج گزار در عمره و حج 339
- یک - دستاوردهای عمره و حج 340
- دو - عهد و پیمان ها در عمره و حج 342
- ب) راه های حفظ دستاوردها و پیمان ها 346
- یک - به ودیعه سپردن اعمال، نزد خداوند متعال 347
- دو - مواظبت و استمرار بر دستاوردهای سفر 349
- سه - حضور مداوم در مجالس موعظه و تذکر 350
6. انتقال معارف دین و اخبار اهل بیت علیهم السلام 351

7. ننگه داشتن حوله احرام برای کفن 357

کتابنامه 361

ص: 14

حج با شکوه ترین جلوه بندگی انسان به درگاه معبود قادر ازلی است. سالکان طریق بندگی، در حج به اوج کمال می رسند و از همه تعلقات مادی می بُرند و به معبود هستی می پیوندند. خود را به اقیانوس رحمت الهی می سپارند تا از آن، مروارید انس و معرفت صید کنند.

این عبادت بی همانند، راز و رمزهایی دارد که در سایه رعایت آداب ارزشمندش می توان به آن اسرار و راز و رمزها رسید و حجبی عاشقانه و عارفانه به جای آورد و با بهترین توشه به وطن بازگشت.

بی شک، دستیابی به معارف بلند حج و رسیدن به برکات دنیوی و اخروی اش، مشروط به آن است که سالک این سفر الهی با آدابش آشنا باشد و آنها را به خوبی به کار بندد.

اهل بیت عصمت علیهم السلام، عمده ترین آداب و شرایطی که سبب قبولی عمره و حج، و اثربخش شدن آن می شود را بیان کرده اند که نیازمند پژوهش های علمی - کاربردی است تا در دسترس علاقه مندان قرار گیرد.

پژوهش حاضر با عنوان «مسافر قبله»، به آداب سفر عمره و حج از منظر اهل بیت علیهم السلام در مراحل مختلف پرداخته است. این اثر، آداب را در سه مرحله قبل از

سفر، حین سفر و بعد از سفر بیان کرده است. ضمن تشکر از محقق محترم جناب آقای «سید جعفر صادقی فدکی» که برای این پژوهش تلاش بسیاری کرد، امیدواریم راهیان سفر حج و عمره با مطالعه آن، با آداب این سفر معنوی بیشتر آشنا شوند و ضمن رعایت آنها، با حج و عمره ای مقبول، به شهر و دیار خود بازگردند.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه اخلاق و اسرار

ص: 16

هدف اساسی خداوند از خلقت بشر، عبادت الهی و رشد معنوی انسان و تحصیل سعادت ابدی از این طریق است؛ چنان که قرآن کریم در آیه ای به این هدف اشاره می کند و می فرماید: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)؛ «و من، جن و انس را نیافریدم؛ مگر برای اینکه مرا پرستش کنند». (ذاریات: 56)

خداوند متعال برای اینکه انسان به این هدف دست یابد و در راه تعالی معنوی و سعادت ابدی گام بردارد، رسولان و پیامبران بسیاری را همراه با کتاب های آسمانی و برنامه هایی انسان ساز به سوی انسان ها مبعوث کرد تا پیامبران، با اعلام و تبلیغ تعالیم این کتاب ها، بشر را از جهل و گمراهی برهانند و به سوی حق و هدایت رهنمون کنند.

مناسک عمره و حج یکی از تعالیم و آموزه های سعادت بخش کتاب های آسمانی است که خداوند برای تحقق این هدف، تشریح کرده و پیامبران را مأمور به تبلیغ و ترویج آن نموده است. مناسک عمره و حج از چنان اهمیت و جایگاهی نزد خداوند تبارک و تعالی برخوردار است که خداوند متعال نخستین خانه ای که روی کره زمین قرار داد، کعبه و محل انجام دادن این دو عبادت بزرگ بود و پس از ایجاد این خانه، فرشتگان الهی و سپس اولین پیامبر خود یعنی حضرت آدم علیه السلام را همراه با جبرئیل علیه السلام مأمور کرد تا برگرد این خانه طواف کنند و اعمال حج را به جا آورند.

پس از آن، حضرت آدم علیه السلام به طور مکرر نزد این خانه آمد و عمل عمره یا حج را به جای آورد؛ به گونه ای که در برخی روایات از انجام دادن هزار حج از سوی آن حضرت یاد شده است که سیصد مرتبه این عمل، حج اکبر و هفتصد بار آن، حج اصغر یعنی عمره مفرده بوده است. (1) پس از آن حضرت نیز، پیامبران الهی و پیروان آنان در طول قرن های متمادی در این سرزمین مقدس گام نهاده و این عمل عبادی را مکرر به جای آورده اند.

عمره و حج، از جمله تعالیم و تکالیف عظیم الهی است که خیر دنیا و آخرت را برای همه انسان ها، اعم از حج گزاران و دیگر انسان های روی کره زمین به دنبال دارد. گام نهادن در این سفر و انجام دادن مناسک عمره و حج، همه گناهان و آلودگی های انسان را هر چند به عدد ریگ های بیابان و قطرات باران باشد، پاک می کند. انجام دادن هر یک از این دو عبادت، سبب زدوده شدن اخلاق و صفات ناپسند از نفس می شود و انسان ها را به صفات پسندیده و نیک، آراسته می کند. با قدم گذاشتن در سفر عمره و حج، حج گزاران داخل حیطه میهمانان ویژه الهی می گردند که هر چه از خداوند بخواهند به آنان عطا می کند و اگر هم چیزی از خدا درخواست نکنند، خداوند از فضل و کرم بی انتهای خود، آنان را بی نیاز می سازد و حاجت هایشان را بر آورده می کند.

زیارت خانه خدا و قبور اولیای الهی در این سفر، سبب از میان رفتن فقر و فلاکت شده و موجبات بهره مندی زائران از مواهب مادی و دنیوی را فراهم می کند. کعبه و سفر حج، از اسباب مهم بقای بشر است و حیات مادی و معنوی آنان در سایه بقای کعبه و به جا آوردن این مناسک تأمین می گردد. حج و عمره، موجب پیوند میان مؤمنان با اولیای معصوم الهی و قطع ارتباط با شیطان و شیطان صفتان عالم می شود. افزون بر این، عامل اتحاد و همبستگی مسلمانان و نیز برخورداری از برکات عظیم اخروی و پاداش جاویدان

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 229؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 128.

ص: 18

الهی در بهشت و همنشینی با صدیقان، شهدا، صالحان و پیامبران خدا می‌گردد.

اما برخورداری از این برکات دنیوی و اخروی، مشروط به آن است که زائر این سفر مقدس، آن گونه که خدا و اولیای معصوم‌الهی علیهم السلام توصیه کرده‌اند، قدم در این سفر گذارد و مناسک عمره و حج را با آداب و شرایط خاص آن، به جا آورد، در غیر این صورت، جز هزینه کردن اموال و تحمل رنج بسیار، بهره‌ای نخواهد برد یا دست کم، بهره‌اش بسیار اندک خواهد بود.

بر این اساس، پژوهش حاضر، تألیف و در آن عمده‌ترین آداب این سفر الهی بیان شده است تا حج‌گزاران و زائران، با آگاهی لازم در این سفر الهی قدم گذارند و مناسک عمره و حج خود را به طور شایسته و آن گونه که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سفارش کرده‌اند، به جا آورند.

گفتنی است این نوشتار در چهار فصل تنظیم شده است: فصل نخست، به مباحث کلی و مقدماتی این موضوع اختصاص یافته و در آن، اهمیت و جایگاه سفر عمره و حج و اهداف و مقاصد این سفر بیان شده است. سبب طرح این مباحث قبل از شروع آداب سفر، آن است تا حج‌گزاران و زائران این سرزمین، نخست به اهمیت و عظمت سفرشان و نیز با اهداف آن آشنا شوند؛ زیرا تا فرد شناخت کافی به جایگاه و اهداف سفر خود نداشته باشد، نمی‌تواند آن سفر را شایسته و نیکو انجام داده و بهره لازم را از آن سفر به دست آورد.

در فصل دوم، برخی از آداب و مقدماتی که حج‌گزار لازم یا شایسته است قبل از حضور در سرزمین وحی انجام دهد، بیان شده است. در فصل سوم این پژوهش، آداب عمره و حج از زمان آغاز سفر تا پایان مناسک مطرح شده است و در فصل پایانی نیز آداب پس از مناسک عمره و حج و بازگشت به وطن، اشاره و بررسی شده است.

در این پژوهش، سعی شده است تا همه مطالب با استناد به معارف و حیانی و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باشد و از پرداختن به مباحث ذوقی و

برداشت های ذهنی و سلیقه ای اجتناب شود. امید است این کوشش ناچیز مورد قبول درگاه حضرت حق و پیشگاه اولیای معصوم الهی علیهم السلام به ویژه حضرت ولی الله اعظم، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد و این حقیر و همه زائران و مسافران این سرزمین، با عمل به این آداب و شرایط، از برکات این کلمات نورانی، در دنیا و آخرت بهره مند شویم.

و یرجى من کرهم المن و القبول.

(يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِيضَاعِهِ مُزْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ) (يوسف: 88)

ص: 20

فصل اول: مفاهيم و کلیات

فصل اول: مفاهيم و کلیات

اشاره

ص: 21

1. تعریف عمره و حج

عمره: از ریشه «عمر» گرفته شده و در لغت به معنای آباد کردن و زیارت کردن آمده است (1) و در اصطلاح فقه اسلامی، به زیارت خانه خدا با انجام دادن اعمال مخصوص در میقات و مکه، گفته می شود. به عمره، «حج اصغر» یعنی حج کوچک نیز گفته شده است. (2)

عمره به دو قسم «عمره مفرده» و «عمره تمتع» تقسیم می شود. عمره مفرده، به عمره ای اطلاق می گردد که تنها و جدای از اعمال حج به جا آورده می شود (3) و اعمال آن عبارت اند از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه، حلق یا تقصیر، طواف نساء و نماز طواف نساء. (4)

عمره تمتع، به عمره ای گفته می شود که همراه با حج تمتع انجام می شود و اعمال آن همانند اعمال عمره مفرده است؛ جز اینکه عمره مفرده، طواف نساء و نماز طواف نساء دارد؛ ولی در عمره تمتع این اعمال وجود ندارد. افزون بر این، عمره تمتع، وظیفه کسانی

(1). تاج العروس، ج 7، ص 258؛ مجمع البحرین، ج 3، ص 411.

(2). معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص 298؛ فرهنگ فقه، ج 5، ص 479.

(3). معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص 298.

(4). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 438.

ص: 23

است که اهل مکه و اطراف آن نباشند و این عمل باید در ماه های حج به جا آورده شود و حج گزار بعد از سعی صفا و مروه، حق تراشیدن سر را ندارد و تنها باید تقصیر کند. اما عمره مفرده را همه مکلفان، اعم از اهل مکه یا دیگران، می توانند در همه ماه های سال به جا آورند. (1)

همچنین عمره، به عمره واجب و مستحب تقسیم می شود. عمره واجب آن است که یا به اصل شرع و به سبب تحقق شرایط استطاعت یا به علت اسباب عارضی همچون نذر، سوگند و شرط در ضمن عقد، بر انسان واجب می شود. اما عمره مستحب، عمره ای است که شرایط وجوب را نداشته باشد. (2)

حج: در لغت، به معنای قصد کردن (3)، بازداشتن و زیاد رفت و آمد کردن (4) آمده است و در اصطلاح فقه اسلامی، عبارت است از قصد کردن خانه خدا در زمان خاص با انجام دادن مناسک و اعمال مخصوص (5) که این اعمال عبارت اند از: احرام، وقوف در عرفات، وقوف در مشعر، رمی جمرات، قربانی، حلق یا تقصیر، بیتوته در منا، طواف، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه، طواف نساء و نماز طواف نساء. (6)

حج به سه قسم تمتع، قران و افراد، تقسیم شده است. حج تمتع، آن است که حج گزار، نخست اعمال عمره را به جا می آورد و پس از اتمام و خروج از احرام، دوباره برای مناسک حج، احرام می بندد (7) و بدان سبب به آن، حج تمتع گفته شده است که محرّمات احرام، در فاصله زمانی بین عمره و حج که از نظر شرعی یک عمل به

(1). تذکره الفقهاء ج 8، ص 438؛ تحریر الوسیله، ج 1، ص 408.

(2). العروه الوثقی، ج 4، ص 597؛ تحریر الوسیله، ج 1، ص 403.

(3). معجم مقاییس اللغه، ج 2، ص 29؛ لسان العرب، ج 2، ص 226.

(4). تاج العروس، ج 3، ص 314؛ لسان العرب، ج 2، صص 226 و 227.

(5). کشف اللثام، ج 5، ص 75؛ فرهنگ فقه، ج 3، ص 210.

(6). شرایع الاسلام، ج 1، ص 230؛ جواهر الکلام، ج 18، ص 3.

(7). مسالک الافهام، ج 2، ص 191؛ مدارک الاحکام، ج 7، ص 156.

شمار می روند، حلال می شود و حج گزار می تواند از آنها بهره مند گردد. (1)

حج افراد، حجی است که حج گزار، تنها اعمال حج را به جا می آورد و عمره را در صورت وجوب، در اوقات دیگر به جا می آورد. (2)
علت نامیده شدن این عمل به حج افراد، آن است که این نوع حج، از عمره جدا و به تنهایی به جا آورده می شود. (3) حج قران، حجی است که حج گزار هنگام احرام بستن برای حج، قربانی خود را نیز به همراه می آورد و به همین سبب نیز به آن حج قران گفته شده است. (4)

از میان سه نوع حج مذکور، حج تمتع وظیفه غیر اهل مکه و اطراف آن است؛ یعنی کسانی که محل سکونت آنان از مکه، 12 یا 48 میل (4 یا 16 فرسخ) - بنابر اختلاف اقوال فقیهان در این موضوع - و بیشتر از این مسافت قرار دارد (5) و حج قران و افراد، وظیفه کسانی است که اهل مکه یا در محدوده مسافت مذکور نسبت به مکه، زندگی می کنند.

همچنین حج از نظر حکم شرعی، به حج واجب و مستحب تقسیم می شود. حج واجب، آن است که به سبب فراهم بودن شرایط استطاعت، بر مکلف واجب می شود که به آن «حج الاسلام» نیز می گویند (6) یا به سبب اسباب عارضی همچون نذر، عهد، قسم یا نیابت از دیگری بر فرد واجب می گردد. (7)

حج غیر واجب که به آن «حج النفل» یا «حج التطوع» نیز گفته می شود، حجی است که فاقد یکی از اسباب وجوب باشد؛ (8) مانند حج فردی که در گذشته، حج واجب خود

(1). فرهنگ فقه، ج 3، ص 225.

(2). شرایع الاسلام، ج 1، ص 175.

(3). فرهنگ فقه، ج 3، ص 216.

(4). جواهر الکلام، ج 18، ص 50؛ فرهنگ فقه، ج 3، ص 232.

(5). مستند الشیعه، ج 11، ص 215؛ فرهنگ فقه، ج 3، ص 225.

(6). جواهر الکلام، ج 17، ص 223؛ فرهنگ فقه، ج 3، ص 241.

(7). معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص 152؛ فرهنگ فقه، ج 3، ص 241.

(8). معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص 151.

ص: 25

را به جا آورده است یا هنوز شرایط استطاعت، از جمله بلوغ یا توانایی مالی، در او فراهم نشده باشد.

2. اهمیت و جایگاه عمره و حج

اشاره

عمره و حج، از جمله اعمال و عباداتی است که در اسلام از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ به گونه ای که کمتر عملی میان عبادات الهی وجود دارد که دارای چنین جایگاه و عظمتی باشد. بر این اساس، خداوند و نیز اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در آیات و روایات فراوانی، از جایگاه و نقش عظیم این دو عبادت الهی، در هدایت و سعادت بشر، سخن به میان آورده اند و مؤمنان را به رفتن به مکه و مدینه و انجام دادن مکرر مناسک عمره و حج، ترغیب و تشویق کرده اند که در اینجا به برخی از این آیات و روایات اشاره می کنیم:

الف) کعبه، نخستین خانه بنا شده برای بشر

کعبه نخستین خانه ای است که خداوند، آن را برای بشر روی کره زمین قرار داده است؛ چنان که خداوند در قرآن کریم می فرماید:

(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ) (آل عمران: 96)

بدانید نخستین خانه ای که برای مردم بنا نهاده شده، خانه ای است که در سرزمین مکه قرار دارد و سبب برکت و هدایت عالمیان است.

خداوند در آیه 29 سوره حج نیز، کعبه را خانه کهن می نامد و می فرماید: (وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ). این تعبیر نیز حکایت از قدمت بسیار خانه خدا دارد. اما در اینکه کعبه در چه زمان و از سوی چه کسی بنا نهاده شده است و نخستین حج گزاران آن چه کسانی بوده اند، روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام در این باره نقل شده است؛ در برخی احادیث از حضرت ابراهیم علیه السلام سخن به میان آمده است؛ (1) از جمله در روایتی از حضرت علی علیه السلام آمده است:

(1). بحارالانوار، ج 96، ص 48؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 325.

ص: 26

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ ابْنِ لِي بَيْتًا فِي الْأَرْضِ تَعْبُدُنِي... وَكَانَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْنِي وَإِسْمَاعِيلُ يُنَاوِلُهُ الْحِجَارَةَ وَيَرْفَعُ الْقَوَاعِدَ. (1) خداوند تبارک و تعالی به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی کرد که برای او خانه ای روی زمین بسازد تا در آن خانه عبادت شود.... در پی اجرای این فرمان، حضرت ابراهیم خانه را می ساخت و حضرت اسماعیل علیه السلام نیز سنگ ها را به دست آن حضرت می داد و پایه ها را بالا می برد.

در احادیث دیگری آمده است که خانه خدا را حضرت آدم علیه السلام بنا کرده و حج و عمره به جا آورده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

بَعَثَ اللَّهُ جَبْرَائِيلَ إِلَى آدَمَ وَ حَوًّا فَقَالَ لَهُمَا: ابْنِيَا لِي بَيْتًا فَخَطَّ جَبْرَائِيلُ فَجَعَلَ آدَمُ يَحْفِرُ وَ حَوًّا تَنْقُلُ حَتَّى أَجَابَهُ الْمَاءُ ثُمَّ نُودِيَ مِنْ تَحْتِهِ: حَسْبُكَ يَا آدَمُ فَلَمَّا بَنَاهُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِ وَقِيلَ لَهُ: أَنْتَ أَوَّلُ النَّاسِ وَ هَذَا أَوَّلُ الْبَيْتِ ثُمَّ تَنَاسَخَتِ الْقُرُونُ حَتَّى حَجَّهُ التَّوْحُ ثُمَّ تَنَاسَخَتِ الْقُرُونُ حَتَّى رَفَعَ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنْهُ. (2) خداوند، جبرئیل را به سوی آدم و حوا فرستاد و به آنان فرمود: «برای من خانه ای بسازید». پس جبرئیل نقشه خانه را ترسیم کرد و آدم علیه السلام حفر می کرد و حوا [خاک را] منتقل می کرد تا به آب رسید. سپس به آن حضرت ندا داده شد که ای آدم! کافی است. پس هنگامی که خانه را بنا کرد، خداوند به وی وحی فرستاد که گرد خانه طواف کند و به آن حضرت گفته شد، تو نخستین انسانی و این خانه نیز نخستین خانه است. سپس قرن هایی گذشت تا اینکه حضرت نوح علیه السلام حج را به جا آورد. سپس قرن های دیگری گذشت تا اینکه حضرت ابراهیم علیه السلام پایه های کعبه را دویاره بالا برد.

براساس برخی روایات دیگر، سابقه کعبه و اعمال حج به حضرت آدم علیه السلام ختم

(1). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 325؛ بحارالانوار، ج 96، ص 48.

(2). کنز العمال، ج 12، ص 213؛ السیره النبویه، ابن کثیر، ج 1، ص 272.

نمی شود؛ بلکه این مکان مقدس و عمل حج، هزاران سال قبل از خلقت آن حضرت وجود داشته است؛ چنان که در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است:

خداوند زیر عرش، خانه ای برای ملائکه ساخت و آن را «ضراح» نامید و آن «بیت المعمور» است که به فرشتگان دستور داد که گرد آن طواف کنند. سپس به ملائکه فرمان داد در زمین خانه ای همانند بیت المعمور بنا کنند و پس از ساختن آن به وسیله فرشتگان، خداوند به اهل زمین فرمان داد تا گرد آن طواف کنند. (1)

همچنین در روایت دیگری از آن حضرت آمده است:

خداوند به ملائکه الهی اعلام کرد که می خواهد در زمین جانشینی بیافریند. ملائکه الهی به خداوند اعتراض کردند که آیا می خواهی کسی را بیافرینی که در زمین فساد کند و خون بریزد؟! در پی گفتن این سخن، خداوند از آنان روی گرداند. فرشتگان چون رویگردانی خدا را مشاهده کردند، فهمیدند که خطای بزرگی مرتکب شده اند. از این رو به عرش الهی پناه بردند و گرد عرش طواف کردند تا خداوند از آنان راضی شود و خداوند نیز توبه آنان را پذیرفت و از آنان راضی شد. در پی این رویداد، خداوند به فرشتگان فرمان داد که آنان روی زمین خانه ای بنا کنند تا انسان هایی نیز که مرتکب گناه می شوند گرد آن طواف کنند تا خداوند به این وسیله، گناه آنان را ببخشد. ملائکه نیز فرمان الهی را اطاعت کردند و روی زمین، کعبه را بنا نهادند. (2)

براساس برخی احادیث، بنای کعبه، حتی به قبل از خلقت کره زمین برمی گردد؛ از جمله در حدیثی امام صادق علیه السلام درباره علت اینکه قرآن، کعبه را خانه ای کهن نامیده است، فرمود:

إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ وَضَعَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا لَهُ رَبٌّ وَسُكَّانٌ يَسْكُنُونَهُ غَيْرَ هَذَا

(1). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 328؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 9.

(2). دعائم الاسلام، ج 1، ص 292؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 335.

ص: 28

الْبَيْتِ فَإِنَّهُ لَا رَبَّ لَهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ الْحَرُّ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهُ قَبْلَ الْأَرْضِ ثُمَّ خَلَقَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِ فَدَحَاهَا مِنْ تَحْتِهِ.
(1) هیچ خانه ای را خداوند روی زمین بنا ننهاد؛ جز اینکه آن خانه، صاحب و ساکنانی دارد که در آن خانه سکونت دارند؛ غیر از کعبه که صاحبی جز خداوند عزوجل ندارد و این خانه، خانه ای آزاد است. سپس حضرت فرمود: خداوند، کعبه را قبل از زمین خلق کرد و پس از آن، زمین را خلق نمود و پس از خلقت خانه، زمین را از زیر خانه گسترش داد.

در حدیثی دیگر نیز از آن حضرت آمده است: «فَأَوَّلُ بَقْعَةٍ خُلِقَتْ مِنَ الْأَرْضِ الْكَعْبَةُ»؛ (2) «نخستین بقعه و مکانی از زمین که خداوند خلق کرد، کعبه است».

در نقلی دیگر آمده است: علتی که خداوند، مکه را مادر سرزمین ها می نامد و می فرماید: (وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا)؛ (3) آن است که خداوند، نخست کعبه و زمین آن را و سپس دیگر سرزمین ها را خلق کرده و از زیر کعبه گسترانیده است. (4)

براساس روایاتی دیگر، پس از ساختن کعبه روی زمین، جبرئیل علیه السلام نخستین کسی بود که از اهل آسمان، اعمال حج را به جا آورد. (5) از این رو وقتی حضرت آدم علیه السلام اعمال حج را به جا آورد، جبرئیل علیه السلام و ملائکه الهی به استقبال حضرت آدم علیه السلام آمدند و ضمن تبریک گفتن و آرزوی قبولی اعمال برای آن حضرت، به وی گفتند که ما دو هزار (6) یا سه هزار سال (7) قبل از تو، دور خانه کعبه طواف کردیم و اعمال حج را به جای آوردیم.

(1). الکافی، ج 4، ص 184؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 240.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 241.

(3). انعام: 92.

(4). تفسیر قمی، ج 1، ص 210 و ج 2، ص 268.

(5). علل الشرایع، ج 2، ص 595؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 129.

(6). الکافی، ج 4، ص 194؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 230.

(7). علل الشرایع، ج 2، ص 407؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 333.

از مجموع این روایات، چنین به دست می آید که خداوند به سبب عنایت ویژه اش به کعبه و مناسک حج و عمره، قبل از خلقت زمین، کعبه را و پس از خلقت کعبه و جایگاه آن، دیگر قسمت های زمین را خلق کرد و از زیر کعبه گسترانید و قبل از آنکه بشر را خلق کند، ملائکه خویش را مأمور بنای این خانه کرد و به آنان فرمان داد تا گرد این خانه طواف کنند و اعمال حج را به جا آورند و پس از خلقت حضرت آدم علیه السلام، آن حضرت را مأمور بازسازی کعبه کرد و سپس او را به انجام دادن اعمال حج و عمره فرمان داد.

ب) حج از ارکان اسلام

دین اسلام، اصول و فروع فراوانی دارد. ولی از میان همه آنها، پنج عمل، پایه و اساس دین شمرده شده است که یکی از این پنج عمل، مناسک حج است. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ خِصَالٍ عَلَى الشَّهَادَتَيْنِ وَالْقَرِينَتَيْنِ. قِيلَ لَهُ: أَمَّا الشَّهَادَتَانِ فَقَدْ عَرَفْتَاهُمَا فَمَا الْقَرِينَتَانِ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ فَإِنَّهُ لَا يُقْبَلُ أَحَدُهُمَا إِلَّا بِالْأُخْرَى وَالصِّيَامُ وَحَجُّ بَيْتِ اللَّهِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَخْتِمَ ذَلِكَ بِالْوَلَايَةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) (مائدة: 3). (1) اسلام بر پنج چیز استوار است؛ بر شهادتین و دو قرین. به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض شد: شهادتین را دانستیم که چیست. اما دو چیز قرین یکدیگر کدام است؟! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نماز و زکات؛ زیرا هر یک از آن دو، بدون دیگری قبول نمی شود و روزه و حج خانه خدا برای کسانی که توانایی رفتن به سوی آن را دارند و خداوند این اعمال را به ولایت ختم کرده و فرموده است: «امروز دینتان را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را برای شما به عنوان آیین [جاودان] برگزیدم».

(1). الامالی، طوسی، ص 518؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 27.

ص: 30

امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرمود:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ تُنَادَ بِشَيْءٍ مَّا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ. (1) اسلام بر پنج چیز استوار شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. ولی در اسلام به چیزی همانند ولایت ندا داده نشده است.

ج) حج، احیا کننده اصول و فروع دین

هرچند حج و عمره، یکی از عبادات و فروع دین اسلام به شمار می رود، ولی از اعمال و مناسکی است که بسیاری از اصول و فروع دین را در خود جای داده است. فقیه جامع الشرایط و صاحب جواهر الکلام، درباره این عمل عبادی می نویسد:

حج از عظیم ترین نشانه های اسلام و بافضلیت ترین عملی است که مردم به وسیله آن به خداوند مالک دانا تقرب می جویند؛ زیرا نفس در حج، ذلیل و بدن خسته و رنجور می شود و حج گزار از اهل و وطن خود هجرت می کند. عادات و لذت ها و شهوات دنیوی را ترک و مال خود را در راه خدا انفاق می کند. بر این اساس، حج، ریاضتی نفسانی، اطاعتی مالی، عبادتی بدنی، گفتاری و عملی، وجودی و عدمی است که جمع شدن همه این طاعات، از خواص حج است؛ به طوری که در عبادات دیگر، از جمله کامل ترین آنها که نماز است، این ویژگی ها وجود ندارد. (2)

توحید که نخستین اصل از اصول دین است، در ظاهر و باطن اعمال حج تبلور یافته است. اولین عمل حج و عمره با «تلبیه» و گفتن جملات: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» آغاز می شود. حج گزار با این کلمات، خداوند را از هرگونه شریکی منزّه می داند و به یگانگی او اقرار می کند. عمل طواف نیز به معنای محور قرار دادن خدای یگانه و بریدن از هر چیزی به غیر از اوست. استلام حجرالاسود، عهد بستن با

(1). الکافی، ج 2، ص 18؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 18.

(2). جواهر الکلام، ج 17، ص 214.

ص: 31

خدا و بیعت با اوست؛ زیرا بر اساس روایات، حجرالاسود به منزله دست راست خداوند در زمین است که هرکس آن را استلام کند، گویا با خداوند مصافحه و بیعت کرده است. (1)

نبوت نیز اصل دیگری از اصول دین است که در حج و عمره نشانه هایی آشکار دارد. اصل رفتن به حج و عمره، در واقع پاسخ به ندای پیامبر بزرگ الهی، یعنی ابراهیم خلیل علیه السلام است که پس از تجدید بنای کعبه، همه انسان ها را به رفتن به سوی خویش و انجام دادن مناسک حج دعوت کرده است: (وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ). (2) افزون بر این، حج گزار پس از طواف خانه خدا، پشت مقام ابراهیم به نماز می ایستد. همچنین در دیگر اعمال حج و عمره، همچون سعی میان صفا و مروه، عرفات و منا، رمی جمرات و قربانی نیز، یاد حضرت ابراهیم علیه السلام زنده می شود. همچنین حج گزار بعد یا قبل از انجام دادن اعمال حج و عمره، به زیارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می رود و با این عمل، عهد و پیمان خود را با آن حضرت تجدید می کند.

معاد، اصل دیگری از اصول دین است که در حج به طور آشکار دیده می شود. اجتماع بزرگ مردمانی از همه مناطق و نژادهای روی کره زمین، نمونه ای از قیامت و حشر اکبر است. انسان هایی که همچون اموات، تنها دو جامه ندوخته بر تن دارند و از تمام مظاهر و نمادهای دنیوی، از جمله نشانه های فقر و غنا، رئیس و مرئوس، قوی و ضعیف، نسب دار و بی نسب، به دورند. از این رو، در نقلی از امام صادق علیه السلام، یکی از اهداف تشریح حج، آماده شدن انسان ها برای مرگ و قیامت دانسته شده است. (3)

ولایت و امامت نیز اصل دیگری از اصول دین یا مذهب است که در حج و عمره تبلور یافته است. کعبه که مقدس ترین نقطه زمین و محور اعمال حج و عمره است،

(1). الکافی، ج 4، ص 406؛ علل الشرایع، ج 2، ص 424.

(2). حج: 27.

(3). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 173؛ بحارالانوار، ج 96، ص 125.

محل ولادت ولی خدا و امیر مؤمنان، علی علیه السلام است. (1) بی تردید، حج و عمره زمانی کامل و جامع خواهد بود که با ملاقات و پیوند با ولایت پایان پذیرد. در روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام، کامل شدن حج و عمره که در آیه (وَ اتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ) (2) به آن فرمان داده شده، به ملاقات با امام و ولی خدا تفسیر شده است. (3)

همچنین حج و عمره در بردارنده بسیاری از فروع دین است؛ مانند نماز که حج گزار افزون بر اقامه نمازهای واجب یومیه در طول سفر، باید پس از طواف واجب، دو رکعت نماز طواف پشت مقام ابراهیم علیه السلام اقامه کند؛ چنان که خداوند می فرماید:

(وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا). (4) روزه از دیگر فروع دین است که افزون بر استحباب آن در مدینه، حتی برای مسافر (5)، در حج واجب، کفاره برخی اعمال برشمرده شده است؛ چنان که خداوند می فرماید: (فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ). (6)

در حج و عمره، اعمال نیک فراوان دیگری نیز وجود دارد؛ از جمله قربانی کردن حیوان در راه خدا: (فَمَنْ تَمَنَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ)، (7) اطعام به فقیران از گوشت قربانی: (فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعُمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ)، (8) توبه و استغفار: (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (9) و نیز ذکر الهی، دعا و طلب حاجت از خداوند: (فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ... وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ). (10)

(1). خصائص الانمه، ص 39؛ بحار الانوار، ج 35، ص 23 و ج 39، ص 82.

(2). بقره: 196.

(3). الکافی، ج 4، ص 549؛ علل الشرایع، ج 2، ص 459.

(4). بقره: 125.

(5). الکافی، ج 4، ص 558؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 352.

(6). بقره: 196.

(7). بقره: 196.

(8). حج: 28.

(9). بقره: 199.

(10). بقره: 200 و 201.

از دیگر آموزه های دینی متبلور در حج، انفاق های مالی واجب و مستحب است؛ مانند هزینه های سفر عمره و حج یا خارج کردن زکات و خمس واجب از اموال. جهاد نیز از دیگر واجبات دین است که بر پایه روایات متعدد، حج جهاد در راه خدا(1) و بلکه جهاد مقبول خوانده شده است.(2)

هجرت در راه خدا، دوری از اهل و عیال، تحمل کردن سختی های زیاد(3) و کارهای فراوان خیر دیگر که قرآن در آیه 158 سوره بقره، حج گزاران را به انجام دادن آنها ترغیب می کند: (وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ)؛ «هرکس از حج گزاران، عمل خیری انجام دهد، خداوند خود، شکرگزار اعمال وی خواهد بود» از اعمال نیک دیگر موجود در عمره و حج است.

بر این اساس، در روایات متعددی، حج و عمره از بسیاری از عبادات و اعمال بزرگ، همچون انفاق، جهاد در راه خدا و برخی عبادات دیگر، برتر دانسته شده است؛ از جمله در روایتی آمده است:

مردی ثروتمند پس از بازگشت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از حج، نزد آن حضرت آمد و گفت: «یا رسول الله! من امسال قصد حج داشتم ولی مانعی پیش آمد و موفق به انجام دادن حج نشدم. از آنجا که مردی ثروتمندم و مال فراوان دارم، بفرمایید با اموالم چه عملی انجام دهم که به همان ثواب حاجیان برسم». رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به کوه ابوقبیس کرد و فرمود: «اگر تو به قدر این کوه، طلای سرخ داشته باشی و همه آنها را در راه خدا انفاق کنی، به پاداشی که حاجی به آن رسیده است، نخواهی رسید». (4)

در برخی روایات نیز، حج از جهاد در راه خدا با همراهی غیر معصوم(5)، آزاد کردن

(1). الکافی، ج 4، ص 259؛ من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 416.

(2). صحیح بخاری، ج 2، ص 141؛ السنن الکبری، ج 9، ص 21.

(3). علل الشرایع، ج 2، ص 457؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 112.

(4). الکافی، ج 4، ص 258؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 116.

(5). الکافی، ج 4، ص 260؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 122.

هفتاد برده (1) و حتی از نماز و روزه، برتر دانسته شده است. درباره سبب برتری آن بر نماز و روزه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

حج، برتر از نماز و روزه است؛ زیرا نمازگزار ساعتی از وقتش را و روزه دار یک روز را از اهل خویش جدا می شود. ولی حج گزار، خویش را در رنج و ناراحتی و دلتنگی می افکند، مالش را هزینه می کند و از خانواده اش برای مدتی طولانی، نه به امید مالی و نه به قصد تجارتي، دور می شود. (2)

د) حاجی و معتمر، میهمان ویژه الهی

هرکس در دنیا میهمان شخص والا مقامی شود، آن را افتخاری بزرگ برای خود می داند؛ به ویژه اگر آن فرد، صاحب مقامات معنوی هم باشد. در حج و عمره نیز حج گزاران نه تنها میهمان بزرگانی همچون رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر اولیای معصوم الهی همچون فاطمه زهرا علیها السلام و امامان بقیع علیهم السلام هستند، بلکه آنان میهمان ویژه پروردگارند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ ضَيْفَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلَّ رَجُلٌ حَجَّ وَاعْتَمَرَ فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ. (3) همانا میهمان خداوند عزوجل، مردی است که حج و عمره به جای می آورد. پس چنین شخصی، تا زمانی که به منزلش بازگردد، میهمان خداست.

مکان و جایگاه دعوت میهمانان، سرزمین مکه، مسجدالحرام و کعبه است که بهترین شهر، مسجد و خانه روی زمین به شمار می رود. جایی که بر اساس روایات متعدد، آب، سنگ، کوه، درخت و خاکش، محبوب ترین آب ها، سنگ ها، کوه ها، درخت ها و خاک های روی زمین است. (4)

(1). ثواب الاعمال، ص 48؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 111.

(2). علل الشرایع، ج 2، ص 457؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 221.

(3). الخصال، ص 127؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 586.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 243؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 243.

ص: 35

که به حج آید و گرد کعبه طواف کند و دو رکعت نماز به جای آورد، خداوند هفتاد هزار حسنه برای او می نویسد و هفتاد هزار گناه از او محو می کند و هفتاد هزار درجه بر درجات او می افزاید و هفتاد هزار حاجت او را بر آورده می کند و برای او ثواب آزاد کردن هفتاد هزار برده را می نویسد که قیمت هر برده ای ده هزار درهم باشد». (1)

ه) تأکید ائمه معصومین علیهم السلام بر به جا آوردن مکرر حج و عمره

عمره و حج از چنان محبوبیت و جایگاهی نزد خداوند و اولیای معصوم الهی برخوردار است که ائمه معصوم علیهم السلام بر رفتن بسیار به حج و عمره تأکید فراوانی کرده اند. از جمله در ادعیه ماه رمضان و شب قدر - که از بهترین ماه ها و شب های استجابت دعاست - مؤمنان به درخواست مکرر حج از خداوند ترغیب شده اند. امام زین العابدین علیه السلام در دعایی خطاب به خداوند چنین فرمود:

اللَّهُمَّ وَاثْنُ عَلِيٍّ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ وَزِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَآلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ. (2) خدایا! بر من منت بگذار و توفیق انجام دادن حج و عمره و زیارت قبر رسول خودت را - که صلوات و رحمت و برکات تو بر او و خاندانش باد - تا زمانی که زنده ام، در این سال و در همه سال ها، به من عنایت فرما.

در بخشی دیگر از دعای آن حضرت آمده است:

وَأْتِمِّمْ لِي إِعْنَامَكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعَمِينَ وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ. (3) خدایا! و نعمت خودت را بر من کامل کن که تو بهترین نعمت دهنده ای و بقیه عمر مرا در حج و عمره قرار ده.

(1). الکافی، ج 4، ص 411؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 121.

(2). صحیفه سجادیه، دعای 23.

(3). همان، دعای 47.

در ادعیه متعدد دیگری نیز که از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نقل شده است، به مؤمنان سفارش شده است که در همه سی شب ماه رمضان، از جمله شب قدر، از خداوند توفیق انجام دادن حج را در همان سال و همه سال ها طلب کنند. (1)

افزون بر این، در روایاتی دیگر به انجام دادن مکرر حج، حتی با صرفه جویی در مخارج زندگی یا استقراض از دیگران سفارش شده است؛ از جمله در حدیثی آمده است که امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود به نام «عیسی بن منصور» فرمود: «يَا عَيْسَى إِنَّ اللَّهَ تَطَعْتَ أَنْ تَأْكُلَ الْخُبْزَ وَالْمِلْحَ وَتَحُجَّ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَأَفْعَلْ» (2)؛ «ای عیسی! اگر می توانی نان خالی و نمک بخوری و هر ساله به حج بروی، این کار را انجام بده».

در روایتی دیگر آمده است که شخصی به امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنِّي رَجُلٌ ذُو دَيْنٍ فَأَتَدَيِّنُ وَأَحُجُّ فَقَالَ نَعَمْ هُوَ أَفْضَلُ لِلدَّيْنِ. (3) من مردی بدهکارم. آیا باز قرض کنم و حج به جا آورم؟! امام علیه السلام فرمود: «بلی. حج برای ادای دین کارسازتر است».

این نکته در روایات متعدد دیگری نیز از اهل بیت علیهم السلام آمده است. (4) البته فقیهان، این روایات را حمل بر مواردی کرده اند که شخص توانایی مالی برای پرداخت بدهی خود را داشته باشد یا گفته اند این روایات، اختصاص به افرادی دارد که توکل آنان به خداوند زیاد است که برای چنین افرادی، رفتن به حج یا عمره، حتی با وجود بدهکاری، ایرادی ندارد. (5)

اولیای الهی و امامان معصوم علیهم السلام افزون بر اینکه دیگران را به زیاد رفتن به حج و عمره ترغیب و تشویق می کردند، خود نیز مکرر این عمل را به جای می آوردند؛ از

(1). اقبال الاعمال، ج 1، ص 79.

(2). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 442؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 135.

(3). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 441؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 140.

(4). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 441؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 140.

(5). جواهر الکلام، ج 17، ص 260؛ الحدائق الناضره، ج 14، ص 93.

جمله در روایاتی نقل شده است که حضرت آدم علیه السلام هفتصد بار حج و سیصد بار عمره به جا آورد. (1)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ده یا بیست مرتبه عمل حج را انجام دادند. (2) در سیره امام حسن مجتبی (3) و امام سجاد علیهما السلام (4) نیز از 20 تا 25 بار حج یاد شده است که بیشتر این سفرها نیز با پای پیاده انجام گرفته است. درباره حضرت خضر علیه السلام (5) و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف (6) نیز روایت شده است که آن دو ولی خدا، هر ساله در اعمال حج حضور دارند.

(و) اجبار مسلمانان به انجام حج و عمره در صورت ترک آن

براساس برخی احادیث، اگر همه مردم، حج را ترک کنند، حکومت اسلامی وظیفه دارد مردم را به اجبار به حج و عمره ببرد. در روایتی از امام صادق علیه السلام در این باره آمده است:

لَوْ عَطَّلَ النَّاسُ الْحَجَّ لَوَجَبَ عَلَيَّ الْإِمَامُ أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى الْحَجِّ إِنْ شَاءُوا وَإِنْ أَبَوْا فَإِنَّ هَذَا الْبَيْتَ إِنَّمَا وُضِعَ لِلْحَجِّ. (7) اگر مردم حج را تعطیل کنند، بر امام واجب است تا آنان را به رفتن به حج اجبار کند؛ چه آنان میل به رفتن داشته باشند یا نداشته باشند؛ زیرا کعبه برای حج قرار داده شده است.

در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است:

اگر مردم حج را ترک کنند، بر حاکم اسلامی واجب است که آنان را بر رفتن به حج و ماندن نزد کعبه وادار کند و اگر زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله را هم ترک کردند، آنان

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 229؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 128.

(2). الکافی، ج 4، صص 244 و 252؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 128.

(3). مستدرک الوسائل، ج 8، صص 29 و 30؛ بحار الانوار، ج 43، ص 340.

(4). وسائل الشیعه، ج 11، ص 125؛ مستدرک الوسائل، ج 8، صص 48 و 49.

(5). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 43؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 200.

(6). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 20؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 135.

(7). الکافی، ج 4، ص 272؛ علل الشرایع، ج 2، ص 396.

را به زیارت مرقد آن حضرت و بودن کنار مرقد ایشان وادار کند و اگر مردم اموالی برای رفتن به حج و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نداشته باشند، حاکم باید هزینه آنان را از بیت المال تأمین کند. (1)

ز) زوال حیات مادی و معنوی با ترک حج و عمره

کعبه لنگرگاه ثبات، آرامش و امنیت بشر است و خداوند آن را برای بقای حیات مادی و معنوی انسان ها قرار داده است؛ چنان که می فرماید: (جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ)؛ «خداوند [زیارت] کعبه را وسیله به پاداشتن [مصلح] مردم قرار داده است». (آل عمران: 97)

تعبیر (قِيَامًا لِلنَّاسِ) بنا به گفته مفسران، معنای عامی دارد که هم حیات معنوی انسان را شامل می شود؛ به طوری که وی را از جهل و دوری از تعالیم حیات بخش ادیان توحیدی نجات می دهد و هم حیات مادی و حفظ انسان را از هلاکت دنیوی شامل می شود. (2)

بنابراین اگر همه مردم، حج و عمره را تعطیل کنند، افزون بر از بین رفتن یا تضعیف حیات معنوی آنان، حیات دنیوی شان نیز در معرض خطر قرار می گیرد؛ چنان که در روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام به این مسئله اشاره شده است؛ از جمله امیرمؤمنان علی علیه السلام در وصیت خود خطاب به همه مسلمانان فرمود: «لَا تَتْرُكُوا حَجَّ بَيْتِ رَبِّكُمْ فَتَهْلِكُوا»؛ (3) «حج خانه پروردگارتان را ترک نکنید که هلاک می شوید».

همچنین آن حضرت قبل از شهادت در وصیتی خاص به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود:

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ... اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَحْلُوهُ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكْتُمْ لَمْ تَنْظُرُوا. (4) شما را به رعایت تقوای الهی سفارش می کنم... سپس فرمود: از خدا پروا کنید! از

(1). الکافی، ج 4، ص 272؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 420.

(2). الکافی، ج 4، ص 272؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 420.

(3). ثواب الاعمال، ص 236؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 23.

(4). نهج البلاغه، نامه 47؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 23.

خدا پروا کنید درباره خانه پروردگارتان؛ تا زمانی که زنده اید آن را خالی نگذارید؛ زیرا اگر حج خانه خدا ترک شود، مهلت داده نمی شود.

در احادیثی نیز از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آمده است که اگر عموم مردم حج را ترک کنند، عذاب الهی نازل می شود و آنان را هلاک می کند. (1) بر این اساس، اگر مشاهده می شود بسیاری از انسان ها از جمله مسلمانان با وجود بی اعتنائی به حج در امان اند و در دنیا گرفتار عذاب یا بلائی نمی شوند، به برکت وجود مؤمنانی است که حج را انجام می دهند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

خداوند به وسیله آن دسته از شیعیان ما که حج را به جا می آورند، بلا را از آن دسته از شیعیانی که حج را ترک می کنند دفع می کند و اگر همه آنان بر ترک حج اجتماع کنند، هلاک خواهند شد.

سپس امام برای این سخن خود به آیه (وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ) (2) استناد فرمود که در آن، خداوند از دفع خطر برخی از مردم به سبب برخی دیگر، سخن به میان آورده است. (3)

3. حکمت و اهداف عمره و حج

اشاره

بی شک هر یک از اعمال و احکام شریعت اسلام، حکمت و اهداف خاصی دارد که گاه برای عوام و خواص آشکار است و گاه برای همگان، حتی عالمان اسلامی، قابل فهم و درک نیست.

تشریح حج و عمره نیز از این قاعده مستثنا نیست و خداوند متعال برای تشریح این مناسک، اهداف و مقاصد خاصی را قرار داده است که به نفع و مصلحت بشر است. از این رو بر مؤمنان حج گزار، شایسته است در حد امکان و توان، در پی تحقق این اهداف

(1). وسائل الشیعه، ج 11، ص 20؛ مستدرک الوسائل، ج 8، ص 15.

(2). بقره: 251.

(3). الکافی، ج 2، ص 451؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 28.

الهی باشند و از داشتن نیت ها و اهداف دیگر که گاهی با اهداف تشریح این دو عبادت منافات دارد، اجتناب کنند. در اینجا ما به برخی از حکمت ها و اهدافی که در روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برای سفر عمره و حج بیان شده است، اشاره می کنیم:

الف) توبه و پاک شدن از آلودگی ها

از حکمت های مهم تشریح مناسک حج و عمره از سوی خداوند، پاک کردن بندگان از آلودگی های گناهان است تا آنان را دوباره به حریم بندگان خالص و طاهر خود داخل کند؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

خداوند چون به فرشتگان دستور داد که بر حضرت آدم علیه السلام سجده کنند، آنان در برابر این درخواست خداوند پاسخ دادند که آیا روی زمین کسی را قرار می دهی که فساد می کند و خون می ریزد؛ در حالی که ما تسبیح و تقدیس می کنیم. خداوند در پاسخ آنان فرمود: «من چیزی را می دانم که شما نمی دانید». پس بر آنان غضب کرد و هنگامی که فرشتگان، غضب الهی را مشاهده کردند در درگاه الهی توبه کردند. خداوند برای پذیرش توبه آنان فرمان داد که بر دور «ضراح» که همان «بیت المعمور» است طواف کنند. آنان نیز به طواف بر گرد بیت المعمور و استغفار به درگاه الهی مشغول شدند و خداوند توبه آنان را قبول کرد و از آنان راضی شد و اصل طواف از آنجا آغاز گشت. سپس خداوند در مقابل «ضراح»، روی زمین، کعبه را برای آن دسته از فرزندان آدم که مرتکب گناه می شوند ایجاد کرد تا آنان را از گناهی که مرتکب شده اند پاک کند. (1)

در روایتی نیز از امام صادق علیه السلام آمده است که پس از ارتکاب ترک اولی از سوی حضرت آدم علیه السلام و اخراج از بهشت، آن حضرت از عمل خود پشیمان شد و به درگاه الهی تضرع کرد. آن گاه خداوند، جبرئیل علیه السلام را به سوی آن حضرت فرستاد و جبرئیل علیه السلام به حضرت آدم علیه السلام عرض کرد:

(1). الکافی، ج 4، ص 188؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 295.

ص: 42

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَنِي إِلَيْكَ لِأَعْلَمَكَ الْمَنَاسِكَ الَّتِي يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيْكَ بِهَا. (1) خداوند عزوجل، مرا به سوی تو فرستاد تا مناسک و اعمالی که خداوند می خواهد توبه تو را به وسیله آنها بپذیرد، به تو بیاموزم.

پس از پایان یافتن اعمال حج حضرت آدم علیه السلام، جبرئیل علیه السلام خطاب به آن حضرت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ غَفَرَ ذَنْبَكَ وَقَبَلَ تَوْبَتَكَ وَأَحَلَّ لَكَ زَوْجَتَكَ»؛ (2) «خداوند گناه تو را بخشود و توبه ات را پذیرفت و همسرت را بر تو حلال کرد».

در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که پس از آنکه حضرت آدم علیه السلام طواف کرد و به ملتزم، پشت کعبه رسید و به گناهان خود در این مکان اقرار کرد، خطاب به خداوند فرمود:

يَا رَبِّ إِنَّ لِكُلِّ عَامِلٍ أَجْرًا وَقَدْ عَمِلْتُ فَمَا أَجْرِي؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: يَا آدَمُ قَدْ غَفَرْتُ ذَنْبَكَ. قَالَ: يَا رَبِّ وَلَوْلِي أَوْ لِدُرِّي؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: يَا آدَمُ مِنْ جَاءَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ وَأَقْرَبَ بِذُنُوبِهِ وَتَابَ كَمَا تُبْتُ ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غَفَرْتُ لَهُ. (3) پروردگارا! هرکسی عملی را انجام دهد، مزدی دارد و من این اعمال را انجام دادم. پس مزد من چیست؟ خداوند به آن حضرت وحی کرد که گناهان تو را بخشودم. حضرت آدم علیه السلام فرمود: «آیا گناهان فرزندان و ذریه مرا نیز بخشودی؟». خداوند به آن حضرت وحی کرد که هرکس از فرزندان تو به این مکان آید و به گناهانش اقرار کند و همانند تو استغفار کند، گناهانش را می آمرزم.

امام زین العابدین علیه السلام نیز در رساله حقوق خود درباره تشریح حج فرمود:

وَ حَقُّ الْحَجِّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وَفَادَةٌ إِلَى رَبِّكَ وَفِرَازٌ إِلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِكَ وَفِيهِ قَبُولُ تَوْبَتِكَ. (4) حق حج آن است که بدانی حج، کوچ کردن به سوی پروردگار و فرار از گناهان خویش است و در حج توبه ات پذیرفته می شود.

(1). الکافی، ج 4، ص 192، علل الشرایع، ج 2، ص 400.

(2). الکافی، ج 4، ص 192؛ علل الشرایع، ج 2، ص 400.

(3). الکافی، ج 4، ص 194؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 346.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 620؛ وسائل الشیعه، ج 15، ص 173.

امام رضا علیه السلام نیز در این باره فرمود:

فَإِنْ قَالَ: فَلِمَ أُمِرَ بِالْحَجِّ؟ قِيلَ: لِعِلَّةِ الْوَفَادَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَطَلَبِ الزِّيَادَةِ وَالْخُرُوجِ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ الْعَبْدُ تَائِباً مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنِفاً لِمَا يَسْتَقْبِلُ. (1) اگر گفته شود چرا خداوند انسان ها را به انجام دادن حج امر کرد، در پاسخ گفته می شود، سبب آن، کوچ کردن بنده به سوی خداوند و خارج شدن از هر آنچه بنده انجام داده می باشد؛ در حالی که از گذشته خود توبه کرده و پس از بازگشت، زندگی جدیدی را آغاز می کند.

این هدف در روایات متعدد دیگر نیز از امامان معصوم علیهم السلام آمده است. بر این اساس، زائران خانه خدا باید توجه داشته باشند که سفر حج و عمره، سفر توبه و ترک معصیت است. بنابراین اگر مؤمنان و مسافران این سفر معنوی، با آگاهی و رعایت آداب این سفر، قدم در این سرزمین مقدس بگذارند، می توانند همه گناهان چندین ساله خود را هرچند به عدد قطرات باران و ریگ های زمین باشد، پاک کنند و با قلب و روحی طاهر، همچون روزی که از مادر متولد شده اند، به سرزمین خود بازگردند.

ب) تهذیب نفس و ایجاد تقوا

از دیگر اهداف مهم حج و عمره، پیراستن نفس از رذایل اخلاقی و آراستن آن به فضایل اخلاقی و ایجاد تقواست؛ چنان که خداوند می فرماید:

(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ) (بقره: 197)

حج، ماه های معینی دارد. پس هرکس در این ماه ها حج را بر خود واجب گرداند باید در اثنای حج از همبستری و نافرمانی و جدال با دیگران بپرهیزد و هر کار

(1). علل الشرایع، ج 1، ص 273؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 13.

خیری انجام دهید، خداوند بر آن آگاه است. برای خود توشه بگیرید که در حقیقت، بهترین توشه، تقوا و پرهیزکاری است و ای خردمندان از من پروا کنید.

در روایات اهل بیت علیهم السلام و کلمات مفسران، کلمه «فسوق» در آیه مذکور، به دروغ، فحش (1)، تفاخر (2)، لقب بد دادن به یکدیگر یا هرگونه گناه (3) تفسیر شده است. برخی از محققان نیز گفته اند: مراد از (فَلَا رَفَثَ)، کنترل قوای شهوانی، مقصود از (لَا فُسُوقَ) تطهیر قوه غضب و مراد از (لَا جِدَالَ) تهذیب قوای فکری است. (4) در بخشی از روایت امام رضا علیه السلام نیز که درباره فلسفه تشریح حج ذکر شده، آمده است:

عَلَّهِ الْحَجَّ الْوَفَادَةَ إِلَى اللَّهِ.. وَحَظَرَهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَّاتِ وَالتَّكْرُبِ فِي الْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْخُضُوعُ وَالْإِسْمَ تِكَانَهُ وَالذُّلُّ... وَحَظَرُ الْأَنْفُسِ عَنِ الْفَسَادِ. (5) علت تشریح حج، حرکت انسان به سوی خدا،... پرهیز نفس از شهوات و لذت ها، تقرب جستن به خداوند در عبادت، تقویت خضوع و فروتنی در خود... و دور کردن نفس از فساد است.

افزون بر این، از جمله حکمت های هر یک از اعمال حج و عمره، اعم از واجبات، محرمات و حتی مستحبات و مکروهات، همین اهداف، یعنی زدودن رذایل اخلاقی از نفس و آراستن آن به فضایل اخلاقی و ایجاد تقواست که در مباحث آینده به برخی از این حکمت ها اشاره می شود.

ج) اقامه دین و تقویت ایمان

هدف دیگر تشریح عمره و حج، اقامه و احیای دین الهی و تقویت ایمان مؤمنان است؛ چنان که خداوند می فرماید:

(1). الکافی، ج 4، ص 338؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 296.

(2). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 297.

(3). مجمع البیان، ج 2، ص 44؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 2، ص 408.

(4). فرهنگ اسرار و معارف حج، صص 40 و 41.

(5). علل الشرایع، ج 2، ص 404؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 227.

ص: 45

(جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ) (مانده: 97)

خداوند، کعبه و ماه های حرام و قربانی های بی نشان و نشان دار را برای قوام کار مردم قرار داد.

در روایات اهل بیت علیهم السلام، (قیاماً لِلنَّاسِ)، به اقامه دین و معاش مردم تفسیر شده است. (1) در روایتی آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ... وَالْحَجَّ تَسْبِيحاً لِلدِّينِ»؛ (2) «خداوند ایمان را برای تطهیر انسان از شرک... و حج را برای رفعت دین قرار داد».

این روایت در منابع دیگر با تعبیراتی متفاوت، از جمله «تشیباً للدین» (3) به معنای محکم کردن دین یا «تقویه للدین» (4) به معنای تقویت کردن دین آمده است که همه این تعبیرات، حکایت از نقش و جایگاه مهم حج و عمره در اقامه دین و استحکام آن برای حج گزاران و دیگر مؤمنان و مسلمانان دارد. در حدیثی نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِماً مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»؛ (5) «دین تا زمانی که کعبه پابرجا باشد، پابرجا خواهد بود».

سبب آنکه حج و عمره موجب اقامه دین و تقویت ایمان می شود، آن است که در حج و عمره، بسیاری از احکام و معارف دین، احیا می گردد؛ زیرا چنان که در مباحث گذشته اشاره شد، حج و عمره هرچند یکی از واجبات دین است، اما از واجبات و اعمالی است که بسیاری از احکام و معارف دین، اعم از اصول و فروع دین را در خود جای داده است و این آموزه ها در آن یادآوری و تکرار می شود و این خود سبب زنده شدن دستورها و احکام دین و تقویت ایمان حج گزار می گردد.

افزون بر این، در هر سال میلیون ها نفر از مسلمانان از سراسر نقاط زمین قدم در این

(1). وسائل الشیعه، ج 11، ص 60؛ بحار الانوار، ج 96، ص 65.

(2). علل الشرایع، ج 1، ص 248؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 22.

(3). الاحتجاج، ج 1، ص 134؛ بحار الانوار، ج 29، ص 223.

(4). بحار الانوار، ج 6، ص 110؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 198.

(5). علل الشرایع، ج 2، ص 396؛ الکافی، ج 4، ص 271.

سرزمین مقدس می گذارند و با یادآوری و فراگیری آموزه های اسلام، آنها را در سراسر سرزمین های اسلامی انتشار می دهند که از این جهت نیز دین و ایمان دیگر مسلمانان به حج نیامده، احیا و تقویت می شود.

(د) گسستن از شیطان و دشمنان خدا (تبری)

از دیگر اهداف تشریح عمره و حج، گسستن از شیطان و دشمنان خدا، و برائت جستن از آنان برای همیشه است. مؤمن و مسلمان باید از دشمنان خدا و هر آنچه مانع رشد و تکامل او و رسیدن وی به سعادت است، بیزاری جوید و بغض و عداوت آنان را در دل و عمل داشته باشد.

تبری از شیطان و دشمنان خدا، یکی از اصول اعتقادی همه ادیان توحیدی است که در آیات و روایات متعدد بر آن تأکید شده است. قرآن کریم در آیات متعددی شیطان را دشمن انسان معرفی کرده و انسان ها را به دوری از او فرمان داده است؛ از جمله خداوند می فرماید: (أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ)؛ «ای فرزندان آدم! آیا با شما پیمان بستم که شیطان را نپرستید؛ زیرا شیطان، دشمن آشکار شماست». (یس: 60)

خداوند در آیه ای دیگر از قرآن کریم، تبری از کفار و معبودان آنها را سیره دائمی حضرت ابراهیم علیه السلام و پیروانش دانسته و مسلمانان را به الگو قرار دادن آن حضرت در این باره فرمان داده است:

(قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ...) (ممتحنه: 4)

برای شما در سیره ابراهیم و یارانش سرمشق نیکویی است؛ آن گاه که به قوم کافر خود گفتند: ما از شما و هر آنچه را غیر از خدا می پرستید، بیزاریم. به شما کفر

می ورزیم و بین ما و شما دشمنی و کینه ابدی خواهد بود؛ تا زمانی که به خدای یگانه ایمان بیاورید.

در روایات ائمه معصوم علیهم السلام نیز تبری از دشمنان خدا و بغض و کینه داشتن از آنان، از واجبات دین و بلکه از دستگیره های مهم ایمان شمرده شده است. امام رضا علیه السلام در نامه ای خطاب به مأمون نوشت: « وَحُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ تَعَالَى وَكَذَلِكَ بُغْضُ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَالْبِرَاءَةُ مِنْهُمْ »؛ (1) «دوستی اولیای خدای عزوجل و همچنین بغض دشمنان آنان و برائت جستن از آنان واجب است».

امام صادق علیه السلام نیز در روایتی فرمود:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصحاب خود سؤال کرد که مهم ترین دستگیره ایمان چیست؟ در پاسخ گفتند: خدا و رسول او داناترند. بعضی گفتند: نماز و برخی دیگر گفتند: زکات و برخی نیز روزه یا حج و عمره یا جهاد را ذکر کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همه اینها که گفتید دارای فضیلت است. اما مهم ترین دستگیره ایمان نیست». سپس حضرت فرمود: «مهم ترین دستگیره ایمان محبت ورزیدن برای خدا و بغض و کینه داشتن برای خدا و دوستی اولیای الهی و تبری از دشمنان خداوند است». (2)

این اصل از چنان اهمیتی برخوردار است که افزون بر طرح جداگانه آن در آیات و روایات، در حج نیز به طور خاص به آن تأکید و یکی از حکمت ها و اهداف آن شمرده شده است؛ چنان که خداوند می فرماید:

(وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ ... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ ... ثُمَّ لِيَقْضُوا تَقَاتُهُمْ) (حج: 27-29)

مردم را به حج فرا بخوان... تا شاهد منافع خویش باشند... سپس آلودگی ها را از خود دور کنند.

در برخی روایات، علی علیه السلام یکی از مصادیق (تَقَات) در آیه مذکور را رمی

(1). عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 132؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 169.

(2). الکافی، ج 2، ص 126؛ معانی الاخبار، ص 398.

جمرات - که نماد دوری و برائت از شیطان است - دانسته اند. (1) در روایات آمده است که حضرت آدم علیه السلام وقتی به امر خدا و همراهی جبرئیل علیه السلام مناسک حج را انجام داد، از منا تا خانه خدا، شیطان در سه مکان بر او مجسم شد و با وسوسه کوشید آن حضرت را از ادامه مناسک حج بازدارد. ولی حضرت آدم علیه السلام با پرتاب هفت سنگ، او را از خود دور کرد. (2)

در برخی روایات دیگر آمده است که شیطان در این سه مکان بر حضرت ابراهیم علیه السلام ظاهر شد و آن حضرت نیز او را با هفت سنگ از خود دور کرد. از این رومی جمرات، میان پیروان حضرت ابراهیم علیه السلام به صورت یک سنت، رواج یافت. (3)

می توان گفت هدف اصلی از رمی جمرات، دور ساختن و طرد شیطان و شیطان صفتان از جان و زندگی فردی و اجتماعی انسان است تا آنچه مانع انجام وظیفه بندگی در پیشگاه خداوند است از سر راه مؤمنان برداشته شود. در واقع رمی جمرات، تمرین عملی و همگانی برای زنده نگه داشتن روح مبارزه با شیطان و صفات شیطانی است.

افزون بر رمی شیاطین جن، باید در حج از شیطان های انسانی و پیروان آنها نیز برائت جست و پیوند و ارتباط خود را با این شیطان صفتان نیز قطع کرد؛ چنان که خداوند در سال نهم هجری، آیات سوره برائت را بر پیامبرش نازل کرد و به آن حضرت فرمان داد تا برائت خدا و خود را از مشرکان و کفار اعلام کند:

(وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ) (توبه: 3)

و این اعلامی است از سوی خدا و پیامبر او بر مردم در روز حج اکبر که خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند.

(1). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 372؛ بحار الانوار، ج 96، ص 312.

(2). الکافی، ج 4، ص 193؛ علل الشرایع، ج 2، ص 401.

(3). علل الشرایع، ج 2، ص 437.

ص: 49

پس از نزول آیات برائت از مشرکان، رسول خدا صلی الله علیه و آله نخست ابوبکر را برای اعلام این پیام به سوی مکه فرستاد. ولی قبل از رسیدن ابوبکر به مکه، جبرئیل نازل شد و از سوی خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد که باید این پیام از سوی خودت یا شخصی که از توست، برای مشرکان قرائت شود.

از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله امیر مؤمنان علی علیه السلام را با شتر مخصوص خود به دنبال ابوبکر فرستاد و آن حضرت در منطقه «روحاء» پیام برائت را از ابوبکر گرفت و خود برای ابلاغ آن عازم مکه شد و در روز عید قربان آن را در جمع حج گزاران اعلام کرد. (1)

آیات برائت از مشرکان و اعلام آن از سوی امیر مؤمنان علی علیه السلام در سال نهم هجری، این درس را به حج گزاران و بلکه همه مسلمانان در تمامی سرزمین های اسلامی و همه عصر و زمان ها می دهد که بندگی خداوند، تنها در نماز، زکات، روزه و حج خلاصه نمی شود؛ بلکه کنار این اعمال، باید مسلمانان از شیطان و شیطان صفتان تاریخ در همه زمان ها نیز برائت جویند و با حرکت عملی خود نگذارند که جهان خواران و مستکبران عالم که رهروان راه شیطان و مشرکان صدر اسلام اند بر مقدرات کشورهای اسلامی چیره شوند و علاوه بر قتل و غارت ثروت های مسلمانان، آنان را از راه حق و هدایت، منحرف سازند و دین و اعتقادات آنان را به یغما برند. امام خمینی رحمه الله، آن احیاگر حج صحیح ابراهیمی، در پیام خود به حج گزاران در این باره آورده است:

سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اعلان برائت، کهنه شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود که باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی از دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه ه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فرادهند و لحظه ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان شمولی اسلام غفلت نکنند. (2)

(1). الکشاف، ج 2، ص 172؛ الدر المنثور، ج 3، صص 209 و 210؛ المیزان، ج 9، ص 162.

(2). صحیفه امام، ج 20، ص 315.

ایشان در جایی دیگر آورده است:

مسلمانان... باید به فکر رومی استعمار از کشورها و سرزمین های اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن جنود ابلیس و برچیدن پایگاه های نظامی شرق و غرب از کشورهای خود تلاش نمایند و نگذارند دنیاخواران از امکانات آنان در جهت منافع خود و ضربه زدن به کشورهای اسلامی استفاده کنند. (1)

ه) پیوند با رهبران الهی و دوستان خدا (تولی)

پیوند دادن مؤمنان و مسلمانان با رهبران الهی در هر عصر و زمان به طور عام و پیوند با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام پس از ظهور اسلام به طور خاص، از دیگر اهداف تشریح مناسک حج است. پیوند با رهبران الهی از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند متعال در نخستین رسالتی که به حضرت ابراهیم علیه السلام برای دعوت مردم به حج می دهد، آن حضرت را مأمور می کند که مردم را برای انجام دادن این فریضه الهی، به سوی خود فرا بخواند:

(وَ اذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) (حج: 27)

و مردم را به حج فرا خوان تا پیاده و سواره بر شتران لاغر و از هر راه دور به سوی تو آیند.

همچنین وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام، همسر و فرزندش را در سرزمین مکه قرار داد، هنگام حرکت، دست به دعا برداشت و از خداوند درخواست کرد تا قلوب انسان ها را به سوی ذریه او متمایل کند:

(رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ) (ابراهیم: 37)

پروردگارا! ذریه ام را در سرزمینی بدون زرع، نزد خانه محترم تو قرار دادم. پس دل های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده.

در روایات متعددی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، مراد از ذریه ابراهیم علیه السلام در

(1). صحیفه امام، ج 20، ص 319.

ص: 51

آیه مذکور، امامان معصوم علیهم السلام دانسته شده و رجوع به آنان در سفر حج، یکی از اهداف مهم تشریح حج و عمره شمرده شده است. از جمله در حدیثی آمده است که امام باقر علیه السلام به طواف کنندگان خانه خدا، نظری افکند و فرمود:

هَكَذَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ. إِنَّمَا أَمْرُوا أَنْ يَطُوفُوا ثُمَّ يَنْفِرُوا إِلَيْنَا فَيَعْلَمُونَا وَلَا يَتَّهَمُوا وَيَعْرِضُونَ عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ (فَاجْعَلْ أَفْنَدَهُ مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ) فَقَالَ: آلُ مُحَمَّدٍ آلُ مُحَمَّدٍ. ثُمَّ قَالَ: إِلَيْنَا، إِلَيْنَا. (1) در جاهلیت نیز این گونه به دور خانه خدا طواف می کردند. همانا مردم مأمور شده اند که کعبه را طواف کنند و سپس به سوی ما بیایند و ما را از ولایت و دوستی خود آگاه نمایند و یاری خود را بر ما عرضه کنند. سپس حضرت آیه: ()

فَاجْعَلْ أَفْنَدَهُ مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ) را خواند و فرمود: مراد حضرت ابراهیم علیه السلام از ذریه خود در این آیه، آل محمد است. سپس فرمود: مردم باید به سوی ما بیایند. باید به سوی ما بیایند.

آن حضرت در حدیثی دیگر، با استناد به همین آیه فرمود:

فَنَحْنُ وَاللَّهِ دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّتِي مَنْ هَوَّأَهَا قَلْبُهُ قَبِلَتْ حَاجَّتَهُ وَإِلَّا فَلَا. (2) به خدا سوگند! مراد از دعای ابراهیم علیه السلام ما اهل بیتیم؛ اهل بیتی که اگر قلب کسی گرایش به سوی ما داشته باشد، حج او قبول می شود و در غیر این صورت، حج او پذیرفته نیست.

همچنین امام صادق علیه السلام، دیدار با امامان معصوم علیهم السلام را موجب تکمیل حج دانست و فرمود:

إِذَا حَجَّ أَحَدُكُمْ فَلْيُحْتِمِ حَجَّهُ بِزِيَارَتِنَا لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ. (3) هرگاه یکی از شما به حج رود، باید حج خود را با دیدار ما به پایان برد؛ زیرا دیدار ما سبب کامل شدن حج می شود.

(1). بحار الانوار، ج 65، ص 87؛ الکافی، ج 1، ص 392.

(2). الکافی، ج 8، ص 312؛ بحار الانوار، ج 24، ص 238.

(3). علل الشرایع، ج 2، ص 459؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 293.

افزون بر این، ولایت و امامت، روح عمره و حج و بلکه محور همه اعمال و عبادات است و با وجود امام و حجت خداست که کعبه و حج و عمره، معنا و مفهوم پیدا می کند. از این رو، امام حسن مجتبی و امام سجاد علیهما السلام در سخنانی، خود را فرزند مکه و منا و مشعر و عرفات و رکن و مقام دانسته اند. (1) معنای این سخنان آن است که مکه و منا و مشعر و عرفات واقعی که حج گزار را به خدا می رساند ماییم و با هدایت و ارشاد ماست که هر یک از این مکان ها و اعمالی که در آنها انجام می شود، مفهوم و معنا می یابد و اثر واقعی خود را خواهد داشت؛ چنان که امام باقر علیه السلام در پاسخ به این سؤال که از میان ارکان اسلام، یعنی نماز، زکات، روزه، حج و ولایت، کدام یک مهم تر و برتر است، فرمود:

الْوَلَايَةُ أَفْضَلُهُنَّ، لِأَنَّهَا مُفْتَاخُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ. (2) ولایت برتر از ارکان دیگر است؛ زیرا ولایت کلید دیگر ارکان است و ولی، دلیل و راهنما به دیگر ارکان دین نیست.

(و) آشنایی و اتحاد مسلمانان با یکدیگر

از دیگر اهداف تشریح مناسک حج، آشنا شدن و پیوند مسلمانان با یکدیگر و یاری همدیگر است؛ چنان که امام صادق علیه السلام درباره علت تشریح حج فرمود:

فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ... فَذَلِكَ عَلَيْهِ الْحَج. (3) خداوند در حج، مردم را از مشرق و مغرب زمین جمع کرد تا یکدیگر را بشناسند... و این است علت تشریح حج.

با بررسی آیات قرآن می توان به این نتیجه رسید که جامعه انسانی از یک ریشه و نژاد بوده و اتحاد و همبستگی در فطرت آنان به ودیعه نهاده شده است و تضادها و اختلاف ها، پدیده هایی اند که تحت تأثیر عوامل جانبی، مقاصد شخصی و گروهی و طغیان بشر پدید آمده است. خداوند در این باره می فرماید:

(1). الامالی، صدوق، ص 245؛ تحف العقول، ص 233؛ بحار الانوار، ج 45، ص 138.

(2). الکافی، ج 2، ص 18؛ بحار الانوار، ج 65، ص 332.

(3). علل الشرایع، ج 2، ص 406؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 14.

(كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ) (بقره: 213)

مردم [در آغاز] امت واحدی بودند و خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و با آنان کتاب حق را نازل کرد تا میان مردم درباره آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. تنها گروهی از کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، پس از آنکه نشانه های روشن به آنها رسیده بود، به سبب انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند.

بر این اساس، خداوند متعال برای اینکه بشر را به این فطرت خود بازگرداند و آنان را بر محور توحید، گرد آورد و اختلاف و تفرقه را از میان آنان دور سازد، افزون بر فرستادن پیامبران الهی و کتاب های آسمانی، اعمال و تکالیف متعددی را نیز برای تحقق این هدف، تشریح کرده است.

یکی از اعمال و تکالیفی که با هدف آشنایی مسلمانان با یکدیگر و اتحاد آنان تشریح شده، مناسک عمره و حج است؛ اینکه خداوند به همه مسلمانان فرمان می دهد که از سراسر عالم با هر گروه و نژاد و قبیله و مذهبی که هستند، در یک زمان و در یک سرزمین، گرد هم آیند و همانند هم لباس بپوشند و گرد یک خانه طواف کنند و اعمال و مناسکی همانند انجام دهند، برای این است که افزون بر انجام دادن مراسم و مناسک عبادی خویش، با یکدیگر آشنا و متحد شوند و ضمن بررسی مشکلات یکدیگر، برای حل آنها چاره اندیشی کنند؛ زیرا بی شک اتحاد مسلمانان، همه نقشه های دشمنان اسلام را نقش بر آب خواهد کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه ای که برای حج گزاران در سرزمین منا ایراد کرد، فرمود: «الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ»؛ (1) «اهل ایمان با هم برادرند؛ خون های آنان با هم برابری می کند. همه با هم در حکم یک دست و قدرت در مقابل بیگانه اند».

(1). الکافی، ج 1، ص 404؛ وسائل الشیعه، ج 29، ص 76.

ص: 54

امام خمینی رحمه الله نیز در این باره فرمود:

حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و درصدد رفع مشکلات برآیند... حج... برای قیام ناس بوده است. برای این بوده است که مسلمین، مشکلات مسلمین را درک کنند و در رفعش کوشش کنند و برای این بوده است که بین مسلمین اخوت و مودت پیدا بشود. اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر نگیریم، بلکه... نگذاریم مسلمین صحبت بکنند، از جنایت هایی که بر مسلمین می گذرد اطلاع نیابیم و روی آن پرده بپوشیم، این حج نیست. این یک صورت بی معناست. آن حجی که خداوند تبارک و تعالی می خواهد و آن حجی که اسلام از ما خواسته است، آن است که وقتی می روید حج، این مسلمین بلاد را بیدار کنید متحد کنید با هم. (1)

غرض ز انجمن و اجتماع، جمع قواست چرا که قطره چو شد متصل به هم، دریاست

زقطره هیچ نیاید، ولی چو دریا گشت محیط گردد و از وی نهنگ خواهد ساخت

زفرد فرد محال است کارهای بزرگ ولی ز جمع، توان خواست هرچه خواهی خواست

(ز) شناخت معارف دین و انتقال آنها به دیگران

هدف دیگر تشریح حج و عمره، آن است که مسلمانان با معارف دین و آموزه های قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام و نیز اماکن و حوادث بر جا مانده از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام آشنا شوند و در بازگشت از این سفر معنوی، آنچه را فرا گرفته یا مشاهده کرده اند، برای دیگران بازگو کنند؛ چنان که امام رضا علیه السلام درباره فلسفه تشریح حج فرمود:

فَإِنْ قَالَ فَلِمَ أُمِرَ بِالْحَجِّ قِيلَ: لِعَلِّهِ الْوَفَادَةَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَطَلَبَ الزِّيَادَةَ... مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّقْوَى وَنَقْلِ أَخْبَارِ الْأَيِّمَةِ: إِلَى كُلِّ صُفْعٍ وَنَاحِيَةٍ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ). (2) و (3)

(1). صحیفه امام، ج 18، ص 52.

(2). توبه: 122.

(3). عیون اخبارالرضا، ج 2، ص 126؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 13.

ص: 55

اگر گفته شود که چرا خدا انسان ها را مأمور به حج کرده است؟ در پاسخ گفته می شود: هدف از حج، کوچ کردن انسان به سوی خداوند عزوجل و طلب زیادی است... افزون بر آنچه در حج از تققه و فهم دین و نقل اخبار امامان معصوم به هر منطقه و ناحیه ای از سرزمین های اسلامی است؛ همان گونه که خداوند عزوجل می فرماید: «چرا از هر گروهی از مؤمنان، طایفه ای به سفر نمی روند تا دانش دین را بیاموزند و چون بازگشتند، مردم خود را انداز کنند. شاید آنان نیز از خدا پروا نمایند».

در روایتی نیز از امام صادق علیه السلام سؤال شد:

مَا الْعِلَّةُ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا كَلَّفَ اللَّهُ الْعِبَادَ الْحَجَّ... وَلِتُعْرَفَ آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُعْرَفَ أَخْبَارُهُ وَيُذَكَّرَ وَلَا يُنْسَى. (1) علتی که خداوند بندگان را مکلف به حج کرد چیست؟ [آن حضرت در بخشی از کلام خود فرمود:] «علت تشریح حج آن است که مردم با آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله و اخبار آن حضرت آشنا شوند و این آثار و اخبار یادآوری گردد و فراموش نشود».

حج گزار در این سفر، افزون بر اینکه با مسائل فراوان عمره و حج آشنا می شود، احکام و معارف دینی دیگر مرتبط با این دو عبادت را نیز می آموزد؛ برای مثال، برای صحیح انجام دادن نمازهای واجب و مستحب حج و عمره، با احکام نماز، برای حلال شدن اموال، با مسائل زکات، خمس و دیگر واجبات مالی و نیز برای پاک بودن لباس و بدنش، با احکام طهارت و نجاست آشنا می شود. همچنین حج گزار به برکت عمره و حج با بسیاری از مسائل اعتقادی، اخلاقی و سیاسی که به نوعی با مسائل حج و عمره ارتباط دارد، آشنا می شود.

افزون بر این، حج گزاران در این سفر به اماکن و زیارتگاه ها و مساجد فراوانی که از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بر جای مانده، می روند و از نزدیک با این اماکن و زیارتگاه ها آشنا می شوند. در این اماکن، حوادث صدر اسلام و جنگ هایی که

(1). علل الشرایع، ج 2، ص 406؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 15.

ص: 56

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان برای حفظ اسلام کرده اند، سختی ها و رنج هایی که در این راه متحمل شده اند، فضایل و مناقب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام و اصحاب آن حضرت و نیز اعمال کینه توزانه و قبیح دشمنان آنان و مباحث فراوان دیگر بازگو می شود.

همچنین حج گزاران در عرفات، مشعر و منا که سرزمین عرفان و معرفت و شعور است، افزون بر دعا و مناجات، در جلسات متعدد معرفتی که در احادیث پیشوایان دین به آن سفارش شده است، شرکت می کنند. در این جلسات، آنان با عقاید و معارف دین و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام آشنا می شوند و شناخت خود را از دین و آموزه های الهی تعمیق می بخشند.

ح) آزمایش و امتحان مؤمنان

یکی از سنت های الهی در این دنیا امتحان و آزمایش بندگان است تا انسان های پاک از ناپاک، راستگو از دروغگو، صابر از غیرصابر و مؤمن واقعی از غیرواقعی شناخته شوند تا در پی آن، خداوند به انسان های پاک، راستگو، صابر و مؤمن واقعی، پاداش و افراد ناپاک، دروغگو، غیرصابر، کافر و منافق را کیفر دهد و این از سنت های مستمر الهی است که از ابتدای خلقت بشر وجود داشته و تا قیامت ادامه دارد؛ چنان که خداوند می فرماید:

(أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ)
(عنکبوت: 1 و 2)

آیا مردم پنداشته اند که چون بگویند ایمان آوردیم، رها شوند و دیگر آزمایش نشوند. به یقین، ما کسانی را که پیش از آنها بودند آزمودیم تا خداوند آنان را که راست گفتند از دروغگویان متمایز کند.

شیوه های آزمایش الهی نیز متعدد و متفاوت است؛ گاهی خداوند انسان را با مسائل مالی مانند خمس و زکات، گاهی با گرسنگی مثل روزه، گاهی نیز با بخشیدن جان مانند جهاد در راه خدا امتحان می کند. سفر عمره و حج نیز یکی از این تکالیف الهی است که خداوند به وسیله آن، بندگان خویش را امتحان می کند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در روایتی به

این حکمت اشاره کرده و فرموده است:

أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تَصْدُرُ وَلَا تَنْفَعُ وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ... اِبْتِلَاءً عَظِيمًا وَامْتِحَانًا شَدِيدًا وَاخْتِبَارًا مُبِينًا... (1) آیا نمی بینید که خداوند متعال همه جهانیان از زمان حضرت آدم علیه السلام تا آخرین انسان ها را با این سنگ هایی که ضرر و نفع و بینایی و شنوایی ندارند امتحان می کند. پس خداوند خانه اش را در سخت ترین مکان های روی زمین قرار داد.... و این آزمایشی بزرگ و آشکار است.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

این خانه ای است که خداوند به وسیله آن، بندگان را به پرستش واداشت تا با آمدن به این مکان، میزان پیروی و اطاعت آنان را بیازماید. از این رو بندگان خود را به بزرگداشت و زیارت این خانه ترغیب کرد. (2)

حج گزاران در این مراسم عبادی از جهات مختلفی امتحان می شوند؛ مانند امتحان آنان در برابر پذیرش اصل تکلیف عمره و حج که بسیاری از حکمت ها و اسرار آن را نمی شناسند، امتحان آنان در برابر هزینه کردن اموال برای انجام دادن این فریضه الهی و نیز امتحان در برابر محرمات، هنگام احرام عمره یا حج.

گفتنی است خداوند متعال، هنگام احرام، برخی از کارهای حلال و حتی مستحبی همچون حلال بودن زن و شوهر، نگاه در آینه، استفاده از زیورآلات و بوی خوش را حرام کرده است. بی تردید یکی از علل این تحریم ها، آزمایش حج گزاران است تا مشخص شود چه کسانی از فرمان الهی پیروی می کنند؛ چنان که خداوند درباره صید که یکی از محرمات احرام است به این حکمت اشاره می کند و می فرماید:

(1). الکافی، ج 4، ص 200؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 11.

(2). الکافی، ج 4، ص 198؛ الامالی، صدوق، ص 715.

ص: 58

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَتْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصِّدْقِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ) (مائده: 94)

ای کسانی که ایمان آورده اید، خداوند شما را به چیزی از شکار که در دسترس شما و تیررسی نیزه های شما قرار دارد آزمایش می کند تا معلوم شود چه کسی در خفا از خداوند ترس دارد.

همچنین زائران در این سفر با سختی ها و ناملايمات فراوانی روبرویند؛ مانند دور بودن راه، زمان زیاد سفر، گرما یا سرمای راه و مقصد، خطرات طی کردن این مسیر و سختی های بسیار دیگر.

بی شک این گونه آزمایش های الهی برای سنجش میزان صبر مؤمنان در برابر سختی ها و ناملايمات است تا بر اساس آن، صابران، پاداش دریافت کنند. بنابراین حج گزاران باید در این سفر توجه داشته باشند که خداوند همه اعمال آنان را از ابتدا تا انتهای سفر، رصد می کند تا مشخص شود چه کسانی پیرو دستورهای او بوده و در برابر سختی های این سفر بردبارند و چه کسانی ناشکیبا بوده و در برابر دستورهای الهی و ناملايمات صبر و بردباری لازم را ندارند.

(ط) بهره مندی از منافع دنیوی

از دیگر اهداف عمده تشریح حج و عمره، منفعت دنیوی است تا مؤمنان از رهگذر این مناسک به خیرات مادی و معنوی در دنیا دست یابند؛ چنان که خداوند می فرماید: (وَ أذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ... لِيَسْهَرُوا مِنَّا فِي الْآيَاتِ... وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ... لِيَسْهَرُوا مِنَّا فِي الْآيَاتِ... تا شاهد منافع خویش باشند). (حج: 27 و 28).

براساس روایات اهل بیت علیهم السلام، مراد از منافع در این آیه، هم منافع دنیوی و هم برکات اخروی است. (1) گفتنی است یکی از منافع دنیوی این سفر، مسائل مادی و اقتصادی است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

(1). الکافی، ج 4، ص 422؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 122.

ص: 59

فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ... وَلِيَتَرَبَّحَ كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التَّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَلِيَنْتَفِعَ بِذَلِكَ الْمُكَارَى وَالْجَمَّالُ... وَلَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ إِنَّمَا يَتَّكِلُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَمَا فِيهَا هَلَكُوا وَخَرِبَتِ الْبِلَادُ وَسَقَطَ الْجَلْبُ وَالْأَرْبَاحُ... فَذَلِكَ عِلَّةُ الْحَجِّ. (1) پس خداوند در حج، مردم را از مشرق و مغرب زمین جمع کرد تا... هر گروهی از تجارت های خود از شهری به شهری دیگر سود برند و کرایه دهندگان و صاحبان شتر بهره مند شوند... و اگر هر قومی تنها به تجارت در سرزمین خود و آنچه در آن است بسنده کند هلاک می گردید و سرزمین ها از آبادی و منفعت خارج می شد و تجارت و سود مردم از بین می رفت... پس این است علت و فلسفه حج.

امام رضا علیه السلام نیز یکی از علت های تشریح حج را سود اقتصادی دانسته و فرموده است:

حج برای همه مردم در شرق و غرب عالم منفعت دارد؛ چه آنان که در خشکی اند، چه آنان که در دریا بسر می برند، چه آنان که حج می گزارند و چه آنان که در حج نیستند؛ اعم از تاجران، واردکنندگان کالا، فروشندگان و خریداران، کاسبان و کرایه دهندگان مرکب ها، فقیران و مسکینان... (2)

از دیگر منافع دنیوی حج، بی نیازی حج گزاران و نجات آنان از فقر است؛ چنان که در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ»؛ (3) «حج و عمره، فقر را از بین می برد».

در احادیثی دیگر نیز از آن حضرت آمده است که فرمود: «حج به جا آورید تا بی نیاز شوید» (4) یا «حج به جا آورید تا فقیر نشوید». (5) در روایتی نیز «اسحاق بن عمار»، یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید:

(1). علل الشرایع، ج 2، ص 406؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 14.

(2). عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 126؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 13.

(3). تهذیب الاحکام، ج 5، صص 21 و 22؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 107.

(4). مستدرک الوسائل، ج 11، ص 16؛ بحار الانوار، ج 96، ص 11.

(5). جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 165.

ص: 60

به امام صادق علیه السلام گفتم: «من با خودم عهد کردم که هر ساله یا خود به حج بروم یا یکی از بستگانم را با مال خودم به حج بفرستم». حضرت فرمود: «آیا بر این نیت، تصمیم جدی گرفته ای؟» گفتم: «بلی». حضرت فرمود: «اگر این عمل را انجام دهی، من تورا به زیاد شدن ثروت بشارت می دهم». (1)

منافع و برکات دنیوی حج و عمره، تنها به منافع مادی و اقتصادی محدود نمی شود؛ بلکه برکات دیگری نیز از جمله سلامتی بدن را به همراه دارد. امام زین العابدین علیه السلام در این باره فرمود: «حُجُّوا وَعَتَمُوا تَصِحَّ أَجْسَامُكُمْ وَتَتَّسِعَ أَرْزَاقُكُمْ»؛ (2) «حج و عمره به جا آورد تا جسمتان سالم و روزی تان زیاد شود».

برکت دیگر دنیوی حج و عمره، طولانی شدن عمر است؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ وَهُوَ يَنْوِي الْحَجَّ مِنْ قَابِلٍ زِيدَ فِي عُمْرِهِ»؛ (3) «کسی که از مکه بازگردد و قصد انجام دادن حج در آینده را داشته باشد، بر عمرش افزوده می شود».

ی) برخورداری از برکات اخروی

مهم تر از برکات دنیوی، بهره مندی مؤمنان از منافع و پاداش عظیم اخروی است که در آیات 27 و 28 سوره حج نیز یکی از اهداف تشریح این مناسک شمرده شده است. از جمله منافع اخروی حج، آمرزش گناهان حج گزاران و ورود به بهشت و دستیابی به پاداش های فراوان آن است؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الْحَجَّةُ ثَوَابُهَا الْجَنَّةُ وَالْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ»؛ (4) «پاداش حج، بهشت است و عمره، کفاره هر گناهی است».

در روایتی دیگر نیز آن حضرت فرمود:

کسی که برای حج و عمره از خانه خارج شود، برای هر قدمی که برمی دارد،

(1). الکافی، ج 4، ص 253؛ ثواب الاعمال، ص 47.

(2). ثواب الاعمال، ص 47؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 15.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 220؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 151.

(4). الکافی، ج 4، ص 253؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 220.

خداوند هزار هزار حسنه به او می دهد و هزار هزار گناه از او محو می کند و هزار هزار درجه بر درجات او می افزاید و در برابر هر درهم و دیناری که در این راه هزینه کند، خداوند هزار هزار دینار به او عطا می کند و در مقابل هر کار نیکی که در این سفر انجام دهد، خداوند هزار هزار حسنه برای او می نویسد و حج گزار تا زمان برگشت، در ضمان الهی قرار دارد. اگر در این سفر از دنیا برود، وارد بهشت می شود و اگر زنده از این سفر بازگردد، همه گناهایش آمرزیده می شود. (1)

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است که وقتی حضرت موسی علیه السلام حج را به جا آورد، جبرئیل علیه السلام بر آن حضرت نازل شد. حضرت موسی علیه السلام به جبرئیل علیه السلام عرض کرد: «پاداش کسی که حج را با نیت صادق و نفقه ای پاک و حلال به جا آورد، چیست؟» جبرئیل نیز از پروردگار سؤال کرد و خداوند در پاسخ او فرمود:

أَجْعَلُهُ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا. (2) او را در بهشت در جایگاه رفیق اعلی با پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان جای می دهم و آنان بهترین رفیق و همراه اند.

آداب عمره و حج

هر عمل و عبادتی که اسلام برای بشر تشریح کرده است، آداب و شرایط خاصی دارد که مؤمنان وظیفه دارند آن عمل را بر اساس آن آداب و شرایط به جا آورند. در غیر این صورت، آن عبادت یا به طور کلی هیچ ارزش و اعتباری نخواهد داشت یا از ارزش و بهره اندکی نزد خداوند برخوردار خواهد بود.

برای نمونه، نماز یکی از عبادات و واجبات دین و بلکه مهم ترین تکلیف الهی پس از شناخت خداوند تبارک و تعالی است که پذیرش همه عبادات و اعمال خیر دیگر،

(1). ثواب الاعمال، ص 292؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 104.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 236؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 144.

مشروط به پذیرفته شدن نماز است. اگر خداوند نماز انسان را قبول کند، دیگر عبادات او را نیز می پذیرد، در غیر این صورت، هیچ عبادتی از انسان قبول نمی شود. (1)

ولی این تکلیف مهم الهی، آداب و شرایط خاصی دارد که در صورت رعایت آنها، قبول درگاه پروردگار می شود. در غیر این صورت، یا به طور کلی نماز فرد پذیرفته نمی شود؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «گاه شخصی پنجاه سال نماز اقامه می کند ولی هیچ نمازی از او پذیرفته نمی شود». (2) یا امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «بسیاری از نمازگزاران، از نمازشان جز رنج و زحمت بهره دیگری ندارند». (3) یا بهره نماز آنان اندک خواهد بود؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «گاه فاصله میان نماز دو نمازگزار که قیام و رکوع یکسانی دارند، همانند فاصله میان زمین تا آسمان است». (4)

روزه نیز یکی دیگر از واجبات و تکالیف مهم اسلام است و از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند از میان همه عبادات، این عبادت را به خود اختصاص داده و متعهد شده است که پاداش آن را نیز خود بر عهده گیرد. (5) ولی این عبادت نیز در صورتی پذیرفته می شود که با آداب و شرایط خاص آن به جای آورده شود و در غیر این صورت، روزه دار هیچ بهره ای از روزه اش جز گرسنگی و تشنگی نخواهد داشت (6) یا پاداش روزه او اندک خواهد بود.

حج و عمره نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست و همچون دیگر دستورها و تکالیف دین، آداب و شرایط خاصی دارد و در صورتی از حج گزار و معتمر پذیرفته می شود و به آنان پاداش داده خواهد شد که با آداب و شرایط خاص آن به جا آورده شود؛

(1). الکافی، ج 3، ص 268؛ من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 208.

(2). الکافی، ج 3، ص 269؛ تهذیب الاحکام، ج 2، ص 240.

(3). وسائل الشیعه، ج 1، ص 72؛ مستدرک الوسائل، ج 7، ص 367.

(4). مستدرک الوسائل، ج 4، ص 98؛ جامع احادیث الشیعه، ج 5، ص 31.

(5). الکافی، ج 4، ص 63.

(6). وسائل الشیعه، ج 1، ص 72.

چنان که در روایتی امام صادق علیه السلام ضمن تشبیه زیارت امام حسین علیه السلام به حج، برای آن آداب و شرایطی ذکر کرد و در پایان سخن خود فرمود:

فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ تَمَّ حُجُّكَ وَعُمْرَتُكَ وَاسْتَوْجِبْتَ مِنَ الَّذِي طَلَبْتَ مَا عِنْدَهُ بِنَفَقَتِكَ وَاعْتَرَابِكَ عَنْ أَهْلِكَ وَرَغَبَتِكَ فِيمَا رَغِبْتَ أَنْ تَنْصَرِفَ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ. (1) اگر این آداب را رعایت کردی و با این شیوه، عملت را انجام دادی، حج و عمره تو تمام و کامل خواهد بود و در برابر اموالی که در این راه صرف کرده ای و رنجی که بر اثر دوری از اهل خود کشیدی و زحمتی که در برابر اعراض از امیال و خواسته های متحمل شدی، مستوجب بر خورداری از غفران و رحمت و رضوان الهی خواهی بود.

اما اگر شخص، آداب و شرایط عمره و حج را رعایت نکند، عمل او یا به طور کلی پذیرفته نمی شود؛ چنان که امام سجاد علیه السلام به شخصی که از فراوانی تعداد مسلمانان در حج یاد کرد، فرمود: «مَا أَكْثَرَ الضَّحِيحَ وَأَقْلَّ الْحَجِيحَ!»؛ (2) «ضججه زنده زیادند. ولی حج گزار واقعی اندک اند». همچنین در حدیثی دیگر، امام باقر علیه السلام فرمود: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَجًّا وَلَا عُمْرَةً مِنْ مَالٍ حَرَامٍ»؛ (3) «خداوند حج و عمره ای را که با مال حرام باشد قبول نمی کند». یا اگر هم پذیرفته شود، بهره آنان از این سفر پر خیر و برکت کمتر خواهد بود؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

حاجیان سه دسته اند. بهره مندترین آنان کسانی اند که گناهان گذشته و آینده آنان بخشوده شده و خداوند آنان را از عذاب قبر حفظ می کند. گروه دیگر کسانی اند که گناهان گذشته آنان بخشوده شده و به آنان گفته می شود که اعمالتان را از نو آغاز کنید و گروه سوم کسانی اند که خداوند تنها اهل و مال آنان را از آفات حفظ می کند. (4)

(1). کامل الزیارات، ص 251؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 528.

(2). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 39؛ بحار الانوار، ج 96، ص 258.

(3). الامالی، صدوق، ص 527؛ بحار الانوار، ج 93، ص 163.

(4). الکافی، ج 4، ص 267؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 101.

آداب حج و عمره براساس روایات اهل بیت علیهم السلام، به دو بخش تقسیم می شود: بخش نخست، آداب و شرایط واجب این سفر است؛ همچون رعایت اخلاص، تهیه هزینه و توشه حج از مال حلال که بدون رعایت این موارد، یا حج به طور کلی پذیرفته نمی شود یا تنها به مقداری که این آداب و شرایط در آنها رعایت شده است، قبول می شود؛ هرچند از نظر فقهی، ممکن است حج این افراد صحیح باشد و تکلیف شرعی از عهده آنان برداشته شود.

بخش دوم، آداب مستحب این سفر است؛ همچون خواندن اذکار و دعاهایی خاص در آغاز سفر، داشتن طهارت و با غسل یا وضو بودن هنگام ورود یا حضور در برخی اماکن، کمک به همسفران و رفع نیازهای غیر ضروری آنان که بی تردید، انجام دادن این اعمال، سبب افزایش پاداش عمره و حج و تقرب بیشتر حج گزار به خداوند تبارک و تعالی می گردد.

بر این اساس، باید حج گزاران توجه داشته باشند که برخی از آداب، واجب بوده و از اهمیت بیشتری برخوردار است و باید در حد توان و امکان، آنها را رعایت کنند. اما برخی از آداب، مستحب بوده و از اهمیت کمتری برخوردار است. از این رو زائر باید در رعایت این آداب، به مقتضای حال خویش و زمان و مکانی که در آن قرار دارد توجه کند و در صورتی آنها را انجام دهد که اولاً حال به جای آوردن مستحبات مذکور را داشته باشد و سعی نکند آنها را بر نفس خود تحمیل کند و ثانیاً، انجام دادن آن اعمال باعث بروز مشکلات برای خود یا دیگران نشود.

گفتنی است آداب مطرح شده در این نوشتار، اختصاص به حج ندارد؛ بلکه عمره را نیز که در روایات به «حج اصغر» تعبیر شده است، (1) شامل می شود؛ البته به غیر از موارد خاص؛ مانند آداب عرفات، مشعر و منا.

در ضمن، برخی از این آداب، مربوط به قبل از سفر، برخی دیگر از زمان شروع تا

(1). وسائل الشیعه، ج 14، ص 298؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 63.

ص: 65

پایان سفر و برخی نیز اختصاص به بعد از سفر دارد. از این رو آداب مذکور، در سه فصل جداگانه، به ترتیب زمان انجام دادن آنها، بیان شده است. امیدواریم به یاری پروردگار و عنایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، خوانندگان وزائران خانه خدا، از این مطالب به خوبی استفاده کنند و با کسب بهره کامل دنیوی و اخروی از این سفر معنوی، به سرزمین خود بازگردند.

فصل دوم: آداب پیش از سفر عمره و حج

فصل دوم: آداب پیش از سفر عمره و حج

اشاره

ص: 67

لازم است زائران خانه خدا قبل از فرا رسیدن زمان سفر، خود را برای آن آماده کنند و اسباب و مقدمات لازم را فراهم سازند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ أَرَادَ الْحَجَّ فَتَهَيَّأْ لَهُ»؛ (1) «کسی که قصد حج دارد باید برای آن آماده شود».

ولی حج گزاران باید توجه داشته باشند که مقصد، میزبان و دستاورد این سفر با سفرهای دیگر فرق دارد. از این رو باید آمادگی آنان برای این سفر با سفرهای دیگر تفاوت داشته باشد. مقصد این سفر، دو شهر مدینه منوره و مکه مکرمه است که مقدس ترین شهرها و مکان های روی زمین است؛ سرزمینی که سال ها محل نزول فرشتگان الهی و نزول قرآن کریم بوده است. در این دو شهر، اشرف مخلوقات و بندگان خدا، یعنی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و اهل بیت مطهر او علیهم السلام، سال های متمادی، زندگی کرده و پس از رحلت نیز اجساد مطهر آنان در این سرزمین دفن شده است.

میزبان این سفر، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و بلکه خداوند متعال است. دستاورد این سفر نیز دستیابی به منافع فراوان مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و تحصیل سعادت ابدی است. از این رو برای گام نهادن در چنین سفری، باید اسباب و مقدمات آن متناسب با مقصد، میزبانان و دستاوردهای سفر باشد.

(1). المحاسن، ج 1، ص 71؛ بحار الانوار، ج 96، ص 9.

ص: 69

بر این اساس، مهیا کردن آداب و مقدمات این سفر همانند دیگر سفرها، طی چند ساعت یا چند روز امکان پذیر نیست؛ بلکه باید از مدت ها قبل خود را برای این سفر عظیم معنوی آماده کرد؛ زیرا زائر خانه خدا، افزون بر تهیه توشه و ابزار مادی، به توشه و مقدمات دیگری نیز نیاز دارد تا بتواند بهره کاملی از سفر ببرد. از این رو، در احادیث اهل بیت علیهم السلام سفارش شده است که خود را برای این سفر همچون سفر آخرت و مرگ آماده کنید؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ... اسْتَعِدَّ اسْتِعْدَادَ مَنْ لَا يَرْجُو الرَّجُوعَ. (1) وقتی قصد رفتن به حج را کردی... همانند کسی آماده شو که امید بازگشت به وطن را ندارد.

بنابراین، شایسته است چنین مسافری، افزون بر توشه مادی، توشه معنوی سفر را نیز آماده کند. در غیر این صورت، اگر زائر بدون فراهم کردن توشه و مقدمات مذکور، عازم این سفر شود جز رنج و زحمت چیزی نصیب او نخواهد شد و مصداق این شعر خواهد بود که می گوید:

به طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندادند که برون در چه کردی که درون خانه آیی

در این فصل به آداب و مقدمات مهمی که شایسته یا لازم است مسافر سرزمین وحی پیش از سفر، آنها را رعایت و آماده کند اشاره می کنیم.

ره به سویت همواره هموار است خوش به حال کسی که رهوار است

هر که باشد مسافر کویت ره نشانش دهی به هر سویت

تو که نور همه جهان باشی در پس پرده کی نهران باشی

1. توجه به مقصد و اهداف سفر

بی تردید، شناخت مقصد و اهداف هر سفر، از ضروری ترین مقدمات آن است؛ به این معنا که شخص مسافر باید پیش از حرکت و سفرش، به مقصد و اهداف آن آگاهی

(1). مصباح الشریعه، ص 48؛ بحار الانوار، ج 96، ص 124.

ص: 70

داشته باشد. امیر مؤمنان علی علیه السلام در وصیتی خطاب به کمیل فرمود:

يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَهٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ. (1) ای کمیل! هیچ حرکت و عملی که از تو سر می زند وجود ندارد، مگر اینکه در آن حرکت و عمل، احتیاج به شناخت داری.

شناخت مقصد و اهداف سفر از آن جهت ضرورت دارد که زمینه بهره مندی کامل از منافع مادی و معنوی آن سفر را فراهم می کند. اما اگر شخص بدون این شناخت به سوی مقصدی حرکت کند نه تنها به آن مقصد نخواهد رسید، بلکه ممکن است، قدم در بیراهه نهاده و از مقصد اصلی دور گردد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا. (2) کسی که بدون بصیرت و شناخت، عملی را انجام دهد، همانند کسی است که در بیراهه حرکت می کند و سرعت حرکت او، جز دور شدن از مقصد، نفعی به حال او ندارد.

سفر عمره و حج نیز از این قاعده مستثنا نیست. کسی که در این سفر معنوی قدم می گذارد باید بداند به کجا مسافرت می کند و مقصود و هدف وی از این سفر چیست؟ چرا باید رنج بسیار این سفر را تحمل کند و در این سفر اعمال و مناسکی همچون احرام، طواف خانه خدا و سعی میان صفا و مروه را انجام دهد؟!

در حدیثی، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به مسلمانان فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى»؛ (3) «ای مردم! حج خانه خدا را با کمال دین و تقوه و آگاهی کامل انجام دهید». بی شک، این سفر تنها به انجام دادن ظاهری مناسکی همچون احرام، طواف، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه، وقوف در مشعر و منا، قربانی و رمی جمرات نیست. اگر کسی این گونه بیندیشد، مقصد سفر خود را نشناخته و روح این مناسک را

(1). مستدرک الوسائل، ج 17، ص 268؛ بحار الانوار، ج 74، ص 267.

(2). الکافی، ج 1، ص 43؛ من لایحضره الفقیه، ج 4، صص 401 و 402.

(3). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 174؛ بحار الانوار، ج 37، ص 214.

درک نکرده است؛ در نتیجه، بهره اش از این سفر بسیار اندک خواهد بود.

زائر خانه خدا باید بداند که به سرزمینی سفر می کند که محبوب ترین سرزمین ها نزد خداوند است؛ چنان که خداوند، این سرزمین و این خانه را قبل از خلقت دیگر سرزمین ها خلق کرده و فرشتگان الهی را مأمور کرده است تا با حضور در این سرزمین، گرد این خانه طواف کنند و پس از آنان، پیامبران، اولیا، اوصیا و مؤمنان را به طواف آن، مکلف کرده است.

زائر باید توجه داشته باشد که به سرزمینی سفر می کند که 23 سال محل نزول فرشتگان الهی از جمله جبرئیل امین علیه السلام بوده است که آیات قرآن را بر قلب پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل می کرده است. همچنین قدم به قدم این سرزمین، محل گام های اولیای الهی، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است.

زائر و مسافر این سرزمین باید آگاهی داشته باشد که هدف از زیارت اولیای معصوم الهی و انجام دادن مناسک عمره یا حج، تجدید عهد با خداوند متعال و اولیای معصوم او در اطاعت از آنان، پاک شدن از گناهان و آلودگی های گذشته، تهذیب نفس از اخلاق رذیله و آراسته شدن به اخلاق پسندیده، تقویت دین و ایمان، پیوند با ائمه و اولیای الهی، گسستن از شیطان و دشمنان خدا و اهداف دیگری است که در مباحث گذشته به برخی از این اهداف اشاره شد.

افزون بر این، زائر سفر عمره و حج باید توجه داشته باشد که هدف از انجام دادن اعمالی همچون احرام، طواف، سعی میان صفا و مروه، حلق و تقصیر، رفتن به عرفات، مشعر و منا، تنها همین انجام دادن ظاهر اعمال برای رفع تکلیف شرعی نیست؛ بلکه خداوند در این اعمال و مناسک، اسرار و اهداف متعددی را گنجانده است؛ برای مثال، بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام، زائر باید توجه داشته باشد که هنگام احرام، باید هر آنچه او را از یاد و اطاعت خدا دور می کند بر خود حرام کند. لبیک گفتن نیز در حقیقت اجابت خالصانه به ندای الهی است که او را به بندگی و ترک پیروی از شیطان

و هواهای نفسانی فراخوانده است. در طواف خانه خدا زائر باید قلب و دل خود را همانند فرشتگان الهی که بر گرد عرش طواف می کنند، تنها متوجه پروردگار کند. در سعی میان صفا و مروه و هروله میان این دو کوه، بداند که از هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی فرار می کند و به خداوند متعال پناهنده می شود.

در عرفات که سرزمین اعتراف است، باید به گناهان خود اعتراف کند و با خداوند بر یگانگی او و اطاعتش تجدید عهد نماید. در مشعر یا مزدلفه که به معنای تقرب و نزدیکی است، باید به خداوند تقرب جوید و از ارتکاب گناه که سبب دوری او از خدا می گردد، اجتناب کند. در منا که سرزمین آرزوهاست، باید هر آنچه را که خداوند دوست دارد، آرزو کند و از آرزوهای نفسانی و هر آنچه خداوند تحریم کرده، دوری گیرند. با ذبح قربانی باید هواهای نفسانی و طمع به مال دنیا را ذبح کند و با رمی جمرات، شهوت ها و همه افعال ناپسند را از خود دور کند. با حلق و تراشیدن سر، عیوب ظاهری و باطنی را برای همیشه از خود جدا کند. با طواف وداع، تنها با خداوند، یار و همراه گردد و از هر آنچه غیر از خداوند است وداع کند و پس از پایان حج و بازگشت به وطن، بر عهد و پیمان های خود با پروردگار، همواره ثابت قدم بماند. (1)

البته اینها بخشی از اسرار و اهداف نهفته در این مناسک است. پس شایسته است زائر خانه خدا با مطالعه و تحقیق بیشتر، از دیگر اهداف و اسرار بیان شده برای عمره و حج در قرآن و روایات، آگاه شود و اعمال و مناسک خود را با توجه و شناخت این اهداف و اسرار به جا آورد که در غیر این صورت، گویا عمره یا حجی به جا نیاورده است؛ چنان که امام سجاد علیه السلام به فردی که توجهی به اهداف و اسرار حج نداشت، فرمود:

فَمَا وَصَلْتَ مِنِّي وَلَا رَمَيْتَ الْجِمَارَ وَلَا حَلَقْتَ رَأْسَكَ وَلَا أَذَيْتَ نُسُكَكَ... وَلَا تَقَرَّبْتَ، اِرْجِعْ فَإِنَّكَ لَمْ تَحُجَّ. (2)

(1). مصباح الشریعه، صص 48 و 49.

(2). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 172؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 373.

ص: 73

پس تو در حقیقت به منا نرفته ای و جمرات را رمی نکرده ای و سر خود را تراشیده ای و مناسک حج را به جا نیاورده ای... و به خداوند متعال، تقرب نجسته ای. بازگرد که تو حج را به جا نیاورده ای.

شاعر نامدار حکیم، «ناصر خسرو» نیز این مضمون را در قالب شعری زیبا به نظم درآورده است که در بخشی از آن آمده است:

بازگو تا چگونه داشته ای حرمت آن بزرگوار حکیم

چون همی خواست گرفت احرام چه نیت کردی اندر آن حریم

جمله بر خود حرام کرده بدی هر چه مادون کردگار قدیم

گفت: نی، گفتمش زدی لیبیک از سر علم و از سر تعظیم

گفت: نی، گفتمش چو در عرفات ایستادی و یافتی تقدیم

عارف حق شدی و منکر خویش به تو از معرفت رسید نسیم

گفت: نی، گفتمش چو می کشتی گوسفند از پی یسیر و یتیم

قرب خود دیدی اول و کردی قتل و قربان نفس شوم لئیم

گفت: از این باب هر چه گفتی تو من ندانسته ام صحیح و سقیم

گفتم: ای دوست، پس نکردی حج نشدی در مقام محو مقیم

رفته ای مکه دیده، آمده باز محنت بادیه، خریده به سیم

گر تو خواهی که حج کنی پس از این اینچنین کن که کردمت تعلیم (1)

البته توجه و معرفت به اهداف و اسرار یاد شده، نسبی است؛ به این معنا که خداوند از هرکس به اندازه توان و معرفتش این تکلیف را طلب کرده است. بنابراین باید هرکس در حد توان و فهم خود، آگاهی و بصیرت خویش را در این باره تحصیل یا ارتقا دهد و سپس عازم این سفر مقدس و معنوی شود.

(1). دیوان ناصر خسرو، ص 300.

ص: 74

2. تعجیل در انجام دادن سفر عمره و حج

خداوند متعال در طول دوران حیات انسان ها گاه در پیچه هایی از رحمت خود را بر روی برخی بندگان می گشاید. از این رو مؤمنان زیرک باید قدر این فرصت را بدانند و تلاش کنند که خود را در معرض این نسیم های رحمت الهی قرار دهند تا از برکات آنها بهره مند شوند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی فرمود:

إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ تَفَحَاتٍ، أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا. (1) برای پروردگارتان در دوران عمر شما، نسیم های رحمتی است. آگاه باشید و خود را در معرض این نسیم های رحمت قرار دهید.

تشریف به حج یا عمره نیز یکی از این نسیم های رحمت الهی است که خداوند توفیقش را به برخی از بندگان خود می دهد؛ چنان که حضرت علی علیه السلام فرمود:

خداوند، حج خانه خودش را بر شما واجب کرد و از میان بندگانش افراد شنونده ای را برگزید تا دعوتش را اجابت و سخنش را تصدیق کنند و در موافق و جایگاه پیامبرانش قرار گیرند و همانند فرشتگان الهی شوند که بر گرد عرش او طواف می کنند. (2)

بنابراین باید بندگان مؤمن پروردگار توجه داشته باشند که در اولین فرصت ممکن، عازم این سفر پر خیر و برکت شوند و آن را به دلایل غیر ضروری به تأخیر نیندازند که ممکن است دیگر توفیق این سفر از آنان سلب شود؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَرَادَ الْحَجَّ فَلْيَتَعَجَّلْ فَإِنَّهُ قَدْ يَمْرُضُ الْمَرِيضُ وَتَضِلُّ الضَّالَّةُ وَتَعْرِضُ الْحَاجَةُ. (3) کسی که قصد به جا آوردن حج را دارد باید عجله کند؛ زیرا گاهی فرد، مریض می شود یا مرکب یا چیزی از او مفقود می گردد یا گرفتار حاجتی می شود که مانع انجام دادن حج او می شود.

(1). بحار الانوار، ج 68، ص 221 و ج 80، ص 352.

(2). نهج البلاغه، خطبه 2.

(3). مستدرک الوسائل، ج 8، ص 17؛ سنن ابن ماجه، ج 2، ص 962.

همچنین حضرت در حدیثی دیگر فرمود: «برای رفتن و خروج به سوی مکه تعجیل کنید؛ زیرا هیچ یک از شما نمی داند چه حادثه ای، همچون مریضی یا حاجتی، برای او پیش خواهد آمد».(1)

براساس این روایات، علت تعجیل، آن است که انسان از آینده خود خبر ندارد و نمی داند آیا در فرصت های دیگر می تواند عازم سفر حج یا عمره گردد یا خیر؛ زیرا ممکن است حوادث ناخواسته ای برای او پیش آید که این توفیق عظیم الهی از او گرفته شود؛ مانند اینکه به مریضی یا بی پولی مبتلا شود یا حتی با حادثه ای از دنیا برود یا شیطان، او را از این سفر منصرف کند؛ چنان که در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است:

مَنْ هَمَّ بِشَيْءٍ مِنْ الْخَيْرِ فَلْيُعَجِّلْهُ فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ فِيهِ تَأْخِيرٌ فَإِنَّ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَظْرَةٌ.(2) هرکس قصد انجام دادن عمل خیری را دارد، باید تعجیل کند؛ زیرا هر چیزی که در آن تأخیر افتد، شیطان برای آن فکر و حيله ای دارد.

این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که در برخی روایات، مؤمنان، حتی از توصیه به دیگران برای تأخیر انداختن حج، به شدت نهی شده اند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

لِيَحْذَرَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُعَوَّقَ أَخَاهُ مِنَ الْحَجِّ فَتُصِيبَهُ فِتْنَةٌ فِي دُنْيَاهُ مَعَ مَا يُدْخِرُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ.(3) پرهیزید از اینکه برادر دینی خود را از رفتن به حج منصرف کنید و حج او را به تأخیر اندازید که اگر چنین کنید، در دنیا گرفتار مصیبتی می شوید و در آخرت نیز نزد خداوند کیفری محفوظ خواهید داشت.

در حدیثی دیگر «اسحاق بن عمار» می گوید:

به امام صادق علیه السلام گفتم که شخصی ضعیف الحال با من درباره رفتن به حج مشورت کرد و من به او گفتم بهتر است حج نرود. حضرت در پاسخ فرمود: «چنین مشورتی

(1). کنز العمال، ج 6، ص 16؛ السنن الکبری، ج 4، ص 340.

(2). الکافی، ج 2، ص 143؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 113.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 221؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 138.

شایسته تو نیست. پس به سبب این مشورت ناپسندی که به او دادی، یک سال مریض خواهی شد». من پس از آن، یک سال مریض شدم.
(1)

البته استحباب تعجیل در صورتی است که عمره یا حج مکلف، مستحبی باشد. اما اگر فردی حج واجب شده اش را به تأخیر بیندازد، افزون بر محروم شدن از برکات دنیوی و اخروی این مناسک، مرتکب عملی حرام شده است که عقاب اخروی را در پی خواهد داشت؛ چنان که «محمد بن فضیل» از اصحاب امام رضا علیه السلام می گوید:

از امام رضا علیه السلام درباره این سخن خداوند که می فرماید: (وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَصْلُ سَبِيلًا)؛ (2)
«هرکس در این دنیا کور باشد، در آخرت کور و گمراه تر خواهد بود»، سؤال کردم. آن حضرت در پاسخ فرمود: «مراد کسی است که حج واجب بر عهده اوست و هزینه رفتن به حج را نیز دارد؛ ولی امروز و فردا می کند و آن را به تأخیر می اندازد تا مرگ او فرارسد. (3)

این مسئله به حج واجب خود شخص اختصاص ندارد؛ بلکه اگر میتی درباره انجام دادن حجش به کسی وصیت کرده باشد و او حج میت را به تأخیر اندازد، عمل حرامی مرتکب شده است؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که ضامن وصیت میت در مسئله حجش شده است، ولی در انجام دادن آن بدون عذر، کوتاهی کند، خداوند نماز و روزه اش را قبول نمی کند و دعایش را مستجاب نخواهد کرد و در هر شب و روزی که حج میت را به تأخیر اندازد، صد گناه برای او نوشته می شود. (4)

بنابراین مؤمنانی که خداوند این فرصت استثنایی را در اختیار آنان گذاشته و اسباب و مقدمات این سفر را برای آنان فراهم کرده است، نباید به دلایل غیر ضروری، خود را

(1). الکافی، ج 4، ص 271؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 221.

(2). اسراء: 72.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 447؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 28.

(4). مستدرک الوسائل، ج 8، ص 61؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 291.

ص: 77

از این سفر عظیم معنوی محروم کنند؛ زیرا چه بسا فرصت دیگری برای آنان فراهم نشود و برای همیشه توفیق تشریف به خانه خدا را از دست بدهند.

3. تهیه هزینه و نیازمندی های سفر

اشاره

زائر و مسافر سرزمین وحی، پس از آشنایی با عظمت و اهداف سفرش، باید اسباب و مقدمات آن را فراهم کند. در اینجا به برخی از مقدمات مادی این سفر که تهیه آنها ضرورت دارد اشاره می کنیم:

الف) تأمین هزینه و توشه سفر

نخستین اقدام مقدماتی زائر، تأمین هزینه سفر، اعم از هزینه اصل سفر عمره و حج و مخارج در طول سفر است. در این مورد اهل بیت علیهم السلام به مؤمنان سفارش کرده اند که هزینه حج را از ماه ها و گاه سال ها قبل، اندک اندک کنار بگذارند تا هنگام فرا رسیدن موسم حج، هیچ گونه نگرانی و دغدغه ای نداشته باشند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا رَیَحَ الرَّبَّیْحَ أَخَذَ مِنْهُ الشَّيْءَ فَعَزَلَهُ فَقَالَ هَذَا لِلْحَجِّ وَإِذَا رَیَحَ أَخَذَ مِنْهُ وَقَالَ هَذَا لِلْحَجِّ جَاءَ إِبَّانُ الْحَجِّ وَقَدْ اجْتَمَعَتْ لَهُ نَفَقَةُ عَزَمَ اللَّهُ فَخَرَجَ وَلَكِنْ أَحَدُكُمْ يَرَبَّحُ الرَّبَّیْحَ فَيُنْفِقُهُ فَإِذَا جَاءَ إِبَّانُ الْحَجِّ أَرَادَ أَنْ يُخْرِجَ ذَلِكَ مِنْ رَأْسِ مَالِهِ فَيَسْتَشِقُّ عَلَيْهِ. (1) اگر هریک از شما که سودی نصیبش می شود، بخشی از آن را جدا کند و بگوید: این برای حج باشد و این عمل را تکرار کند، هنگام موسم حج، هزینه سفرش آماده است. از این رو با خیالی آسوده عزم خانه خدا می کند. اما بعضی از شما همه سودی را که در طول سال نصیب شان می شود مصرف می کنند. چنین افرادی وقتی موسم حج فرا می رسد باید هزینه آن را از اصل سرمایه خود خارج کنند که این کار برای آنان سخت است.

افزون بر هزینه سفر، وظیفه دیگر زائر، تهیه توشه و نیازمندی های سفرش است؛ چنان که خداوند، زائران خانه خود را به فراهم آوردن توشه سفر فرمان می دهد و می فرماید:

(1). الکافی، ج 4، ص 280؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 143.

(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ ... وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَ تَزَوَّدُوا...) (بقره: 197)

حج در ماه های معینی انجام می شود... شما هر کار نیکی که انجام می دهید، خداوند آگاه است و برای این سفر توشه بردارید.

در شأن نزول این آیه نقل شده است که در صدر اسلام، عده ای از مسلمانان هنگام رفتن به حج، هیچ زاد و توشه ای را با خود برنمی داشتند و می گفتند، ما به خدا توکل می کنیم. ولی هنگام نیاز، خود را سربار دیگران می کردند که با نزول آیه مذکور، این اندیشه آنان باطل دانسته شد و همه حج گزاران به برداشتن توشه سفر مأمور شدند. (1) در روایتی امیرمؤمنان علی علیه السلام به خرید برخی نیازهای سفر سفارش کرده و سپس آن حضرت برای سخن خود به آیه 46 توبه استناد کرد که خداوند می فرماید: (وَ لَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً)؛ «اگر آنان قصد خروج داشتند، قطعاً توشه سفر را آماده می کردند». (2)

در روایتی دیگر نیز آن حضرت فرمود:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ يُسَافِرُ بِسِتَّةِ أَشْيَاءَ بِالْقَارِوَرِ وَ الْمِقْصِ وَ الْمُكْحَلِ وَ الْمِرْآهِ وَ الْمَشْطِ وَ السَّوَاكِ. (3) رسول خدا صلی الله علیه و آله شش چیز را در سفر همراه خود می برد: ظرف آب، قیچی، سرمه دان، آینه، شانه و مسواک.

از جمله لوازمی که حج گزاران شایسته است قبل از سفر، آنها را فراهم کنند، عبارت است از: لباس مخصوص احرام، دمپایی مخصوص احرام، کمر بند یا همیان برای مردها که لباس احرام را محکم نگه می دارد و لوازم همراه زائر را در آن می گذارند، کیسه کوچک برای سنگریزه های جمرات، کیسه مخصوص کفش ها، ناخن گیر، خمیر دندان، صابون بدون بو، باد بزن برای فصول گرما، لیوان آب، خودتراش برای حلق سر در حج

(1). مجمع البیان، ج 2، ص 42؛ جامع البیان، ج 2، ص 380.

(2). وسائل الشیعه، ج 11، ص 35؛ بحار الانوار، ج 10، ص 96.

(3). مستدرک الوسائل، ج 8، ص 217؛ جامع احادیث الشیعه، ج 16، ص 433.

ص: 79

یا عمره، تسبیح برای گفتن ذکر، کتاب دعا، قلم و دفتر برای یادداشت احکام و مسائل شرعی و نیز ثبت خاطرات سفر، طناب برای بستن بار مسافر و نیازهای دیگر، نخ و سوزن، لوازم حمام و نظافت، داروهای مورد نیاز برای افراد بیمار و دیگر نیازهای ضروری حج گزار.

همچنین در روایات سفارش شده است که زائر، خوراکی های خاصی را برای این سفر به همراه داشته باشد؛ چنان که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

إِذَا أَرَدْتُمْ الْحَجَّ فَتَقَدَّمُوا فِي شِرَاءِ الْحَوَائِجِ لِبَعْضِ مَا يُقَوِّكُمْ عَلَى السَّفَرِ. (1) هرگاه قصد رفتن به حج را کردید، برخی نیازها را که سبب تقویت و توانایی شما در سفر می گردد، خرید کنید.

در حدیثی دیگری نیز آمده است:

هرگاه امام سجاد علیه السلام برای حج و عمره به مکه مسافرت می کرد، از بهترین و پاکیزه ترین خوراکی ها - همچون بادام، شکر، آرد سرخ شده مخلوط با ترشیجات یا مخلوط با شکر - همراه خود می برد. (2)

همچنین در روایات ائمه معصوم علیهم السلام، همراه داشتن خاک کربلا و انگشتر عقیق در سفر، سبب ایمنی مسافر از بسیاری آفات و خطرها دانسته شده است؛ از جمله در روایتی، امام باقر علیه السلام فرمود: «طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ»؛ (3) «خاک قبر امام حسین علیه السلام شفای هر درد و امان از هر ترسی است». درباره انگشتر عقیق نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «الْخَاتَمُ الْعَقِيقُ أَمَانٌ فِي السَّفَرِ»؛ (4) «انگشتر عقیق، سبب امان در سفر است».

از آنجا که ممکن است برای همه زائران به همراه بردن توشه سفر، از جمله خوراکی های مورد نیاز، مقدور نباشد، طبق سفارش روایات اهل بیت علیهم السلام، شایسته است

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 282؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 425.

(2). الکافی، ج 8، ص 303؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 282.

(3). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 125؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 527.

(4). الکافی، ج 6، ص 470؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 296.

افراد دارای تمکن مالی، توشه یا خوراکی بیشتری همراه خود بردارند تا از آنها نیز به دیگر همراهانشان بذل و بخشش کنند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ مِنَ الْمُرُوءَةِ فِي السَّفَرِ كَثْرَةُ الزَّادِ وَطَيِّبُهُ وَبَدَلُهُ لِمَنْ كَانَ مَعَكَ»؛ (1) «از اخلاق جوانمردان در سفر، زیادی توشه و پاکیزگی و بخشش آن به همراهان است».

ب) تأمین مخارج خانواده

زائر باید افزون بر تأمین هزینه و توشه سفر خود، هزینه خانواده خویش را نیز تأمین کند تا هنگام سفر و غیبت او، آنان مشکلی نداشته باشند. در واقع تأمین نفقه و هزینه خانواده، جزو ملاک های استطاعت حج گزار است که در صورت عدم توانایی بر تأمین نفقه، هنگام سفر و حتی پس از بازگشت، استطاعتش محقق نمی شود و حج بر وی واجب نمی گردد. (2) در حدیثی امام باقر علیه السلام درباره شرط استطاعت و وجوب حج در آیه 97 سوره آل عمران، می فرماید:

السَّعَةُ فِي الْمَالِ إِذَا كَانَ يَحُجُّ بِبَعْضٍ وَيُتَّقِي بَعْضاً يَقْوَتْ بِهِ عِيَالَهُ. (3) مراد از استطاعت در آیه، توانایی مالی شخص است که با بخشی از آن، حج را به جا آورد و بخشی دیگر را برای خوراک خانواده اش باقی گذارد.

همچنین در حدیثی دیگر آن حضرت فرمود:

حج خانه خدا بر کسی واجب است که استطاعت رفتن به حج را داشته باشد و استطاعت، همان داشتن زاد و توشه، مرکب، سلامتی بدن و داشتن هزینه خانواده در زمان سفر و پس از بازگشت از سفر است. (4)

تأمین هزینه خانواده در مدت سفر، به حج واجب اختصاص ندارد؛ بلکه در حج و

(1). وسائل الشیعه، ج 11، ص 422؛ بحار الانوار، ج 73، ص 266.

(2). جواهر الکلام، ج 17، ص 273؛ جامع المدارک، ج 2، ص 267.

(3). الکافی، ج 4، ص 267؛ علل الشرایع، ج 2، ص 453.

(4). وسائل الشیعه، ج 11، ص 38؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 247.

عمره مستحبی نیز تأمین هزینه آنان یکی از تکالیف واجب سرپرست خانواده است و بلکه در این گونه سفرها، به طریق اولی، تأمین هزینه خانواده واجب خواهد بود؛ زیرا هزینه خانواده، جزو نفقه زن و فرزند می باشد که بر سرپرست خانواده واجب است؛ در حالی که حج یا عمره ای که زائر قصد انجام دادن آن را دارد بر وی مستحب است و عمل واجب، بر عمل مستحبی مقدم است.

گشاده دستی در هزینه و توشه سفر

یکی از سفارش های اهل بیت علیهم السلام در روایات، آن است که اگر زائر خانه خدا توانایی مالی مناسبی دارد، در هزینه و تأمین توشه این سفر، گشاده دست باشد و بیشتر از سفرهای دیگر هزینه کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «وَيُبْغِضُ الْإِسْرَافَ إِلَّا فِي حَجِّ وَعُمْرَةٍ»؛ (1) «خداوند اسراف را مبعوض می دارد؛ مگر در سفر حج و عمره».

البته مراد از اسراف در این روایت، گشاده دستی و بیشتر هزینه کردن نسبت به مواقع دیگر است؛ نه هدر دادن و از بین بردن نعمت های الهی. در نقلی دیگر از آن حضرت آمده است: «كُلُّ نَعِيمٍ مَسْئُولٌ عَنْهُ صَاحِبُهُ إِلَّا مَا كَانَ فِي غَزْوٍ أَوْ حَجٍّ»؛ (2) «از هر نعمتی که خدا داده است از صاحبش سؤال می شود؛ مگر آنچه در جهاد یا حج هزینه شده است».

در حدیثی دیگر، آن حضرت به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «ای علی! در چهار چیز چانه زن: در خریدن قربانی و کفن و خرید اسیر و برده و اجرت رفتن به مکه» (3). امام زین العابدین علیه السلام نیز به «قهرمانه» که مأمور خرید توشه حج برای آن حضرت بود فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَشْتَرِيَ لِي مِنْ حَوَائِجِ الْحَجِّ شَيْئًا فَاشْتَرِ وَلَا تُمَآكِسْ»؛ (4) «هرگاه خواستی چیزی از نیازمندی های حج را خریداری کنی، خرید کن و چانه زن».

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 279؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 149.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 221؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 102.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 370؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 57.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 197؛ وسائل الشیعه، ج 17، ص 455.

پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نیز در این باره با گشاده دستی عمل می کردند؛ چنان که نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر حج، یکصد شتر قربانی کرد که 66 شتر از جانب خود آن حضرت و 34 شتر از جانب امیرمؤمنان علی علیه السلام بود. (1)

چه بسا حکمتش آن است که این سفری به سوی خداوند و مسافرش نیز میهمان خداوند است. از این رو تمامی هزینه هایش، اتفاق در راه خدا و در راه میهمانی خدا به شمار می رود و خداوند چندین برابر آن را در دنیا و آخرت به زائر بازمی گرداند.

البته در برخی روایات، سخن از کم کردن هزینه های این سفر است؛ از جمله در حدیثی آمده است که امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود فرمود:

يَا فُلَانُ، أَقَلِّ النَّفَقَةَ فِي الْحَجِّ، تَنْشَطُ لِلْحَجِّ وَلَا تُكْثِرُ النَّفَقَةَ فِي الْحَجِّ، فَتَمَلَّ الْحَجَّ. (2) فلانی! هزینه حج را کم کن تا حج با نشاطی را به جا آوری و زیاده روی در هزینه آن نکن؛ چون سفر حج را ملال آور می کنی.

همچنین یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید:

ما گروهی در منا بودیم که خرید قربانی برای ما سخت شده بود و پول کافی برای خرید نداشتیم و همان طور که به دنبال قربانی می گشتیم ناگهان امام صادق علیه السلام را مشاهده کردیم که کنار گله گوسفندی ایستاده است و به شدت چانه می زند. ما ایستادیم و به آن حضرت نگاه کردیم. بعد از فراغت یافتن امام علیه السلام از خرید گوسفند، آن حضرت به سوی ما آمد و فرمود: «گمان می کنم که شما از چانه زدن من تعجب کرده اید؟!» ما به حضرت عرض کردیم: «بله». حضرت فرمود: «هر شخصی که فریب بخورد، نه ستایش می شود و نه اجری نزد خداوند دارد». (3)

فقیهان باتوجه به روایات دسته نخست که به گشاده دستی در سفر حج سفارش شده و شمار آنها نیز بیشتر است، احادیث اخیر را مخصوص موردی دانسته اند که شخص در

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 237؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 231.

(2). الکافی، ج 4، ص 280؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 442.

(3). الکافی، ج 4، ص 496؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 123.

صورت هزینه زیاد، در سختی و زحمت قرار می گیرد(1) یا گفته اند که این احادیث، به موردی اختصاص دارد که فروشندگان، از مخالفان مذهب اهل بیت علیهم السلام هستند(2) یا همان گونه که از روایت اخیر به دست می آید، این عمل مربوط به موردی است که قیمت ها بسیار بالا بوده و در صورت خرید کالا یا حیوان، خریدار مغبون و فریب خورده به شمار می رود. اما در غیر موارد ذکر شده، یعنی جایی که شخص از توان مالی برخوردار است و فروشندگان نیز از پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام هستند و قیمت ها نیز مناسب است و فروشنده قصد فریب خریدار را ندارد، شایسته است که مسافران خانه خدا، از گشاده دستی دریغ نکنند و بدانند که این گونه مخارج، در واقع هزینه کردن در راه پروردگار است و او نیز عوض آن را بسیار نیکوتر به آنان بازمی گرداند.

4. توبه و پرداخت حقوق خدا و خلق

اشاره

از مقدمات مهم حج و شاید اصلی ترین مقدمه این سفر، پشیمانی زائر از گناهان و خطاهای گذشته خود و جبران حقوق تضییع شده خدا و خلق اوست؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ... اغْتَسِلْ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ ذُنُوبَكَ»؛ (3) «هرگاه اراده حج کردی... با آب توبه خالص گناهانت را بشوی».

در بخشی دیگر از کلام آن حضرت آمده است: «وَأَخْرَجَ مِنْ حُقُوقِ تَلْزَمُكَ مِنْ جِهَةِ الْمَخْلُوقِينَ»؛ (4) «هنگام اراده حج، حقوقی را که مردم بر ذمه تو دارند ادا کن». امام رضا علیه السلام نیز فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ إِلَى الْحَجِّ... وَقَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ مِنَ الدَّيْنِ»؛ (5) «هرگاه قصد خروج به حج را داشتید... دیون و بدهی هایی را که بر ذمه دارید، ادا کنید».

(1). مرآة العقول، ج 17، ص 170.

(2). روضه المتقين، ج 7، ص 23؛ الوافی، ج 14، ص 1130.

(3). مصباح الشریعه، ص 47؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 172.

(4). همان.

(5). مستدرک الوسائل، ج 8، ص 121؛ جامع احادیث الشیعه، ج 16، ص 435.

عادت مردم در رفتن به میهمانی، آن است که نخست در خانه خویش به حمام می روند و خویش را شست و شو می دهند؛ آن گاه لباس نو و تمیز می پوشند، ظاهر خود را می آریند، به خود عطر می زنند و سپس به میهمانی می روند. حج و عمره نیز در واقع همان میهمانی خداوند است؛ با این تفاوت که میزبان این میهمانی با دیگر میزبان ها تفاوت دارد. و تنها به ظاهر افراد نمی نگرد؛ بلکه افزون بر ظاهر، به باطن میهمانان خود نیز نظر دارد. بنابراین میهمان این سرزمین مقدس باید ادب ضیافت و میهمانی چنین صاحبخانه ای را مراعات کند و علاوه بر نظافت ظاهر، باطن خود را نیز با آب توبه بشوید و با ظاهر و باطنی پاک، وارد حرم و حریم الهی گردد که در این صورت، خداوند نیز به فضل و کرمش، به گونه شایسته از او پذیرایی کرده و توبه او را خواهد پذیرفت.

موانع تا نگردانی زخود دور درون خانه دل نایدت نور

تورا آینه زنگار باشد حجاب دیدن دلدار باشد

گفتنی است که توبه زائر، باید واقعی و به تعبیر قرآن کریم، نصوح باشد. (1) توبه نصوح، چنان که در روایات (2) و کلمات مفسران (3) آمده، توبه خالصانه است؛ به طوری که گناهکار دوباره به گناهان گذشته خود بازنگردد و همچنین حقوقی را که از خداوند یا بنده او ضایع کرده است، جبران کند. مؤید این نکته، آیات بسیاری است که قرآن کریم بعد از اشاره به توبه، از اصلاح و جبران کوتاهی ها سخن به میان آورده است؛ (4) از جمله خداوند می فرماید:

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مائده: 39)

هرکس پس از کردار ناپسندش توبه کند و اصلاح نماید، خدا توبه او را می پذیرد. همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.

(1). تحریم: 8.

(2). الکافی، ج 2، ص 432؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 72.

(3). مجمع البیان، ج 10، ص 62.

(4). بقره: 160؛ آل عمران: 89 و....

ص: 85

یکی از معانی «اصلاح» در آیه مذکور و آیات مشابه، آن است که شخص، اعمال ضایع یا فاسد شده اش را دوباره انجام دهد (1) یا با اعمال نیک خود در آینده، اعمال قبیح گذشته اش را جبران کند. (2) در روایتی نقل شده است که شخصی در حضور امیرمؤمنان علی علیه السلام جمله «استغفرالله ربی و اتوب الیه» را که بسیاری از افراد، لقلقه زبانشان شده، بر زبان جاری کرد. حضرت با خشم و عتاب به او فرمود:

ایا می دانی استغفار چیست؟! استغفار درجه علیین است که شش شرط دارد: نخستین شرط آن، پشیمانی از اعمال گذشته است. شرط دوم، تصمیم جدی بر بازنگشتن به گناهان است. شرط سوم، آن است که حقوقی را که از بندگان خدا ضایع کردی جبران کنی. شرط چهارم، آن است که هر واجبی را که بر عهده ات بوده و از توفوت شده است به جا آوری... وقتی این اعمال را انجام دادی، می توانی استغفار را بر زبان جاری کنی. (3)

بر این اساس، در صورتی پشیمانی و بازگشت شخص از گناهان و خطاهای گذشته، توبه واقعی خواهد بود که توبه کننده، افزون بر پشیمانی از اعمال گذشته، به فکر جبران و اصلاح کوتاهی های گذشته خود باشد و حقوقی را که از دیگران ضایع کرده است، جبران کند.

اقسام حقوق و راه های جبران آنها

اشاره

حقوقی که بر عهده انسان نهاده شده بر سه قسم است: حقوق الهی، حقوق مشترک میان خدا و بنده و حقوق بندگان یا حق الناس. گفتنی است ادای هر یک از اینها روش خاص خود را دارد که ما در اینجا ضمن تعریف این حقوق، راه های جبران آن را بیان می کنیم.

(1). المیزان، ج 5، ص 118؛ تفسیر نمونه، ج 11، ص 445؛ تفسیر بیضاوی، ج 1، ص 433 و ج 2، ص 62.

(2). تفسیر نمونه، ج 2، ص 650.

(3). نهج البلاغه، کلمه 417؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 77.

ص: 86

حقوق الهی یا حق الله حقوقی است که تنها به خداوند اختصاص دارد؛ مانند حج. قرآن کریم در این باره می فرماید:

(وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا) (آل عمران: 97)

و برای خداوند است بر عهده مردم، حج خانه او برای کسانی که توانایی رفتن به سوی آن را داشته باشند.

نماز و روزه نیز از دیگر حقوق خاص خداوند بر بندگان است. از این رو در صورتی که حج گزار این حقوق را ضایع کرده و آنها را در وقت خاص خود به جا نیاورده است، باید جبران کند و قبل از سفر، قضای این واجبات را به جا آورد و اگر فرصت قضای همه نمازها یا روزه های فوت شده را ندارد، تصمیم جدی بگیرد قضای این واجبات را در هر فرصت ممکن به جا آورد؛ به این صورت که هر مقدار امکان دارد قبل از سفر انجام دهد و بخشی از نمازهای قضا شده را در زمان سفر و مقدار باقیمانده را بعد از سفر به جا آورد.

گفتنی است یکی از نمازهای واجب نیز، نماز آیات است که ممکن است بسیاری از افراد در زمان بروز برخی حوادث، از جمله گرفتگی ماه یا خورشید، آن را به جا نیاورده باشند. از این رو قضا کردن این نماز نیز یکی از تکالیف آنان قبل از سفر حج و عمره است.

پرداخت فدیة و کفارات روزه، از دیگر حقوق الهی بر عهده بندگان است. بر این اساس، افرادی که به علت مریضی یا مسافرت نتوانسته اند روزه بگیرند یا به عمد، روزه های رمضان را افطار کرده اند و در همان سال موفق نشده اند قضای آن را به جا آورند، باید علاوه بر به جا آوردن قضای روزه، فدیة و کفاره افطار کردن روزه یا به تأخیر انداختن آن را نیز پرداخت کنند که مقدار و چگونگی پرداخت فدیة و کفارات مذکور، در رساله های عملیه مراجع تقلید، بیان شده است.

حقوق مشترک میان خدا و بنده، حقوقی است که از یک سو حق خداوند متعال بوده و از سویی دیگر به انسان ها تعلق دارد؛ مانند زکات که از یک سو حق خداست؛ زیرا افزون بر تکلیف الهی بودن زکات، بخشی از سهم آن نیز به خدا تعلق دارد که باید در راه خدا مصرف شود و از سویی دیگر، حق افرادی خاص همچون فقیر و مسکین در آن قرار دارد که باید در محل مخصوص خود، مصرف شود. از این رو اگر زکاتی بر ذمه زائران خانه خدا قرار داشته باشد باید قبل از سفر، آن را پرداخت کنند؛ چراکه پرداخت نکردن آن، مانع قبولی عبادات از جمله حج و عمره می شود؛ چنان که علی علیه السلام فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ أَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ فَمَنْ لَا يَزُكِّيَ لَا صَلَاةَ لَهُ وَمَنْ لَا صَلَاةَ لَهُ لَا دِينَ لَهُ وَمَنْ لَا دِينَ لَهُ لَا حَجَّ وَلَا جِهَادَ لَهُ. (1) ای مردم! زکات اموال خود را ادا کنید؛ زیرا کسی که زکات اموالش را ادا نکند نماز او پذیرفته نمی شود و کسی که نمازش پذیرفته نشود، دینی برایش نیست و کسی که دینی نداشته باشد، حج و جهاد او پذیرفته نمی شود.

خمس نیز از دیگر حقوق مشترک میان خدا و بنده است و افرادی که این حقوق در اموال آنان قرار دارد به پرداخت آن مکلف اند؛ چنان که قرآن کریم به این حق مشترک اشاره کرده و پرداخت آن را شرط ایمان به خداوند دانسته است:

(وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ) (انفال: 41)

اگر به خدا ایمان دارید، بدانید از آنچه غنیمت و سود بردید، یک پنجم آن برای خدا، پیامبر، خویشاوندان [او]، یتیمان، مساکین و در راه ماندگان است.

در روایتی نیز آمده است که شخصی از شیعیان، نامه ای به امام رضا علیه السلام نوشت و از آن حضرت درخواست بخشش خمس بر خود کرد. امام علیه السلام در پاسخ نامه چنین نوشت:

(1). مستدرک الوسائل، ج 7، ص 11؛ جامع احادیث الشیعه، ج 8، ص 7.

بسم الله الرحمن الرحيم. خمس را از ما دریغ نکنید و تا می توانید خود را از دعای ما محروم نکنید. همانا پرداخت خمس، کلید روزی شما و سبب محو شدن گناهاتتان است و ذخیره ای است برای روزی که به شدت به آن نیاز دارید. مسلمان کسی است که به آنچه با خدا عهد بسته وفا کند. مسلمان کسی نیست که با زبان، اقرار به مسلمانی کند و در عمل، مخالفت ورزد. (1)

معنای فراز اخیر سخن امام علیه السلام آن است که هر مسلمانی با پذیرش آیین اسلام، در حقیقت با خداوند تبارک و تعالی عهد بسته است که تسلیم او باشد و دستورش را بپذیرد و با آن مخالفتی نکند. بر اساس این عهد و پیمان، شخص باید تکالیف و واجبات الهی را انجام دهد و از آنچه نهی کرده است، اجتناب ورزد. پرداخت خمس نیز یکی از همین تکالیف الهی است که شخص باید آن را از اموال خود خارج کند و به مصرف خاص آن برساند.

ج) حق الناس

حق الناس، حقوقی است که افراد بر ذمه یکدیگر دارند؛ اعم از حق مالی؛ مانند مالی که از دیگران، با اطلاع یا بدون اطلاع صاحب حق، نزد شخص، باقی مانده باشد یا حق غیر مالی؛ مانند وارد کردن خسارت بدنی به کسی، افشای اسرار، افترا و غیبت و امثال آنها.

حق الناس از لحاظی بالاتر از حقوق الهی است؛ زیرا خداوند ممکن است از حق خود صرف نظر کند. اما از حق الناس گذشت نکرده و عفو از آن را به صاحبان حق واگذار کرده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود:

وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا الْقِصَاصُ هُنَاكَ شَدِيدٌ. (2) اما قسم سوم، ظلمی است که رها نمی شود و آن ظلم بندگان به یکدیگر است که قصاص در اینجا بسیار شدید است.

(1). الکافی، ج 1، ص 548؛ تهذیب الاحکام، ج 4، ص 140.

(2). نهج البلاغه، خطبه 176؛ مستدرک الوسائل، ج 12، ص 104.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز درباره قصاص حق الناس در آخرت چنین فرموده است:

هرکس از برادر دینی اش حق مالی و غیر مالی بر ذمه دارد، در همین دنیا و قبل از روزی که درهم و دیناری در آن روز نیست، حلالیت بطلبد. در غیر این صورت، در قیامت از اعمال نیک او برمی دارند و به صاحب حق می دهند و اگر کار نیکی نداشته باشد، از گناهان صاحب حق برمی دارند و بر گناهان او می افزایند. (1)

حق الناس به اندازه ای مهم است که بر اساس برخی احادیث، با ریخته شدن نخستین قطره از خون شهید روی زمین، خداوند همه گناهان او را می آمرزد به جز حقوقی که از دیگران ضایع کرده است. (2)

تعدی به حقوق مردم و جبران نکردن آن، آثار متعدد دیگری برای همگان از جمله زائر خانه خدا دارد. از جمله آثار مهم آن مستجاب نشدن دعا و حتی قبول نشدن حج و عمره شخص است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُرْفَعُ إِلَيْهِ دُعَاءُ عَبْدٍ وَفِي بَطْنِهِ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ. (3) خداوند دعای بنده ای را که در شکمش حرامی باشد یا حقی از بندگانش بر ذمه او باشد، نمی پذیرد.

ماجرای علی بن یقظین و ابراهیم جمال

در روایتی نقل شده است که ابراهیم جمال، از شیعیان موسی بن جعفر علیه السلام، به دیدار علی بن یقظین که از شیعیان و وزیر هارون الرشید بود، رفت. ولی علی بن یقظین به ابراهیم اجازه دیدار نداد. پس از این واقعه، در موسم حج همان سال، علی بن یقظین عازم حج شد و پس از به جا آوردن اعمال حج برای ملاقات موسی بن جعفر علیه السلام عازم مدینه شد. ولی آن حضرت، اجازه ملاقات به علی بن یقظین نداد.

(1). بحار الانوار، ج 72، ص 243؛ مسند احمد، ج 2، ص 435.

(2). الکافی، ج 5، ص 94؛ من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 378.

(3). بحار الانوار، ج 90، ص 321؛ جامع احادیث الشیعه ج 15، ص 345.

روز بعد، وی موسی بن جعفر علیه السلام را بیرون منزل ملاقات کرد و به آن حضرت عرض کرد: «ای آقای من! چه گناهی مرتکب شده ام که مرا به حضور نپذیرفتید؟!». امام علیه السلام فرمود: «چون تو مانع دیدار برادر دینی ات با خودت شدی من هم مانع دیدار تو با خود شدم». سپس حضرت به علی بن یقطین فرمود: «تا ابراهیم شتربان را از خود راضی نکنی، خداوند سعی و حج تو را نمی پذیرد». علی بن یقطین به سفارش موسی ابن جعفر علیه السلام عازم کوفه شد و رضایت ابراهیم را به دست آورد و پس از آن عازم مدینه شد و امام علیه السلام حاضر شد وی را به حضور پذیرد. (1)

حق الناس یا مادی است یا غیر مادی. حق الناس مادی نیز دو صورت دارد: گاهی انسان، صاحب حق را می شناسد که در این صورت باید بدهی خود را به وی پرداخت کند. اما گاهی صاحب حق را نمی شناسد. در این صورت، اگر بدهی او قابل توجه است، می تواند با اجازه مرجع تقلید خود، بدهی اش را از طرف صاحب حق، به فقرا بدهد و اگر بدهی اندکی دارد، خودش می تواند از طرف صاحب حق این بدهی را به فقرا پرداخت کند.

و اگر حق دیگران غیر مالی باشد، اگر شخص را می شناسد و به او دسترسی دارد، باید از او حلالیت بطلبد. اما اگر شخص را نمی شناسد یا به او دسترسی ندارد و یا حلالیت طلبیدن، گاه سبب پدید آمدن مفسده بیشتر می شود، می تواند برای صاحب حق استغفار کند یا کار خیری برای او انجام دهد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ ظَلَمَ أَحَدًا فَقَاتَهُ، فَلَيْسَ تَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ؛ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لَهُ»؛ (2) «کسی که به شخصی ظلمی کرده است و دسترسی به او ندارد، باید برای او استغفار کند؛ زیرا استغفار برای او، کفاره گناهانش به شمار می رود».

همچنین آن حضرت درباره کفاره غیبت فرمود: «كَفَّارَةُ الْإِغْتِيَابِ أَنْ تَسْتَغْفِرَ لِمَنْ اغْتَيْبْتَهُ»؛ (3) «کفاره غیبت، آن است که برای کسی که از او غیبت کرده ای استغفار کنی».

(1). عیون المعجزات، ص 90؛ بحار الانوار، ج 48، ص 90.

(2). الکافی، ج 2، ص 334؛ ثواب الاعمال، ص 274.

(3). الکافی، ج 2، ص 357؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 130.

حقوقی که انسان ها بر عهده یکدیگر دارند، بسیار گسترده است و موارد زیادی را شامل می شود و یکی از مهم ترین آنها حق رحم است؛ زیرا هر فردی وظیفه دارد با خویشاوندان خود رفت و آمد داشته باشد. اما برخی افراد حتی برای مسائل جزئی دنیوی، ارتباط خود را با خویشاوندان قطع می کنند. بر اساس برخی روایات، قطع رحم سبب مستجاب نشدن دعا و گاه مانع قبولی همه اعمال مؤمنان در قیامت می شود؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ارحام و امانت دو چیزند که در قیامت، دو طرف پل صراط را احاطه کرده اند. پس اگر انجام دهنده صله رحم و امانتدار از آن عبور کند، راه او به سوی بهشت باز است و مانعی وجود ندارد. ولی اگر شخص خائن و قاطع رحم عبور کند، ارحام و امانت، مانع عبور کردن او می شوند و هیچ یک از اعمالش به حال وی سودی ندارد و چنین افرادی با صورت در آتش جهنم سقوط می کنند. (1)

بنابراین زائر خانه خدا باید از فرصت خاص سفر عمره و حج استفاده کند و در صورت قطع ارتباط با خویشاوندان، این ارتباط را با تلاش و از خودگذشتگی برقرار کند تا افزون بر برداشته شدن موانع پذیرش اعمال او، از برکات دنیوی و اخروی ارتباط با خویشاوندان بهره مند شود.

5. تهیه مال و توشه حلال

اشاره

از دیگر آداب مهم و واجب عمره و حج، مال و توشه حلال است. حج گزار باید، هم هزینه اصل سفر و هم هزینه آنچه را در این سفر با خود به همراه می برد از اموال حلال و پاک تهیه کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

مَنْ اِكْتَسَبَ مَالًا حَرَامًا، لَمْ يَقْبَلِ اللهُ مِنْهُ صَدَقَةً وَلَا عِتْقًا وَلَا حَجًّا وَلَا اِعْتِمَارًا. (2) کسی که مالی را از راه حرام کسب کند، خداوند از او صدقه و آزادی برده و حج و عمره ای را نمی پذیرد.

(1). الکافی، ج 2، ص 152؛ وسائل الشیعه، ج 19، ص 68.

(2). وسائل الشیعه، ج 11، ص 145؛ بحار الانوار، ج 73، ص 362.

همچنین آن حضرت فرمود:

هرگاه مردی با مال حلال برای حج خانه خدا خارج شود و پایش را در رکاب قرار دهد و ندای «لبيك اللهم لبيك» را سر دهد، منادی از آسمان ندا می دهد: «لبيك وسعديك»؛ توشه و مرکب تو حلال است و حج تو پذیرفته است و در آن گناهی نیست. اما اگر با مال ناپاک از خانه خارج شود و پایش را در رکاب گذارد و ندا به «لبيك...» سر دهد، منادی از آسمان چنین پاسخ گوید: «لا لبيك ولا سعديك»؛ توشه و هزینه ات حرام و حج تو، گناه آلود است و پذیرفته نمی شود. (1)

امام کاظم علیه السلام نیز فرمود:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ حَجِّ صَدْرُورَتِنَا وَمُهُورُ نِسَائِنَا وَأَكْفَانُنَا مِنْ طَهْوَرِ أَمْوَالِنَا. (2) ما اهل بیتی هستیم که هزینه حج و مهر زنان و کفن خود را از اموال پاک خویش تهیه می کنیم.

مال حرام آن چنان نزد خداوند متعال مغضوب است که حتی مقدار اندک آن در هزینه این سفر، مانع قبولی حج یا عمره می شود؛ چنان که امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ تَجَهَّزَ وَفِي جَهَّازِهِ عَلَمٌ حَرَامٌ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ الْحَجَّ»؛ (3) «کسی که بار سفر حج را ببندد و میان توشه او پرچمی حرام وجود داشته باشد، خداوند حج او را نمی پذیرد».

شاعری عرب، این مضمون را چنین آورده است:

حَجَّجْتَ بِمَالٍ أَصْلُهُ سُحْتٌ فَمَا حَجَّجْتَ وَلَيْكِنْ حَجَّجْتَ الْعَبِيرُ

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا كُلَّ طَيِّبَةٍ مَا كُلُّ مَنْ حَجَّ بَيْتَ اللَّهِ، مَبْرُورٌ (4)

اگر با مالی که اصل آن حرام است حج به جا آوردی، در حقیقت تو حج به جا

(1). مجمع الزوائد، ج 10، ص 292؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 144.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 189؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 144.

(3). وسائل الشیعه، ج 11، ص 164؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 259.

(4). ربیع الابرار و نصوص الاخیار، ج 2، ص 297.

نیاورده ای؛ بلکه شتر تو حج کرده است. خداوند جز چیزهای پاک را قبول نمی کند و این گونه نیست که هرکس حج خانه خدا را به جا آورد، قبول شود.

«شهید مطهری» در توضیح این شعر می گوید:

در آن عصر چون مرکب سفر، شتر بوده، این تعبیر به کار رفته است. ولی در عصر حاضر درباره کسی که با مال حرام، حج به جا می آورد باید چنین گفته شود: «فَمَا حَجَّجْتَ وَلِيَكِنَّ الطَّيَّارَةَ وَالسَّيَّارَةَ»؛ (1) «پس تو حج به جا نیاورده ای؛ بلکه هواپیما و ماشین حج به جا آورده است».

اقسام مال حرام

مال حرام انواع و اقسام متعددی دارد و در برخی روایات، به برخی از اموال و درآمدهای حرام که مانع پذیرش حج یا عمره می شود، اشاره شده است؛ از جمله در حدیثی امام باقر علیه السلام فرمود:

مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ غُلُولٍ أَوْ رِبَاً أَوْ خِيَانَةٍ أَوْ سَرِقَةٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي زَكَاةٍ وَلَا صَدَقَةٍ وَلَا حَجٍّ وَلَا عُمْرَةٍ. (2) کسی که مالی را از راه فریب، ربا، خیانت یا سرقت به دست آورد و با آن زکات یا صدقه دهد یا به حج یا عمره رود، خداوند هیچ یک از این اعمال را از او نمی پذیرد.

موارد ذکر شده در این روایت، از باب ذکر مصداق است؛ نه اینکه مال حرام، منحصر در این راه ها باشد. در واقع مال حرام از هر راهی به دست آید، مغضوب خداوند است و عبادت با آن پذیرفته نمی شود؛ اعم از اینکه از راه فریب، ربا، خیانت یا سرقت باشد یا از راه های دیگر، تحصیل گردد؛ مانند گرفتن رشوه، انجام دادن معاملات غیر شرعی و غیرقانونی یا اموالی که خمس و زکات آنها خارج نشده است یا اموالی که حق دیگری در آن قرار دارد.

(1). یادداشت های استاد مطهری، ج 6، ص 520.

(2). الامالی، صدوق، ص 527؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 145.

بنابراین، همه مؤمنان به ویژه زائران خانه خدا، باید توجه به حلال بودن درآمدهای خود داشته باشند و سعی کنند از مسائل شرعی مربوط آگاهی یابند؛ زیرا افراد در بسیاری از موارد، به سبب آشنا نبودن با مسائل شرعی، گرفتار اموال حرام یا شبهه ناک می شوند. به همین علت در روایات اسلامی بر آشنایی با احکام شرع، قبل از تجارت تأکید زیادی شده است؛ از جمله در روایتی، امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُنْتَجِرَ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمُنْتَجِرَ وَاللَّهِ لَلرَّيْبِ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا. (1) ای گروه تاجران! پس از شناخت احکام، تجارت کنید. پس از شناخت احکام، تجارت کنید. پس از شناخت احکام، تجارت کنید. به خدا سوگند! نفوذ ربا در این امت، پنهان تر از راه رفتن مورچه بر سنگ صاف است.

6. شناخت مناسک و احکام مورد نیاز

از دیگر آداب و مقدمات سفر عمره و حج، آشنایی زائر خانه خدا با احکام مرتبط سفرش است؛ زیرا حج گزار نمی تواند بدون این آشنایی، اعمالش را صحیح به جا آورد و بی شک، عمل ناصحیح، مقبول پروردگار نخواهد بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى»؛ (2) «حج را با دین و تقوه کامل انجام دهید». همچنین حضرت فرمود: «تَعَلَّمُوا مَنَاسِكَكُمْ فَإِنَّهَا مِنْ دِينِكُمْ»؛ (3) «مناسک حجتان را یاد بگیرید؛ زیرا این مناسک جزو دین شماست».

ضرورت شناخت احکام و مناسک حج، چنان است که پس از اتمام بنای کعبه، جبرئیل امین علیه السلام نزد حضرت آدم علیه السلام آمد و به او فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ

(1). الکافی، ج 5، ص 150؛ من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 195.

(2). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 174؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 23.

(3). کنز العمال، ج 5، ص 23؛ الجامع الصغیر، ج 1، ص 510.

لَاَعْلَمَكَ الْمَنَاسِكَ الَّتِي تَطْهَرُ بِهَا»؛ (1) «همانا خداوند عزوجل، مرا به سوی تو فرستاد تا مناسک و اعمالی را که با آن پاک می شوی، به تو تعلیم دهم».

آن گاه، جبرئیل دست حضرت آدم علیه السلام را گرفت و با بردن آن حضرت به مکان های مناسک حج، همه احکام را به ایشان تعلیم داد. (2) همچنین وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام با حضرت اسماعیل علیه السلام خانه کعبه را تجدید بنا کردند، دست به دعا برداشتند و گفتند: (رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنَا مَنَاسِكَنَا)؛ «پروردگارا! ما و فرزندانمان را فرمانبردار خویش گردان و مناسکمان را به ما بیاموز». (بقره: 128)

در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است که پس از این تقاضا، جبرئیل علیه السلام نازل شد و نخست آنان را به غسل کردن قبل از ورود به حرم فرمان داد و سپس چگونگی محرم شدن و تلبیه گفتن و انجام دادن هر یک از اعمال حج را به آنان آموزش داد. (3)

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز قبل از آخرین سفر حج خود که به «حجه الوداع» مشهور شد، مأمورانی را به سرزمین های اسلامی فرستاد و به همگان اعلام کرد، هرکس می خواهد مناسک حج را یاد بگیرد، در این سفر، آن حضرت را همراهی کند. آن حضرت در موارد متعدد سفر حج برای مسلمانان خطبه خواند و مناسک حج را به آنان تعلیم داد؛ از جمله در روایتی نقل شده است:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا كَانَ قَبْلَ يَوْمِ التَّرْوِيَةِ يَوْمِ خَطْبِ النَّاسِ فَأَخْبَرَهُمْ بِمَنَاسِكِهِمْ. (4) رسول خدا صلی الله علیه و آله یک روز پیش از روز تروییه، برای مردم خطبه می خواند و مناسکشان را به آنها می آموخت.

اما اگر حج گزاران کوتاهی کنند و احکام ضروری این مناسک را فراموش کنند، علاوه بر این که ممکن است اعمالشان باطل شود، خداوند نیز آنها را بازخواست خواهد کرد و

(1). الکافی، ج 4، ص 191؛ علل الشرایع، ج 2، ص 400.

(2). همان.

(3). الکافی، ج 4، ص 202؛ علل الشرایع، ج 2، ص 586.

(4). کنز العمال، ج 7، ص 91؛ السنن الکبری، ج 5، ص 111.

جهل آنان به مناسک و احکام شرعی، دلیل پذیرفته شده ای در محضر پروردگار نخواهد بود؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، عَبْدِي، أَكُنْتَ عَالِمًا؟ فَإِنْ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ لَهُ: أَفَلَا عَمِلْتَ بِمَا عَلَّمْتَ؟ وَإِنْ قَالَ: كُنْتُ جَاهِلًا، قَالَ لَهُ: أَفَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ؟ فَيَخْصِمُهُ. (1) خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت به بنده اش می گوید: بنده من! آیا عالم بودی و می دانستی؟ پس اگر بگویند بله، خداوند به او می گوید: چرا به آنچه می دانستی عمل نکردی؟ و اگر بگویند جاهل بودم، خداوند به او می گوید: پس چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی؟ و با این روش، خداوند از بنده بازخواست می کند.

برای آشنایی با احکام مورد نیاز، راه ها و شیوه های متعددی وجود دارد؛ مانند رجوع به مناسک حج مراجع تقلید و دیگر کتب مربوط به احکام حج و عمره. البته چون مسائل حج و عمره، تخصصی است، زائران نباید فقط به مطالعه خودشان بسنده کنند؛ بلکه ضرورت دارد با مراجعه نزد عالمان و متخصصان، احکام خود را از آنان بپرسند. گفتنی است در عصر حاضر روحانیانی برای کاروان های زائران تعیین شده اند که آنان با تشکیل جلساتی، قبل و در زمان سفر، مسائل مورد نیاز را به زائران آموزش می دهند.

البته گاهی مشاهده می شود عده ای از زائران خانه خدا، به ویژه در سفرهای عمره، از شرکت در جلسات آموزش مناسک خودداری می کنند؛ زیرا برخی معتقدند سواد کافی را دارند و می توانند با مراجعه به مناسک مراجع تقلید یا دیگر منابع، پاسخ مسائل شرعی خود را بیابند. برخی دیگر نیز فکر می کنند چند بار به حج یا عمره آمده اند، از این رو نیازی به شرکت مجدد در این جلسات ندارند یا گمان می کنند چون فرصت سفر کوتاه است، باید وقت گرانبهای خود را به کارهای مهم تر که رفتن به زیارت و خواندن نماز و تلاوت قرآن در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالحرام است اختصاص دهند. اما باید توجه داشت بر اساس سفارشات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، هیچ یک از این دلایل، پذیرفتنی نیست،

(1). الامالی، مفید، ص 227؛ الامالی، طوسی، ص 9.

ص: 97

بنابراین باید این عزیزان به این نکات توجه داشته باشند:

اولاً، مسائل حج و عمره، تخصصی است؛ به طوری که عموم حج گزاران نمی توانند با رجوع به مناسک مراجع تقلید یا مطالعه یک یا چند کتاب، به طور صحیح با این احکام و مسائل آشنا شوند.

ثانیاً، احکام و مناسک عمره و حج به قدری فراوان است که افراد غیرمتخصص با آمدن چند سفر یا مطالعه چند کتاب نمی توانند همه مسائل را فرا گیرند. مؤید گستردگی مسائل حج و عمره، روایتی از «زراره» است که روزی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

فدای شما شوم. حدود چهل سال است که درباره حج از شما می پرسم و شما پیوسته جواب می دهید. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: ای زراره! می خواهی مسائل خانه ای که دوهزار سال قبل از پیدایش آدم علیه السلام حج گزارده می شد، در چهل سال به پایان برسد. (1)

افزون بر احکام اختصاصی عمره و حج، احکام بسیار دیگری مانند مسائل وضو، غسل، تیمم، قرائت نماز، خمس و زکات وجود دارد که شناخت آنها بر زائر خانه خدا ضروری است.

ثالثاً، هرچند قرائت قرآن و نماز و زیارت دارای پاداشی عظیم نزد خداوند است، ولی حضور در مجالس فراگیری علم و آشنایی با مسائل و احکام دینی، پاداشی بزرگ تر نزد خداوند دارد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره به ابوذر فرمود:

يَا أَبَا ذَرٍّ الْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مَذَاكِرِهِ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ إِلَهُ تَعَالَى مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ كُلِّهِ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ عَلَيْكُمْ بِمَذَاكِرِهِ الْعِلْمِ فَإِنَّ بِالْعِلْمِ تَعْرِفُونَ الْحَلَالَ مِنَ الْحَرَامِ يَا أَبَا ذَرٍّ الْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مَذَاكِرِهِ الْعِلْمِ خَيْرٌ لَكَ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ صِيَامِ نَهَارِهَا وَقِيَامِ لَيْلِهَا. (2) ای ابوذر! نزد خداوند، نشستن یک ساعت در مجلس علم، از تلاوت و ختم دوازده هزار مرتبه قرآن کریم محبوب تر است. بر شما باد به گفت و گوی مباحث

(1). من لايحضره الفقيه، ج 2، ص 519؛ وسائل الشيعه، ج 11، ص 12.

(2). مستدرک الوسائل، ج 5، ص 396؛ جامع احاديث الشيعه، ج 15، ص 459.

علمی؛ زیرا با داشتن علم است که حلال و حرام خدا شناخته می شود. ای ابوذر! نزد خداوند، نشستن یک ساعت در مجلس علم، از عبادت یک سال شخصی که روزهای آن را روزه بگیرد و شب هایش را به عبادت بپردازد، برتر است.

همان گونه که در روایت اشاره شده است، با داشتن علم، می توان حلال و حرام الهی را شناخت و به آنها عمل کرد. بر این اساس، نشستن در مجالس علمی و آگاه شدن از مناسک و احکام مورد نیاز، افزون بر اینکه یک ضرورت دینی برای مؤمنان است، پاداشی بزرگ نزد خداوند تبارک و تعالی دارد؛ به طوری که دستیابی به چنین پاداشی، با تلاوت قرآن یا نماز در مسجدالحرام یا مسجدالنبی صلی الله علیه و آله جبران نخواهد شد.

گفتنی است که در این جلسات، زائران علاوه بر احکام و مسائل شرعی، با مباحث اعتقادی، اخلاقی، تاریخی و دیگر معارف دینی نیز آشنا می شوند. بی تردید این افزایش سطح معرفت و دانش، موجب افزایش پاداش اعمال آنان نزد خداوند نیز می شود؛ زیرا بر اساس آیات قرآن و روایات متعدد، درجه و مقام دانیان با نادانان، مساوی نیست (1) و خداوند در آخرت به اندازه علم و معرفت افراد، به اعمال آنان پاداش می دهد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الْمَعْرُوفُ بِقَدْرِ الْمَعْرِفَةِ»؛ (2) «احسان و دادن پاداش به اندازه معرفت افراد است».

7. نوشتن وصیت نامه

اشاره

از توصیه های اکید اسلام به مسلمانان در همه احوال، به ویژه هنگام نزدیک شدن مرگ و رفتن به مسافرت، نوشتن وصیت است؛ چنان که خداوند می فرماید:

(كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ) (بقره: 180)

نوشته شده است بر شما که چون مرگ یکی از شما فرارسد، اگر مالی بر جای

(1). زمر: 9.

(2). بحارالانوار، ج 44، ص 196.

ص: 99

گذاشته، برای پدر و مادر و خویشاوندان خود به طور پسندیده وصیت کند و این حقی است بر پرهیزکاران.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ»؛ (1) «کسی که بدون وصیت بمیرد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است». همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ رَكَبَ رَاحِلَةً فَلْيُؤْصِرْ»؛ (2) «کسی که بر مرکبی سوار می شود [و قصد سفر دارد] باید وصیت کند». امام رضا علیه السلام نیز خطاب به زائران خانه خدا فرمود:

إِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ إِلَى الْحَجِّ... أَوْصَيْتَ...، لِأَنَّكَ لَا تَدْرِي كَيْفَ يَكُونُ، عَسَى أَنْ لَا تَرْجِعَ مِنْ سَفَرِكَ. (3) هرگاه قصد خروج به حج را داشتی... وصیت کن...؛ زیرا تو نمی دانی که چه پیش می آید. ممکن است که از این سفر بازنگردی.

فقها با توجه به این گونه از آیات و روایات، گفته اند: اگر کسی حق یا دین واجبی بر عهده دارد، اعم از حقوق الهی همچون نماز و روزه یا حقوقی که مردم بر ذمه او دارند، مانند بدهی مالی، نوشتن وصیت بر وی واجب است؛ هرچند قصد مسافرت به جایی را نداشته باشد. اما برای کسی که حق یا دین واجبی بر ذمه ندارد، نوشتن وصیت مستحب است. (4) البته از آنجایی که احتمال خطر در سفرها، به ویژه سفرهای دور و طولانی، زیادتر می شود بر نوشتن وصیت در این هنگام تأکید بیشتری شده است.

نکته دیگری که نوشتن وصیت را هنگام سفر عمره و حج، دو چندان می کند، آن است که سفر عمره و حج، سفر توبه و بازگشت به سوی خداوند است و چنان که اشاره شد، یکی از شرایط توبه و قبولی این مناسک، پرداخت حقوق، اعم از حقوق الهی و حقوق مردم است و چون زائر خانه خدا ممکن است فرصت ادای همه حقوق خود را

(1). وسائل الشیعه، ج 19، ص 259؛ جامع احادیث الشیعه، ج 19، ص 167.

(2). الکافی، ج 4، ص 542؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 369.

(3). مستدرک الوسائل، ج 8، ص 122؛ جامع احادیث الشیعه، ج 16، ص 435.

(4). جواهر الکلام، ج 25، ص 44؛ مهذب الاحکام، ج 7، صص 338 و 339.

قبل از سفر نداشته باشد، ضرورت دارد که وصیت کند و ضمن تعیین وضعیت اموال خود و تعیین وظایف اهل و فرزندان، تکلیف حقوق باقیمانده بر ذمه خویش را نیز معین کند تا مانعی برای پذیرش توبه و نیز حج یا عمره اش باقی نماند.

الف) وصیت نیکو نمودن

براساس آیات و روایات، مؤمنان و زائران خانه خدا، موظف اند که وصیت خود را به شیوه ای نیکو و پسندیده انجام دهند و دستور شرع و عدالت را در وصیت مراعات کنند؛ چنان که خداوند می فرماید: (الْوَصِيَّةُ لِلْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا)؛ «وصیت برای والدین و خویشاوندان باید نیکو و معروف باشد». (بقره: 180)

همچنین خداوند در آیه ای دیگر می فرماید: (مَنْ بَعَدِ وَصِيَّتِهِ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ)؛ «تقسیم ارث باید بعد از عمل به وصیت یا دیون میت باشد؛ وصیت و دینی که ضرری به کسی وارد نکند». (نساء: 12)

امام رضا علیه السلام نیز به حج گزاران چنین سفارش کرده است: «إِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ إِلَى الْحَجِّ... أَوْصَيْتَ... وَأَحْسَنْتَ الْوَصِيَّةَ»؛ (1) «هرگاه قصد خروج به حج را داشتی... وصیت کن... و این وصیت را نیکو و پسندیده به جای آور.»

در آموزه های اسلامی، وصیت پسندیده، جایگاه ویژه ای دارد؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ مَاتَ عَلَى وَصِيَّتِهِ حَسَنَةً مَاتَ شَهِيدًا»؛ (2) «کسی که با وصیت نیکو از دنیا برود شهید از دنیا رفته است». امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

کسی که در وصیتش عدالت را رعایت کند، مثل این است که در زمان حیاتش، آن اموال را در راه خدا صدقه داده است و اگر کسی در وصیتش ظلم کند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می کند که خداوند از او رویگردان است. (3)

(1). مستدرک الوسائل، ج 8، ص 122؛ بحارالانوار، ج 96، ص 334.

(2). مستدرک الوسائل، ج 2، ص 117؛ جامع احادیث الشیعه، ج 3، ص 138.

(3). الکافی، ج 7، ص 58؛ علل الشرایع، ج 2، ص 567.

بی تردید، وصیت نیکو آن است که وصیت کننده بر اساس شرع و دستور الهی عمل کند و حقوق همگان را هنگام وصیت در نظر بگیرد. برخی شاخصه های مهم چنین وصیتی بر اساس آیات قرآن و روایات عبارت است از:

اولاً: وصیت نباید موجب ضرر به کسی شود؛ مانند اینکه وصیت کننده، برخی یا همه ورثه را از ارث محروم کند یا به بیش از یک سوم مال که اختیار شرعی دارد، برای خود وصیت نماید. هر یک از این موارد و همانند آنها، مصداق ضرر به ورثه است که در برخی روایات، ضرر رساندن به ورثه از گناهان کبیره شمرده شده است. (1)

ثانیاً: عدالت را در اجرای وصیت رعایت کند و به هر یک از ورثه به اندازه حقی بدهد که خداوند برای آنان تعیین کرده است و برخی از ورثه را بدون هیچ دلیل شرعی و عقلایی بر دیگری ترجیح ندهد.

ثالثاً: تمامی بدهکاری های مالی و غیرمالی خود را در وصیت بیان کند؛ مانند بدهی به افراد حقیقی یا حقوقی، مهریه همسر، نماز یا روزه واجب قضا شده، خمس و زکات پرداخت نشده، امانت دیگران و حج واجبی که از خود یا دیگری بر ذمه او قرار دارد.

رابعاً: اگر طلبی از فرد یا افرادی دارد، تکلیف آن را مشخص کند.

خامساً: مستحب است که وصیت کننده از ثلث اموال خود برای خویشاوندان فقیری که ارثی به آنان نمی رسد و نیز راه های خیری همچون ساختن مسجد یا مدرسه، مبلغی مشخص را وصیت کند.

شایسته است وصیت کننده، محل دفن خود را نیز معین کند و اگر برای او سرزمین معینی خصوصیت ندارد، بهتر است وصیت کند که در صورت فوت در سفر حج، در مکه یا مدینه دفن شود که مرگ در این سرزمین و دفن در آن، فضیلت فراوانی دارد که در مباحث آینده به برخی روایات مربوط به این موضوع اشاره خواهیم کرد.

(1). وسائل الشیعه، ج 19، ص 268؛ جامع احادیث الشیعه، ج 19، ص 172.

حکمت تأکید بر نیکو نگاشتن وصیت، آن است که از بروز اختلافات میان وارثان جلوگیری شود. برای نوشتن وصیت نیکو و شایسته، بهتر است وصیت زیر نظر عالمان دین نوشته شود. همچنین اگر اموال باقی مانده، زیاد و درخور توجه است، بهتر است پس از نوشتن وصیت، آن را به ثبت محضری رسانند و برای اجرای دقیق آن، ناظر یا ناظرانی نیز قرار دهند تا از هرگونه تخلف و اختلاف جلوگیری شود.

8. انتخاب همسفر شایسته

اشاره

از توصیه های دیگر اهل بیت علیهم السلام هنگام رفتن به سفر، به ویژه سفر حج و عمره، آن است که شخص، تنها سفر نکند و برای خود، همراه و رفیقانی برگزیند؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الرَّفِيقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ»؛ (1) «هنگام سفر، اول رفیق را انتخاب کنید، سپس به مسافرت روید».

همچنین آن حضرت در وصیتی به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا علی! هیچ گاه تنهایی به مسافرت نرو؛ زیرا شیطان همراه فرد تنهاست و او از دو نفر دورتر است». (2) در حدیثی دیگر، «اسماعیل بن جابر» می گوید:

من در مکه نزد امام صادق علیه السلام بودم که شخصی از مدینه به مکه آمده بود. امام علیه السلام به او فرمود: «با چه کسی به مکه آمده ای؟» او گفت: «به تنهایی آمدم». حضرت به او فرمود: «یک نفر، شیطان است؛ دو نفر نیز شیطان اند. سه نفر، همراه اند و چهار نفر رفیق اند». (3)

از مجموع این روایات استفاده می شود که اسلام، تک روی و کناره گیری از دیگران را در خوردن، خوابیدن یا مسافرت کردن، ناپسند می شمارد. سبب چنین سفارشی آن است که افراد از خطرات جسمی یا روحی تک روی مصون مانده و از برکات مادی و معنوی داشتن همراه بهره مند شوند.

(1). الکافی، ج 4، ص 286؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 278.

(2). الکافی، ج 8، ص 302؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 277.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 277؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 411.

البته مذموم شمردن تنها بودن در این کارها مربوط به زمانی است که امکان حضور فرد میان جمع و گروه وجود داشته باشد. اما اگر شخص مجبور به خوردن یا خوابیدن یا سفر به تنهایی باشد، تنهایی اش ناپسند نیست و نهی در روایات، شامل وی نمی شود.

ویژگی های همسفر شایسته

اشاره

انسان باید در انتخاب همسفر خود، به ویژه در سفر عمره و حج، بسیار دقت کند تا همسفری شایسته برگزیند که از صفات و ویژگی های نیک برخوردار است؛ زیرا همسفر خوب، شخص را در بهره مندی از برکات معنوی و دوری از صفات ناشایست یاری می کند. اما همسفر ناشایست با مشغول کردن زائر به سخنان و اعمال لغو و گناه آلود، وی را از هدف اصلی دور می سازد. بر این اساس، در روایات اهل بیت علیهم السلام سفارش شده است که در طول زندگی، دوست و هنگام مسافرت، همسفری برگزیند که از صفات پسندیده برخوردار باشد. در اینجا به برخی از این ویژگی ها که در روایات بر آن تأکید شده است، اشاره می کنیم:

الف) همشان بودن

انسان در سفر باید رفیقی را برگزیند که از نظر مالی، همشان و همسطح او باشد و برتری بر وی نداشته باشد؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا صَحَبْتَ فَاصْ حَبَّ نَحْوِكَ وَلَا تَصْحَبَنَّ مَنْ يَكْفِيكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ مَذَلَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ. (1) هنگامی که با کسی همسفر شدی، پس با مثل خودت همراه شو و با کسی که هزینه تو را تأمین می کند، همسفر مشو که این کار موجب ذلت مؤمن است.

در واقع اگر فردی با بالاتر از خود همراه و همنشین شود، ممکن است فرد پولدار در سفر گشاده دستی کند و بیشتر هزینه کند و همین باعث خوار شدن دیگر همسفران شود؛ چنان که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام «عبدربه» که وضع مالی خوبی داشت، می گوید:

(1). الکافی، ج 4، ص 286؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 279.

به امام صادق علیه السلام گفتم: «شما از حال من آگاهید و بذل و بخشش من را به برادران دینی ام می دانید. آیا می توانم با بعضی از آنها در راه مکه همراه شوم و به آنها بذل و بخشش کنم؟» حضرت فرمود: «ای شهاب! چنین مکن؛ زیرا اگر تو آنچه داری به آنان ببخشی و آنان نیز در هزینه کردن همانند تو زیاده روی کنند به آنان ستم کرده ای و اگر آنان از خرج کردن خودداری کنند، آنها را ذلیل کرده ای. پس با امثال خود همسفر شو». (1)

البته اگر همراهی این اشخاص به گونه ای باشد که باعث شرمندگی و یا زمینه ارتکاب عمل خلاف شرع دیگری فراهم نشود، همسفر بودنشان ایرادی نخواهد داشت.

(ب) انداختن انسان به یاد خدا

از دیگر ویژگی های همراه شایسته، آن است که همنشینی و همراهی با او انسان را به یاد خدا بیندازد و فرد را تشویق به انجام دادن کارهای خیر کند؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

حواریون حضرت عیسی علیه السلام از آن حضرت سؤال کردند که با چه کسی همنشینی کنیم؟ ایشان در پاسخ فرمود: « مَنْ يُدْكِرْكُمْ اللَّهَ رُؤْيَاهُ وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ وَيُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ »؛ (2) «کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد و گفتارش بر دانش شما بیفزاید و عملش شما را به آخرت ترغیب کند».

(ج) اهتمام به اوقات نماز و کمک به دیگران

از دیگر صفات و ویژگی های همراه شایسته، مواظب بر اوقات نمازها و کمک کردن به دیگران در همه حالات است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصْمَتَيْنِ، فَإِنْ كَانَتَا فِيهِمْ وَإِلَّا فَأَعْرَبْ ثُمَّ اعْرَبْ ثُمَّ اعْرَبْ: مُحَافَظَةً عَلَى الصَّلَاةِ فِي مَوَاقِيتِهَا وَالْبِرَّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ. (3)

(1). من لايحضره الفقيه، ج 2، ص 279؛ وسائل الشيعه، ج 11، ص 413.

(2). الكافي، ج 1، ص 39؛ وسائل الشيعه، ج 12، ص 23.

(3). الكافي، ج 2، ص 672؛ وسائل الشيعه، ج 12، ص 147.

برادرانتان را با دو ویژگی امتحان کنید که اگر این دو ویژگی در آنها وجود داشت با آنان همراه باشید و در غیر این صورت از آنان فاصله بگیرید، پس فاصله بگیرید، پس فاصله بگیرید. نخست مواظبت بر اوقات نماز و دیگری نیکی کردن به برادران در سختی و رفاه.

(د) داشتن اخلاق نیک

از دیگر ویژگی های مسافر و همنشین سفر حج و عمره، داشتن اخلاق نیک است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از سفرهای حج، خطاب به همراهان فرمود: «مَنْ كَانَ سَيِّئِ الْخُلُقِ وَالْجَوَارِ فَلَا يَصَدِّحَبْنَا»؛ (1) «کسی که بد اخلاق و بد همنشین است، با ما همراه نشود».

به علت اهمیت زیاد اخلاق نیک و نیز اینکه در روایات دیگر، امامان معصوم علیهم السلام آن را یکی از آداب حج گزار دانسته اند، در فصل بعدی با تفصیل بیشتر به این موضوع می پردازیم.

افزون بر خصلت های ذکر شده، در احادیث امامان معصوم علیهم السلام ویژگی های دیگری نیز برای همنشین انسان در سفر ذکر شده است؛ مانند زینت بودن برای همراهان، اهل مشورت بودن، خنده رو بودن، کریمانه برخورد کردن در زاد و توشه، همراهی کردن با رفیقان هنگام حرکت یا توقف، قرض دادن به رفیقان، گوش دادن به سخن فرد بزرگ تر و پاسخ مثبت دادن به درخواست های همسفران. (2)

مرد حاجی همره حاجی طلب خواه هند و خواه ترک و یا عرب

منگر اندر نقش و اندر رنگ او بنگر اندر عزم و در آهنگ او

گر سیاه است و هم آهنگ تو است تو سپیدش دان که هم رنگ تو است (3)

زائر خانه خدا باید توجه داشته باشد که خود نیز مسافر این خانه است و برای دیگر زائران، همنشین و همراه به شمار می رود. از این رو سزاوار است همان گونه که انتظار

(1). مکارم الاخلاق، ص 251؛ بحار الانوار، ج 73، ص 273.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، صص 278-297؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 440.

(3). مثنوی، دفتر یکم، بیت: 2894-2896.

دارد همراهان او دارای این صفات نیک باشند، باید بکوشد تا خودش نیز همنشین و همراه شایسته ای برای دیگر زائران خانه خدا باشد.

به همراه بردن خانواده و خویشاوندان

بسیاری از مسلمانان در کشورهای اسلامی، از جمله ایران، سفرهای زیارتی را به تنهایی یا با همسرشان به جا می آورند و اندک اند کسانی که فرزندان و دیگر خویشاوندان را با خود در این سفرها همراه کنند؛ درحالی که سیره اهل بیت علیهم السلام بر خلاف این روش بوده است؛ به طوری که در بسیاری از اوقات، این سفرها را با همراهی خانواده و خویشاوندان به جا می آوردند؛ چنان که «ام سلمه» از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید: «حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِجَّةَ الْوُدَّاعِ بِأَزْوَاجِهِ»؛ (1) «رسول خدا صلی الله علیه و آله حجه الوداع را با همراهی همسرانش انجام داد».

امام باقر علیه السلام نیز درباره یکی از سفرهای حج امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُحْرِمًا وَمَعَهُ بَعْضُ صِبْيَانِهِ»؛ (2) «علی علیه السلام در حال احرام بود و برخی از بچه های کوچک آن حضرت نیز همراه ایشان بودند». «علی بن جعفر»، برادر امام کاظم علیه السلام نیز می گوید:

با برادرم موسی بن جعفر علیه السلام در چهار سفر به سوی مکه پیاده حرکت کردیم؛ درحالی که در این سفرها، خانواده و اهل بیت آن حضرت، ما را همراهی می کردند. پیاده روی ما در سفر نخست، 26 روز و در سفر دوم، 25 روز و در سفر سوم، 26 روز و در آخرین سفر، 21 روز به طول انجامید. (3)

به همراه بردن خانواده و فرزندان، افزون بر اینکه در غالب موارد، یار و همراه شایسته ای برای حج گزار به شمار می روند، نقش زیادی نیز در شکل گیری شخصیت دینی، فرهنگی و اجتماعی آنان دارد و در بیشتر موارد سبب می شود، فرزندان به برکت این سفرها، در مسیر

(1). الامالی، طوسی، ص 475؛ بحارالانوار، ج 22، ص 243.

(2). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 67؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 482.

(3). قرب الاسناد، ص 299؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 317.

صحیح و مستقیم الهی قرار گیرند و افکار و اعتقادات دینی آنان تقویت و استحکام یابد. از این رو به مؤمنانی که توانایی مالی دارند توصیه می شود که در سفرهای زیارتی همچون سفر عمره و عتبات که امکان همراهی خانواده در آنها بیشتر است به این سیره اهل بیت علیهم السلام اقتدا کنند و خانواده و فرزندان خود را نیز همراه خود ببرند.

9. اعلام سفر و بدرقه زائر

اشاره

از دیگر آداب سفر زیارتی، آن است که زائر، سفر خود را به همگان اعلام و با آنان خداحافظی کند؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

حَقُّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ وَحَقُّ عَلَى إِخْوَانِهِ إِذَا قَدِمَ أَنْ يَأْتُوهُ. (1) بر گردن شخص مسلمان، آن است که هرگاه قصد سفری کرد، برادران مسلمان خود را از سفر خود باخبر سازد و هنگام بازگشت، دیگران به دیدارش بروند.

اعلام کردن سفر خود به دیگران، به ویژه سفر حج و عمره که از سفرهای مهم انسان در طول زندگی است، آثار و برکات دنیوی و اخروی فراوانی به همراه دارد. یکی از این برکات، تعظیم شعائر الهی است که قرآن کریم آن را نشانه تقوای قلوب می شمرد و می فرماید: (وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ)؛ «و هرکس شعائر الهی را بزرگ بشمارد، کار آنان نشانگر پرهیزکاری دل هاست». (حج: 32)

زیرا با اعلام سفر عمره و حج میان مؤمنان و بدرقه کردن وی از سوی دیگران، نام و یاد حج و عمره در جامعه زنده می شود و بسیاری از افراد، اشتیاق انجام دادن حج و عمره در دل هایشان زنده می گردد و از خداوند متعال توفیق این سفر را تقاضا می کنند و حتی برای انجام دادن این عمل اقدام می کنند و این خود، نوعی تبلیغ و ترویج این مناسک الهی و مصداقی از تعظیم این مناسک خواهد بود.

فایده دیگر اعلام آن است که زائر با دیگران ارتباط برقرار می کند و ضمن تحقق زیارت

(1). الکافی، ج 2، ص 176؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 449.

مؤمن و صله رحم که خود ثوابی عظیم نزد خداوند دارد، مؤمنان از همدیگر حلالیت می طلبند و برخی کدورت هایی که ممکن است از یکدیگر داشته باشند از بین می رود.

همچنین هنگام خداحافظی، دیگران برای سلامتی و موفقیت و قبولی حج و عمره زائر و دیگر مسافران این سرزمین دعا می کنند و از زائران نیز التماس دعا می نمایند و او نیز در مقابل، خود را به دعا برای آنان ملزم می کند.

بدرقه معتمر و حج گزار

گفتنی است که در احادیث اهل بیت علیهم السلام به دیگر مؤمنان نیز سفارش شده است که هنگام سفر برادر دینی خود، به بدرقه او بروند و برای او در سفر آرزوی سلامتی و سعادت کنند؛ چنان که نقل شده است رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام مسافرت مؤمنان به بدرقه آنان می رفت و هنگام وداع چنین می فرمود:

رَوَدَكُمْ اللَّهُ التَّقْوَى وَوَجَّهَكُمْ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَقَضَى لَكُمْ كُلَّ حَاجَةٍ وَسَلَّمْ لَكُمْ دِينَكُمْ وَدُنْيَاكُمْ وَرَدَّكُمْ سَالِمِينَ إِلَى سَالِمِينَ. (1) خداوند تقوا را توشه راهتان قرار دهد و به سوی هر خیری شما را رهنمون سازد و همه حاجت های شما را برآورد و دنیا و دین شما را سالم نگه دارد و شما را سالم به سوی خویشان و دوستان بازگرداند.

در نقلی دیگر آمده است که آن حضرت هرگاه مسافری را بدرقه می کرد، دست او را می گرفت و می فرمود:

خداوند برای تو همسفرانی خوب قرار دهد و کمکش را درباره ات کامل گرداند و ناهمواری ها را برایت هموار سازد و دور را برای تو نزدیک سازد و مهم تو را کفایت کند و دین و امانت و عواقب کارت را برایت محفوظ دارد و تو را به سوی هر خیری رهنمون گرداند. تقوای الهی را پیشه کن. تو را به خدا می سپارم؛ بر برکت خداوند عزوجل حرکت کن. (2)

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 276؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 406.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 276؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 407.

امام صادق علیه السلام نیز به بدرقه گروهی از یاران خود که پیاده عازم حج بودند رفت و هنگام وداع با آنان دست به دعا برداشت و فرمود: «اللَّهُمَّ احْمِلْهُمْ عَلَى أَقْدَامِهِمْ وَسَكِّنْ عُرُوقَهُمْ»؛ (1) «خدایا آنان را توان راه پیمودن و آرامش نفس، عطا فرما».

از این گونه روایات، به دست می آید که بدرقه و وداع با مسافر، به ویژه زائر خانه خدا، از اعمال بسیار نیک است. بنابراین شایسته است مؤمنان نیز با پیروی از سنت ائمه معصوم علیهم السلام، از بدرقه مؤمنانی که عازم سفر عمره یا حج اند کوتاهی نکنند تا ضمن بزرگداشت شعائر الهی، از برکات این عمل نیز بهره مند شوند.

از نکات مهم و درخور توجه در این روایات، دعاهاى خاص اهل بیت علیهم السلام برای زائران این سرزمین است. پیشوایان دین افزون بر بدرقه مسافران حج و عمره، بسیاری از خیرات و نعمت های دنیوی و اخروی، همچون سلامتی بدن، سلامتی دین و دنیا، برآورده شدن حاجات، دفع موانع و مشکلات و بلکه نازل شدن همه خیرات و دفع همه بدی ها را برای مسافران از خداوند درخواست می کردند.

از این رو شایسته است مؤمنان نیز هنگام بدرقه مسافران خانه خدا از این سنت پیشوایان دین پیروی کنند و علاوه بر طلب دعا برای خود و دیگران، برای شخص مسافر نیز از خداوند متعال، سلامتی، موفقیت، بازگشت با حج مقبول و سعی مشکور را بخواهند.

10. غسل، نماز و... هنگام خروج از منزل

اشاره

به منظور آمادگی بیشتر زائر برای این سفر بسیار مهم معنوی و نیز حفظ خود و خانواده از خطرات و موانع پیش رو در احادیث منقول از معصومان علیهم السلام، آداب و اعمال خاصی برای سفر ذکر شده که شایسته است مؤمنان این آداب و توصیه ها را رعایت کنند. در اینجا به برخی از این آداب اشاره می کنیم:

(1). وسائل الشیعه، ج 11، ص 408؛ بحار الانوار ج 73، ص 280.

ص: 110

مستحب است زائر هنگام سفر و خروج از منزل، غسل کند(1) تا افزون بر طهارت جسم، روح خود را پاک و پاکیزه سازد؛ چنان که در روایتی ضمن توصیه به غسل هنگام سفر، خواندن این دعا سفارش شده است:

بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ وَاللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَالصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَنَوِّرْ بِهِ قَبْرِي. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَقَهٍ وَعَاهِهِ وَسُوءٍ وَمِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَطَهِّرْ قَلْبِي وَجَوَارِحِي وَعَظْمِي وَدَمِي وَشِدَائِي وَبَشَرِي وَمُخِي وَعَصَبِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنْهُ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شَاهِدًا يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (2) «سید بن طاووس» پس از ذکر این غسل، درباره نیت آن می نویسد:

مسافر برای این غسل می تواند چند نیت را تداخل کند؛ از جمله غسل توبه از همه گناهایی که آگاهانه یا ناآگاهانه مرتکب شده است، غسل حاجت، غسل زیارت، غسل استخاره (طلب خیر از خدا کردن)، غسل نماز، غسل دعا و اگر جمعه بود، غسل جمعه و اگر غسل واجب نیز بر ذمه داشت، نیت آن را در ذهن بیاورد و برای همه این نیت ها، یک غسل انجام دهد. (3)

ب) اقامه نماز و تودیع خانواده

از دیگر آداب سفر هنگام خروج از منزل، اقامه دو یا چهار رکعت نماز و به ودیعه سپردن خانواده نزد خداوند تبارک و تعالی پس از نماز است. (4) امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

(1). الحدائق الناضرة، ج 14، ص 42؛ کتاب الطهاره، شیخ انصاری، ج 2، ص 332.

(2). الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص 33؛ بحار الانوار، ج 73، ص 235.

(3). الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص 34.

(4). الحدائق الناضرة، ج 14، ص 42؛ العروه الوثقی، ج 2، ص 213.

شخص مسافر هیچ چیزی برای خانواده اش بهتر باقی نمی گذارد از اینکه هنگام سفر دو رکعت نماز بخواند و پس از نماز بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَذُرِّيَّتِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَاتِمَةَ عَمَلِي»؛ (1) «خدایا! من، خود و خانواده و مال و فرزندان و دنیا و آخرت و امانت و پایان کارم را به تو واگذار می کنم».

در پایان این روایت، امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ کس این دعا را بر زبان جاری نمی کند؛ مگر اینکه خداوند عزوجل خواسته او را عطا خواهد کرد». (2)

ج) قرائت سوره ها و دعایی خاص هنگام خروج

مستحب است مسافر هنگام سفر، در منزل بایستد و به طرفی که قصد حرکت به آن سمت را دارد سوره های «حمد»، «ناس»، «فلق»، «توحید» و «آیه الکرسی» را به طرف جلو و چپ و راست تلاوت کند و سپس این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَسَلِّمْنَا وَسَلِّمْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ. (3) خدایا! مرا و هرچه را همراه من است، نگه دار و من را و هرچه را با من است، سالم بدار و من را و هرچه را با من است، به گونه شایسته و زیبا به مقصد برسان.

امام صادق علیه السلام درباره برکات سوره ها و دعاهای مذکور فرمود:

اگر کسی این سوره ها و دعاها را قبل از سفر بخواند، خداوند، او و آنچه را همراه اوست، حفظ می کند و سالم نگه می دارد و او و آنچه را همراه اوست، به مقصد می رساند. آیا نمی بینید [کسی که خود را با آنچه همراه دارد به خدا نمی سپارد] گاه خود، حفظ می شود، ولی آنچه همراه اوست از بین می رود یا خود به مقصد می رسد، ولی آنچه همراهش است به مقصد نمی رسد یا خود سالم می ماند، ولی آنچه همراه اوست به سلامت نمی رسد. (4)

(1). الکافی، ج 3، ص 480؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 271.

(2). همان.

(3). جواهر الکلام، ج 18، ص 140؛ مستند الشیعه، ج 13، ص 346.

(4). الکافی، ج 2، ص 543؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 271.

از دیگر آداب سفر هنگام خروج از منزل، دادن صدقه به مستمندان و خواندن این دعا پس از دادن صدقه است:

اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَسَلَامَةَ سَفَرِي وَمَا مَعِيَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ. (1) خدایا! من با دادن این صدقه، سلامت خودم و سلامت سفرم و آنچه را با من است، خریدم. خدایا! مرا و آنچه را با من است، حفظ کن و مرا و آنچه را با من است، سالم نگه دار و مرا و آنچه را با من است، به گونه شایسته و زیبا به مقصد برسان.

دادن صدقه، بسیاری از آفات و خطرهای از جمله نحوست ایام را از بین می برد. در حدیثی «حماد بن عثمان» به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

آیا سفر در برخی ایام ناپسند کراهت دارد، مثل چهارشنبه یا غیر این روز؟ حضرت فرمود: سرفت را با صدقه آغاز کن و هر روزی که تمایل داشتی از منزل بیرون برو. (2)

(ه) گفتن ذکر خاص، هنگام خروج از منزل

مستحب است هنگام خروج از منزل برای مسافرت یا غیر مسافرت، این دعا خوانده شود:

بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (3) به نام خدا. به خدا ایمان آوردم و بر او توکل کردم. هر آنچه خداوند بخواهد همان واقع می شود. هیچ نیرو و قدرتی جز نیرو و قدرت خداوند وجود ندارد.

امام زین العابدین علیه السلام نیز درباره برکات گفتن این ذکر هنگام خروج از منزل فرمود:

هرگاه فردی از منزل خارج می شود، شیطان مقابل او قرار می گیرد و زمانی که «بسم الله» بگوید دو فرشته موکل به وی می گویند: این ذکر، تو را کفایت می کند و وقتی

(1). الحدائق الناضرة، ج 14، ص 43؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 327.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 269؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 375.

(3). مستند الشیعه، ج 13، ص 348؛ جواهر الکلام، ج 18، ص 142.

«آمنت بالله» بگوید: فرشتگان می گویند: هدایت شدی و زمانی که جمله «توكلت على الله» را بگوید، فرشتگان می گویند: خودت را حفظ کردی. در این هنگام شیطان از او دور می شود و شیاطین به هم می گویند: چگونه می توانیم به کسی که خدا، او را کفایت و هدایت و حفظ کرده است، آزاری برسانیم. (1)

(1). الكافی، ج 2، ص 541؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 383.

ص: 114

فصل سوم: آداب سفر عمره و حج

فصل سوم: آداب سفر عمره و حج

اشاره

ص: 115

با فرارسیدن زمان آغاز سفر عمره یا حج، زائر خانه خدا تمامی مقدمات لازم این سفر معنوی را فراهم کرده است و با خاطری آسوده، قدم در این سفر مقدس و روحانی می گذارد.

ولی همان گونه که برای قبل از شروع این سفر، آداب و مقدماتی ذکر شده است، برای خود سفر نیز آداب متعددی، در احادیث پیشوایان دین، بیان شده است که شایسته است زائر خانه خدا، همانند آداب پیش از سفر، به آنها اهتمام ورزد تا بتواند از برکات مادی و معنوی این سفر برخوردار شود و با عمره و حجی مقبول به وطن بازگردد.

آدابی که در طول سفر شایسته یا لازم است زائر آنها را رعایت کند سه گونه است. برخی از این آداب، همچون توکل بر خدا و اخلاص در نیت، مربوط به اصل سفر و شخص زائر است که رعایت آنها سبب قبولی عمره و حج یا کامل تر شدن مناسک می شود. برخی دیگر، همچون آداب ورود به مدینه یا مکه، مربوط به مساجد و مکان های مقدسی است که در این سرزمین وجود دارد و زائر در مدت حضور در این سرزمین، یک بار یا بیشتر، وارد این مکان ها می شود. برخی نیز همچون آداب احرام و طواف مربوط به هر یک از اعمال عمره و حج است که افزون بر اعمال واجب این مناسک، برای هر یک از آنها، آداب و مستحباتی نیز ذکر شده است که در حد ظرفیت این پژوهش و نیاز مخاطبان، به عمده ترین این آداب اشاره می شود.

اشاره

ممکن است زائر خانه خدا گمان کند که با فراهم بودن همه مقدمات سفر، دیگر نگرانی و دغدغه ای برای رفتن به این سفر و انجام اعمال عمره و حج ندارد؛ زیرا مخارج خانواده اش را کنار گذاشته و بدنش نیز سالم است. در ضمن همراه یا همراهانی دارد که در صورت بروز هر مشکلی، او را کمک می کنند. مرکب و وسیله سفر نیز تا رسیدن به مقصد آماده است. مدیران و خدمتگزاران با تجربه ای نیز همراه اویند که نمی گذارند برای او مشکلی پدید آید.

بنابراین با فراهم بودن این اسباب و امکانات، ممکن است این اندیشه در ذهن زائر خطور کند که او زیارت و اعمال این سفر را به خوبی به جای خواهد آورد و با سلامت و آرامش کامل سفر را به پایان رسانده و به آغوش خانواده باز خواهد گشت. ولیکن زائر باید توجه داشته باشد که با تکیه بر این افکار، نباید از سبب ساز واقعی و خالق همه اسباب غافل شود. از این رو باید از همان آغاز سفر به دو مسئله مهم توجه کند:

الف) توکل بر خداوند

ادب نخست قدم گذاشتن در این سفر الهی، آن است که زائر به مال و هزینه و نیروی جوانی خود یا همراهان تکیه نکند؛ بلکه تنها بر قدرت و توان بی انتهای خداوند توکل کند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ... فَوَضَّ أُمُورَكَ كُلَّهَا إِلَى خَالِقِكَ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ مَا يَظْهَرُ مِنْ حَرَكَاتِكَ وَسَدِّ كُنُوكَ وَسَدِّ لِمَ لِقَضَائِهِ وَحُكْمِهِ وَقَدَرِهِ. (1) هرگاه قصد رفتن به حج کردی همه امور خود را به خداوند واگذار کن و در همه حرکات و سکنات خود بر او توکل نما و تسلیم قضا و حکم و قدر او باش.

ما ترا دادیم پای آمدن ما ترا دادیم دست در زدن

(1). مصباح الشریعه، ص 47؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 172.

بی شک هرچه انسان دارد از خداوند است. اگر توان مالی و جسمی مناسب برای این سفر را دارد، اگر توانسته است با توان مالی و جسم سالم خود عازم این سفر شود، همه به سبب عنایت خداوند است. از این رو باید در همه احوال، به ویژه در چنین حالاتی که خداوند به او نعمت بیشتری داده و او را از میان هزاران بنده اش برگزیده و اسباب قدم گذاشتن در چنین سفری را به او عنایت کرده است، به خداوند توکل و اعتماد کند و آنچه از قدرت و سرمایه دارد، از خداوند متعال بداند.

اما اگر بنده به جای توکل بر خالق هستی، بر مال و سرمایه و توان خود و دیگران تکیه کند و سبب ساز اصلی را فراموش کند، خداوند متعال، قادر است کاری کند که همین اسباب، مایه گرفتاری و مانعی برای رسیدن بنده اش به مقصد شوند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

وَلَا تَعْتَمِدْ عَلَى زَادِكَ وَرَاحِلَتِكَ وَأَصْحَابِكَ وَقُوَّتِكَ وَشِدْبَابِكَ وَمَالِكَ مَخَافَةَ أَنْ تَصِيرَ ذَلِكَ أَعْدَاءً وَوِيَالًا لِيَعْلَمَ أَنَّهُ لَيْسَ قُوَّةً وَلَا حِيلَةً وَلَا حُدًّا إِلَّا بِعِصْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَتَوْفِيقِهِ. (1) و اعتماد بر توشه و مرکب و همراهان و نیرو و جوانی و اموات نکن؛ زیرا کسی که اعتماد بر اینها کند ممکن است همین ها، دشمن و مایه گرفتاری او شوند؛ زیرا کسی که ادعای طلب رضایت الهی را دارد، اگر به غیر خدا اعتماد کند، خداوند آن غیر را مایه گرفتاری و دشمن او قرار می دهد، تا بداند که هیچ نیرو و چاره ای برای هیچ کس جز نیروی حفظ و توفیق الهی وجود ندارد.

همچنین در حدیثی دیگر از آن حضرت آمده است:

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: به عزت و جلال و عظمت و مرتبه بلندم بر عرش، سوگند می خورم که امید هرکسی را که به غیر من امید ببندد ناامید می کنم. آیا آنان در سختی ها به غیر من امید می بندند؟! درحالی که همه سختی ها در دست من است و آیا امید به غیر دارند و در خانه دیگران را می کوبند؟ درحالی که کلید همه درهای بسته در دست من است و در خانه من برای هرکس که مرا بخواند باز است. (2)

(1). همان.

(2). الکافی، ج 2، ص 66؛ وسائل الشیعه، ج 15، ص 214.

ص: 119

البته معنای توکل این نیست که انسان دست از همه کارها بکشد و هیچ کاری انجام ندهد؛ بلکه مراد آن است که ابتدا وظیفه خود را در هر کاری انجام دهد و آن گاه برای نتیجه، بر خدا توکل کند و از اسباب مادی و غیر الهی قطع امید کند؛ چنان که مولوی می گوید:

گر توکل می کنی در کار کن کشت کن پس تکیه بر جبار کن

در توکل از سبب غافل مشورم «الکاسب حبیب الله» شنو

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند(1)

(ب) طلب کردن خیر از خداوند

پس از توکل بر خداوند، شایسته است که زائر خانه خدا، در همان آغاز سفر از خداوند طلب خیر کند و از او بخواهد که سفرش را پر برکت قرار دهد؛ چنان که فقیه نامدار و صاحب کتاب «عروه الوثقی» در بحث آداب سفر حج، عمل مذکور را نخستین و مهم ترین آداب این سفر ذکر می کند و می نویسد:

أُولُهَا وَمِنْ أَوْكِدِهَا أَلِاسْتِخَارَةَ، بِمَعْنَى طَلَبِ الْخَيْرِ مِنْ رَبِّهِ... وَالْأَمْرُ بِهَا لِلْسَّفَرِ وَكُلُّ أَمْرٍ خَطِيرٍ أَوْ مَوْرِدٍ خَطِرٍ مُسْتَقْبِضٌ وَلَا سَيِّمًا عِنْدَ الْحَيْرَةِ وَالْإِخْتِلَافِ فِي الْمَشُورَةِ وَهِيَ الدُّعَاءُ لِأَنَّ يَكُونُ خَيْرُهُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ أَمْرُهُ. (2) نخستین ادب سفر حج و بلکه مهم ترین آن، استخاره به معنای طلب کردن خیر از پروردگار است... و سفارش به این عمل هنگام سفر و بلکه هر کار مهم یا کارهایی که در آن خطر وجود دارد در روایات فراوانی آمده است؛ به ویژه در مواردی که انسان برای انجام دادن آن در حیرت است یا مشورت کنندگان، نظرات مختلفی ارائه می دهند و استخاره عبارت است از دعا و درخواست خیر از پروردگار در کاری که در پیش رو دارد.

(1). مثنوی مولوی، ج 1، ص 947.

(2). العروه الوثقی، ج 4، ص 323.

استخاره و طلب کردن خیر از خداوند هنگام سفر و هر کار مهم دیگر، از موضوعاتی است که در احادیث ائمه معصوم علیهم السلام به انجام دادن آن تأکید فراوان شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ اسْتَخَارَ اللَّهَ رَاضِيًا بِمَا صَدَّقَ اللَّهُ لَهُ، خَارَ اللَّهُ لَهُ حَتْمًا»؛ (1) «کسی که یک بار از خداوند طلب خیر کند، درحالی که راضی به تقدیر الهی باشد، خداوند حتماً برای او خیر را مقدر می کند». همچنین آن حضرت فرمود: «کسی که بدون طلب خیر از خداوند وارد کاری شود و مبتلا به مصیبتی گردد، پاداشی برای گرفتاری اش نخواهد داشت». (2)

درباره چگونگی طلب خیر از خداوند، روش های مختلفی بیان شده است. ولی آسان ترین روش، آن است که مسافر، دعای زیر را یک، سه، هفت، ده، پنجاه یا صد مرتبه به تناسب حال زائر و اهمیت سفر بر زبان جاری کند: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرًا فِي عَافِيَةٍ»؛ (3) «از خداوند به سبب رحمتش طلب خیر می کنم؛ خیری که در عافیت و سلامتی باشد».

روش دیگر طلب خیر از خداوند، اقامه نماز و خواندن سوره هایی خاص از قرآن و دعا کردن پس از نماز است؛ چنان که در سیره امام سجاد علیه السلام در این باره است:

امام سجاد علیه السلام هرگاه قصد رفتن به حج یا عمره یا کار مهم دیگری همچون خرید یا فروش را داشت، دو رکعت نماز استخاره می خواند و پس از نماز، سوره های حشر، الرحمن، معوذتین و توحید را تلاوت می کرد. سپس دست به دعا بر می داشت و می فرمود: خدایا! اگر این کار برای دین و دنیا و عاقبت من خیر است پس درود فرست بر محمد و آل محمد و این عمل را با بهترین و زیباترین صورت بر من آسان کن و اگر این کار برای دین و دنیا و آخرت و آینده و عاقبت من شر است، مرا از انجام دادن آن منصرف گردان. (4)

(1). الکافی، ج 8، ص 241؛ وسائل الشیعه، ج 8، ص 80.

(2). وسائل الشیعه، ج 8، ص 79؛ جامع احادیث الشیعه، ج 7، ص 310.

(3). العروه الوثقی، ج 4، ص 324.

(4). الکافی، ج 3، ص 470؛ تهذیب الاحکام، ج 3، ص 180.

2. اخلاص در نیت

از جمله آداب و شرایط مهم سفر عمره و حج آن است، که زائر هر عملی را تنها برای خدا به جا آورد و هیچ نیت و قصدی غیر از رضای الهی نداشته باشد.

بر اساس آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصوم علیهم السلام، خداوند تنها اعمالی را می پذیرد و پاداش می دهد که خالص برای خداوند باشد. از این رو خداوند خطاب به مؤمنان حج گزار می فرماید: (وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ)؛ «حج و عمره را برای خدا به پایان رسانید». (بقره: 196) رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ لِلَّهِ خَالِصًا لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ عِبَادِهِ الْأَعْمَالَ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا. (1) هرگاه عملی را انجام دادی، آن را تنها برای خدا انجام ده؛ زیرا خداوند تنها اعمال خالص را از بندگان خود می پذیرد.

امام صادق علیه السلام نیز خطاب به زائران خانه خدا فرمود:

إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَحَجِّبْ كُلَّ حَاجِبٍ. (2) چون اراده رفتن به حج کردی، پس قلبت را از هر وابستگی و هر حجابی برای خدا خالص کن.

آنکه با ما سر سودا سپرد نیست لایق که دگر جا نگرد

هست آیین دو بینی ز هوس قبله عشق یکی باشد و بس

بنابراین اگر زائر این سفر معنوی تاکنون نیت غیرخدایی داشته است، لازم است از این لحظه که سفر شروع شده است همه افکار و اندیشه های غیر الهی را از ذهن و قلب خود دور کند و عمل خود را برای خداوند خالص نماید.

تأکید بر این مطالب در احادیث پیشوایان دین بدان سبب است که عده ای از زائران

(1). مکارم الاخلاق، ص 453؛ بحار الانوار، ج 74، ص 103.

(2). مصباح الشریعه، ص 163؛ بحار الانوار، ج 96، ص 124.

برای اغراض دنیوی و مادی، قدم در این سفر می گذارند؛ برای مثال برای اینکه پس از بازگشت از عمره و حج، آنان را حاجی خطاب کنند و از موقعیت اجتماعی بهتری برخوردار شوند، راهی این سفر می شوند. عده ای نیز برای تفریح و سرگرمی، همچون دیگر سفرهای خود به حج می روند تا با آن سرزمین آشنا شوند. برخی هم به دنبال تجارت و کسب منافع مادی اند. از این رو قبل از سفر، اجناس مختلفی را می خردند تا در آنجا بفروشند یا با بررسی قیمت اجناس مختلف در وطن، آنها را در سفر خریداری می کنند. به همین منظور، بسیاری از اوقات گرانبهای خود را به جای عبادت در مسجدالحرام و مسجدالنبی، در بازارها و مغازه ها سپری می کنند. این سه گروه، همان افرادی اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آنان فرمود:

وَعِدَّهَا تَحِيُّ أَعْيَابِ أُمَّتِي لِلنُّزْهِهِ وَتَحِيُّ أَوْسَاطِهَا لِلتَّجَارَةِ وَتَحِيُّ فُقَرَاؤُهُمْ لِلرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةِ. (1) در آخرالزمان، حج [عده ای از] ثروتمندان امت من برای تفریح است و افراد متوسط برای تجارت می روند و فقرای آنان برای ریا و خودنمایی قدم در این سفر می گذارند.

اگر حج و عمره با این اهداف به جای آورده شد، هیچ پاداشی نزد خداوند متعال نخواهد داشت؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

حج دو گونه است: حج برای خدا و حج برای مردم. پس آن کس که حج را برای خدا انجام داده است، پاداش آن بر عهده خداوند است که او را به بهشت می برد و آن کس که حج را برای مردم به جای آورده است، پاداش آن در روز قیامت با مردم است. (2)

3. آغاز و تداوم سفر با دعا و یاد خدا

از دیگر آداب سفر عمره و حج، آن است که زائر، سفر را با نام خدا و دعا آغاز کند و در طول سفر تا رسیدن به مقصد و پایان آن نیز از یاد خدا و ذکر الهی غفلت نرزد.

(1). وسائل الشیعه، ج 15، ص 349؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 224.

(2). ثواب الاعمال، ص 50؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 109.

ص: 123

بر این اساس، در احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سفارش شده است هنگامی که مسافر پای خود را بر مرکب سفر قرار می دهد این ذکر را بر زبان جاری کند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»؛ (1) «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدا و خدا بزرگ تر است». رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره برکات سوار شدن بر مرکب با یاد خدا و پیامد غفلت از آن فرمود:

إِذَا رَكِبَ الرَّجُلُ الدَّابَّةَ فَسَمَّى رَدْفَهُ مَلَكٌ يَحْفَظُهُ حَتَّى يَنْزِلَ وَإِذَا رَكِبَ وَلَمْ يُسَمِّ رَدْفَهُ شَيْطَانٌ. (2) هرگاه شخصی سوار مرکب شود و نام خدا را بر زبان جاری کند، پشت سر او فرشته ای قرار می گیرد تا از او تا زمان پیاده شدن محافظت کند. اما اگر کسی بدون بسم الله و یاد خدا سوار بر مرکب شود، شیطان پشت سر او قرار می گیرد.

پس از سوار شدن بر مرکب و وسیله نقلیه نیز توصیه شده است که مسافر این دعا را بخواند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَعَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَمَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَالْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأَمْرِ، اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بِأَلَاغَا يَبْلُغُ إِلَى خَيْرٍ بِأَلَاغَا يَبْلُغُ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، اللَّهُمَّ لَا طَيْرَ إِلَّا طَيْرُكَ وَلَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَلَا حَافِظَ غَيْرِكَ). (3)

همچنین در احادیث اهل بیت علیهم السلام سفارش شده است که مسافر در تمامی مسیر راه، به یاد خدا باشد و ذکر الهی گوید. در روایتی از امامان معصوم علیهم السلام آمده است: «وَعَلَيْكَ فِي طَرِيقِكَ بِتَقْوَى اللَّهِ تَعَالَى... وَذَكَرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَالِدُعَاءِ»؛ (4) «در راه حج تا رسیدن به مقصد، تقوای الهی را پیشه کن... و به ذکر الهی و دعا اشتغال داشته باش». در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام نیز آمده است:

(1). الکافی، ج 4، ص 285؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 51.

(2). الکافی، ج 6، ص 540؛ ثواب الاعمال، ص 191.

(3). الکافی، ج 4، ص 285؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 526.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 527؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 473.

پس از سوار شدن بر مرکب و عازم شدن برای سفر حج، دعای سفر را بخوانید و زیاد استغفار کنید و ذکرهای سبحان الله، لاله آلا الله، الله اکبر و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله را فراوان بر زبان جاری کنید. (1)

همچنین در روایتی، امام صادق علیه السلام به توصیه لقمان حکیم به فرزندش درباره آداب سفر اشاره می کند. در بخشی از این توصیه چنین آمده است:

پسرم! هرگاه وقت نماز رسید آن را به سبب کار دیگری به تأخیر مینداز. نمازت را بخوان تا از این جهت آسوده خاطر شوی؛ زیرا نماز دینی است بر ذمه تو و سعی کن نماز را به جماعت اقامه کنی؛ هرچند روی آهن نیزه باشد (فضا برای اقامه جماعت کم باشد). در هر منزلی که فرود می آیی قبل از نشستن، دو رکعت نماز اقامه کن و هنگام رفتن نیز دو رکعت نماز بخوان و با آن زمین وداع کن و بر زمین و اهل آن درود فرست؛ زیرا برای هر زمینی، اهلی از ملائکه الهی است. در حال حرکت، به تلاوت کتاب خدا مشغول باش و آن گاه که مشغول کاری هستی زبانت به ذکر الهی مشغول باشد.... (2)

به یاد خدا بودن و ذکر الهی را بر زبان جاری داشتن، اختصاص به مسیر وطن تا مدینه یا مکه ندارد؛ بلکه شایسته است زائر در همه مسیرهای این سفر، پیوسته به یاد خدا باشد و ذکر الهی را بر زبان جاری کند؛ چنان که در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است:

وَقُلْ فِي طَرِيقِكَ وَأَنْتَ مُتَوَجِّهٌ إِلَى الزِّيَارَةِ مِنْ تَمْجِيدِ اللَّهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ مَا قَدَّرْتَ عَلَيْهِ. (3) و در مسیر راه تا رسیدن به خانه کعبه و زیارت بیت الله تا می توانی به تمجید و ثنای الهی و صلوات بر محمد و آل او مشغول باش.

(1). فقه الرضا، ص 215؛ مستدرک الوسائل، ج 8، ص 139.

(2). الکافی، ج 8، ص 349؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 297.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 551؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 161.

تأکید بر خواندن دعا و گفتن ذکر الهی در مسیرهای این سفر، بدان سبب است که هم زائر در این اماکن مقدس از آمادگی معنوی بیشتری برخوردار گردد و هم از تمامی اوقات گران بهای این سفر استفاده کند؛ زیرا زمان حرکت و طی کردن مسیر تا رسیدن به مقصد، از جمله اوقاتی است که بسیاری از افراد، آن را به بطالت یا تماشای مناظر پیرامون خود می گذرانند و کمتر به فکر ذکر و یاد خدایند.

بنابراین شایسته است زائر در اوقاتی که اعمال و مناسک خاصی ندارد، مانند زمان های حرکت به طرف مدینه یا مکه یا حرکت از محل اقامت به طرف مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالحرام یا بر عکس، قلب و زبانش به ذکر الهی اشتغال داشته باشد و از این اوقاتی که در طول این سفر و بلکه در طول زندگی، فراوان به بطالت می گذرد بیشترین استفاده را کند.

البته بسیاری از اعمال با اشتغال زبان به ذکر الهی منافات ندارد و زائر می تواند در همان حالی که به آن عمل خیر اشتغال دارد، زبانش نیز ذکر الهی بگوید؛ چنان که امام صادق علیه السلام درباره حالات پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام فرمود:

پدرم، بسیار ذکر خدا می گفت. هر وقت با او راه می رفتم، ذکر خدا می گفت. هرگاه با او غذا می خوردم، زبانش به ذکر خدا مشغول بود؛ حتی آن گاه که با مردم سخن می گفت از ذکر خدا غفلت نمی کرد و می دیدم که زبانش به کامش چسبیده و به ذکر «لا اله الا الله» مشغول است. گاهی نیز قبل از طلوع خورشید، ما را جمع می کرد و به ذکر و قرائت قرآن سفارش می کرد. (1)

4. اجتناب از ارتکاب گناه و گفتار و کردار بیهوده

از دیگر آداب و شرایط مهم سفر عمره و حج، ترک گناه و نیز هر عمل یا گفتار بیهوده است؛ به این معنا که مسافر خانه خدا از همان لحظات آغازین سفر باید گناه را ترک کند و

(1). الکافی، ج 2، ص 499؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 154.

ص: 126

همه اعمال و حرکات او برای تحصیل رضای الهی و منافع دنیوی و اخروی خود یا دیگران باشد؛ چنان که خداوند در قرآن کریم خطاب به مؤمنان و حج گزاران می فرماید:

(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ...) (بقره: 197)

حج، ماه های معینی دارد. پس هرکس در این ماه ها حج را بر خود واجب گرداند باید در اثنای حج از همبستری با زنان و فسوق و جدال با دیگران بپرهیزد.

در روایات اهل بیت علیهم السلام و کلمات مفسران، «رفث» در آیه به همبستری و آمیزش با زنان (1) و هر سخن یا عملی که تعریض به آمیزش باشد (2)، فحش و هر سخن لغو و بیهوده (3) تفسیر شده است و مراد از «فسوق» نیز دروغ، فحش، (4) لقب بد دادن به یکدیگر یا هرگونه معصیت است (5) و مقصود از «جدال»، سوگند به نام خدا، به دروغ یا راست، برای اثبات ادعای خود در مقام بحث و مجادله است. (6) بر این اساس، کسی که قدم در سفر حج یا عمره می گذارد، باید از گناه به ویژه گناهان ذکر شده، اجتناب ورزد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

مَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. (7) کسی که حج این خانه را به جای آورد و گناه و معصیتی انجام ندهد، از گناهانش همچون روزی که از مادر متولد شده، خارج می شود.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

(1). الکافی، ج 4، ص 338؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 296.

(2). روض الجنان، ج 3، ص 107؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 2، ص 407.

(3). شرح نهج البلاغه، بحرانی، ج 1، ص 224؛ التفسیر الکبیر، ج 5، ص 180.

(4). الکافی، ج 4، ص 338؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 296.

(5). مجمع البیان، ج 2، ص 44؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 2، ص 408.

(6). الکافی، ج 4، ص 337.

(7). مستدرک الوسائل، ج 8، ص 41؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 150.

مَا يُعْبَأُ مَنْ يَسْأَلُكَ هَذَا الطَّرِيقَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِيِ اللَّهِ... (1) به کسی که قدم در این راه) حج و عمره (می گذارد، در صورتی که سه خصلت در او نباشد اعتنایی نمی شود؛ [یکی از این خصلت ها آن است که] در او ورعی باشد که وی را از معصیت خداوند باز دارد....

البته ارتکاب گناه در هر زمان و مکانی زشت است و مؤمنان باید در هر حال از ارتکاب گناه اجتناب کنند. اما گناه کردن در این سرزمین مقدس و سفر معنوی به چند دلیل زشت تر است:

دلیل نخست، آن است که زائر با قدم گذاشتن در این سفر، قصد دارد گناه چندین ساله و بلکه همه عمر خویش را پاک کند و با روح و قلبی پاکیزه به سرزمین خود بازگردد. از این رو اگر شخص در چنین سفری از گناه اجتناب نکند، در حقیقت، خود و بلکه خداوند تبارک و تعالی را به استهزا گرفته است؛ چنان که امام رضا علیه السلام فرمود:

« وَ الْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَيَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ »؛ «کسی که از گناهی استغفار می کند و در همان حال آن را انجام می دهد، همانند کسی است که پروردگارش را به استهزا گرفته است». (2)

علت دوم، آن است که زائر، وارد سرزمینی می شود که به طور خاص به خدا و اولیای او تعلق دارد؛ مدینه، حرم و شهر پیامبر صلی الله علیه و آله و مکه، شهر و حرم خداوند و حرم حضرت ابراهیم علیه السلام و حرم امیر مؤمنان علیه السلام است. (3) بنابراین ارتکاب گناه در منزل و حریم خاص میزبان، خلاف ادب است و کیفری چند برابر دارد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَسَنَاتِ فِي الْحَرَمِ مُضَاعَفَةً وَالسَّيِّئَاتِ مُضَاعَفَةً. (4) خداوند پاداش اعمال نیک را در حرم خود چند برابر و کیفر گناهان و اعمال بد را نیز چند برابر قرار داده است.

(1). الکافی، ج 4، ص 285؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 10.

(2). الکافی، ج 2، ص 504؛ وسایل الشیعه، ج 7، ص 176.

(3). الکافی، ج 4، صص 563، 564 و 586.

(4). الکافی، ج 4، ص 196؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 224.

بر اساس برخی روایات، حتی فکر و نیت گناه نیز در این سرزمین گناه است و کیفر الهی را به دنبال دارد؛ چنان که امام رضا علیه السلام فرمود:

گناه در حرم الهی و مکه، کیفری چند برابر دارد. همچنین خداوند برای کسی که در این سرزمین نیت گناه کردن داشته باشد، هرچند آن را انجام ندهد، گناه می نویسد؛ زیرا خداوند در قرآن می فرماید: (وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ)؛ (1) «هرکس در آنجا نیت و قصد کج روی یا ستمکاری داشته باشد، عذاب دردآوری به او می چشانیم». این خصوصیت در سرزمین های دیگر وجود ندارد. سپس حضرت فرمود: «اصحاب فیل فقط اراده کردند که مرتکب گناه تخریب کعبه شوند. ولی خداوند آنان را پیش از آنکه این گناه را مرتکب شوند، عذاب کرد». (2)

ممکن است بسیاری گمان کنند که مدینه و مکه جای گناه کردن نیست یا احتمال گناه کردن در آنجا بسیار ضعیف است؛ زیرا زمینه ارتکاب گناه وجود ندارد یا بسیار اندک است؛ چرا که زائران از زندگی معمولی خود به دورند و تمام یا بیشتر وقت خود را به عبادت و دعا و ذکر الهی می پردازند. بنابراین چه گناهی می توانند انجام دهند؟!

در پاسخ باید گفت، هرچند زائران خانه خدا به برکت حضور در این سرزمین مقدس، کمتر به معصیت آلوده می شوند، اما باید توجه داشته باشند که شیطان هیچ گاه از وسوسه و انحراف، دست برنمی دارد و برای هر فرد و هر مکان، نقشه خاص خود را دارد؛ چنان که بر اساس برخی روایات، شیطان در این سرزمین مقدس تلاش بیشتری می کند تا نگذارد مؤمن از این موقعیت ویژه و استثنایی بهره مند شود. امام صادق علیه السلام درباره وسوسه شیطان در سرزمین عرفات فرمود:

(1). حج: 25.

(2). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 363؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 86.

ص: 129

وَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَنْ يَذْهَبَكَ فِي مَوْضِعٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يَذْهَبَكَ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ. (1) در عرفات از شیطان رانده شده، به خداوند پناه ببر؛ زیرا برای شیطان هیچ مکانی برای گمراه کردن تو محبوب تر از این سرزمین نیست.

بنابراین در این سرزمین نیز زمینه ارتکاب گناه از سوی زائران وجود دارد. البته گناهایی که شیطان در این سرزمین، زائران را وادار به آنها می کند با گناهان مکان های دیگر متفاوت است؛ برای نمونه، غیبت کردن از همراهان، بداخلاقی به علت خستگی و مشکلات سفر، تضييع وقت دیگران با تأخیر هنگام حرکت گروهی یا مواقع دیگر، ایجاد سروصدا در اتاق ها و راهروها و مزاحم خواب و استراحت دیگران شدن، نگاه حرام به زنان، رعایت نکردن حجاب بانوان، تحمل نکردن سختی های سفر و جزع و فزع کردن، رعایت نکردن اوقات نماز و قدم زدن در بازارها هنگام اقامه نماز که افزون بر بی اعتنائی به نماز، سبب ضربه خوردن آبروی یک ملت و حتی همه شیعیان می شود و... از جمله گناهایی است که زائران این سرزمین ممکن است بر اثر وسوسه شیطان و هوای نفس آنها را مرتکب شوند. از این رو بر زائر خانه خدا لازم است تا احتیاط و مراقبت بیشتری بر گفتار و کردار خود داشته باشد و از ارتکاب هر نوع گناه در این سرزمین پرهیزد.

افزون بر اجتناب از معصیت، شایسته است زائران خانه خدا از گفتار یا کردار بیهوده نیز دوری کنند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

فَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ يَحْفَظَ الْمَرْءُ لِسَانَهُ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (فَمَنْ فَرَّضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ). (2) و (3)

(1). الكافي، ج 4، ص 464؛ تهذيب الاحكام، ج 5، ص 182.

(2). بقره: 197.

(3). الكافي، ج 4، ص 338؛ تهذيب الاحكام، ج 5، ص 296.

ص: 130

از جمله اعمالی که سبب کامل شدن حج و عمره می شود، آن است که شخص زبان خود را جز به خیر نگشاید؛ همان گونه که خداوند عزوجل می فرماید: «کسی که حج را بر خود واجب کند باید از هم بستری و گناه و جدال پرهیزد».

معنای نگشودن زبان، جز به خیر و نیکی، آن است که علاوه بر امتناع از گناه، شایسته است گفتار بیهوده نیز از زبان شخص خارج نشود؛ زیرا گفتار بیهوده از مصادیق عمل خیر شمرده نمی شود. افزون بر این، یکی از مصادیق «رفث» که خداوند، در آیه 197 بقره، حج گزاران را از آن نهی کرده، سخنان بیهوده دانسته شده است. (1)

البته پرهیز از همه سخنان و اعمال بیهوده، بسیار سخت است و ایمان و مراقبت بیشتری لازم دارد. ولی به هر حال، مؤمنان باید بکوشند تا در حد توان خود از گفتار و کردار بیهوده اجتناب کنند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

وَطَنْ نَفْسِكَ عَلَى حُسْنِ الصَّحَابَةِ لِمَنْ صَحِبْتَ فِي حُسْنِ خُلُقِكَ وَكُفِّ لِسَانَكَ وَكُفِّ لِسَانَكَ وَأَكْظِمُ غَيْظَكَ وَأَقِلَّ لَعُوكَ. (2) در سفر حج، نفس خود را بر خوشرفتاری با همراهان و ادار کن و زیانت را نگه دار و خشم را فرو ببر و از سخنان و اعمال لغو و بیهوده ات کم کن.

تأکید بر ترک گفتار و کردار بیهوده به سبب ویژگی زمانی و مکانی عمره و حج است؛ به طوری که زائران می توانند از هر دقیقه و حتی هر لحظه حضور در این مکان مقدس، بهره های مادی و معنوی فراوانی به دست آورند و سعادت دنیا و آخرت خود را تضمین کنند.

گوهر وقت به این خیرگی از دست مده آخر این عمر گرانمایه بهایی دارد

هیزم سوخته، شمع ره و منزل نشود باید افروخت چراغی که ضیائی دارد

صرف باطل نکند عمر گرامی پروین آن که چون پیر خرد، راهنمایی دارد (3)

(1). التفسیر الکبیر، ج 5، ص 180؛ شرح نهج البلاغه، بحرانی ج 1، ص 224.

(2). الکافی، ج 4، ص 286؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 457.

(3). دیوان قصائد و مثنویات، پروین اعتصامی، ص 252.

اشاره

سفر به طور طبیعی، مشکلات و سختی های فراوانی را در پی دارد و سبب می شود شخص مسافر، آزار و اذیت های جسمی و روحی فراوانی را تحمل کند. به همین علت در برخی روایات از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ»؛ (1) «سفر قطعه ای از عذاب است». بی تردید سفر حج، مشقت بیشتری نسبت به دیگر سفرها دارد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا مِنْ سَفَرٍ أَبْلَغَ مِنْ لَحْمٍ وَلَا دَمٍ وَلَا جِلْدٍ وَلَا شَعْرٍ مِنْ سَفَرِ مَكَّةَ، وَمَا أَحَدٌ يَبْلُغُهُ حَتَّى تَنَالَهُ الْمَشَقَّةُ. (2) هیچ سفری اثرگذارتر از سفر مکه، در گوشت و خون و پوست و موی انسان، نیست و هیچ کس به مکه نمی رسد؛ مگر اینکه به سختی مبتلا می گردد.

همچنین آن حضرت در حدیثی دیگر از سفر مکه به سخت ترین سفر تعبیر کرده است: «ای سفر اشد من هذا». (3) البته این تعبیر بیشتر ناظر به سفرهای صدر اسلام و عصرهای گذشته است که زائران خانه خدا با چارپایان یا پای پیاده به سفر عمره و حج می رفتند و از امکانات بسیاری که در عصر حاضر وجود دارد، محروم بودند. ولی در عصر حاضر، بسیاری از این سختی ها از میان رفته است و کمتر زائری به سختی های گذشته مبتلا می شود. ولی با وجود این، باز هم سفر عمره و حج، سختی ها و ناملایمات خاص خود را دارد.

طی کردن مسافت طولانی برای رسیدن به مدینه و مکه، تحمل گرما و گاه سرمای سرزمین عربستان، حمل بار و وسایل مورد نیاز مسافر، دور شدن از زن و فرزند برای مدتی اندک یا طولانی، محروم شدن از بسیاری مباحات و لذت های حلال هنگام احرام

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 300؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 450.

(2). الکافی، ج 4، ص 262؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 112.

(3). الکافی، ج 4، ص 519؛ من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 447.

عمره و حج، طواف و انجام دادن دیگر اعمال عمره و حج میان جمعیت انبوه و هوای بسیار گرم، حضور در صحرای عرفات و تحمل سختی های این سرزمین، کوچ کردن شبانه به مشعر و سپری کردن شب در بیابان با پوشیدن دو تکه لباس ندرخته تا صبح و نبود امکانات رفاهی، پیاده رفتن به سوی سرزمین منا، حضور سه شبانه روز در سرزمین منا، انجام دادن رمی جمرات میان فشار و ازدحام فراوان جمعیت و... بخشی از سختی ها و ناملازمات این سفر است.

بنابراین یکی از آداب این سفر، آن است که زائر خانه خدا، راحتی را کنار گذارد و همه این مشکلات و سختی ها را تحمل کند؛ چنان که امام صادق علیه السلام در یکی از سفارش های خود به مسافر خانه خدا فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ... دَعِ الدُّنْيَا وَالرَّاحَةَ»؛ (1) «هرگاه اراده حج کردی... دنیا و آسایش را رها کن».

وجود سختی فراوان در سفر عمره و حج، براساس حکمت بوده و خداوند برای تحقق اهدافی خاص، همچون آزمایش بندگان و اعطای پاداش بیشتر به آنان، این سفر را با مشکلات و سختی هایی همراه کرده است. در روایتی امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

خداوند خانه خود را در سخت ترین مناطق روی زمین قرار داد؛ در جایی که کوه هایی سخت و شن هایی روان و چشمه هایی کم آب دارد. اگر می خواست می توانست خانه محترم و مشاعر باعظمت خود را میان باغ ها و نهرها و سرزمین های هموار، با درختان انبوه و میوه های فراوان و آثار و بناهای بسیار قرار می داد. اما در این صورت به علت کمی سختی ها، اجر و پاداش زائران ناچیز می شد... بدینسان خداوند، بندگان خود را با انواع سختی ها آزمایش می کند و آنان را به ناملازمات مبتلا می سازد تا تکبر را از قلوب آنان خارج سازد و خاکساری را در نفوسشان جایگزین کند و بدین وسیله درهای فضل خود را بر روی آنان بگشاید و اسباب عفو خود را برای آنان فراهم سازد. (2)

(1). مصباح الشریعه، ص 48؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 172.

(2). نهج البلاغه، خطبه 192؛ الکافی، ج 4، ص 199.

خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

نازپرورده تنعم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد(1)

بی شک، صبر و تحمل در برابر این مشکلات، از یک سو سبب پیروزی او در امتحان الهی می شود و از سوی دیگر موجب می شود که خداوند پاداش بیشتری در این سفر نصیب او گرداند. بر همین اساس، در روایات متعدد دیگر، برای برخی اعمال این سفر که در آن رنج و سختی بیشتری وجود دارد، پاداش بیشتری بیان شده است که در اینجا به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم:

الف) پیاده رفتن به حج و عمره

یکی از اعمال پرزحمت سفر مکه که پاداش عمره و حج را زیاد می کند، پیاده رفتن تمام یا بخشی از مسیر حج و عمره است. «ابن عباس» در روایتی می گوید:

بر هیچ عملی به اندازه به جا نیاموردن حج با پای پیاده پشیمان نشدم؛ زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «خداوند برای کسی که حج را با پای پیاده به جا آورد، هفتصد هزار حسنه از حسنات حرم می نویسد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد یا رسول الله! حسنات حرم چیست؟! حضرت فرمود: هر یک از حسنات حرم برابر است با هزار هزار حسنه در غیر حرم و نیز فرمود: فضیلت پیادگان در حج بر سایر حج گزاران، همانند برتری ماه در شب چهارده بر دیگر ستارگان است.»(2)

و در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است:

أَنَّ الْمَلَائِكَةَ يَقْفُونَ عَلَى طَرِيقِ مَكَّةَ يَتَلَقَّوْنَ الْحُجَّاجَ، فَيَسْأَلُونَ عَلَى أَهْلِ الْمَحَامِلِ وَيُصَافِحُونَ أَصْحَابَ الرِّوَالِ وَيَعْتَنِقُونَ الْمُسَاهَ أَعْتِنَاقًا.
(3) ملائکه الهی بر سر راه حاجیان مکه می ایستند و بر کسانی که در کجاوه ها قرار دارند

(1). دیوان حافظ، غزل شماره 159.

(2). وسائل الشیعه، ج 11، ص 80؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 479

(3). مستدرک الوسائل، ج 8، ص 30؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 479.

ص: 134

سلام می کنند و با آنان که سوار بر مرکب اند مصافحه می کنند. ولی با پیادگان به گرمی معانقه می کنند.

افزون بر اینکه پیشوایان معصوم علیهم السلام، مؤمنان را به حج با پای پیاده ترغیب می کردند، خود نیز بارها این سفر را با وجود امکانات و داشتن مرکب، پیاده طی می کردند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

در یکی از سال ها، امام زین العابدین علیه السلام با پای پیاده عازم سفر حج شد و بر اثر پیاده رفتن، پاهای آن حضرت ورم کرد. برخی از دوستان، به آن حضرت پیشنهاد کردند که سوار بر مرکب شوند تا ورم پاها تسکین یابد. حضرت پیشنهاد آنان را نپذیرفت و به یکی از همراهان فرمود: «هنگامی که به منزل بعدی رسیدیم شخصی را خواهید دید؛ از وی روغنی خریداری کنید و در خرید آن چانه نزنید...».

(1)

در احادیث دیگر آمده است که حضرت آدم علیه السلام هزار مرتبه با پای پیاده به مکه آمد که هفتصد بار آن حج و سیصد بار آن عمره بوده است. (2) امام حسن مجتبی علیه السلام نیز بیست یا 25 مرتبه با پای پیاده، حج را به جا آوردند؛ در حالی که مرکب همراه آن حضرت بود. (3) همچنین امام حسین علیه السلام 25 مرتبه، حج را با پای پیاده به جا آورد (4) و موسی بن جعفر علیه السلام نیز به همراه زن و فرزندان، چهار مرتبه پیاده برای انجام دادن اعمال حج به سوی مکه عزیمت کردند. (5)

در مقابل، در برخی روایات دیگر، حج سواره برتر از حج پیاده دانسته شده است؛ از جمله در حدیثی، امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «وَالْحَجُّ رَاكِبًا أَفْضَلُ مِنْهُ مَاشِيًا لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَجَّ رَاكِبًا»؛ (6) «حج سواره برتر از حج پیاده است؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله حج را سواره به جا آورد».

(1). الکافی، ج 1، ص 463؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 80.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 229؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 128.

(3). الکافی، ج 1، ص 461؛ مستدرک الوسائل، ج 8، ص 30.

(4). بحار الانوار، ج 44، ص 193؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 200.

(5). قرب الاسناد، ص 299؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 317.

(6). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 218؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 85.

ص: 135

شخصی نیز از امام صادق علیه السلام سؤال کرد:

آیا پیاده رفتن به حج برتر است یا سواره رفتن؟! حضرت فرمود: «اگر شخص توان مالی خوبی دارد و برای صرفه جویی در هزینه پیمای رود سواره رفتن او برتر است». (1)

همچنین یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «ما حاجیانی هستیم که پیاده به حج آمدیم. ولی از شما سخنی بر خلاف این عمل شنیدیم. شما چه می گوید؟» حضرت در پاسخ فرمود: «سواره رفتن شما نزد من محبوب تر است؛ زیرا با سواره رفتن، توانایی بیشتری برای عبادت و دعا دارید». (2)

فقیهان امامیه در جمع میان این دو دسته از روایات گفته اند: پیاده روی در راه حج در صورتی که سبب ضعف شخص در دعا و عبادت نشود یا به قصد صرفه جویی در هزینه نباشد، بهتر است. اما اگر پیاده روی موجب ضعف قوای بدنی فرد شود و او را از عبادت بازدارد یا هدف وی از پیاده روی، صرفه جویی در هزینه باشد، سواره رفتن بهتر است. (3)

(ب) تحمل گرمای سرزمین وحی

از دیگر مسائلی که سبب سختی بیشتر سفر عمره و حج می شود، وجود گرمای این سرزمین، به ویژه در فصل تابستان است. صبر بر این سختی نیز دارای اجر فراوانی است؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ صَبَرَ عَلَى حَرِّ مَكَّةَ سَاعَةً تَبَاعَدَتْ عَنْهُ النَّارُ مَسِيرَةَ مِائَةِ عَامٍ وَتَقَرَّبَتْ مِنْهُ الْجَنَّةُ مَسِيرَةَ مِائَةِ عَامٍ. (4) هرکس یک ساعت بر گرمای مکه صبر کند، آتش جهنم از او به اندازه فاصله صد سال دور و بهشت به اندازه فاصله صد سال نزدیک می گردد.

(1). الکافی، ج 4، ص 456؛ علل الشرایع، ج 2، ص 447.

(2). علل الشرایع، ج 2، ص 447؛ الکافی، ج 4، ص 456.

(3). الحدائق الناضرة، ج 14، صص 174 و 175؛ جواهر الکلام، ج 17، صص 312 و 313.

(4). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 364؛ بحار الانوار، ج 96، ص 85.

کسی که احرام می بندد و خود را تا غروب خورشید در معرض گرمای آن قرار می دهد، گناهان او با غروب خورشید غروب می کند و از بین می رود و همانند کسی می شود که از مادر تولد یافته است. (1)

ج) تحمل بیماری

بی شک، تحمل بیماری در این سفر نیز اجر فراوانی دارد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ مَرِضَ يَوْمًا بِمَكَّةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُهُ عِبَادَةَ سِتِّينَ سَنَةً. (2) هرکس یک روز در مکه مریض شود، خداوند به اندازه عبادت شصت سال عمل صالح برای او می نویسد.

از روایات ائمه معصوم علیهم السلام استفاده می شود که هر یک از این سختی ها، اگرچه در ظاهر، نوعی رنج و گرفتاری برای زائر خانه خدا به شمار می روند، ولی در واقع از نعمات الهی است که سبب پاک شدن حج گزار از آلودگی های گذشته و بر خورداری از پاداش الهی می شود. بنابراین زائر خانه خدا نباید هنگام بروز حوادث و گرفتاری ها بی تابی کند و با گفتن سخنان ناشایست یا انجام دادن اعمال ناروا، اجر عظیم خود را از بین ببرد؛ بلکه باید به جای ناراحتی، خوشحال باشد و آن سختی را نشانه محبت خداوند به خود به شمار آورد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

فَإِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ وَمَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ. (3) همانا اجر عظیم همراه با بلای عظیم است و خداوند هر قومی را که دوست دارد آنان را مبتلا به سختی می کند.

(1). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 232؛ بحارالانوار، ج 96، ص 341.

(2). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 364؛ بحارالانوار، ج 96، ص 85.

(3). الکافی، ج 2، ص 252؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 263.

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنش ها گر کند خار مگیلان غم مخور

گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور

حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب جمله می داند خدای حال گردان غم مخور(1)

6. داشتن اخلاق نیک و شایسته

از دیگر آداب سفر عمره و حج، داشتن اخلاق نیک و شایسته زائر با همراهان و دیگران است. در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است:

إِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ إِلَى الْحَجِّ... عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ الْإِسْمِ تَتَغْفَرُ... وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَحُسْنِ الصَّحَابَةِ لِمَنْ صَحَبَكَ وَكَطْمِ الْغَيْظِ. (2) هرگاه قصد خروج به سوی حج کردی... بر تو باد به استغفار زیاد... و اخلاق نیک و خوش رفتاری با همراهان و فرو بردن خشم.

این ویژگی از چنان اهمیتی برخوردار است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از سفرهای حج، خطاب به مسلمانان و همراهان فرمود: «مَنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ وَالْجَوَارِ فَلَا يَصْحَبُنَا»؛ (3) «کسی که دارای اخلاق و هم جواری بد است با ما همراه نشود». امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

به کسی که قدم در راه حج و عمره می گذارد، در صورتی که سه خصلت در او نباشد، اعتنایی نمی شود: تقوایی که مانع از ارتکاب گناهان شود، بردباری که غضب شخص را کنترل کند و خوش رفتاری با کسانی که در این سفر همراه اویند. (4)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

در سفر حج، خویشتن را آماده ساز تا با هرکس همراه می شوی همنشین خوب و خوش اخلاقی باشی. زیانت را نگه دار و خشم را فرو نشان.... عفو و بخشش را برای دیگران بگستران و گشاده دست باش. (5)

(1). دیوان حافظ، غزل شماره 255.

(2). فقه الرضا، ص 216؛ بحار الانوار، ج 96، ص 121.

(3). مکارم الاخلاق، ص 251؛ بحار الانوار، ج 73، ص 273.

(4). الکافی، ج 4، ص 286؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 475.

(5). الکافی، ج 4، ص 286؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 475.

بسیاری از عالمان اخلاق، بر اساس روایات، تأکید کرده اند که رفتار نیک و شایسته، منحصر در ترک آزار دیگران نیست. بلکه افزون بر این، مؤمن باید اخلاق ناشایست همراهان را نیز تحمل کند. در این باره عارف نامی «آیت الله بهاری» در توصیه ای به حج گزاران می گوید:

حاجی باید خوش خلق باشد و تواضع بورزد. در برابر رفیق و صاحبان مرکب ها و غیره کوچکی کند و از لغو و فحش و درشت گویی و ناملایمات بر حذر باشد و حسن خلق، تنها آن نیست که اذیتش به کسی نرسد؛ بلکه از جمله اخلاق حسنه، آن است که اذیت دیگران را نیز تحمل کند. (1)

تأکید بر داشتن اخلاق نیک در سفر، به ویژه سفر حج، بدان سبب است که اخلاق بد، آثار و پیامدهای ناگواری را برای مؤمنان به ویژه زائران خانه خدا دارد و افزون بر اینکه شیرینی سفر حج را بر شخص و دیگران تلخ می کند، گاه سبب باطل شدن اعمال و حتی محروم شدن از همه برکات دنیوی و اخروی می شود؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ»؛ (2) «اخلاق بد، عمل را فاسد می کند؛ همان گونه که سرکه عسل را». رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

إِنَّ جَبْرِئِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ نَزَلَ عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ يَذْهَبُ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (3) جبرئیل امین از نزد پروردگار بر من نازل شد و فرمود: «ای محمد! بر تو باد به اخلاق نیک؛ زیرا بد اخلاقی، خیر دنیا و آخرت را از بین می برد.

بنابراین زائر خانه خدا باید توجه داشته باشد که اگر اخلاق وی در این سفر بد باشد، این اخلاق بد می تواند همه زحمات او را در این سفر باطل کند و پاداش عظیم

(1). تذکره المتقین، ص 6.

(2). الکافی، ج 2، ص 637؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 10.

(3). الامالی، صدوق، ص 344، وسائل الشیعه، ج 12، ص 152.

ص: 139

سفرش را ضایع سازد. در پایان این بحث شایسته است به سخن «ابوربیع شامی» از اصحاب امام صادق علیه السلام اشاره کنیم که می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم؛ درحالی که خانه پر از جمعیت بود و جمعی از اهالی خراسان و شام و سرزمین های دیگر در آنجا حضور داشتند؛ به شکلی که من جایی نیافتم که بنشینم. پس دیدم که امام صادق علیه السلام بعد از آنکه تکیه داده بود، روی دوزانو نشست و فرمود: «ای شیعیان آل محمد! از ما نیست آن کس که به هنگام خشم، خود را کنترل نکند و از ما نیست آن کس که با همنشین خود، به خوشی سخن نگوید و با هم نوعان خود خوش خلقی و با رفیقان خود رفاقت نکند و برای همسایگان خود همسایه خوبی نباشد. ای شیعیان آل محمد! از خدا بترسید و تا می توانید تقوا داشته باشید. (1)

یکی خوب کردار خوش خوی بود که بدسیرتان را نکوگوی بود

به خوابش کسی دید چون درگذشت که باری حکایت کن از سرگذشت

دهانی به خنده چو گل باز کرد چو بلبل به صوتی خوش آغاز کرد

که بر من نکردند سختی بسی که من سخت نگرفتمی بر کسی (2)

7. کمک به همسفران و ناتوانان

اشاره

سفر عمره و حج، سفری دسته جمعی است؛ به طوری که شخص زائر با افراد زیادی، اعم از پیر و جوان، ناتوان و توانا و مریض و سالم، همراه است. از این رو یکی از آداب و اعمال مستحب و گاه لازم این سفر، کمک به دیگران، به ویژه افراد ضعیف و ناتوان است. در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود:

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحْبِبُّهُمْ إِلَيَّ الطُّفُّهُمْ بِهِمْ وَأَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ. (3)

(1). الکافی، ج 2، ص 637؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 10.

(2). بوستان سعدی، باب چهارم در تواضع.

(3). الکافی، ج 2، ص 199؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 367.

ص: 140

خداوند عزوجل فرمود: مردم، خانواده من اند. پس محبوب ترین افراد نزد من کسانی اند که به مردم مهربان تر و در بر آوردن نیازهایشان کوشاتر باشند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز درباره کمک به هم سفران فرمود:

مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا مُسَافِرًا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ كُرْبَةً وَأَجَارَهُ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْهَمِّ وَالْغَمِّ وَنَفَسَ عَنْهُ كُرْبَةً الْعَظِيمِ يَوْمَ يَغْصُّ النَّاسُ بِأَنْفَاسِهِمْ. (1) کسی که مسافر باایمانی را یاری رساند، خداوند هفتاد و سه گرفتاری او را برطرف می سازد و او را از غم دنیا و آخرت در پناه خویش قرار می دهد و از گرفتاری عظیم در روزی که نفس های مردم به شماره می افتد، رهایی می بخشد.

بسیاری از زائران خانه خدا گمان می کنند که بهترین عمل در این سرزمین، دعا و عبادت است. از این رو بعد از خوردن غذا و اندکی استراحت، بدون درنگ به مسجد می روند و مشغول دعا می شوند و در طول مسیر نیز همت خود را بر ذکر الهی و دعا می گذارند و هیچ توجهی به همراهان خود ندارند؛ در حالی که بر اساس روایات، کمک به دیگران از جمله افراد ضعیف و ناتوان، بالاترین پاداش را دارد؛ به گونه ای که ثواب آن، حتی از نماز در مسجد الحرام و طواف بر گرد خانه خدا بالاتر است. در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است:

وَإِنْ كُنْتَ مَعَ قَوْمٍ تَحْفَظُ عَلَيْهِمْ رِحَالَهُمْ حَتَّى يَطُوفُوا وَيَسَّ عَوَاكُنْتَ أَعْظَمَهُمْ ثَوَابًا. (2) [پس از آنکه وارد مکه شدی...] اگر با گروهی بودی که از وسایل و توشه آنان حفاظت می کنی تا آنان طواف و سعی خود را انجام دهند، پاداش تو عظیم تر از آنان است.

یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می گوید:

در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن از مردی به میان آمد و به آن حضرت گفتند که او آدم خیلی خوبی است. سپس در تعریف از او به آن حضرت عرض کردند:

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 293؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 429.

(2). فقه الرضا، ص 218؛ بحار الانوار، ج 96، ص 193.

«یا رسول الله! او امسال با ما به حج آمد. هر زمان در مکانی منزل می کردیم، پیوسته ذکر «لا اله الا الله» را بر زبان جاری داشت تا حرکت می کردیم و وقتی حرکت می کردیم پیوسته ذکر الهی می گفت تا فرو می آمدیم». رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از شنیدن این سخنان فرمود: «پس چه کسی شترش را علوفه می داد و غذایش را آماده می کرد؟!» به آن حضرت عرض کردند: «ما این کار را می کردیم». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پس همه شما از او بهترید». (1)

شخص دیگری به نام «مرازم بن حکیم» می گوید:

با «محمد بن مصادف» همراه بودم. وقتی به مدینه رسیدیم، من بیمار شدم.

ولی رفیقم مرتب مرا تنها می گذاشت و به مسجد می رفت. من شکایت او را به پدرش کردم و او نیز این مطلب را به امام صادق علیه السلام خبر داد. در پی این خبر، امام علیه السلام به محمد بن مصادف پیغام فرستاد و فرمود: «قُعُودُكَ عِنْدَهُ أَفْضَلُ مِنْ صَدَائِكَ فِي الْمَسْجِدِ»؛ (2) «نشستن تو کنار مریض از نماز خواندن در مسجد، بالاتر و برتر است».

همچنین امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود به نام «مشمعل» که از حج بازگشته بود، فرمود: «ای مشمعل! آیا می دانی حج چه پاداشی دارد؟» مشمعل عرض کرد: «نه، ای فرزند رسول خدا! شما بفرمایید». سپس امام علیه السلام پاداش های فراوانی را برای حج بیان کرد و در پایان فرمود:

لَقَضَاءِ حَاجِهِ امْرِيٍّ مُؤْمِنٍ أَفْضَلُ مِنْ حَجِّهِ وَحَجَّهِ وَحَجَّهِ حَتَّىٰ عَدَّ عَشْرَ حِجَجٍ. (3) برآوردن حاجت مؤمن از انجام دادن حج و حجی دیگر و حجی دیگر و بلکه از ده حج برتر است.

(1). مکارم الاخلاق، ص 265؛ بحار الانوار، ج 73، ص 274.

(2). الکافی، ج 4، ص 545؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 313.

(3). الامالی، صدوق، ص 581؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 305.

امام زین العابدین علیه السلام و کمک به زائران

در روایتی نقل شده است که امام زین العابدین علیه السلام با قافله های ناشناس عازم مکه می شد و با آنان شرط می کرد که از خدمت گزاران کاروان باشد و در کارهای اهل قافله به آنان کمک کند. روزی قافله ای از مسلمانان به قصد مکه حرکت کرد و امام علیه السلام به صورت ناشناس به این کاروان ملحق شد و در کارها به آنان کمک می کرد.

در بین راه مردی به کاروان ملحق شد و امام را شناخت. به اهل قافله گفت، آیا این مرد را می شناسید؟! آنان گفتند: نه. آن مرد گفت: این شخص علی بن الحسین علیه السلام است. آنان تا این سخن را شنیدند به طرف حضرت رفتند و شروع به بوسیدن دست و پاهای حضرت کردند و از آن حضرت گله کردند که چرا به صورت ناشناس با آنان همراه شده و کارهای آنان را انجام داده است؛ زیرا ممکن بود سخن یا عمل ناروایی درباره حضرت انجام دهند و بدین سبب گرفتار آتش دوزخ شوند.

سپس از آن حضرت سؤال کردند چه انگیزه ای سبب شد که این کار را انجام دهد؟! حضرت در پاسخ فرمود: یک بار با کاروانی که مرا می شناختند همراه شدم و آنان به واسطه قربت من با رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار به من خدمت کردند. از این رو مخفیانه پیش شما آمدم و انجام دادن حج به این صورت، برایم بسیار محبوب تر است. (1)

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن به دمی یا درمی یا قلمی یا قدمی

بایسته های کمک به دیگران

خدمت رسانی به نیازمندان، یکی از نعمت های الهی است که خداوند توفیق آن را برای همگان فراهم نمی کند. از این رو اگر اسباب کمک به دیگران به ویژه زائران و میهمانان الهی در سفر عمره یا حج برای مؤمنان پدید آید، باید شخص مؤمن قدر این فرصت استثنایی را بداند و خداوند را شکر کند که توفیق چنین خدمتی را نصیب او کرده است.

(1). عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 156؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 430.

ص: 143

ولیکن در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام برای انجام دادن بهتر و شایسته تر این عمل و قبولی آن از سوی خداوند، آداب متعددی توصیه شده است.

ادب نخست، قبولی خدمت رسانی به نیازمندان، آن است که شخص خدمتگزار عمل خویش را تنها برای رضای خداوند انجام دهد و هیچ گونه نیت و طمع دنیوی در آن نداشته باشد؛ چنان که خداوند می فرماید:

(مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَتِهِ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) (نساء: 114)

تنها به کسانی که به صدقه دادن یا کار نیک یا اصلاح میان مردم برای خشنودی خداوند فرمان می دهند، پاداشی عظیم خواهیم داد.

در داستان حضرت موسی و حضرت شعیب علیهما السلام آمده است که وقتی موسی علیه السلام پس از کمک به دختران شعیب علیه السلام و آب دادن به گوسفندان آنان به نزد شعیب رفت، غذا آماده بود. شعیب به موسی گفت: «ای جوان! بنشین و شام بخور». موسی گفت: «پناه می برم به خدا». شعیب گفت: «چرا؟ مگر گرسنه نیستی؟!». موسی گفت: «بله. اما می ترسم این شام، پاداش آبی باشد که به گوسفندان شما دادم و من از خاندانی ام که اگر همه زمین پر از طلا باشد، کمترین ثواب آخرت را به آن نمی فروشیم». شعیب گفت: «ای جوان به خدا این مزد کار تو نیست؛ بلکه میهمان نوازی و اطعام، رسم و عادت ما و پدران ماست». در این هنگام، موسی نشست و غذا خورد. (1)

افزون بر این، شخص نیکوکار که کار را برای خدا انجام می دهد، حتی نباید از افرادی که به آنان خدمت کرده است، انتظار عوض و حتی تشکر زبانی داشته باشد. خداوند درباره ویژگی های ابرار می فرماید:

(و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ

(1). بحارالانوار، ج 13، ص 21؛ مجمع البیان، ج 7، ص 429.

ص: 144

مسکین و یتیم و اسیر را تنها برای دوستی خدا اطعام می کنند [و به آنان می گویند] ما تنها برای رضای خدا، شما را اطعام می کنیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.

ادب دیگر کمک به دیگران، آن است که شخص، خدمت خود را به مقدار خاص و زمان و افراد معین منحصر نکند؛ بلکه تا جایی که وقت و توان، اجازه می دهد در کمک به نیازمندان در هر کجا و از هر قشر و مذهبی، به جز مواردی که خدمت فرد، کمک به گناه باشد، بکوشد؛ هرچند آن نیازمند، مسلمان و پیرو مذهب اهل بیت علیهم السلام یا حتی از افراد فاسق باشد؛ چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «فِي كُلِّ شَيْءٍ إِذْمُ السَّرْفِ إِلَّا فِي صَدَائِعِ الْمَعْرُوفِ وَالْمُبَالَغَةِ فِي الطَّاعَةِ»؛ (1) «اسراف در هر چیزی نکوهیده است؛ جز در انجام دادن نیکی ها و مبالغه در طاعت الهی».

امام رضا علیه السلام نیز فرمود: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الدِّينِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ»؛ (2) «اساس عقل، بعد از ایمان به خداوند، دوستی با مردم و خیررسانی به هر خوب و بد است».

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار (3)

از دیگر آداب کارهای نیک، سرعت در انجام دادن عمل خیر و اجتناب از تعلل و کوتاهی در آن است. خداوند یکی از ویژگی های حضرت زکریا علیه السلام را همین ویژگی می داند و می فرماید: (إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ)؛ «آنان کسانی بودند که در انجام دادن کار خیر، سرعت می گرفتند». (انبیاء: 90) حضرت علی علیه السلام نیز فرمود: «التَّوَدُّةُ مَمْدُوحَةٌ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي فُرْصِ الْخَيْرِ»؛ (4) «درنگ در هر چیز پسندیده است؛ به جز در فرصت های کار نیک».

(1). مستدرک الوسائل، ج 12، ص 346؛ جامع احادیث الشیعه، ج 14، ص 474.

(2). عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 38؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 295.

(3). گلستان سعدی، باب اول، حکایت ش 10.

(4). مستدرک الوسائل، ج 12، ص 142.

سفارش به درنگ نکردن در خدمتگزاری به دیگران، بدان سبب است که فرصت کار خیر، همیشه باقی نیست؛ بلکه ممکن است در یک زمان فرصت کار خیر وجود داشته باشد و در زمانی دیگر این فرصت یافت نشود و یا بر فرض وجود کار خیر، ممکن است شخص، توان مالی یا نیروی بدنی برای انجام آن کار خیر را نداشته باشد. از این رو باید در انجام دادن کار خیر شتاب کند.

افزون بر اجتناب از تأخیر در کار خیر، شخص احسان کننده نباید پس از انجام دادن عمل نیک، بر آن افراد یا حتی دیگران منت گذارد؛ چنان که امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

الْمَعْرُوفُ مَا لَمْ يَتَقَدَّمْهُ مَطْلٌ وَلَمْ يَتَعَقَّبْهُ مَنْ... مَنْ عَدَدَ نِعْمَهُ مَحَقَّ كَرَمَهُ. (1) نیکی و احسان، آن است که بی درنگ باشد و در پی آن منتی نباشد.... هرکس نعمت ها و خدمت های خود را به دیگران شمارش کند، کرشم را باطل کرده است.

ادب دیگر خدمت و احسان نیکو، آن است که این خدمت، اسباب تحقیر و از میان رفتن عزت مؤمنان را فراهم نکند. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام «حسین بن علاء» می گوید:

همراه با بیست و چند نفر به طرف مکه حرکت کردم. میان راه، در هر منزلی گوسفندی را برای آنان قربانی می کردم. زمانی که به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، آن حضرت خطاب به من فرمود: «ای حسین! آیا مؤمنان را خوار و ذلیل می کنی؟!» گفتم: «از چنین کاری به خدا پناه می برم!» حضرت فرمود: «به من خبر رسیده است که در هر منزلی برای آنان گوسفندی ذبح کرده ای!» گفتم: «قصدی جز خدا نداشتم». حضرت فرمود: «آیا ندانستی میان همراهان تو کسانی اند که دوست دارند همانند تو عمل کنند. اما به دلیل نداشتن توان مالی نمی توانند و در نتیجه احساس کوچکی و حقارت می کنند». گفتم: «از خداوند طلب مغفرت می کنم و از این پس چنین نخواهم کرد». (2)

(1). مستدرک الوسائل، ج 7، ص 238؛ بحار الانوار، ج 75، ص 115.

(2). وسائل الشیعه، ج 11، ص 415؛ جامع احادیث الشیعه، ج 16، ص 491.

اشاره

بی تردید، ورود بر هر بزرگی، به تناسب جایگاه و بزرگی او، تواضع، ادب و وقار خاصی را می طلبد و چون بزرگی صاحب خانه و میزبان این سفر، بالاتر از تصور انسان است، باید شخص میهمان، نهایت خضوع، وقار و آرامش را که نشانه ادب و فروتنی است، هنگام ورود و حضور در محضر این بزرگان داشته باشد و از تکبر و برتری جویی اجتناب کند.

همچنین زائر در سفر عمره و حج، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا علیها السلام و امامان معصوم علیهم السلام وارد می شود؛ انسان های پاک و مطهری که واسطه میان خلق و خداوندند و خداوند نیز به برکت وجود آنان، همه عالم را خلق کرده است و روزی می دهد. بنابراین ورود به محضر چنین بزرگانی، ادب و فروتنی ویژه ای را می طلبد. امام صادق علیه السلام خطاب به زائران خانه خدا فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ... أَلْبَسْ كِسْوَةَ الصُّدُقِ وَالصَّفَاءِ وَالْخُضُوعِ وَالْخُشُوعِ»؛ (1) «هرگاه اراده رفتن به حج کردی... لباس صداقت و صفا و خضوع و خشوع را بر تن کن».

همچنین آن حضرت فرمود: «کسی که برای حج یا عمره قصد خانه خدا کند، درحالی که از کبر و خودپسندی دور باشد، همانند روزی که از مادر متولد شده است، از گناهان پاک می شود». (2) امام رضا علیه السلام نیز به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از آداب حج را داشتن این خصلت دانست و فرمود: «وَ اجْتَنِبِ... الْجِدَالَ فِي الْحَجِّ... وَعَلَيْكَ بِالتَّوَّاضُعِ وَالْخُشُوعِ وَالسَّكِينَةِ وَالْخُضُوعِ»؛ (3) «در حج، از جدال اجتناب کن... و بر تو باد به تواضع و خشوع و آرامش و خضوع».

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز یکی از حکمت های سفر حج و ابتلای حج گزاران به سختی های این سفر را زدودن خصلت تکبر از قلوب آنان ذکر کرد و فرمود:

خداوند خانه اش را در سخت ترین مکان روی زمین قرار داد تا آنان را با انواع

(1). مصباح الشریعه، ص 48؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 172.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 205؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 93.

(3). بحارالانوار، ج 96، ص 339؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 160.

سختی ها آزمایش کند و با مبتلا کردن آنان به ناملایمات گوناگون، تکبر را از قلوب آنان بزدايد و فروتنی را در نفوس آنان جای دهد. (1)

پیشوایان معصوم علیهم السلام افزون بر توصیه به تواضع در همه حالات این سفر، به طور ویژه نیز حج گزاران را به داشتن این ویژگی در اماکن و مراحل خاص این سرزمین فرمان داده اند که در اینجا به مهم ترین این مواضع اشاره می کنیم:

- هنگام رفتن به زیارت ائمه معصوم علیهم السلام

إِذَا صَدَرْتَ إِلَى الْبَابِ فَقِفْ وَاشْهَدْ الشَّهَادَتَيْنِ وَأَنْتَ عَلَى غُضُلٍ... ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ وَقَارِبَ بَيْنِ خُطَاكَ. (2) هرگاه به در حرم آنان رسیدی، درحالی که با غسل هستی، شهادتین را بر زبان جاری کن.... سپس درحالی که با آرامش و وقار هستی، مقداری حرکت کن و گام هایت را نزدیک به هم بردار.

- هنگام ورود به حرم مکی

فَإِذَا بَلَغْتَ الْحَرَمَ فَأَغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَ مَكَّةَ وَامْشِ هُنَيْهَةً وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ. (3) آن گاه که به حرم رسیدی... آهسته حرکت کن و بر تو باد به آرامش و داشتن وقار.

- هنگام ورود به شهر مکه

ثُمَّ ادْخُلْ مَكَّةَ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ. (4) سپس داخل شهر مکه شو؛ درحالی که با آرامش و وقاری.

- هنگام ورود به مسجدالحرام

إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَأَدْخُلْهُ حَافِيًا عَلَى السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْخُشُوعِ. (5) هرگاه وارد مسجدالحرام شدی، پابرهنه و با حالت آرامش و وقار و خشوع وارد شو.

(1). الكافي، ج 4، صص 199 و 200؛ بحار الانوار، ج 6، ص 114.

(2). عيون اخبار الرضا، ج 2، ص 305؛ من لايحضره الفقيه، ج 2، ص 609.

(3). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 317؛ جامع احاديث الشيعة، ج 11، ص 367.

(4). من لايحضره الفقيه، ج 2، ص 556؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 165.

(5). الكافي، ج 4، ص 401؛ تهذيب الاحكام، ج 5، ص 100.

- هنگام طواف بر گرد خانه خدا

مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ... حَاسِرًا عَنِ رَأْسِهِ حَافِيًا يُقَارِبُ بَيْنَ خُطَاهُ وَيَغُضُّ بَصَرَهُ. (1) هرکس طواف کند... سرش و پایش برهنه باشد و گام های خود را کوتاه بردارد و چشمانش را فرو افکند.

- هنگام رفتن به طرف صفا و مروه

ثُمَّ اخْرُجْ إِلَى الصَّفَا... وَعَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ. (2) سپس به طرف کوه صفا خارج شو؛ درحالی که با آرامش و وقار هستی.

- هنگام سعی میان صفا و مروه

انْحَدِرْ مِنَ الصَّفَا مَاشِيًا إِلَى الْمَرْوَةِ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ. (3) از صفا پایین بیا و به طرف مروه حرکت کن؛ درحالی که با آرامش و وقاری.

- هنگام محرم شدن برای حج

وَإِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيهِ فَاغْتَسِلْ وَالْبَسْ ثَوْبَيْكَ اللَّذَيْنِ لِلذَّيْنِ لِلْإِحْرَامِ وَائْتِ الْمَسْجِدَ حَافِيًا عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ. (4) هنگامی که روز ترویبه فرا رسید، غسل کن و لباس احرام بپوش و با پای برهنه و درحالی که با آرامش و وقاری به مسجدالحرام بیا.

- هنگام حرکت به طرف عرفات

وَأَحْرِمْ بِالْحَجِّ ثُمَّ امْضِ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ. (5) برای حج احرام ببند و سپس حرکت کن؛ درحالی که با آرامش و وقاری.

(1). الکافی، ج 4، ص 412؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 206.

(2). الکافی، ج 4، ص 431؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 146.

(3). الکافی، ج 4، ص 430؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 403.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 54؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 182.

(5). الکافی، ج 4، ص 454؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 167.

ص: 149

- هنگام ورود به عرفات

ثُمَّ أَنْتِ الْمَوْقِفَ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ. (1) سپس به محل وقوف بیا؛ درحالی که با آرامش و وقاری.

- هنگام کوچ از مشعر به سوی منا

رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام کوچ از مشعر به طرف منا فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ السَّكِينَةَ السَّكِينَةَ. (2) ای مردم! با آرامش، با آرامش حرکت کنید.

- هنگام رمی جمرات

ثُمَّ تَمْضِي إِلَى الثَّالِثَةِ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ. (3) سپس به سوی جمره سوم حرکت می کنی؛ درحالی که با حالت آرامش و وقاری.

معنا و نمادهای تواضع

اشاره

مراد از تواضع در سفر عمره و حج چیست؟ زائر سرزمین وحی باید چه حالت و رفتاری داشته باشد که این ویژگی را براساس سفارش پیشوایان معصوم علیهم السلام در این سفر رعایت کرده باشد؟

از بررسی روایات ائمه معصومین علیهم السلام در این باره استفاده می شود که تواضع انسان، دو مصداق و مرتبه دارد: تواضع جسمی و ظاهری و تواضع قلبی و باطنی که شایسته است زائر این سرزمین، هر دو نوع تواضع را در این سفر رعایت کند که در اینجا به اختصار به این دو قسم از تواضع و نشانه های هر یک اشاره می کنیم:

الف) تواضع ظاهری

مرتبه نخست و قدم اول تواضع، خضوع ظاهری است. خضوع ظاهری آن است که

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 541؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 182.

(2). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 56؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 524.

(3). الکافی، ج 4، ص 481؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 554.

زائر در حرکات و رفتارهای ظاهری خود، آرام، متین، سنگین و باوقار باشد و از هرگونه سخن یا عملی که نشانه بزرگی، تکبر و برتری او در برابر خدا یا خلق او باشد، اجتناب ورزد. از امام صادق علیه السلام سؤال شد، مقصود از تواضعی که زائر باید با آن حالت وارد مسجدالحرام شود، چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: «السَّكِينَةُ لَا تَدْخُلُهُ بِنَكْبَةٍ»؛ (1) «مراد، حالت آرامش و وقار است و اینکه با حالت غرور و تکبر وارد مسجد نشوی».

همچنین از امام علیه السلام درباره معنای تکبر که نباید در وجود حج گزار باشد، سؤال شد که آن حضرت فرمود: «يُعْصُ النَّاسَ وَيَسْفَهُ الْحَقَّ»؛ (2) «کبر آن است که فرد، مردم را حقیر و کوچک شمارد و حق را نادیده بگیرد».

برای تحصیل و نشان دادن تواضع زائر در برابر خدا و اولیای دین، اعمال و رفتارهای متعددی در این سفر تشریح و توصیه شده است که برخی بر زائر واجب و برخی مستحب است.

از جمله اعمال واجبی که در تحقق و نشان دادن فروتنی حج گزار، نقش فراوانی دارد، احرام عمره و حج و اعمال مربوط به آن است. حج گزار در احرام، لباس های معمولی خود را که گاهی نماد ثروت و قدرت است خارج می کند و دو تکه لباس نمدوخته که نماد تواضع، خضوع و فقر است بر تن می کند و معنای این عمل، آن است که خدایا! من با دست خالی و بدون داشتن هیچ ثروت و موقعیت و مقامی نزد تو آمدم. همچنین تحریم بسیاری از محرّمات هنگام احرام، مانند نگاه کردن در آینه، اجتناب از بوی خوش، ترک زینت و برخی دیگر از محرّمات احرام، موجب دور شدن فرد از توجه به خود و نشانه تواضع و فروتنی در برابر خداوند است.

نماد دیگر تواضع ظاهری در این سفر، پیاده شدن از مرکب و برهنه کردن پاها هنگام ورود به حرم الهی و مسجدالحرام است؛ (3) چنان که «ابان بن تغلب» می گوید: در

(1). الکافی، ج 4، ص 401؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 100.

(2). وسائل الشیعه، ج 14، ص 7؛ بحارالانوار، ج 96، ص 255.

(3). مستند الشیعه، ج 13، ص 85؛ کتاب الحج، خوئی، ج 5، ص 479.

سفر حج همراه امام صادق علیه السلام بودم. همین که حضرت به حرم رسید، از مرکب فرود آمد و غسل کرد و نعلین خود را از پا خارج کرد و با پای برهنه وارد حرم شد. سپس حضرت فرمود:

يَا أَبَانُ، مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا رَأَيْتَنِي صَنَعْتُ تَوَاضَعًا عَالِيَهُ، مَحَا اللَّهُ عَنْهُ مِائَةٌ أَلْفِ سَيِّئَةٍ، وَكَتَبَ لَهُ مِائَةٌ أَلْفِ حَسَنَةٍ، وَبَنَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ، وَقَضَى لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ. (1) ای ابان! هرکس از روی تواضع برای خداوند عزوجل همانند من عمل کند، خداوند صد هزار گناه از او محو می کند و صد هزار حسنه برای او می نویسد و صد هزار درجه در بهشت برای او قرار می دهد و صد هزار حاجت او را برآورده می کند.

از نشانه های دیگر تواضع در عمره و حج، تراشیدن سر است که زائر برای نشان دادن کوچکی خویش در برابر مولا و آقای خود، موهای سرش را همچون بردگان می تراشد؛ چنان که در روایتی آمده است که وقتی جبرئیل امین علیه السلام مناسک حج را به حضرت آدم علیه السلام آموزش می داد و به سرزمین منار رسید، خطاب به حضرت آدم علیه السلام فرمود:

فَأَحْلِقْ رَأْسَكَ تَوَاضَعًا عَالِيَهُ عَزَّ وَجَلَّ إِذْ قَبِلَ قُرْبَانَكَ فَحَلَقَ آدَمُ رَأْسَهُ تَوَاضَعًا عَالِيَهُ عَزَّ وَجَلَّ. (2) ای آدم! سرت را به نشانه تواضع در برابر خدا بتراش، به این دلیل که قربانی تو را پذیرفت. پس آدم برای تواضع در برابر خدا، سر خود را تراشید.

افزون بر اعمال واجب یا مستحب مذکور، اعمال مستحب دیگری نیز برای تحقق بیشتر این خصلت سفارش شده است؛ مانند پیاده روی تمام یا بخشی از این سفر و نیز حرکت با آرامش، متانت و وقار که به احادیث این دو عمل اشاره کردیم. عمل مستحب دیگر، ژولیده و غبارآلود بودن فرد هنگام ورود به عرفات و سرزمین مناست. (3) در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره آمده است:

(1). الکافی، ج 4، ص 398؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 97.

(2). الکافی، ج 1، ص 193؛ علل الشرایع، ج 2، ص 401.

(3). رسائل الشهيد الثاني، ج 1، ص 361؛ جامع السعادات، ج 3، ص 311.

إِنَّهَا الْحَاجُّ الشَّعْتُ الْعُغْبُرُ يَقُولُ اللَّهُ لِمَلَا يُكْتَبُ أَنْظَرُوا إِلَيَّ زُورًا بَيْتِي فَدَجَّاءُونِي شَدْ عَثَا غُبْرًا مِنْ كُلِّ فَحَجِّ عَمِيقٍ. (1) همانا حاجی، ژولیده و غبارآلود است. در این صورت، خداوند تبارک و تعالی به این افراد بر ملائکه خود مباحثات می کند و می گوید: «به زائران خانه ام نگاه کنید که با حالت ژولیده و غبارآلود از هر درهای عمیق به سوی من آمده اند».

نشانه دیگر تواضع، کوتاه برداشتن گام ها هنگام انجام دادن برخی اعمال، از جمله هنگام زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام (2) و هنگام طواف کردن خانه خداوند (3) است. این عمل افزون بر اینکه نشانه تواضع زائر در برابر اولیای معصوم علیهم السلام و خداوند متعال به شمار می رود، پاداش فرد را در این سفر، مضاعف می کند؛ زیرا بر اساس احادیث، خداوند به عدد هر گامی که زائر در این مکان ها برمی دارد، پاداشی به او عنایت می کند.

(ب) تواضع و خشوع باطنی

مرتبه بالاتر از تواضع ظاهری، خضوع و خشوع باطنی و قلبی است. خضوع و خشوع باطنی، آن است که زائر افزون بر آرام و باوقار بودن و داشتن تواضع در اعضای ظاهری، قلبش تسلیم خداوند متعال و اولیای الهی باشد. در نقلی منسوب به امام صادق علیه السلام، حضرت در پاسخ به سؤالی درباره معنای تواضع فرمود: «هُوَ أَنْ يَخْضَعَ لِلْحَقِّ وَيَتَّقَادَ لَهُ»؛ (4) «تواضع، آن است که شخص در برابر حق خضوع کند و او را اطاعت کند». همچنین آن حضرت فرمود:

کسی که داخل مکه شود، در حالی که از کبر به دور باشد، گناهانش بخشوده می شود. راوی از امام علیه السلام سؤال کرد: کبر چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «کبر، کوچک شمردن مردم

(1). مستدرک الوسائل، ج 8، ص 41؛ جامع احادیث، ج 10، ص 162.

(2). عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 305.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 531؛ بحار الانوار، ج 96، ص 196.

(4). مصباح الشریعه، ص 72؛ منهاج البراعه، خوئی، ج 9، ص 74.

و نادیده گرفتن حق است». راوی می گوید: «چگونه؟!» امام فرمود: «اینکه شخص، خود را در برابر حق به جهالت بزند و به اهل حق طعنه وارد کند». (1)

همچنین حضرت فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ لَمْ يَسِدْ أَمَّ بَدَنُهُ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ»؛ (2) «کسی که قلب او در برابر خدا تواضع کند، جسم او از طاعت الهی خسته نمی شود».

بنابراین نشانه واقعی تواضع قلبی، تسلیم در برابر خداوند و اولیای الهی و اطاعت از آنان است؛ به طوری که امر و نهی خدا و اولیای معصوم را بپذیرد. بر این اساس، شایسته است زائر خانه خدا افزون بر خضوع ظاهری، خضوع باطنی داشته باشد و تسلیم دستور پروردگار و اولیای الهی باشد.

ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک

حریص و جهان سوز و سرکش مباش ز خاک آفریدنت آتش مباش

چو گردن کشید آتش هولناک به بیچارگی تن بینداخت خاک

چو آن سرفرازی نمود این کمی از آن دیو کردند از این آدمی (3)

9. شروع از مدینه یا مکه

برخی زائران سفر معنوی عمره و حج، نخست به شهر مقدس مدینه می روند. ولی گروهی دیگر برعکس این روش، سفر را از مکه آغاز می کنند و پس از انجام دادن اعمال و مناسک عمره و حج، به مدینه می روند و حج خود را با زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به پایان می رسانند.

اما در اینکه کدام یک از این دو روش بهتر است و دارای پاداش بیشتری است، روایات متعددی از پیشوایان معصوم علیهم السلام نقل شده است؛ در برخی روایات شروع کردن حج از مکه دارای فضیلت بیشتری دانسته شده است؛ از جمله در روایتی از امام باقر علیه السلام سؤال شد که

(1). معانی الاخبار، ص 242؛ بحار الانوار، ج 2، ص 142.

(2). کنز الفوائد، ص 128؛ بحار الانوار، ج 75، ص 90.

(3). بوستان سعدی، باب تواضع.

حج را از مدینه آغاز کنیم یا از مکه؟ حضرت در پاسخ فرمود: «أَبْدَأُ بِمَكَّةَ وَآخِثِمُ بِالْمَدِينَةِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ»؛ (1) «سفر را از مکه آغاز کن و در مدینه به پایان برسان که این برتر است».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «هرگاه یکی از شما به حج برود، باید حج خود را با دیدار ما به پایان ببرد؛ چراکه کامل شدن حج با دیدار ما کامل می شود». (2)

اما در مقابل، در برخی احادیث دیگر، آغاز کردن سفر از مدینه بهتر دانسته شده است؛ از جمله در حدیثی چنین آمده است:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحَاجِّ مِنَ الْكُوفَةِ يَبْدَأُ بِالْمَدِينَةِ أَمْ بِالْمَدِينَةِ أَفْضَلُ أَوْ بِمَكَّةَ قَالَ بِالْمَدِينَةِ. (3) از امام صادق علیه السلام درباره حج گزاری که از کوفه به حج می آید سؤال کردم که آیا حج خود را از مدینه آغاز کند یا از مکه؟ حضرت فرمود: از مدینه.

در برخی از احادیث نیز زائر در انتخاب هر یک از مکه یا مدینه مخیر دانسته شده است؛ از جمله «علی بن یقظین» می گوید:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَمَرِّ بِالْمَدِينَةِ فِي الْبِدَايَةِ أَفْضَلُ أَوْ فِي الرَّجْعَةِ قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ أَيُّهُ كَانَ. (4) از امام موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کردم: آیا هنگام رفتن به حج، نخست به مدینه بروم بهتر است یا پس از بازگشت، از مدینه بیایم؟ امام علیه السلام فرمود: هرگونه سفر را آغاز کنی ایرادی ندارد.

مشهور فقیهان شیعه، روایات دسته نخست را ترجیح داده اند و معتقدند که بهتر است زائر، سفر خود را از مکه آغاز کند و به مدینه ختم نماید. (5) حکمت این ترجیح، براساس برخی روایات مذکور، آن است که زائران پس از مناسک حج و عمره، به مدینه

(1). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 44؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 320.

(2). علل الشرایع، ج 2، ص 459؛ بحار الانوار، ج 96، ص 374.

(3). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 439؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 319.

(4). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 440؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 319..

(5). الحدائق الناضرة، ج 17، ص 404؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 558.

می روند و با ابراز ولایت و همبستگی و نصرت خود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، حج خود را کامل می کنند. (1)

در مقابل، برخی از فقیهان، روایات دسته دوم را ترجیح داده و آغاز کردن سفر را از مدینه بهتر دانسته اند. (2) حکمت این ترجیح نیز آن است که گفته اند: پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام ابواب معرفت خدا و شناخت دین و احکام الهی اند. از این رو برای ورود بنده به خانه و ضیافت الهی، بهتر است از در آن خانه که همان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند وارد شود؛ چنان که خداوند در آیه 189 بقره به همه مسلمانان فرمان داده است که اگر قصد ورود به خانه ای دارند، باید از در آن وارد شوند: (3) (... وَ اتُّوا الْبُيُوتَ مِنْ ابْوَابِهَا ...). براساس روایات، مقصود از ابواب در آیه، اهل بیت علیهم السلام دانسته شده اند که ابواب شناخت خداوندند. (4)

افزون بر این، برای ورود به ضیافت الهی، هرچه انسان از آلودگی ها و گناهان پاک تر باشد، زمینه ورود و تقرب به خدا برای او بیشتر فراهم است و کسانی که در ابتدا قدم به شهر مدینه می گذارند، این امتیاز را دارند که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان معصوم آن حضرت بروند و آنان را برای بخشایش گناهانشان نزد خدا واسطه قرار دهند؛ چنان که خداوند خود در قرآن کریم در این باره می فرماید:

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا) (نساء: 64)

اگر مردم هنگامی که مرتکب گناهی شدند نزد تو آمده بودند و از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر برای آنان آمرزش خواسته بود، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

(1). الکافی، ج 1، ص 293؛ علل الشرایع، ج 2، ص 406.

(2). مستند الشیعه، ج 13، ص 330؛ قواعد الاحکام، ج 1، ص 449.

(3). مستند الشیعه، ج 13، ص 330.

(4). وسائل الشیعه، ج 27، ص 20؛ بحار الانوار، ج 2، صص 104 و 105.

ص: 156

همچنین شرط بخشایش برخی گناهان، تنها رضایت اهل بیت علیهم السلام است و بدون رضایت این خاندان، خداوند آن گناهان را نمی‌آمرزد؛ چنان که در زیارت جامعه می‌گوییم:

يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَيَّ... لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شَفَعَائِي. (1) ای ولی خدا! همانا میان من و خداوند عزوجل گناهانی است که محو نمی‌شود؛ مگر به رضایت شما. پس به حق کسی که شما را امین اسرار خود قرار داد... بخشایش گناهان مرا از خدا طلب کنید و شفیعان من نزد خداوند باشید.

البته در عصر حاضر که بیشتر زائران در قالب کاروان‌های سازمان یافته عازم این سرزمین می‌شوند، زائر، اختیاری برای تعیین آغاز سفر خود از شهر مکه یا مدینه ندارد. از این رو نباید زائر برخلاف حرکت کاروان تلاش کند که سفر خود را از مدینه یا مکه آغاز کند؛ زیرا شروع از هر یک از این دو شهر، فضیلت خاص خود را دارد.

ولیکن مهم این است که زائر بکوشد به فلسفه و حکمت آغاز کردن سفر از مدینه یا مکه توجه داشته باشد؛ به این معنا که اگر زائری سفر خود را از مدینه آغاز می‌کند، توجه داشته باشد که خداوند فرصتی ویژه را قبل از حضور در ضیافت الهی برای او فراهم کرده است تا ضمن افزایش شناخت خود از خداوند، اولیای الهی و معارف دین، بتواند با توسل به این خاندان و واسطه قرار دادن آنان نزد خداوند، خود را از گناهان زیادی که در طول سالیان دراز به آنها آلوده شده است پاک کند و با جسم و روحی پاک، قدم در حرم امن الهی بگذارد.

اما زائری که سفر خود را از مکه آغاز می‌کند، توجه داشته باشد که او حج و عمره خود را با زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای معصوم او کامل می‌کند؛ به این صورت که با حضور نزد اولیای معصوم الهی، ولایت و همبستگی و نصرت خود را به آنان عرضه می‌کند و بر پذیرش ولایت این خاندان و اطاعت از آنان تجدید عهد می‌نماید.

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 617؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 101.

ص: 157

اشاره

مدینه منوره، شهر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، شهر فاطمه زهرا علیها السلام و شهر فرزندان پاک و مطهر آن حضرت است. مدینه، حرم خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «مَكَّةُ حَرَمٌ لِلَّهِ وَالْمَدِينَةُ حَرَمٌ لِرَسُولِ اللَّهِ»؛ (1) «مکه حرم خداست و مدینه حرم رسول خدا».

مدینه شهری است که میان همه شهرهای جزیره العرب، از جمله شهر مکه که با جنگ، فتح گردید، با آیات قرآن گشوده شد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْتَتِحَتِ الْقُرَى بِالسَّيْفِ، وَأَفْتَتِحَتِ الْمَدِينَةُ بِالْقُرْآنِ»؛ (2) «آبادی ها و سرزمین ها با شمشیر فتح گردید. ولی مدینه با قرآن فتح شد». پیامبر صلی الله علیه و آله پس از مهاجرت از مکه و هنگام ورود به این شهر، دست ها را به درگاه خداوند بلند کرد و فرمود:

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْمَدِينَةَ كَمَا حَبَّبْتَ إِلَيْنَا مَكَّةَ أَوْ أَشَدَّ وَبَارِكْ فِي صَاعِهَا وَمُدَّهَا. (3) خدایا! مدینه را همچون مکه و بلکه بیشتر از آن محبوب ما کن و در صاع و مد آن برکت قرار ده.

رسول خدا صلی الله علیه و آله علاقه زیادی به شهر مدینه داشت؛ به گونه ای که در برخی روایات آمده است:

هرگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سفری می آمد و نگاهش به دیوارهای مدینه می افتاد، از شوق، وسایلش را بر زمین می نهاد و با سرعت بیشتری به سمت این شهر می آمد و اگر سوار بر مرکب بود، مرکب خویش را با شتاب بیشتری حرکت می داد. (4)

مدینه، شهری است که امیر مؤمنان علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان معصوم آنان در این مکان اقامت گزیدند و سال های متمادی در فضای این شهر، نفس کشیدند. این سرزمین از چنان قداستی برخوردار است که بر اساس برخی روایات، اقامت و سکونت

(1). الکافی، ج 4، ص 563؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 12.

(2). مجمع الزوائد، ج 3، ص 298؛ کنز العمال، ج 12، ص 230.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 564؛ صحیح بخاری، ج 2، ص 225.

(4). صحیح بخاری، ج 2، ص 224؛ سنن الترمذی، ج 5، ص 162.

در آن، برتر از شهر مکه است. (1) «حسن بن جهم» از اصحاب امام کاظم علیه السلام می گوید:

از امام کاظم علیه السلام درباره اقامت در مکه یا مدینه سؤال کردم که کدام یک برتر است؟ امام در پاسخ فرمود: نظر شما چیست؟ من گفتم: ما در مقابل شما نظری نداریم. ولی فکر می کنیم که اقامت در مدینه فضیلت بیشتری دارد. حضرت فرمود: اگر تو این عقیده را داری به تو بگویم که امام صادق علیه السلام روز عید فطر به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و بر آن حضرت سلام کرد و فرمود: ما بر مردم مکه با سلام کردن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله برتری داده شده ایم. (2)

بنابراین زائران سفر حج و عمره باید توجه داشته باشند که به سرزمین و شهر بسیار مقدس و پربرکتی قدم می گذارند. از این رو باید ورود و حضور آنان در این شهر، با دیگر شهرها تفاوت داشته باشد؛ به طوری که اعمال و رفتارشان شایسته میزبانان و صاحبان این سرزمین، یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزندان معصوم آن حضرت و دیگر اولیای الهی باشد.

از این رو زائر در این شهر، به جای توجه به دنیا و پرداختن به اعمال بیهوده، باید برای آخرت خویش کار کند. در روایتی آمده است که گروهی از شیعیان امام صادق علیه السلام در راه سفر حج، وارد مدینه شدند و خدمت آن حضرت رسیدند. امام علیه السلام از آنان سؤال کرد که در کجا اقامت گزیده اید؟ گفتند: «ما به مدت پانزده روز در مدینه اقامت داریم». آن گاه امام خطاب به آنان فرمود:

أَصَابْتُمْ الْمَقَامَ فِي بَلَدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِهِ وَأَعْمَلُوا لِآخِرَتِكُمْ وَأَكْثَرُوا لِأَنْفُسِكُمْ إِنَّ الرَّجُلَ قَدْ يَكُونُ كَيْسًا فِي الدُّنْيَا فَيَقَالُ مَا أَكَيْسَ فُلَانًا وَإِنَّمَا الْكَيْسُ الْآخِرُ. (3) توفیق اقامت در شهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و اقامه نماز در مسجد آن حضرت نصیب شما

(1). وسائل الشیعه، ج 14، ص 347.

(2). الکافی، ج 4، ص 557؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 14.

(3). الکافی، ج 4، ص 557؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 348.

ص: 159

شده است. پس برای آخرتتان کار کنید و زیاد هم تلاش کنید. گاهی مردم به کسی که در کارهای دنیایی اش زیرک باشد می گویند: فلانی چقدر زیرک است! ولی بدانید که زیرک واقعی کسی است که برای آخرت خود زیاد تلاش می کند.

بر این اساس، در روایات پیشوایان دین، برای ورود و حضور در این شهر آداب و اعمال خاصی ذکر شده که شایسته است زائران، آنها را هنگام حضور در این سرزمین رعایت کنند تا ضمن کامل کردن عمره و حج خود، بهره بیشتری از این سفر معنوی ببرند. ما در اینجا به آداب مهم حضور در مدینه اشاره می کنیم:

الف) رعایت حرمت حرم و اهل آن

همان گونه که ذکر شد، مدینه همانند شهر مکه، حرم است. بر اساس روایات منقول از اهل بیت علیهم السلام، قرار دادن حرم برای شهر مدینه و حدود آن از سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله انجام شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند، پیامبرش را تربیت کرد و تربیت او را نیکو قرار داد. سپس اختیار برخی امور را به آن حضرت واگذار کرد. از جمله اینکه خداوند خودش مکه را حرم قرار داد. ولی مدینه را رسول خدا صلی الله علیه و آله حرم قرار داد و خداوند نیز آن را از پیامبرش پذیرفت. (1)

بر این اساس، یکی از وظایف زائران در این سرزمین، از همان لحظات نخست، رعایت حرمت حرم و ساکنان آن و عدم تعرض و بی احترامی به آنان است. زائر باید بداند که به سرزمینی وارد می شود که همه ساکنان آن و نیز زائرانی که از هر سو به این سرزمین قدم می گذارند اهل حرم و همسایگان و میهمانان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند. از این رو حق ندارد بدون دلیل و به بهانه مخالف مذهب بودن یا سیاه و سفید بودن یا دلایل غیر شرعی دیگر، به آنان تعرض یا بی احترامی کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

(1). وسائل الشیعه، ج 14، ص 336؛ الاختصاص، ص 309.

ص: 160

الْمَدِينَةُ مُهَاجِرِي وَمَضْجَعِي فِي الْأَرْضِ، حَقَّ عَلَى أُمَّتِي أَنْ يُكْرِمُوا جِيرَانِي مَا اجْتَنَبُوا الْكِبَائِرَ. (1) مدینه محل مهاجرت من و مکان دفن من روی زمین است و بر امت من لازم است که همسایگان مرا تا آن زمان که مرتکب گناه کبیره نشده اند، اکرام کنند.

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکس از روی ظلم، اهل مدینه را بترساند، خدا او را می ترساند و لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر او باد و خداوند از چنین افرادی عمل عادلانه و نیکی را قبول نمی کند. (2)

افزون بر حرمت ساکنان و زائران این سرزمین، حتی حیوانات و اشیا این شهر، احترام دارند؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَدِينَةَ مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا صَدِيدًا وَحَرَّمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا حَوْلَهَا بَرِيدًا فِي بَرِيدٍ أَنْ يُخْتَلَى خَلَاهَا أَوْ يُعْضَدَ شَجَرُهَا. رسول خدا صلی الله علیه و آله صید مدینه را میان دو سنگلاخ و نیز کندن گیاه و قطع درختان مدینه را یک برید (دوازده میل) در یک برید، حرام کرد.

(3) بر اساس این روایات، بیشتر فقیهان شیعه (4) و اهل سنت (5) صید کردن و نیز قطع درختان و گیاهان مدینه را به جز در موارد ضرورت، حرام شمرده اند. ولی برخی انجام دادن این اعمال را مکروه دانسته اند. (6) حرم مدینه، محدوده شهر مدینه و قسمت هایی از خارج شهر را شامل می شود که با علامت های خاص که به «علائم حرم» معروف اند، علامتگذاری شده است.

(1). مجمع الزوائد، ج 3، ص 310؛ کنز العمال، ج 12، ص 246.

(2). مسند احمد، ج 4، ص 55؛ مجمع الزوائد، ج 3، ص 306.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 561؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 555.

(4). تذکره الفقهاء، ج 7، ص 380؛ الحدائق الناضره، ج 15، ص 537 و ج 17، ص 415.

(5). المجموع، ج 7، ص 472؛ المغنی، ج 3، ص 369.

(6). مختلف الشیعه، ج 4، ص 381.

ص: 161

ب) غسل کردن

نخستین عملی که مستحب است زائر هنگام ورود به مدینه انجام دهد، غسل است؛ (1) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: « إِذَا دَخَلْتَ الْمَدِينَةَ فَأَغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا أَوْ حِينَ تَدْخُلَهَا »؛ (2) «هرگاه قصد داخل شدن به مدینه را داشتی، قبل یا بعد از داخل شدن، غسل کن».

فقیهان گفته اند که زائر مخیر است قبل از ورود به شهر مدینه یا بعد از وارد شدن به آن، غسل کند. (3) بنابراین اگر امکان غسل کردن قبل از ورود، وجود داشته باشد، شایسته است غسل کند تا از همان لحظات نخست ورود به این شهر با طهارت باشد. اما اگر این امکان وجود ندارد، پس از ورود، غسل کند.

همچنین از دیگر اعمال مستحب در این سرزمین، غسل ورود به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز غسل زیارت آن حضرت است و چون زائران در نخستین روز حضور در این شهر، به قصد زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد مسجد آن حضرت می شوند، شایسته است زائر، هر سه غسل را با هم انجام دهد؛ به این صورت که یک غسل را با هر سه نیت به جای آورد. همچنین هنگام غسل، مستحب است این دعا را بخواند: « اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مَدْحَتَكَ وَالشَّاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَشِفَاءً وَنُورًا ». (4)

ج) زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای معصوم علیهم السلام

از دیگر آداب و مستحبات مؤکد در مدینه، زیارت قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان معصوم آن حضرت است. زیارت قبر مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله از چنان اهمیتی برخوردار است که آن حضرت فرمود:

(1). جواهر الکلام، ج 5، ص 61؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 187.

(2). الکافی، ج 4، ص 550؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 565.

(3). مهذب الاحکام، ج 15، ص 37؛ العروه الوثقی، ج 2، ص 153.

(4). عیون الاخبار الرضا، ج 2، ص 300؛ مستدرک الوسائل، ج 1، ص 478.

مَنْ أَتَى مَكَّةَ حَاجًّا وَلَمْ يَزُزْنِي إِلَى الْمَدِينَةِ جَفَانِي وَمَنْ جَفَانِي جَفَوْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1) هرکس برای حج به مکه بیاید و مرا زیارت نکند، از من روی گردانده است و کسی که از من روی گرداند، در روز قیامت از او روی برمی گردانم.

فقیهان گفته اند که شایسته است زائر در شهر مدینه قبل از انجام دادن هر کاری، نخست به زیارت قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله برود. (2) به سبب اهمیت این موضوع و جایگاه عظیم آن در سفر حج و عمره، در ادامه به طور مستقل به این بحث می پردازیم.

(د) کامل خواندن نماز

مسافر باید در سفر، نماز خود را شکسته بخواند. اما در چهار مکان، یعنی شهر مکه، مدینه، مسجد کوفه و بارگاه امام حسین علیه السلام مخیر است که نماز را شکسته یا کامل بخواند. البته با وجود این اختیار، فقها گفته اند: مستحب است زائر و مسافر در این مکان ها نماز خود را تمام بخواند. (3) امام صادق علیه السلام در پاسخ به چگونه خواندن نماز در مکه و مدینه فرمود: «أَتَمَّ وَإِنْ لَمْ تُصَلِّ فِيهِمَا إِلَّا صَلَاةً وَاحِدَةً»؛ (4) «نماز را در این مکان ها کامل بخوان؛ هر چند یک نماز، بیشتر در این مکان ها نمی خوانی».

امام کاظم علیه السلام نیز به یکی از اصحاب خود به نام «زیاد القندی» فرمود:

ای زیاد! من آنچه برای خود دوست دارم، برای تو هم دوست می دارم و آنچه برای خود ناپسند می شمارم، برای تو هم ناپسند می شمارم. نماز را در حرم مکه، مدینه، مسجد کوفه و کربلا کامل بخوان. (5)

بهتر بودن نماز کامل بر نماز شکسته، بدان سبب است که در این مکان ها، به ویژه شهر مدینه و مکه، به زیاد نماز خواندن سفارش شده است و زیاد نماز خواندن، با نماز

(1). الکافی، ج 4، ص 548؛ علل الشرایع، ج 2، ص 46.

(2). کلمه التقوی، ج 2، ص 503.

(3). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 444؛ مختلف الشیعه، ج 3، ص 132.

(4). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 426؛ وسائل الشیعه، ج 8، ص 525.

(5). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 431؛ وسائل الشیعه، ج 8، ص 527.

کامل تناسب بیشتری دارد. (1) افزون بر این، اقامه نماز در این سرزمین نسبت به مکان های دیگر از پاداش بیشتری برخوردار است. از این رو کامل خواندن نماز، پاداش و بهره زائران را از این سفر معنوی مضاعف خواهد کرد.

البته زائران باید توجه داشته باشند که فقها در محدوده کامل یا شکسته خواندن نماز در این دو شهر، اختلاف نظر دارند. از این رو لازم است هر یک از زائران برای شناخت وظیفه خود در این موضوع، به نظر مرجع تقلید خویش مراجعه کنند. البته بیشتر فقیهان معتقدند که مسافر می تواند در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالحرام، نماز خود را کامل بخواند.

ه) بسیار خواندن نماز

از دیگر اعمال مستحب در این سرزمین، به ویژه در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، زیاد نماز خواندن است. (2) امام باقر علیه السلام فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجِبُ إِكْتِنَارَ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَأَكْثَرَ فِيهِمَا وَأَتَمَّ»؛ (3) «رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خواندن در مدینه و مکه را بسیار دوست می داشت و تو هم در این دو مکان، بسیار نماز بخوان و آن را کامل به جای آور».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

فَأَكْثَرُوا الصَّلَاةَ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ مَا اسَّ تَطَعْتُمْ، فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَلِمُوا أَنَّ الرَّجُلَ قَدْ يَكُونُ كَيْسًا فِي أَمْرِ الدُّنْيَا فَيَقَالُ: مَا أَكَيْسَ فُلَانًا فَكَيْفَ مَنْ كَانَ كَأْسَ فِي أَمْرِ آخِرَتِهِ؟ (4) پس تا می توانید در این مسجد، زیاد نماز بخوانید و بدانید گاهی که شخصی در مسائل دنیایی زیرک است، مردم می گویند: فلانی چقدر زیرک است. پس درباره شخصی که در کار آخرتش زیرک باشد مردم چه خواهند گفت؟

افزون بر این، مسجدالنبی صلی الله علیه و آله از جمله مکان هایی است که نماز در آن پاداش بسیاری

(1) . مختلف الشیعه، ج 3، ص 132.

(2) . تذکره الفقهاء، ج 8، ص 450؛ مستند الشیعه، ج 13، ص 338.

(3) . الکافی، ج 4، ص 524؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 425.

(4) . تهذیب الاحکام، ج 6، ص 19؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 351.

نسبت به دیگر مساجد دارد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَعْدِلُ عَشْرَةَ آلَافٍ صَلَاةٍ»؛ (1) «پاداش یک نماز در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله برابر است با ده هزار رکعت نماز در غیر مسجد آن حضرت».

نمازهایی که زائر می تواند در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله بخواند، فراوان است که از میان آنها نمازهای واجب انسان، یعنی نمازهای یومیه و نماز قضا در اولویت قرار دارد و پس از نمازهای واجب، نوبت به نمازهای مستحبی می رسد؛ مانند نماز تحیت مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله که هرگاه زائر وارد مسجد آن حضرت یا هر یک از مساجد مدینه شد - در صورت عدم اقامه نماز واجب در آن مسجد - شایسته است این نماز را بخواند. نماز زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیهما السلام و امامان مدفون در بقیع علیهم السلام که مستحب است پس از زیارت، برای هر یک از معصومان، دو رکعت نماز زیارت خوانده شود، نماز حاجت و نمازهای دیگری که در کتب ادعیه به آنها اشاره شده است.

اما از میان نمازهای مستحبی، یکی از نمازهایی که در روایات بر خواندن آن تأکید فراوان شده، نماز شب است؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیت خود خطاب به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخَصَالٍ فَاحْفَظْهَا ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ أَعْنِهِ... وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ. (2) یا علی! تو را به انجام دادن چند خصلت وصیت می کنم. پس آنها را حفظ کن. سپس حضرت دست به دعا برداشت و فرمود: خداوندا! او را بر انجام دادن این اعمال کمک کن. سپس بعد از ذکر چند عمل، سه بار فرمود: بر تو باد به نماز شب، بر تو باد به نماز شب، بر تو باد به نماز شب.

امام باقر علیه السلام نیز یکی از اوصاف شیعیان امیر مؤمنان علی علیه السلام را اقامه نماز شب شمرد و فرمود:

(1). الکافی، ج 4، ص 556؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 280.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 188؛ تهذیب الاحکام، ج 9، ص 175.

إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ... إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ فِرَاشًا وَاسْتَقْبَلُوا الْأَرْضَ بِجِبَاهِهِمْ، كَثِيرٌ سُجُودُهُمْ كَثِيرَةٌ دُمُوعُهُمْ. (1) شیعیان علی کسانى اند که وقتى شب فرا مى رسد، زمین را فرش خود قرار مى دهند و با پیشانی به استقبال آن مى روند؛ سجده و اشک آنان بسیار است.

امام رضا علیه السلام نیز در روایتى خطاب به زائران مدینه و خانه خدا فرمود: «وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَطُولِ الْقُنُوتِ»؛ (2) «و بر شما باد به نماز شب و قنوت طولانى».

بنابراین یکى از اعمال شایسته برای زائران این سرزمین مقدس، خواندن نماز شب است. امید است که زائران با مداومت بر قرائت آن در ایام سفر، با این نماز مأنوس شوند و خواندن آن را تا پایان عمر ترک نکنند.

(و) دعا و نماز در مکان های خاص مسجدالنبی صلی الله علیه و آله

اشاره

مکان های متعددی در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد که دعا کردن و نماز خواندن در این مکان ها بسیار سفارش شده است. در اینجا به برخی از مکان های مهم مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کنیم:

یک - مرقد مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله

از جمله شریف ترین مکان های مسجد نبوی، مرقد مطهر و محل دفن پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است. محل مرقد آن حضرت، خانه ای بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن زندگی می کرد و پس از وفات، آن حضرت را در همان خانه دفن کردند و بعدها بر اطراف این حجره، ضریحی ساختند که استلام و بوسیدن قبر و ضریح آن حضرت و خواندن دعا و زیارت و نماز کنار آن مستحب شمرده شده است. (3) در کتاب های ادعیه و زیارت نامه ها،

(1). الخصال، ص 444؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 90.

(2). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 363؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 368.

(3). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 449؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 189.

دعاهای متعددی در این باره ذکر شده است که زائر می تواند با قرائت این دعاها و زیارتنامه ها، قبر مطهر آن حضرت را زیارت کند.

دو - روضه پیامبر صلی الله علیه و آله

فاصله میان قبر و منبر پیامبر صلی الله علیه و آله، در مساحتی به طول 22 متر و عرض 15 متر، روضه آن حضرت نام دارد. درباره فضیلت این مکان، امام صادق علیه السلام فرمود:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ... قَالَ: قُلْتُ: هِيَ رَوْضَةُ الْيَوْمِ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُ لَوْ كُشِفَ الْعِطَاءُ لَرَأَيْتُمْ. (1) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: میان قبر و منبر من، باغی از باغ های بهشت است... راوی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا روضه در زمان حاضر نیز وجود دارد؟ امام علیه السلام فرمود: بله. اگر پرده ها کنار رود آن را خواهید دید.

در این مکان، خواندن نماز واجب یا مستحب، استحباب بیشتری دارد. (2) همچنین خواندن دعا در این مکان، مستحب شمرده شده است؛ از جمله این دعا که در کتب روایی و ادعیه ذکر شده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ جَنَّتِكَ وَشِعْبَةٌ مِنْ شِعْبِ رَحْمَتِكَ الَّتِي ذَكَرَهَا رَسُولُكَ وَأَبَانَ عَنْ فَضْلِهَا وَشَرَفِ التَّعَبُّدِ لَكَ فِيهَا وَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا فِي سَلَامَةِ نَفْسِي فَالْحَمْدُ يَا سَيِّدِي عَلَى عَظِيمِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ فِي ذَلِكَ وَعَلَى مَا رَزَقْتَنِيهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَطَلَبِ مَرْضَاتِكَ وَتَعْظِيمِ حُرْمَةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِزِيَارَةِ قَبْرِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ وَالتَّرَدُّدِ فِي مَسَاهِدِهِ وَمَوَاقِفِهِ... (3)

سه - منبر پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آغاز ورود به مدینه، بر تنه درخت خرمایی تکیه می داد و برای مردم صحبت می کرد تا اینکه به پیشنهاد یکی از اصحاب، درخت را قطع کردند و به جای

(1). الکافی، ج 4، ص 554؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 345.

(2). مدارک الاحکام، ج 8، ص 280؛ دلیل الناسک، ص 493.

(3). بحار الانوار، ج 97، ص 165؛ اعمال الحرمین، ص 161.

آن، منبری برای پیامبر صلی الله علیه و آله ساختند. منبر کنونی نیز در جایگاه همان منبر قرار داده شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره منبرشان فرمود: « مِنْبَرِي عَلَى تَرْعِهِ مِنْ تَرْعِ الْجَنَّةِ وَقَوَائِمُ مِنْبَرِي رُبَّتْ فِي الْجَنَّةِ »؛ (1) «منبر من، بر دری از درهای بهشت قرار دارد و پایه های منبر من، بر بهشت استوار است». همچنین امام صادق علیه السلام درباره فضیلت منبر پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

به کنار منبر بروید و دست بر منبر بکشید و به صورت و چشمان خود بمالید؛ زیرا این عمل برای چشمان شفاست و سپس کنار آن بایستید و پس از حمد و ثنای الهی، حاجت های خود را از خداوند بخواهید...؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «منبر من، بر دری از درهای بهشت قرار دارد». (2)

البته ممکن است علت چنین توصیه ای، آن بوده است که تا عصر امام صادق علیه السلام، منبر اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشته است. ولی برخی از فقها گفته اند که همین اعمال درباره منبر فعلی نیز، به امید درک ثواب، جایز است. (3)

چهار - محراب پیامبر صلی الله علیه و آله

محراب پیامبر صلی الله علیه و آله در محلی ساخته شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن، نماز می خوانده است و در فاصله میان منبر پیامبر صلی الله علیه و آله و قبر آن حضرت قرار دارد و یکی از اعمال مستحب در این مکان، نماز خواندن در آن است. (4)

البته به جز محراب اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله، سه محراب دیگر نیز در مسجد وجود دارد که این محراب ها عبارت اند از:

1. محراب تهجد که محل اقامه نماز شب رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است و پشت خانه فاطمه زهرا علیها السلام قرار دارد.

2. محراب سلیمانی که بعد از منبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سمت غرب آن قرار دارد و در

(1). الکافی، ج 4، ص 554؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 280.

(2). کامل الزیارات، ص 50؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 195.

(3). مناسک الحج، گلپایگانی، ص 217.

(4). همان، ص 208.

ص: 168

سال 908 ه. ق سلطان سلیمان عثمانی، آن را بنا کرده است.

3. محراب عثمانی که محل ایستادن امام جماعت فعلی مسجدالنبی صلی الله علیه و آله است و جلوی محراب پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارد و به نقل برخی، این محراب را «عثمان بن عفان» در توسعه مسجدالنبی صلی الله علیه و آله ساخته است. (1)

پنج - ستون های مسجد

مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در عصر آن حضرت، هشت و به نقلی دیگر نه ستون داشت که از تنه درخت خرما بود که در عصرهای بعد و در توسعه مسجد، این ستون ها از بین رفت. اما در محل همان ستون ها، ستون هایی بنا گردید که در عصر کنونی با رنگ و علامت خاصی از دیگر ستون ها متمایز گشته است. برخی از این ستون ها که در حال حاضر داخل مسجد مشاهده می شود، عبارت است از:

1. ستون سریر: سریر به معنای تخت است و این ستون، کنار جایگاه استراحت و اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و آله ساخته شده است.
2. ستون وفود: وفود به معنای هیئت های نمایندگی است و چون کنار این ستون، پیامبر صلی الله علیه و آله با سران قبایل و هیئت های سیاسی ملاقات می کرد به این عنوان نامیده شده است.
3. ستون حرس: این ستون، محل استوانه ای بوده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام کنار آن می ایستاد و از پیامبر نگهداری می کرد.
4. ستون توبه: ستونی بوده است که یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به نام «ابولبابه» بعد از گناهی که پس از جنگ خندق مرتکب شد و اسرار مسلمانان را برای یهودیان بنی قریظه افشا کرد، برای توبه، خود را به آن بست تا اینکه بعد از چند روز آیه 102 توبه نازل شد و توبه او پذیرفته شد.
5. ستون مهاجران، ستون عایشه و ستون قرعه: ستونی است که مهاجران کنار آن جمع می شدند و با یکدیگر صحبت می کردند و چون عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایتی نقل

(1). مشاهد و مشاعر حج، ص 41.

ص: 169

کرده است که اگر مردم ثواب نماز خواندن در این مکان را بدانند میان یکدیگر قرعه می زنند، این ستون به ستون عایشه یا قرعه نیز نامیده شده است.

6. ستون مُخَلَّقَه: ستونی است نزدیک محراب پیامبر صلی الله علیه و آله و علت نامگذاری اش، آن است که کنار این ستون، گیاهی به نام «خلوق» را می سوزاندند تا فضای مسجد خوشبو شود. (1)

7. ستون حَنَّانه: این ستون در مکان درختی که پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن تکیه می زد و برای مردم صحبت می کرد ساخته شده است و چون هنگام قطع درخت ناله ای از آن بلند گردید، این ستون، حنانه (ناله کننده) نامیده شد.

استن حنانه از هجر رسول ناله میزد همچو ارباب عقول

در تحیر مانده اصحاب رسول کز چه می نالد ستون با عرض و طول

گفت پیغمبر چه خواهی ای ستون گفت جانم در فراقت گشت خون

گفت خواهی تا تو را نخلی کنند شرقی و غربی ز تو میوه چند

گفت آن خواهم که شد دائم بقاش بشنو ای غافل کم از چوبی مباش (2)

ستون های ذکر شده، از جمله مکان هایی است که دعا و نماز، کنار آنها مستحب شمرده شده است. از جمله اقامه دو رکعت نماز حاجت نزد ستون ابی لبابه و خواندن دعایی خاص پس از آن و نیز استغفار و درخواست حاجت از خداوند پس از قرائت دعای مذکور، سفارش شده است. همچنین خواندن نماز و دعاهایی خاص کنار برخی ستون های دیگر، مستحب شمرده شده و این نماز و دعاها در کتاب های ادعیه آمده است. (3)

ز) سه روز روزه گرفتن

روزه مستحبی بر مسافر، حرام یا مکروه است. (4) ولی برای مسافر، سه روز روزه در مدینه برای برآورده شدن حاجت، جایز و بلکه مستحب شمرده شده

(1). آثار اسلامی مکه و مدینه، صص 141-144.

(2). مثنوی مولوی، دفتر اول.

(3). کلمه التقوی، ج 3، ص 517؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 210.

(4). مختلف الشیعه، ج 3، ص 465؛ جواهر الکلام، ج 16، ص 338.

است. (1) فقیهان گفته اند: بهتر است روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را برای این کار انتخاب کند؛ (2) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

صُمُّ الْأَرْبَعَاءِ وَالْخَمِيسِ وَالْجُمُعَةِ... وَادْعُ بِهِذَا الدُّعَاءَ لِحَاجَّتِكَ وَهُوَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. (3) روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر... و دست به دعا بردار و بگو: «خدایا! من به عزت و قوت و قدرت تو و هر آنچه علم تو بر آن احاطه دارد، تو را سوگند می دهم که بر محمد و اهل بیت او درود بفرستی و با من چنین کنی».

شخص روزه دار بعد از این دعا حاجت های خود را از خدا طلب می کند. در حدیثی دیگر از آن حضرت، ضمن اشاره به سه روز روزه مذکور، توصیه شده است که زائر در صورت توانایی، این سه روز را در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله اقامت گزیند و پیوسته مشغول نماز و عبادت باشد. در بخشی از این حدیث آمده است:

فَإِنْ اسْتِطَعْتَ إِلَّا تَتَكَلَّمُ بِشَيْءٍ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ فَافْعَلْ إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَكَ مِنْهُ وَلَا تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ وَلَا تَنَامَ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ فَافْعَلْ لِأَنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُعَدُّ فِيهِ الْفَضْلُ. (4) اگر می توانی در این سه روز، هیچ سخنی بر زبان جاری نکن، جز آنچه چاره ای از گفتن آن نداری، این کار را انجام ده و نیز اگر می توانی، از مسجد خارج نشو، مگر برای قضای حاجت و شب و روز را نخوابی، این کار را انجام بده؛ زیرا این کار از اعمالی است که نزد خداوند دارای فضیلت است.

البته حضور در مسجد و ترک سخن گفتن و خوابیدن، شرط روزه این سه روز نیست و زائر می تواند این سه روز را بیرون مسجد و محل اقامت خود باشد. ولی افرادی که

(1). الحدائق الناضرة، ج 13، ص 201؛ جواهر الکلام، ج 16، ص 340.

(2). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 450؛ العروه الوثقی، ج 3، ص 614.

(3). الکافی، ج 4، ص 558؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 352.

(4). تهذیب الاحکام، ج 6، ص 16؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 350.

می خواهند روزه آنها کامل تر باشد و بهره بیشتری از روزه خود ببرند، می توانند در صورت توانایی و داشتن حال عبادت، به مضمون این حدیث عمل کنند.

(ج) زیارت قبور شهدا و مؤمنان

از دیگر اعمال مستحب در مدینه، زیارت قبور شهدا و اولیای الهی و مؤمنان مدفون در این سرزمین است. (1) بر اساس برخی روایات، پاداش زیارت قبور مؤمنان در این سرزمین و دیگر مکان ها، همانند زیارت قبور امامان معصوم علیهم السلام است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: « مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَزُورَ قُبُورَنَا فَلْيَزُرْ قُبُورَ صَلْحَاءِ إِخْوَانِنَا »؛ (2) «کسی که نمی تواند قبور ما را زیارت کند، قبور برادران صالح و مؤمن ما را زیارت نماید». حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز فرمود: «کسی که توانایی زیارت و دیدار ما را ندارد، اگر برادران صالح ما را زیارت کند، برای او پاداش زیارت ما نوشته می شود». (3)

قبور مؤمنان و اولیای صالح مدفون در مدینه، فراوان است. اما مهم ترین قبرستانی که پیشوایان معصوم علیهم السلام، مؤمنان را به زیارت آن ترغیب کرده اند، قبرستان بقیع است. در قبرستان بقیع، افزون بر دفن اجساد مطهر چهار نفر از امامان معصوم، یعنی امام حسن مجتبی، امام زین العابدین، امام باقر و امام صادق علیهم السلام، بسیاری از اولیای الهی و شهدای اسلام و دیگر مؤمنان و مسلمانان، در آن دفن شده اند.

از جمله دفن شدگان در بقیع، عبارت اند از: فاطمه بنت اسد، مادر امیر مؤمنان علی علیه السلام، عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، دختران پیامبر صلی الله علیه و آله، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله. عمه های پیامبر صلی الله علیه و آله، عقیل، برادر امیر مؤمنان علیه السلام، عبدالله بن جعفر، شوهر حضرت زینب علیها السلام، ابراهیم، فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله که در کودکی از دنیا رفت، حلیمه سعدیه، مادر رضاعی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، شماری از شهدای جنگ احد، شماری از شهدای واقعه حرّه - که به

(1). دلیل الناسک، ص 496؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 225.

(2). الکافی، ج 4، ص 60؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 583.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 73؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 104.

وسيله لشکریان یزید بن معاویه پس از واقعه کربلا در این شهر به شهادت رسیدند - و بسیاری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان، از صدر اسلام تاکنون. این قبرستان به همین علت از قداست و اهمیت خاصی برخوردار است. در روایتی در این باره آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک غروب روز پنج شنبه به همراه عده ای از مسلمانان به قبرستان بقیع می رفت و سه مرتبه خطاب به اموات مدفون در آن می فرمود: « السلام علیکم یا اهل الدیار رحمکم الله ». سپس رو به اصحاب کرد و به آنان گفت: « دفن شدگان در این قبرستان از شما بهترند ». اصحاب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند: « چرا یا رسول الله؟ اگر آنان ایمان آوردند و جهاد کردند، ما هم ایمان آوردیم و جهاد کردیم ». پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: « آنان ایمان آوردند، ولی ایمانشان را با ظلم آمیخته نکردند و رفتند و ما بر آن شاهدیم. اما شما بعد از من، زنده می مانید و معلوم نیست پس از من چه خواهید کرد ». (1)

از دیگر افراد مدفون در مدینه، حضرت عبدالله، پدر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در گذشته دارای قبر و بارگاه بوده است. ولی بارگاه آن حضرت در توسعه مسجدالنبی صلی الله علیه و آله در دوره آل سعود، به صحن مسجدالنبی صلی الله علیه و آله ملحق شده است و مکان آن، داخل صحن مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مقابل «باب السلام» قرار دارد که زائران می توانند در آنجا قبر آن حضرت را زیارت کنند.

مقبره شهدای جنگ احد از دیگر مکان های مقدس در مدینه است که حضرت حمزه، عموی گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، به همراه حدود هفتاد نفر از مسلمانان که در این جنگ به شهادت رسیدند، در آن دفن شده اند. زیارت حضرت حمزه و دیگر شهدای احد، یکی از اعمال مستحب مدینه (2) است که در روایات نبوی و اهل بیت علیهم السلام بر انجام دادن آن تأکید شده است؛ از جمله در روایتی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « مَنْ زَارَنِي وَلَمْ يَزُرْ عَمِّي حَمَزَةَ فَقَدْ جَفَانِي »؛ (3)

(1). کامل الزیارات، ص 529؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 224.

(2). مناسک الحج، گلپایگانی، ص 230؛ کلمه التقوی، ج 3، ص 511.

(3). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 198؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 273.

«کسی که مرا زیارت کند و عمومیم حمزه را زیارت نکند، به من جفا کرده است». امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «از جمله مکان هایی که شایسته است زائر در مدینه به آنجا برود و افزون بر دیدار، در آنجا نماز گزارد و تجدید عهد و دیدار کند، قبر حمزه و قبور شهدای احد است». (1)

همچنین آن حضرت علیه السلام فرمود:

حضرت فاطمه علیها السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله 75 روز زنده بود و در این مدت هرگز خندان دیده نشد. آن حضرت هفته ای دو مرتبه در روزهای دوشنبه و پنجشنبه بر سر مزار شهدای احد می آمد و در آنجا نماز می خواند و دعا می کرد. (2)

برای حضرت حمزه و شهدای احد، زیارت نامه های خاصی در کتب ادعیه وارد شده است که شایسته است زائر، آنان را در این مکان با این زیارت نامه ها زیارت کند. افزون بر این، تلاوت سوره قدر به هر مقدار که شخص می تواند و خواندن نماز زیارت برای شهدای احد، مستحب شمرده شده است. (3)

ط) زیارت مساجد و مشاهد مشرفه

از دیگر اعمال مستحب در مدینه، زیارت مساجد و مشاهد مشرفه مدینه و اقامه نماز و خواندن دعا در این مکان هاست. (4) در روایتی امام صادق علیه السلام به «ابن ابی یعفور» فرمود:

وَلَا تَدْعَنَّ أَنْ تَأْتِيَ الْمَشَاهِدَ كُلَّهَا وَمَسْجِدَ قُبَا فَإِنَّهُ الْمَسْجِدُ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ وَمَسْجِدَ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ وَمَسْجِدَ الْفَضِيحِ وَقُبُورَ الشُّهَدَاءِ وَمَسْجِدَ الْأَحْزَابِ وَهُوَ مَسْجِدُ الْفَتْحِ. (5) رفتن به مساجد و مشاهد مدینه را ترک نکنید؛ مانند مسجد قبا؛ زیرا قبا مسجدی است که از روز نخست بر تقوا و ایمان بنا نهاده شده است، مشربه ام ابراهیم و مسجد فضیخ و قبور شهدا و مسجد احزاب که همان مسجد فتح است.

(1). دعائم الاسلام، ج 1، ص 296؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 428.

(2). الکافی، ج 4، ص 561؛ بحار الانوار، ج 43، ص 195.

(3). المزار، مشهدی، ص 97.

(4). الحدائق الناضرة، ج 17، ص 415؛ مستند الشیعه، ج 13، ص 332.

(5). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 574، کامل الزیارات، ص 66.

مسجد قبا یکی از این مساجد، است. این مسجد نخستین مسجد ساخته شده در اسلام است و در منطقه قبا و در فاصله شش کیلومتری مسجدالنبی صلی الله علیه و آله واقع شده است. (1) این مسجد در اسلام از فضیلت و جایگاه والایی برخوردار است. قرآن کریم در آیه 108 توبه، از این مسجد به عنوان مسجدی که بر اساس تقوا بنا نهاده شده، یاد کرده و مؤمنان را به اقامه نماز در آن ترغیب نموده است. امام صادق علیه السلام نیز درباره مسجد قبا فرمود:

مِنَ الْمَشَاهِدِ فِي الْمَدِينَةِ الَّتِي يَنْبَغِي أَنْ يُؤْتَى إِلَيْهَا وَتُشَاهَدَ وَيُصَلَّى فِيهَا وَتُعَاهَدَ مَسْجِدُ قُبَا وَهُوَ الْمَسْجِدُ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى. (2) از جمله مکان هایی که سزاوار است زائر به آنجا برود و آنجا را مشاهده کند و در آنجا نماز گزارد و تجدید عهد و دیدار نماید، مسجد قباست و آن مسجدی است که بر اساس تقوا تأسیس شده است.

در حدیثی دیگر، یکی از شیعیان به آن حضرت عرض کرد:

أَنَا نَأْتِي الْمَسَاجِدَ الَّتِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ فَبِأَيِّهَا أَبْدَأُ؟ فَقَالَ: أِبْدَأُ بِقُبَا فَصَلِّ فِيهِ وَأَكْثِرْ، فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَسْجِدٍ صَلَّى فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي هَذِهِ الْعَرَصَةِ. (3) ما به مساجد اطراف مدینه که می آییم، از کدام مسجد آغاز کنیم؟ حضرت فرمود: از قبا آغاز کن و در آن بسیار نماز بخوان؛ زیرا قبا نخستین مسجدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این سرزمین در آن نماز خواند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز درباره پاداش اقامه نماز در این مسجد فرمود: «هرکس در خانه اش تطهیر کند و به قبا بیاید و در آن دو رکعت نماز گزارد، خداوند پاداش یک عمره به او عطا می کند».

مسجد دیگر که در کلام امام صادق علیه السلام به آن اشاره شد، مسجد فتح است که در منطقه غزوه احزاب واقع شده است. این مکان، محل فرماندهی پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ

(1). آثار اسلامی مکه و مدینه، ص 243.

(2). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 197؛ جامع احادیث الشیعه، ج 4، ص 519.

(3). الکافی، ج 4، ص 560؛ بحار الانوار، ج 19، ص 120.

احزاب و نیز محل نماز و دعای آن حضرت بوده است. (1) آن حضرت علیه السلام در حدیثی در این باره فرمود:

وَلَا تَدْعُ أَنْ تَأْتِيَ الْمَشَاهِدَ كُلَّهَا... وَمَسْجِدَ الْأَحْزَابِ وَهُوَ مَسْجِدُ الْفَتْحِ وَتَطَوَّعُ فِيهَا بِمَا أَحْبَبْتَ مِنَ الصَّلَاةِ... إِذَا أَتَيْتَ مَسْجِدَ الْفَتْحِ فَقُلْ يَا صَبِيحَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي كَمَا كَشَفْتَ عَن نَّبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِي هَذَا الْمَكَانِ. (2) رفتن به همه مساجد و مشاهد را ترک نکن؛ مانند... مسجد احزاب که همان مسجد فتح است و در آن هر مقدار دوست داشتی نماز مستحبی بخوان و هرگاه وارد آن شدی، دست به دعا بردار و بگو: «ای فریادرس غم دیدگان و ای اجابت کننده دعوت مضطربان! غم و غصه و گرفتاری مرا برطرف کن؛ همان گونه که در این مکان، غم و غصه و گرفتاری پیامبرت که درود تو بر او و آل او باد، برطرف کردی و او را در برابر وحشت دشمن، کفایت کردی.

در این منطقه، پنج مسجد دیگر به نام های مسجد امیر مؤمنان علیه السلام، مسجد فاطمه زهرا علیها السلام، مسجد سلمان فارسی، مسجد ابوبکر و مسجد عمر نیز وجود داشته است که با مسجد ذوقبلتین که در غرب مساجد مذکور قرار دارد، به «مساجد سبعة» معروف شده اند که به جز مسجد فتح، مسجد فاطمه زهرا علیها السلام، مسجد سلمان فارسی و مسجد ذوقبلتین، مساجد دیگر تخریب شده است.

مساجد و مشاهد شهر مدینه، منحصر در مساجد و مشاهدی که در این روایات آمده، نیست؛ بلکه اماکن دیگری نیز در مدینه وجود دارد که زیارت و اقامه نماز و خواندن دعا در آنها مستحب است که از عمده ترین آنها می توان از «مسجد ذوقبلتین» که آیه تغییر قبله در آنجا نازل شد، «مسجد مباحله یا مسجد الاجابه» که ماجرای مباحله پیامبر صلی الله علیه و آله و

(1). آثار اسلامی مکه و مدینه، ص 297.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 574؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 17.

ص: 176

اهل بیت علیهم السلام با مسیحیان نجران در آنجا واقع شد، «مسجد غمامه» و «مسجد امیر مؤمنان علیه السلام» که کنار مسجدالنبی صلی الله علیه و آله قرار دارد و محل نمازهای عید و نماز استسقای پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام بوده است، «مسجد فضیخ یا مسجد رد الشمس» که ماجرای برگشت خورشید به درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله برای اقامه نماز علی علیه السلام در آنجا واقع شده است، «مسجد شجره» که یکی از میقات های عمره و حج و محل احرام پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان و فاطمه زهرا و امامان معصوم علیهم السلام بوده است، «مسجد ابوذر»، محل وقوع جنگ احد در دامنه کوه احد و محل جنگ احزاب یا خندق و مساجد موجود در این مکان که ماجرای هر یک از این مساجد و مشاهد، در کتاب های تاریخی مربوط به مدینه آمده است. (1)

حکمت رفتن زائران به مکان های ذکر شده، آن است که زائر از وقایعی که در این مکان ها در صدر اسلام رخ داده است آگاهی یابد و با شخصیت های صدر اسلام و زحمات و رنج هایی که آنان برای حفظ دین کشیده اند آشنا شود و بداند که اسلامی که در حال حاضر در سایه آن با راحتی و امنیت به زندگی و عبادت خداوند مشغول است، به آسانی به دست ما نرسیده است؛ بلکه برای حفظ و بقای آن زحمات فراوانی کشیده شده و خون های پاک زیادی ریخته شده است. از این رو، زائر وظیفه دارد ضمن قدردانی از زحمات گذشتگان و درخواست غفران الهی برای این افراد، با آنان پیمان ببندد که او نیز همانند آنان برای بقا و تداوم دین الهی از مال و جان خود خواهد گذشت. در سخنی از امام خمینی رحمه الله خطاب به زائران سرزمین وحی در این باره آمده است:

از نکاتی که حجاج محترم باید به آن توجه کنند، اینکه مکه معظمه و مشاهد مشرفه، آینه حوادث بزرگ نهضت انبیا و اسلام و رسالت پیامبر اکرم است. جای، جای این سرزمین، محل نزول و اجلال انبیای بزرگ و جبرئیل امین و یادآور رنج ها و مصیبت های چندین ساله ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه اسلام و بشریت متحمل شده اند و حضور در این مشاهد مشرفه و امکان مقدسه و در نظر گرفتن شرایط سخت

(1). ر. ک: آثار اسلامی مکه و مدینه؛ مشاهد و مشاعر حج.

ص: 177

و طاقت فرسای بعثت پیامبر، ما را به مسئولیت و حفظ دستاوردهای این نهضت و رسالت الهی بیشتر آشنا می کند که واقعاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی (علیهم السلام الله) در چه غربت هایی برای دین حق و امحای باطل، استقامت و ایستادگی نموده اند و از تهمت ها و اهانت ها و زخم زبان های «ابولهب» و «ابوجهل» ها و «ابوسفیان» ها نهراسیدند و در عین حال شدیدترین محاصره های اقتصادی در «شعب ابی طالب» به راه خود ادامه داده اند و تسلیم نشدند و سپس با تحمل هجرت ها و مرارت ها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگ های پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه و کارشکنی ها، به هدایت و رشد، همت گماشته اند که دل صخره ها و سنگ ها و بیابان ها و کوه ها و کوچه ها و بازارهای مکه و مدینه پر است از هنگامه پیام رسالت آنان که اگر آنها به زبان و سخن می آمدند و از راز و رمز تحقق (فَأَسَّيْتُمْ كَمَا أُمِرْتُمْ ...) (1) پرده برمی داشتند، زائران بیت الله الحرام درمی یافتند رسول خدا برای هدایت ما و بهشتی شدن مسلمانان چه کشیده اند و مسئولیت پیروان او چقدر سنگین است. (2)

ی) وداع با پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

آخرین عملی که شایسته است زائران مرقد مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شهر مدینه انجام دهند، وداع با قبر مطهر آن حضرت صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام در بقیع است. فقیهان گفته اند، مستحب است زائر هنگامی که قصد خروج از مدینه را دارد، غسل کند و لباس تمیز بپوشد و به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان بقیع علیهم السلام برود و با آنان وداع کند؛ چنان که (3) امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه قصد خروج از مدینه را داشتی، غسل کن و پس از آن، با ذهنی خالی از حوائج، نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بیا و در حرم آن حضرت، همان اعمالی را که هنگام ورود به مدینه و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله انجام دادی، انجام بده و سپس با آن حضرت وداع کن و چنین بگو:

(1). هود: 112.

(2). صحیفه امام، ج 20، ص 346.

(3). کلمه التقوی، ج 3، ص 519؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 237.

ص: 178

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ. (1) سپس مستحب است زائر به بقیع برود و پس از خواندن زیارت نامه امامان معصوم علیهم السلام، با این جملات با آنان وداع کند:

(2) السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ أَسَدُ تَوَدُّعِكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ أَمَّنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ فَآكُتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (3)

11. زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

اشاره

پس از پذیرش ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر اولیای معصوم الهی علیهم السلام که شرط قبولی عمره و حج و دیگر عبادات است، (4) زیارت قبور مطهر این خاندان، شرط کمال عمره و حج به شمار می رود و عمره و حج بدون زیارت آنان، عمره و حجی ناقص خواهد بود. در این باره روایات متعددی از پیشوایان معصوم علیهم السلام نقل شده است؛ از جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَتَى مَكَّةَ حَاجًّا وَلَمْ يَزُرْنِي إِلَى الْمَدِينَةِ جَفَانِي وَمَنْ جَفَانِي جَفَوْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ جَاءَنِي زَائِرًا وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَمَنْ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (5) کسی که به مکه بیاید و مرا در مدینه زیارت نکند، به من جفا کرده است و کسی که به من جفا کند در قیامت به او جفا می کنم و کسی که به زیارت من بیاید، شفاعت من برای او واجب می شود و کسی که شفاعت من برای او واجب شود، بهشت بر او واجب خواهد شد.

(1). الکافی، ج 4، ص 563؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 11.

(2). مناسک الحج، گلپایگانی، صص 239 و 240.

(3). تهذیب الاحکام، ج 6، ص 80؛ بحار الانوار، ج 97، ص 206.

(4). علل الشرایع، ج 1، ص 250؛ بحار الانوار، ج 24، ص 293.

(5). علل الشرایع، ج 2، ص 460؛ الکافی، ج 4، ص 548.

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز در روایتی خطاب به مسافران سفر حج فرمود:

هرگاه به قصد زیارت خانه خدا خارج شدید، حج خود را با زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام کنید؛ زیرا ترک زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله جفاست و شما به انجام دادن این عمل مأمور شده اید و همچنین حج خود را به زیارت قبوری که خداوند، شما را ملزم به ادای حق آنان و زیارتشان کرده است، کامل کنید. (1)

درباره زیارت حضرت فاطمه علیها السلام نیز از خود آن حضرت روایت شده است که فرمود:

أَخْبَرَنِي أَبِي وَهُوَ ذَا هُوَ أَنَّهُ مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ وَعَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ أَوْ جَبَّ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ قَالَ فَقُلْتُ لَهَا فِي حَيَاتِهِ وَحَيَاتِكَ قَالَتْ نَعَمْ وَبَعْدَ مَوْتِنَا. (2) پدرم به من خبر داد که هرکس بر او یا بر من سه روز سلام کند، بهشت بر او واجب می گردد. راوی می گوید: «به آن حضرت عرض کردم آیا این مربوط به زمان حیات شما و پدرتان است؟» حضرت فرمود: «بله. هم در زمان حیات و هم پس از مرگ ما».

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا. (3) هرکس مرا یا یکی از فرزندان مرا زیارت کند، در قیامت به زیارت او خواهیم رفت و او را از وحشت های آن روز نجات می دهیم.

زیارت قبور این خاندان از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از روایات، از آن به عنوان تکلیفی لازم بر عهده مسلمانان یاد شده است (4) و برخی از فقها بر اساس این روایات، بر وجوب زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام (5) یا وجوب کفایی این عمل فتوا

- (1). الخصال، ص 616؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 229.
- (2). تهذیب الاحکام، ج 6، ص 9؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 367.
- (3). وسائل الشیعه، ج 14، ص 332؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 237.
- (4). تهذیب الاحکام، ج 6، صص 3-104؛ وسائل الشیعه؛ ج 14، صص 443-445.
- (5). منتهی المطلب، ج 2، ص 880؛ المزار، شیخ مفید، ص 26

ص: 180

داده اند. (1) ولی بیشتر فقیهان، این عمل را به ویژه برای زائر سفر عمره و حج مستحب مؤکد دانسته اند. (2)

الف) فلسفه و اهداف زیارت

بی تردید، مقصود از زیارت قبور مطهر اولیای معصوم علیهم السلام تنها خواندن زیارت نامه و برخورداری از پاداش الهی نیست؛ بلکه افزون بر آن، رفتن به زیارت قبور آنان، فلسفه و اهداف متعدد دیگری دارد که مؤمنان برای تحقق این اهداف به زیارت قبور مطهرشان ترغیب شده اند. مهم ترین حکمت ها و اهداف زیارت عبارت است از:

یک - تجدید عهد با اولیای الهی

مسلمان به کسی گفته می شود که تسلیم دستورهای خداوند متعال است. مؤمن به افرادی اطلاق می گردد که به هر آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و اولیای الهی از جانب خدا آورده است، ایمان و اعتقاد دارد و شیعه اهل بیت نیز کسانی اند که ولایت و امامت امامان معصوم علیهم السلام را پذیرفته و پیرو اعتقادی و عملی آنان است.

بر این اساس، شخص مسلمان و مؤمن و شیعه این خاندان، با قبول اسلام، ایمان و مذهب تشیع، در واقع با خداوند، رسول او و امامان معصوم علیهم السلام عهد بسته است که اسلام، ایمان و ولایت اولیای معصوم دین را بپذیرد و از تمامی دستورهای آنان پیروی کند. از این رو یکی از اهداف زیارت قبور این خاندان، تجدید همان عهد و پیمان ها است؛ چنان که امام رضا علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ. (3)

(1). وسائل الشیعه، ج 14، ص 443.

(2). الحدائق الناضره، ج 17، ص 401؛ مستند الشیعه، ج 13، ص 327.

(3). الکافی، ج 4، ص 567؛ علل الشرایع، ج 2، ص 459.

ص: 181

برای هر یک از امامان، عهد و پیمانی بر عهده موالیان و شیعیان آنان است و کمال وفای به این عهد و ادای نیکوی آن، زیارت قبورشان است.

در حدیثی دیگر از پیشوایان دین آمده است:

إِنَّ زِيَارَتَنَا إِنَّمَا هِيَ تَجْدِيدُ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ الْمَأْخُودِ فِي رِقَابِ الْعِبَادِ وَسَبِيلُ الرَّائِرِ أَنْ يَقُولَ عِنْدَ زِيَارَتِهِمْ: حَيْثُكَ يَا مَوْلَايَ... أُجَدِّدُ مَا أَخَذَ اللَّهُ لَكُمْ فِي رَقَبَتِي مِنَ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ وَالْوَلَايَةِ لَكُمْ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ. (1) همانا زیارت قبور ما تجدید عهد و پیمانی است که از بندگان خدا گرفته شده است و زائر هنگام زیارت آنان، چنین می گوید: ای مولای من! نزد شما آمده ام تا عهد و پیمان و ولایت شما و برائت از دشمنانتان را که خداوند بر ذمه من قرار داده است، تجدید کنم.

دو - پاک شدن از آلودگی ها

هدف دیگر از رفتن به زیارت، پاک شدن زائر از گناهیانی است که بر اثر پیروی از شیطان یا هواهای نفسانی به آن آلوده شده است. زائر با رفتن نزد قبور پیشوایان دین و واسطه قرار دادن آنان بین خود و خداوند، می خواهد که خداوند گناهانش را بیامرزد؛ چنان که خداوند خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا) (نساء: 64)

و اگر آنان آن گاه که به خودشان ظلم کردند، به نزد تو می آمدند و استغفار می کردند و پیامبر هم برای آنان استغفار می کرد، خداوند را مهربان و توبه پذیر می یافتند.

در دعای توسل نیز خطاب به اهل بیت علیهم السلام چنین می گوئیم:

يَا سَادَتِي وَمَوْلَايَ إِنِّي تَوَجَّهْتُ... فَاسْتَعْفَرُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ وَأَسْأَلُ تَقْدُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ فَإِنَّكُمْ وَسِيلَتِي إِلَى اللَّهِ وَيُحِبُّكُمْ وَيَقْرُبُكُمْ أَزْجُو نَجَاتًا مِنَ اللَّهِ. (2)

(1). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 223؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 252.

(2). بحار الانوار، ج 99، ص 249؛ مفاتیح الجنان، ص 110.

ای آقایان و مولاهاى من! من رو به سوى شما کرده‌ام... پس نزد خدا از من شفاعت کنید و مرا نزد خدا از گناهانم نجات دهید. همانا شما وسیله و واسطه من نزد خدايید و به واسطه محبت و نزدیکی شما، امید نجات در درگاه الهی را دارم.

بر اساس برخی روایات و ادعیه، برخی گناهانی که انسان مرتکب شده است، جز با رضایت اهل بیت علیهم السلام و طلب بخشایش آنان از خداوند، بخشوده نخواهد شد؛ چنان که در زیارت جامعه خطاب به اهل بیت علیهم السلام می‌گوییم:

يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَيَّ سِرًّا... لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شَفَعَائِي.
(1) ای ولی خدا! همانا بین من و خدا گناهانی وجود دارد که جز با رضایت شما محو و آمرزیده نمی‌شود. پس به حق کسی که شما را بر سر خود، امین قرار داده است،... بخشایش گناهانم را از خدا طلب کنید و شفیعان من باشید.

سه - درخواست رزق مادی و معنوی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر اولیای معصوم الهی از جایگاه والایی نزد خداوند برخوردارند، به گونه‌ای که نزد خداوند، مخلوقانی برتر و محبوب‌تر از این خاندان وجود ندارد. آنان چنان منزلتی در پیشگاه خداوند دارند که حتی پیامبران اولوالعزم نیز برای رفع گرفتاری یا رسیدن به برخی مقامات و نعمت‌ها، خداوند را به این ذوات مقدس سوگند می‌دادند و خداوند نیز به برکت این خاندان، خواسته آنان را اجابت می‌کرد.

بنابراین یکی از اهداف زیارت که در روایات به آن اشاره شده است، نزول خیرات و برکات الهی به شخص زائر است؛ چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام خطاب به زائران خانه خدا فرمود:

إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ... أَتَمُّوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلَزَمَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ زِيَارَتَهَا وَحَقَّهَا وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَهَا. (2)

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 616؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 100.

(2). الخصال، ص 616؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 325.

هرگاه به قصد حج خانه خدا خارج شدید... حج خود را با زیارت قبوری که خداوند شما را به ادای حق و زیارت آنها ملزم کرده است، کامل کنید و نزد این قبور رزق الهی را بخواهید.

گفتنی است این رزق الهی، گستره بسیار وسیعی دارد و تمامی رزق های مادی و معنوی، دنیوی و اخروی را شامل می شود. بنابراین زائران نباید کوتاه همت باشند و در طلب رزق الهی از صاحبان این قبور، تنها به رزق مادی و زودگذر دنیوی برای خود یا برخی نزدیکان اکتفا کنند؛ بلکه باید افزون بر طلب رزق مادی، رزق معنوی همچون سعادت دنیا و آخرت را برای خود و دیگران اعم از خویشاوندان یا مؤمنان دیگر طلب کنند.

چهار - تقرب به خداوند

یکی از روش های عقلای عالم، آن است که وقتی می خواهند به شخص بزرگی نزدیک شوند و محبت و یاری او را به سوی خود جلب کنند، سعی می کنند به سراغ افرادی بروند که نزد آن شخص بزرگ، تقرب دارند و او نیز به آنان علاقه و محبت ویژه دارد. نزدیک شدن به خداوند متعال نیز از این قاعده و سیره عقلایی جدا نیست. از این رو برای نزدیک شدن به خداوند و جلب توجه و یاری او، باید به مقربان درگاهش متوسل شد و آنان را بین خود و خدا واسطه قرار داد؛ چنان که خداوند، مؤمنان را به این شیوه فرمان می دهد و می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...); «ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوا پیشه کنید و برای تقرب به او، وسیله را جست و جو کنید». (مائده: 35)

بر اساس روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از جمله این وسیله هاینند؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه مذکور و بیان مصداق آن فرمود: «نَحْنُ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ وَالْوَصْلَةُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ»؛ (1) «ما وسیله به سوی خداوند و حلقه اتصال به رضوان اویم». در واقع این خاندان،

(1). بحار الانوار، ج 25، ص 23.

ص: 184

برترین و نزدیک ترین واسطه های الهی اند؛ چنان که در زیارت جامعه می خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَاهل بيته الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي. (1) خدایا! اگر من شفیعیانی مقرب تر از محمد و آل محمد نزد تو می یافتم، آنان را شفیع و واسطه خود قرار می دادم.

اهل بیت علیهم السلام نه تنها بهترین وسیله برای تقرب الهی اند، بلکه بر اساس برخی روایات، تنها راه تقرب به خداوندند. از این رو در زیارت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می گوئیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَجِدُ سَبِيلًا إِلَيْكَ سِوَاهُمْ وَلَا أَرَى شَفِيعًا مَقْبُولَ الشَّفَاعَةِ عِنْدَكَ غَيْرُهُمْ، بِهِمْ أَتَقَرَّبُ إِلَيَّ رَحْمَتِكَ... اللَّهُمَّ فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. (2) خدایا! من راهی به سوی تو، جز این خاندان نمی یابم و شفیعی که شفاعتش مقبول باشد، جز آنان نمی دانم. به وسیله آنان، به رحمت تو تقرب می جویم... خدایا! به واسطه آنان مرا در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاہت قرار بده.

پنج - احیای احکام و آموزه های دین

از دیگر اهداف و آثار زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اولیای معصوم الهی علیهم السلام، احیای آموزه های دین و عمل به آنهاست؛ تحقق این هدف از آن روست که زائر هنگام خواندن ادعیه و زیارات، اولیای الهی را بندگانی می داند که به همه آموزه های دین عمل می کنند؛ چنان که در زیارت جامعه، خطاب به اهل بیت علیهم السلام می گوید:

أَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتُمُ الرِّكَاهَ وَأَمَرْتُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ. (3) شما کسانی هستید که نماز را بر پا داشتید و زکات را پرداخت و امر به معروف و

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 617؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 101.

(2). المزار، مشهدی، ص 71؛ بحار الانوار، ج 97، ص 162.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 612؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 97.

نهی از منکر کردید و حق جهاد در راه خدا را به جا آوردید؛ تا اینکه دعوت او را آشکار کردید و واجبات الهی را بیان نمودید و حدود الهی را به پا داشتید و دستورها و احکام الهی را نشر دادید.

آن گاه در مرتبه بعد، خود را مطیع و همراه آنان می شمرد و خطاب به آنان می گوید:

مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبِطِّلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ... آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ... فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ. (1) همانا من هرچه را شما درست و صحیح می دانید، درست و صحیح می دانم و هرچه را باطل می شمارید، من هم باطل می شمارم. من مطیع شمایم. سخن شما را می پذیرم و به دستورهای شما عمل می کنم. من با شمایم؛ نه با دشمنان شما.

امثال این تعابیر و سخنان در زیارت نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام فراوان است و زائر و پیرو واقعی این خاندان، کسی است که این سخنان را با اعتقاد کامل بیان کند و افزون بر گفتن، در عمل نیز به آنها پایبند باشد. بی شک این گونه زیارت کردن تأثیر بسزایی بر عقاید و اعمال زائر دارد؛ به طوری که وی را در رفتار و کردار به پیشوایان دین نزدیک می کند.

گفتنی است که برای تحقق اهداف مذکور، شایسته است زائر به متن زیارت توجه داشته باشد و بفهمد چه می گوید. یکی از راه های دستیابی به این منظور، آشنایی با زبان عربی است و اگر آشنایی با زبان عربی ندارد بعد از قرائت متن عربی زیارتنامه ها، ترجمه فارسی آنها را نیز بخواند تا ان شاء الله با خواندن این زیارات و عمل به محتوای آنها بهره کافی از این زیارت ها ببرد.

سالک راه حق بیا، نور هدی ز ما طلب نور بصیرت از در عترت مصطفی طلب

هست سفینه نجات، عترت و ناخدا خدا دست در این سفینه زن، دامن ناخدا طلب

خسته درد را بگو، هرزه مگرد کوبه کواز در ما شفا بجو، وز دم ما دوا طلب

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 614؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 99.

ص: 186

ب) آداب زیارت

زیارت اولیای معصوم الهی نیز همچون عبادات و اعمال دیگر، آداب خاصی دارد که شایسته است برای کامل شدن عمل، زائر این آداب را رعایت کند. آداب مهم زیارت عبارت اند از:

- برای زیارت، غسل کند. از آنجا که زائران غالباً افزون بر قصد زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله، قصد زیارت فاطمه زهرا علیها السلام و امامان معصوم بقیع علیهم السلام را دارند، شایسته است هنگام غسل، زیارت همه این معصومان و غسل ورود به مسجدالنبی صلی الله علیه و آله را نیز به نیت خود اضافه کنند و برای همه این نیت ها یک غسل انجام دهند.

بر اساس برخی از روایات ائمه علیهم السلام (1) و فتاوی فقیهان، (2) آثار این غسل اگر در روز انجام شود تا پایان آن روز و اگر ابتدای شب انجام گیرد تا پایان آن شب ادامه دارد.

- پس از غسل، وضو نیز بگیرد.

- جامه های پاک و پاکیزه بپوشد.

- هنگام رفتن برای زیارت قبور ائمه معصوم علیهم السلام، به جز در زیارت امام حسین علیه السلام، خود را خوشبو و معطر کند.

- باوقار و تواضع حرکت کند و قدم ها را کوتاه بردارد؛ زیرا خداوند به عدد هر گامی که به سوی این قبور مطهر برمی دارد، پاداش او را زیادتیر می کند.

- هنگام حرکت، زبانش به ذکر الهی، همچون الله اکبر، الحمدلله، سبحان الله، لا اله الا الله و صلوات بر محمد و آل محمد، مشغول باشد.

- کنار در حرم بایستد و اذن دخول بطلبد.

- با پای راست، داخل شود و با پای چپ خارج گردد.

- هنگام داخل شدن و نیز خارج شدن، بر پیامبر صلی الله علیه و آله یا صاحب قبر، سلام کند.

(1). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 64؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 328.

(2). الحدائق الناضره، ج 15، ص 15؛ جواهر الکلام، ج 18، ص 182.

- عتبه و نیز ضریح ائمه علیهم السلام را در صورت امکان ببوسد و گونه راست و چپ خود را بر آن قرار دهد.

- پس از ورود، به شکرانه توفیق این زیارت، سجده شکر به جای آورد.

- در صورت توان، ایستاده زیارت را بخواند.

- رو به ضریح مطهر بایستد و زیارت را بخواند.

- زیارت را آهسته قرائت کند و بلکه در محضر ائمه علیهم السلام به طور کلی از بلند کردن صدا بپرهیزد.

- زیاراتی که از خود ائمه معصوم علیهم السلام به ما رسیده است را قرائت کند؛ مانند زیارت جامعه کبیره که از بهترین و جامع ترین زیارات است و نیز زیارت امین الله. گفتنی است، می توان این دو زیارت را برای همه امامان قرائت کرد. البته برای برخی از ائمه علیهم السلام زیارت خاص نیز وارد شده است که زائر می تواند آنها را هم بخواند.

- پس از زیارت، دو رکعت نماز زیارت بخواند و ثواب آن را به صاحب قبر هدیه دهد. همچنین شایسته است پس از نماز زیارت، این دعا را قرائت کند:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةً مِّنَا إِلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْهُمَا مِنَّا وَاجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ اللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِأَنَّكَ لَا تَكُونُ الصَّلَاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنَّا زِيَارَتِي وَأَعْطِنِي سُؤْلِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. - پس از زیارت، دعا کند و در دعا اصرار ورزد و خداوند را به صاحب قبر سوگند دهد تا دعای او را مستجاب نماید.

- مقداری از آیات قرآن را تلاوت و به صاحب قبر هدیه کند.

- هنگام خروج، به گونه ای خارج شود که پشت به ضریح نباشد.

- زیارت را کوتاه انجام دهد تا اشتیاق او به بازگشت زیاد شود.

- مستحب است تا زمان حضور، مکرر به زیارت ائمه علیهم السلام برود و هنگامی که قصد خروج از آن شهر را دارد شایسته است با صاحب قبر وداع کند.

- در حرم یا اطراف آن، به فقرا انفاق کند. (1)

12. شریک کردن دیگران در اعمال خیر سفر

اشاره

همه افراد بشر به نوعی بر ذمه یکدیگر حقوقی لازم یا مستحب دارند که انسان‌ها وظیفه دارند این حقوق را به گونه‌ای ادا نمایند؛ هرچند برخی همچون والدین، استاد، بستگان و همسایگان، از حقوق بیشتری برخوردارند.

حقوقی که دیگران برعهده انسان دارند، با توجه به نوع حق و صاحب حقوق، متفاوت است؛ گاهی برخی حق مالی دارند و انسان وظیفه دارد به آنان کمک و احسان مالی کند. گاهی نیز حق دیگران داشتن ارتباط و رفتن به دیدار یکدیگر است و گاهی نیز انسان وظیفه دارد برای دیگران دعا و استغفار کند و آنان را در کارهای خیر خود شریک نماید. خداوند متعال در آیه‌ای خطاب به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

(وَاسْتَعْفِرْ لِدُنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ)؛ «برای گناه خودت و گناه مردان و زنان مؤمن در درگاه خداوند استغفار کن». (محمد: 19)

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر یکی از ویژگی‌های مؤمنان را دعا و استغفار برای مردگان برمی‌شمارد و می‌فرماید:

(وَ الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ) (حشر: 10)

کسانی که پس از آنان آمدند، می‌گویند: «پروردگارا! ما و برادرانمان را که پیش از ما ایمان آوردند ببامرز».

(1). جواهر الکلام، ج 20، ص 101؛ الدروس، ج 2، ص 22.

ص: 189

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَا تَسْأَلُوا مَوْتَكُمْ فِي قُبُورِهِمْ وَمَوْتَكُمْ يَرْجُونَ إِحْسَانَكُمْ وَمَوْتَكُمْ مَحْبُوسُونَ يَرْغَبُونَ فِي أَعْمَالِكُمُ الْبِرِّ وَهُمْ لَا يَقْدِرُونَ أَهْدُوا إِلَى مَوْتِكُمْ الصَّدَقَةَ وَالْدُعَاءَ. (1) امواتان را در قبور فراموش نکنید. مردگان شما چشم امید به احسان شما دارند. آنان گرفتارند و به اعمال نیک شما امید دارند؛ در حالی که آنان توانایی انجام دادن این اعمال را ندارند. پس به امواتان صدقه هدیه دهید و برای آنان دعا کنید.

برخی گذشتگان، همچون والدین، از چنان حقوقی برخوردارند که در صورت غفلت، ممکن است شخص، پس از مرگ نیز مورد عاق آنان قرار گیرد؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

گاه بنده ای در زمان حیات والدین خود به آنان نیکی می کند. ولی چون پس از مرگشان از آنان غفلت می کند و دیون آنان را ادا نمی کند و برای آنان استغفار نمی کند، خداوند در نامه عملش او را به عنوان عاق والدین می نویسد و برعکس، گاه فردی در زمان حیات والدین مورد عاق آنان قرار گرفته است، ولی چون پس از مرگ والدین به یاد آنان است و دیون آنان را پرداخت می کند و برای آنان استغفار می کند، خداوند در نامه عملش از او به عنوان کسی که به والدین نیکی می کرده است، یاد می کند. (2)

بنابراین یکی از اعمال مستحب که در روایات بر انجام دادن آن در همه جا به ویژه در سفر عمره و حج تأکید شده است، شرکت دادن دیگران و به طور خاص، اموات و گذشتگان در عبادات و اعمال خیر است.

توجه به این نکته در چنین سفری از آن رو اهمیت دارد که از یک سو، دعا و استغفار و انجام دادن اعمال خیر برای دیگران به ویژه درگذشتگان، یکی از حقوق آنان، بر عهده انسان است و از سوی دیگر این سفر، توفیقی استثنایی است که فرصتش برای همیشه و همگان وجود ندارد. از این رو شایسته است زائر به فکر دیگران، به ویژه

(1). مستدرک الوسائل، ج 2، ص 114.

(2). الکافی، ج 2، ص 163؛ وسائل الشیعه، ج 18، ص 372.

ص: 190

مردگان که دست آنان از دنیا و انجام اعمال خیر کوتاه است نیز باشد و برای آنان دعا و استغفار کند و آنان را در اعمال خیر خود شریک گرداند.

گفتنی است اگر کسی برای دیگران استغفار کند یا عمل خیری انجام دهد، پاداش آن عمل تنها برای دیگران و اموات نخواهد بود؛ بلکه این پاداش برای خود فرد نیز نوشته می شود و بلکه گاه چند برابر پاداش آن عمل خیر را برای انجام دهنده عمل می نویسند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

يَدْخُلُ عَلَى الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ الصَّلَاةُ وَالصَّوْمُ وَالْحَجُّ وَالصَّدَقَةُ وَالْبِرُّ وَالِدُّعَاءُ وَيُكْتَبُ أَجْرُهُ لِلَّذِي يَفْعَلُهُ وَلِلْمَيِّتِ. (1) نماز و روزه و حج و صدقه و نیکی و دعا وارد قبر میت می شود و پاداش آن، هم برای میت و هم برای کسی که از طرف میت، آن را انجام می دهد، نوشته می شود.

همچنین آن حضرت فرمود:

مَنْ عَمِلَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَنْ مَيِّتٍ عَمَلًا صَالِحًا أَضْعَفَ لَهُ أَجْرُهُ وَنَفَعَ اللَّهُ بِهِ الْمَيِّتَ. (2) هرکس از مسلمانان عمل صالحی را برای میتی انجام دهد، پاداش او چند برابر است و خدا به میت نیز نفع خواهد رساند.

در کدام اعمال سفر، دیگران را شریک کنیم؟

شرکت دادن دیگران در اعمال خیر یا به جا آوردن اعمال خیر برای دیگران، به عمل خاصی اختصاص ندارد؛ بلکه انسان می تواند دیگران را در همه اعمال خیر، مشروط به اینکه بر فرد، واجب معین نباشد، شریک کند؛ به این بیان که انسان نمی تواند در تکالیف واجب خود همچون نماز، روزه یا حج و عمره واجب، دیگران را شریک کند. اما در غیر واجبات عینی و تعیینی، شریک کردن دیگران، جایز و بلکه مستحب است؛ چه آن عمل از اعمال بزرگ و ارکان اسلام باشد؛ مانند حج و عمره یا عملی در ظاهر کوچک

(1). من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 185؛ وسائل الشیعه، ج 2، ص 444.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 185؛ جامع احادیث الشیعه، ج 6، ص 36.

و ناچیز باشد؛ همچون برداشتن یک سنگ از سر راه مردم.

اعمال نیکی که زائر می تواند در این سفر برای دیگران انجام دهد یا آنها را در عمل خود شریک کند فراوان است. اما در روایات اهل بیت علیهم السلام، برخی اعمال به طور خاص ذکر شده است که در اینجا به آنها اشاره می کنیم:

الف) زیارت اهل بیت علیهم السلام و اولیای الهی

در روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است که هرگاه نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله آمدی و اعمالی را که بر تو واجب بود انجام دادی، نزد قبر آن حضرت بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَرَوْحَتِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ حَمَّتِي، وَمِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي، حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ وَأَبْنَيْهِمْ وَأَسْوَدِهِمْ. (1) سلام بر تو ای پیامبر خدا! از جانب پدر و مادر و همسر و فرزندانم و جمیع خویشاوندان و همه مردم وطنم، اعم از آزادگان یا بردگان و سیاهان و سفیدپوستان.

مرحوم علامه مجلسی پس از نقل این روایت و برخی احادیث دیگر، در این باره می نویسد:

زائر پس از زیارت شایسته است دست به دعا بردارد و بگوید: خدایا! من این زیارت و دو رکعت نماز را که به جا آوردم هدیه کردم به مولای خودم (رسول خدا صلی الله علیه و آله یا هر امامی که نماز و زیارت را برای آن حضرت خوانده است) از طرف همه برادران و خواهران مؤمن خودم و از طرف همه کسانی که سفارش به زیارت یا دعا کرده بودند. خدایا! این زیارت و نماز را از من و آنان قبول فرما. برحمتک یا ارحم الراحمین. (2)

سپس ایشان اضافه می کند:

پس از بازگشت زائر به وطن، اگر هرکس را می بیند، بگوید: من از طرف تو نماز خواندم و زیارت به جا آوردم و بر امام علیه السلام سلام کردم، دروغ نگفته است و در سخنش راستگو خواهد بود. (3)

(1). الکافی، ج 4، ص 317؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 109.

(2). بحارالانوار، ج 99، ص 262.

(3). همان.

عمل دیگری که زائر می تواند برای دیگران انجام دهد یا آنها را در آن عمل شریک کند، عمره و حج مستحبی است. (1) شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که من پدر و برادر و خویشاوندانم را در عمل حج خود شریک کردم. آیا این کار جایز است؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

إِذَا يُكْتَبُ لَكَ حَجٌّ مِثْلُ حَجِّهِمْ وَتَزِدَادَ أَجْرًا بِمَا وَصَلْتِ. (2) در این صورت، برای تو پاداشی همانند کسانی که آنان را در حج خود شریک کرده ای نوشته می شود و پاداشی اضافه نیز به تو عطا می گردد؛ زیرا با این عمل، صله رحم کرده ای.

همچنین «معاویه بن عمار» یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَبِي قَدْ حَجَّ وَوَالِدَتِي قَدْ حَجَّتْ وَإِنَّ أَخَوَيَّ قَدْ حَجَّ وَقَدْ أَرَدْتُ أَنْ أُدْخِلَهُمْ فِي حَجَّتِي كَأَنِّي قَدْ أَحْبَبْتُ أَنْ يَكُونُوا مَعِيَ فَقَالَ اجْعَلُهُمْ مَعَكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَاعِلٌ لَهُمْ حَجًّا وَلَكَ حَجًّا وَلَكَ أَجْرًا بِصِدْقِ لِمَتِكَ إِيَّاهُمْ. (3) به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پدر و مادر و دو برادرم حج را به جا آورده اند. اما من تصمیم گرفتم آنان را نیز در حج خود شریک کنم؛ زیرا دوست داشتم آنان نیز در این حج با من باشند. آیا می توانم این کار را انجام دهم؟ امام علیه السلام فرمود: «آنان را با خودت شریک گردان. پس همانا خداوند برای آنان و برای تو، پاداش حجبی کامل قرار می دهد و افزون بر آن، برای تو پاداشی به سبب صله رحم، عطا خواهد کرد».

گفتنی است حتی امامان معصوم علیهم السلام نیز این اعمال را برای پدران و اجداد خود انجام می دادند؛ چنان که امام هادی علیه السلام فرمود:

(1). الحدائق الناضرة، ج 14، ص 275؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 569.

(2). الکافی، ج 4، ص 316؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 220.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 460؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 203.

به خدا سوگند! امیرمؤمنان علی علیه السلام از جانب پدر و مادرش و پدر رسول خدا صلی الله علیه و آله حج به جا آورد. آن حضرت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز وصیت کرد که از جانب پدران خویش، حج به جا آورند و هر امامی از ما، این عمل را انجام می دهد تا اینکه خدا، امر قائم ما را آشکار سازد. (1)

ج) طواف خانه خدا

عمل مستحب دیگر طواف مستحب خانه خدا و دو رکعت نماز آن است؛ (2) در حدیثی از امام کاظم علیه السلام آمده است:

إِذَا أَتَيْتَ مَكَّةَ فَقَضَيْتَ نُسُكَكَ فَطُفْ أَسْبُوعاً وَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الطَّوْفَ وَهَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ عَنْ أَبِي وَأُمِّي وَعَنْ زَوْجَتِي وَعَنْ وُلْدِي وَعَنْ حَامَّتِي وَعَنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي. (3) هرگاه به مکه آمدی و مناسک خود را به پایان رساندی، پس هفت دور خانه خدا را طواف کن و دو رکعت نماز طواف بخوان و پس از آن بگو: خدایا! این طواف و دو رکعت نماز را از طرف پدر، مادر، همسر، فرزندان، خویشاوندان و از جانب همه اهل وطنم انجام دادم.

در پایان این روایت آمده است:

فَلَا تَشَاءُ أَنْ تُقُولَ لِلرَّجُلِ إِنِّي قَدْ طُفْتُ عَنْكَ وَصَلَّيْتُ عَنْكَ رَكْعَتَيْنِ إِلَّا كُنْتَ صَادِقاً. (4) اگر پس از بازگشت از سفر، به هرکسی که او را در طواف خود شریک کرده ای، بگویی: من از طرف تو طواف کاملی کردم و نماز خواندم، راست گفته ای.

د) دعا و استغفار

عمل دیگری که در احادیث به شریک کردن دیگران در آن، بسیار سفارش شده، دعا و استغفار به ویژه در سرزمین عرفات و مشعرالحرام است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام

(1). مستدرک الوسائل، ج 2، ص 115؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 312.

(2). جواهر الکلام، ج 20، ص 68؛ کتاب الحج، شاهرودی، ج 5، ص 164.

(3). الکافی، ج 4، ص 317؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 109.

(4). همان.

خطاب به زائر در سرزمین مشعر آمده است:

وَ ادْعُ اللَّهَ عَزًّا وَجَلًّا كَثِيرًا لِنَفْسِكَ وَلِوَالِدَيْكَ وَوَلَدِكَ وَأَهْلِكَ وَمَالِكَ وَإِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ مَوْطِنٌ شَرِيفٌ عَظِيمٌ. (1) خداوند را برای خودت، والدین، فرزندان، خویشاوندان، مال و برادران و خواهران مؤمن خود، بسیار بخوان؛ زیرا این سرزمینی شریف و عظیم است.

بر اساس احادیثی دیگر، دعا و استغفار برای مؤمنان، افزون بر اینکه سبب خیر رساندن به دیگران می شود، پاداش مضاعف و گاه چند هزار برابر را برای شخص دعا کننده در پی دارد؛ چنان که «عبدالله بن جندب» می گوید:

هنگامی که از عرفات قصد کوچ کردن داشتم، «ابراهیم بن شعیب» را که دارای یک چشم بود ملاقات کردم و بر او سلام نمودم. پس از سلام، مشاهده کردم که بر اثر گریه زیاد، چشم سالم او همچون کاسه خون سرخ شده بود. به وی گفتم: «یک چشم خودت را در گذشته از دست داده ای. به خدا سوگند! بر چشم دیگری نگرانم. بهتر است کمتر گریه کنی». ابراهیم در پاسخ گفت: «ای ابا محمد! به خدا سوگند! من امروز برای خودم حتی یک دعا نکردم. بلکه همه دعاهای من برای برادران دینی ام بود؛ زیرا از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «کسی که برای برادر دینی اش در غیبت او دعا کند، خداوند فرشته ای را موکل می کند که برای دعاکننده دو برابر آن را از خداوند طلب کند. پس من برای برادرانم دعا می کنم و فرشته الهی برای من دعا می کند؛ زیرا من در استجاب دعا برای خودم شک دارم. ولی در استجاب دعا فرشته الهی برای خودم شک ندارم». (2)

همچنین «ابن ابی عمیر» از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید:

«عیسی بن اعین»، یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام، هرگاه به حج می رفت و در عرفات حضور می یافت، تا غروب آن روز، تنها برای برادران دینی خود دعا می کرد. یک

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 546؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 53.

(2). الکافی، ج 4، ص 465؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 185.

سال به او گفتیم: «تو این همه اموال را هزینه کرده ای و بدنت را به رنج و زحمت انداخته ای تا به مکانی بیایی که حاجات مردم بر خدا عرضه می گردد. حال در این مکان بسیار مقدس، تنها برای دیگران دعا می کنی و خود را فراموش کرده ای؟!» وی در پاسخ گفت: «من از استجاب دعای فرشته الهی برای خودم اطمینان دارم. ولی در پذیرش دعای خودم برای خویشتن شک دارم». (1)

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود:

مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْعَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَلَكَ مِائَةُ أَلْفٍ ضِعْفِ مِثْلِهِ وَكَرِهْتُ أَنْ أَدْعَ مِائَةَ أَلْفٍ ضِعْفٍ مَضْمُونَهُ لِوَاحِدَةٍ لَا أُدْرِي تُسْتَجَابُ أَمْ لَا. (2) هرگاه مردی برای برادر دینی اش در غیبت او دعا کند، از عرش الهی ندایی می آید که برای تو صد هزار برابر آن خواهد بود. اما آن گاه که شخص برای خودش دعا کند، برای او تنها یک دعا خواهد بود. پس صد هزار دعای تضمین شده، بهتر است از یک دعایی که شخص نمی داند آیا مستجاب می شود یا خیر.

چه افراد و تعدادی را در اعمال خود شریک کنیم؟

پرسش دیگر در این مسئله، آن است که چه کسانی را در اعمال خیر سفر خود شریک کنیم؟ آیا فقط می توان مردگان را شریک کرد یا افراد زنده را نیز شامل می شود؟! آیا این مسئله به افراد عادی اختصاص دارد یا اولیای معصوم الهی را نیز می توان در اعمال خیر این سفر شریک کرد؟ و پرسش دیگر آن است که چند نفر از افراد زنده و مرده را می توانیم در این اعمال شریک گردانیم؟!

درباره سؤال نخست باید گفت که فرقی بین مرده یا زنده افراد نیست و شخص می تواند افزون بر شریک کردن اموات، افراد زنده را نیز در اعمال خیر خود شریک کند. یکی از شیعیان، به نام «اسحاق بن عمار»، می گوید:

(1). الکافی، ج 4، ص 465؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 185.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 212؛ جامع احیای الشیعه، ج 11، ص 490.

ص: 196

از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم که شخصی حج و عمره را به جا می آورد. اما آن را برای برخی خویشاوندانش که در مکه نیستند قرار می دهد. آیا با این عمل، پاداش حج او کم می شود؟ حضرت فرمود: «خیر. هم برای او و هم برای کسانی که وی حج را از جانب آنان به جا آورده است پاداشی کامل خواهد بود. افزون بر آن، خداوند به سبب اینکه با این عمل با ارحام خود پیوند برقرار کرده است، پاداش جداگانه ای به او عطا می کند». سپس راوی می گوید: از امام علیه السلام سؤال کردم: در صورتی که خویشاوندان مرده باشند، باز برای او پاداشی خواهد بود؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «بله. میت گاه مورد غضب خداوند قرار دارد یا در تنگنا و گرفتاری افتاده است اما به سبب حاجی که برای او به جا آورده می شود، خداوند او را می آمرزد یا از تنگنا و گرفتاری نجات می دهد». سپس راوی از امام علیه السلام سؤال کرد که آیا میت می فهمد که این حاجی که برای او به جا آورده شده، از جانب این شخص به او رسیده و او را نجات داده است؟ امام علیه السلام فرمود: «بله. وی آگاه می شود». (1)

همچنین نباید زائر، افراد مذکور را در والدین یا خویشاوندان خود منحصر کند؛ بلکه افزون بر شریک کردن آنان، شایسته است از دیگر صاحبان حق، مانند دوستان، همسایگان، استادان، همشهریان و هر کسی که به نوعی بر ذمه فرد حقی دارد غفلت نکند و همه آنان را در اعمال خیر خود شریک گرداند.

همچنین انجام دادن اعمال خیر به افراد غیر معصوم اختصاص ندارد؛ بلکه زائر می تواند اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را نیز در اعمال خیر خود داخل کند؛ چنان که یکی از اصحاب امام جواد علیه السلام به نام «موسی بن قاسم» به آن حضرت عرض کرد:

تصمیم دارم به نیابت از شما و پدرتان طواف کنم. اما به من گفته شده است که نمی توان به نیابت از اوصیا طواف کرد. امام جواد علیه السلام فرمود: «هر مقدار می توانی برای آنان طواف کن که این کار جایز است». موسی بن قاسم می گوید: «پس از مدتی

(1). الکافی، ج 4، ص 315؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 197.

ص: 197

خدمت امام جواد علیه السلام رسیدم و به آن حضرت عرض کردم: پس از آنکه شما به من اجازه دادید که از جانب شما طواف کنم، چیزی به ذهنم خطور کرد و به آن عمل کردم». حضرت فرمود: «چه بود؟» گفتم: «یک روز به نیابت از رسول خدا صلی الله علیه و آله طواف کردم و روز دوم به نیابت از حضرت علی علیه السلام و روز سوم به نیابت از امام حسن علیه السلام و روز چهارم به نیابت از امام حسین علیه السلام و روز پنجم به نیابت از علی بن الحسین علیه السلام و روز ششم به نیابت از امام باقر علیه السلام و روز هفتم به نیابت از امام صادق علیه السلام و روز هشتم به نیابت از جد شما موسی بن جعفر علیه السلام و روز نهم به نیابت از پدرتان علی بن موسی الرضا علیه السلام و روز دهم به نیابت از شما این عمل را انجام دادم». سپس به آن حضرت عرض کردم: «گاهی نیز به نیابت از مادرتان فاطمه زهرا علیها السلام طواف می کردم». امام جواد علیه السلام فرمود: «به نیابت از حضرت فاطمه علیها السلام زیاد طواف کن؛ زیرا این برترین کاری است که می توانی انجام دهی. ان شاء الله». (1)

افزون بر این، در شریک کردن دیگران در این اعمال، تعداد و شمار خاصی شرط نیست؛ بلکه زائر می تواند هر تعدادی که ذهن او توانایی گنجاندن آنها را دارد، در اعمال خود شریک کند و خداوند به همه آنان ثواب کامل آن عمل را خواهد داد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

لَوْ أَشْرَكْتَ الْفَأْفِي حَجَّتِكَ لَكَانَ لِكُلِّ وَاحِدٍ حَجَّةٌ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَنْقُصَ حَجَّتَكَ شَيْئًا. (2) اگر هزار نفر را در حج خود شریک کنی، برای هر یک از آنان پاداش حجی کامل خواهد بود؛ بدون اینکه از پاداش حج خودت چیزی کم شود.

همچنین در حدیثی دیگر، شخصی از امام رضا علیه السلام سؤال کرد: «چه تعداد از افراد را در حج خود شریک کنم؟» امام فرمود: «هر تعداد که خواستی». (3)

گفتنی است اگر زائری قصد داشت فرد یا افرادی را در پاداش اعمال مستحبی این

(1). الکافی، ج 4، ص 314؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 450.

(2). الکافی، ج 4، ص 317؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 223.

(3). الکافی، ج 4، ص 317؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 202.

سفر شریک کند، ولی هنگام انجام دادن عمل، فراموش کرد و پس از پایان عمل به یادش آمد، می تواند آنان را در پایان اعمال خیر نیز شریک کند؛ چنان که شخصی به امام صادق علیه السلام گفت:

جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي كُنْتُ نَوَيْتُ أَنْ أُدْخِلَ فِي حَبَّتِي الْعَامَ أَبِي أَوْ بَعْضَ أَهْلِي فَنَسِيتُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْآنَ فَأَشْرِكْهَا. (1) فدايت شوم، من قصد داشتم امسال، مادرم يا برخی خویشاوندانم را در حج خود شریک کنم؛ ولی فراموش کردم. امام علیه السلام فرمود: «الآن که به یادت آمده، آنان را شریک کن».

13. زینت تشیع و اهل بیت علیهم السلام بودن

اشاره

از آداب دیگری که لازم است زائر خانه خدا در این سرزمین رعایت کند، آن است که اعمال و رفتار او باید به گونه ای باشد که زینت شیعه و پیشوایان معصوم خود باشد و از کارهایی که سبب بی آبرویی و خواری شیعه یا امامان معصوم علیهم السلام می شود، خودداری کند.

رعایت این ادب و اخلاق ویژه از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا از یک سو، بسیاری از زائران خانه خدا و ساکنان سرزمین مکه و مدینه، عقایدی متفاوت با پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام دارند و از سوی دیگر، زائران پیرو مذهب اهل بیت علیهم السلام هیچ گاه با شخصیت حقیقی خود، یعنی با نام و کنیه شخصی، قدم در این سفر نمی گذارند؛ بلکه هر یک از آنان با شخصیت حقوقی خویش و با عنوان سفیران جمهوری اسلامی ایران و پیروان مذهب تشیع و امامان معصوم علیهم السلام به این سفر می روند و دیگر زائران سرزمین های اسلامی نیز، آنان را با این عناوین می شناسند.

از این رو رفتار و حرکات آنان به دقت زیر نظر دیگران قرار دارد. اگر رفتار و کردار

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 462؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 204.

ص: 199

آنان خوب و مطابق با تعالیم اسلام باشد، نگرش دیگران به جمهوری اسلامی ایران، شیعه و پیشوایان مذهب تشیع، مثبت خواهد شد. اما اگر رفتار آنان بد و برخلاف تعالیم اسلام باشد، نگاه دیگران به زائران ایرانی و شیعه و امامان آنان نیز منفی و بد می شود.

بر همین اساس، اهل بیت علیهم السلام به شیعیانی که میان مخالفان مذهبی خود زندگی یا حضور دارند سفارش کرده اند که باید به گونه ای رفتار کنند که زینت آنان باشند. در حدیثی رئیس مذهب تشیع، امام صادق علیه السلام، خطاب به پیروان خود می فرماید:

كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، حَبَّبُونَا إِلَى النَّاسِ وَلَا تَبْغُضُونَا إِلَيْهِمْ، فَجُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ شَرٍّ. (1) ای شیعیان! زینت ما باشید و مایه ننگ ما نباشید. محبت دیگران را به سوی ما جلب کنید و ما را مبعوض آنان نگردانید. هر محبتی را به سوی ما جلب و هر شری را از ما دفع کنید.

همچنین حضرت فرمود:

إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَنَا بِهِ فَإِنَّ وَلَدَ السَّوِّءِ يُعَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ كُونُوا لِمَنْ انْقَطَعَتْمْ إِلَيْهِ زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شَيْنًا. (2) از انجام دادن اعمالی که به سبب آن، ما را سرزنش کنند، اجتناب کنید؛ زیرا فرزند بد، با عملش سبب می شود که پدرش سرزنش شود. پس برای کسی که به او انتساب دارید، زینت باشید و مایه ننگ و عار او نباشید.

چگونه زینت تشیع و اهل بیت علیهم السلام باشیم؟

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در روایات متعددی، معیارهای زینت بودن پیروان خود را میان اهل سنت معین کرده و راه و رسم رفتار و گفتار صحیح را برای آنان ترسیم نموده اند. از این رو شیعه و پیرو این خاندان باید این معیارها و توصیه ها را برای

(1). وسائل الشیعه، ج 12، ص 8؛ جامع احادیث الشیعه، ج 15، ص 506.

(2). الکافی، ج 2، ص 219؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 219.

خود سر مشق قرار دهد تا بتواند سفیر شایسته ای برای ملت ایران و امامان معصوم خود باشد. برخی از معیارهای مهم ذکر شده در سخنان پیشوایان دین به این شرح است:

الف) داشتن ورع و تقوا

مهم ترین توصیه امامان معصوم علیهم السلام به همه شیعیان خود، به ویژه آنان که با مخالفان در مذهب، همنشینی یا مراوده دارند، داشتن ورع و تقوا در حد اعلای آن است؛ امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود به نام «زید شحام» فرمود:

أَقْرَأُ عَلَى مَنْ تَرَى أَنَّهُ يُطِيعُنِي مِنْهُمْ وَيَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلَامَ وَأَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْوَرَعَ فِي دِينِكُمْ وَالْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ... فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ الْحَدِيثَ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَحَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسْرُتُنِي ذَلِكَ وَيَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ الشُّرُورُ وَقِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ. (1) به کسانی که گمان می کنی از من اطاعت می کنند و سخنم را گوش می دهند، سلام برسان و بگو: همه شما را به تقوای الهی و ورع در دین و تلاش و کوشش برای خدا سفارش می کنم...؛ زیرا هرگاه یکی از شما در دین خود ورع داشته باشد و در گفتارش صادق، و امانتدار و اخلاقش نیک باشد، می گویند: این پیرو جعفر بن محمد است و ادب او چنین است و من از این خصلت و این سخن آنان خوشحال می شوم و اگر روشی غیر از این داشته باشد، گرفتاری و ننگ آن بر من وارد می شود و آنان می گویند این است ادب جعفر بن محمد.

داشتن تقوا و ورع که بیشتر در انجام دادن واجبات الهی و اجتناب از محرّمات خداوند نمایان است، چنان تأثیری در مخاطبان به ویژه مخالفان در مذهب دارد که افزون بر تغییر نگرش آنان به شیعه، گاه موجب می شود که در عقاید و افکار خود بازنگری کنند و همان راه و عقیده پیروان اهل بیت علیهم السلام را برای خود برگزینند. امام رضا علیه السلام در حدیثی پس از سفارش به تعلم و تعلیم علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام، فرمود:

(1). الکافی، ج 2، ص 635؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 6.

ص: 201

«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»؛ (1) «همانا مردم اگر با زیبایی های سخنان ما آشنا شوند، از ما پیروی خواهند کرد».

اما چون در بسیاری از مواقع، به ویژه در سفر عمره و حج، عموم زائران، امکان بیان علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام را برای مخالفان مذهب ندارند، بهترین روش ممکن برای انتقال معارف و تأثیرگذاری در عقیده و کردار مخالفان، آن است که پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام، به آنچه از پیشوایان خود فرا گرفته اند عمل کنند و در واقع این معارف را با عمل و رفتار خود، به دیگران منتقل نمایند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

با عمل خودتان مردم را به [اسلام و تشیع] دعوت کنید. آنان باید از شما ورع و تلاش برای خدا و نماز و عمل خیر را مشاهده کنند؛ زیرا عمل است که دیگران را به سوی حق و هدایت دعوت می کند. (2)

(ب) ارتباط با اهل سنت

توصیه دیگر امامان شیعه به پیروان خود در این محیطها، آن است که شیعیان با پیروان دیگر مذاهب اسلامی ارتباط داشته باشند و در مجالس آنان شرکت کنند و از اعمالی که سبب دوری و جدایی با آنان می شود اجتناب نمایند. در حدیثی «معاویه بن وهب» از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که چگونه با مخالفان مذهبی خود رفتار کنیم: امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

تَنْظُرُونَ إِلَى أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصَّ نَعُونَ مَا يَصَّ نَعُونَ فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرَضَ أَهْمٍ وَيَسْتَهْدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَيُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَيُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ. (3) به امامانتان که به آنان اقتدا می کنید نگاه کنید و هر کار که آنان با مخالفان در مذهب انجام می دهند، شما هم انجام دهید. به خدا سوگند! امامان شما مریضان آنان

(1). عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 275؛ وسائل الشیعه، ج 27، ص 92.

(2). الکافی، ج 2، ص 78؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 76.

(3). الکافی، ج 2، ص 636؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 6.

را عیادت و در تشییع جنازه آنان شرکت می کنند. به نفع یا ضرر آنان گواهی می دهند و امانت را به آنان باز می گردانند.

در حدیثی دیگر، آن حضرت خطاب به زید شحام فرمود:

ای زید! با مردم (مخالفان در مذهب) با اخلاق خودشان رفتار کنید. در مساجد آنان نماز بخوانید و مریضان آنان را عیادت کنید و در تشییع جنازه آنان شرکت نمایید و اگر توانستید، برای آنان پیش نمازی کنید و مؤذن آنان باشید؛ زیرا اگر شما این اعمال را انجام دهید، آنان خواهند گفت: اینان جعفری مذهب اند و خدا رحمت کند جعفر بن محمد را که چه نیکو پیروانش را تربیت کرده است. اما اگر این اعمال را ترک کنید، خواهند گفت: اینان از پیروان جعفرند و خدا او را جزا دهد که چه بد پیروانش را تربیت کرده است. (1)

همان گونه که در این حدیث آمده است، یکی از مصادیق مهم ارتباط با مخالفان در مذهب، رفتن به مساجد آنان و شرکت در نمازهای جماعت است که در احادیث متعدد دیگری بر آن تأکید شده است. حتی ائمه معصوم علیهم السلام در احادیثی دیگر، این عمل را دارای پاداشی عظیم دانسته اند؛ از جمله امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ. (2) کسی که پشت سر مخالفان، در صف اول نماز گزارد، همانند کسی است که پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله در صف اول نماز خوانده است.

در روایتی دیگر، آن حضرت به یکی از اصحاب خود به نام «اسحاق» فرمود:

ای اسحاق! آیا با اهل سنت در مسجد نماز می خوانی؟ اسحاق گفت: «بله». امام علیه السلام در این هنگام فرمود: «با آنان نماز بخوان؛ زیرا کسی که با آنان در صف اول نماز بخواند همانند کسی است که شمشیرش را در راه خدا از غلاف بیرون کشیده است». (3)

(1). من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 383؛ وسائل الشیعه، ج 8، ص 430.

(2). الکافی، ج 3، ص 380؛ من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 382.

(3). تهذیب الاحکام، ج 3، ص 277؛ وسائل الشیعه، ج 8، ص 301.

اهل بیت علیهم السلام افزون بر اینکه شیعیان خود را به شرکت در نمازهای جماعت اهل سنت تشویق می کردند، خود نیز در این نمازها شرکت می کردند تا سرمشقی برای پیروان خود باشند؛ چنان که امام کاظم علیه السلام فرمود: «صَلَّى حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ خَلْفَ مَرْوَانَ وَنَحْنُ نُصَلِّي مَعَهُمْ»؛ (1) «امام حسن و امام حسین علیهما السلام پشت سر مروان نماز می خواندند و ما هم با آنان (اهل سنت) نماز می خوانیم».

باید توجه داشت که ارتباط با اهل سنت به تشییع جنازه، عیادت مریضان، رفتن به مساجد و شرکت در نمازهای جماعت آنان اختصاص ندارد؛ بلکه افزون بر این اعمال، بسیاری از اعمال و رفتارهای دیگر را نیز شامل می شود که امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر، به عنوان قاعده و قانون کلی در این باره، خطاب به پیروان خود، فرمود:

أَحِبُّوا لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ أَمَا يَسْتَحْيِي الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يَعْرِفَ جَارَهُ حَقَّهُ وَلَا يَعْرِفَ حَقَّ جَارِهِ. (2) آنچه برای خود دوست دارید برای آنان نیز دوست داشته باشید. آیا مردی از شما شرم نمی کند که همسایه اش حق او را بشناسد و رعایت کند؛ ولی او حق همسایه اش را نشناسد و رعایت نکند.

معنای این قاعده کلی آن است که شخص زائر و پیرو مذهب اهل بیت علیهم السلام باید خودش را در این سرزمین، به جای ساکنان و مجاوران این دو شهر مقدس و پیروان مذاهب دیگر بگذارد و با آنان همان رفتاری را داشته باشد که دوست دارد دیگران با او داشته باشند و از هر کاری که دوست ندارد دیگران با او انجام دهند، او نیز از انجام دادن آن کارها با مخالفان بپرهیزد.

ج) تقیه و پرهیز از اعمال تفرقه انگیز

تقیه در اصطلاح متون دینی، به معنای ابراز یا کتمان عقیده بر خلاف نظر قلبی برای اجتناب از ضررهای دنیوی یا دینی است؛ (3) به تعبیر دیگر، تقیه به موافقت و همراهی در

(1). وسائل الشیعه، ج 8، ص 301؛ جامع احادیث الشیعه، ج 6، ص 415.

(2). الکافی، ج 2، ص 635؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 6.

(3). اعتقادات، ص 137؛ القواعد الفقهیة، بجنوردی، ج 5، ص 49.

گفتار یا کردار با مخالفان در عقیده و مذهب، برای حفظ انسان از ضرر دنیوی و اخروی اطلاق می‌گردد (1) که به دو قسم تقیه خوفی و تقیه مداراتی یا تحبیبی، تقسیم می‌شود.

تقیه خوفی، آن است که انسان به سبب ترس بر جان، مال یا آبروی خود یا دیگران، عقیده خود را کتمان کند (2) و تقیه مداراتی یا تحبیبی، آن است که برای جلب مودت و تحقق وحدت میان مسلمانان، از عمل بر طبق عقیده و مذهب خود، خودداری کند و حتی در مواردی با عقیده و مذهب مخالفان همراهی کند. (3) گفتنی است حضور زائران میان اهل سنت در سفر حج و عمره و همراهی کردن با آنان، از قسم دوم است.

تقیه و همراهی کردن با اهل سنت در برخی عقاید و اعمال، یکی از توصیه‌های اکید و مهم امامان معصوم علیهم السلام است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ التَّقِيَّةَ دِينِي وَدِينُ آبَائِي وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ»؛ (4) «تقیه، دین من و پدرانم است و کسی که تقیه ندارد، دین ندارد».

همچنین آن حضرت در حدیثی دیگر، تقیه را همسنگ نماز برشمرد و فرمود: «وَلَوْ قُلْتُ إِنَّ تَارِكَ التَّقِيَّةِ كَتَارِكَ الصَّلَاةِ لَكُنْتُ صَادِقًا»؛ (5) «اگر بگویم ترک کننده تقیه همانند ترک کننده نماز است، راست گفته‌ای». همچنین آن حضرت در نامه‌ای خطاب به شیعیان خود فرمود:

با اهل باطل با ملاطفت و خوشرویی برخورد کنید. ظلم آنان را تحمل کنید و از منازعه با آنان پرهیزید. هرگاه با آنان همنشینی و اختلاط و منازعه کردید، نفس خود را بر تقیه‌ای که خدا، شما را به آن فرمان داده است وادار کنید. (6)

همچنین آن حضرت فرمود:

(1). معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص 122.

(2). القواعد الفقهیه، مکارم شیرازی، ج 1، ص 410.

(3). الرسائل، ج 2، صص 174 و 175؛ القواعد الفقهیه، مکارم شیرازی، ج 5، ص 410.

(4). الکافی، ج 2، ص 219؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 210.

(5). الکافی، ج 8، ص 3؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 207.

(6). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 127؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 131.

فرو خوردن خشم در برابر دشمنان در دولت آنان به سبب تقیه، نوعی دوراندیشی است که سبب مصون ماندن فرد از گرفتار شدن به بلا و مصیبت در دنیا می گردد و عناد و درگیر شدن با دشمنان در دولت و سرزمین آنها بدون رعایت تقیه، مخالفت با امر خداوند بزرگ است. پس با مردم مدارا کنید تا نزد آنان سنگین و باوقار جلوه کنید و با آنان دشمنی نکنید تا موجب تسلط آنان بر شما شده و اسباب خواری و ذلت شما فراهم گردد. (1)

مصادیق اعمال تفرقه انگیز

باید توجه داشت که موضوعات تفرقه انگیز در سفر عمره و حج که بر اساس روایات مذکور، باید در آنها تقیه کرد، فراوان است؛ یکی از مصادیق مهم این امر اقامه نماز در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالحرام و نیز مساجد دیگر است که بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام، شیعیان وظیفه دارند در این نمازها شرکت کنند.

البته زائران حج و عمره باید توجه داشته باشند که در عصر حاضر، اصل شرکت در نمازهای جماعت اهل سنت و همراهی کردن با آنان براساس سفارش امامان معصوم علیهم السلام مصادق تقیه است؛ نه پیروی کردن در تمام احکام و جزئیات نماز. بنابراین در چگونگی اقتدا در نمازهای جماعت و برخی احکام نماز، همچون نیت جماعت یا فرادا کردن، سجده بر فرش ها، اتصال صفوف یا انقطاع آنها و برخی احکام دیگر نماز، باید زائران به فتوای مرجع تقلید خود رجوع کنند.

افزون بر این، مسائل و موضوعات فراوان دیگری وجود دارد که ارتکاب آنها در این سفر، سبب بدبینی دیگران به شیعه و بروز اختلاف میان مسلمانان می شود که برخی از آنها عبارت است از:

- خروج از مسجدالنبی صلی الله علیه و آله یا مسجدالحرام هنگام اقامه نماز؛

- خواندن نماز فرادا هنگام اقامه نماز جماعت؛

- جداگانه برپا کردن نماز جماعت در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله یا مسجدالحرام؛

(1). الکافی، ج 2، ص 109؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 180.

ص: 206

- سجده کردن بر مهر، کاغذ، تسبیح، پشت دست و امثال آنها؛
- خواندن حمد و سوره در نماز جماعت اهل سنت با صدای بلند، به گونه ای که دیگران صدای فرد را بشنوند؛
- خواندن قنوت در نمازهای جماعت؛
- عبور کردن از جلوی نمازگزاران در نماز جماعت یا فرادا؛
- بوسیدن در و دیوار و ستون های مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و ضریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز مسجدالحرام؛
- خواندن دعا یا صلوات فرستادن با صدای بلند؛
- حرف زدن با صدای بلند در حرم پیامبر صلی الله علیه و آله یا مسجدالحرام؛
- پشت به مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله یا خانه کعبه نشستن؛
- سیگار کشیدن در این دو مکان مقدس و اماکن مجاور آن؛
- با پای کثیف و بدبو وارد مسجدالحرام یا مسجدالنبی صلی الله علیه و آله شدن؛
- دراز کردن پاها هنگام قرائت قرآن یا خواندن دعا؛
- قرآن را روی زمین گذاشتن به جای قرار دادن آن در جایگاه مخصوص؛
- قرآن را با کفش ها در یک دست گرفتن؛
- برداشتن خاک یا سنگ از قبرستان بقیع، کوه صفا یا مکان های دیگر برای تبرک؛
- انداختن پول یا عریضه به داخل ضریح یا قبور پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام یا مکان های دیگر؛
- خواندن نماز زیارت امامان علیهم السلام پشت دیوار بقیع؛
- بستن نخ یا پارچه به پنجره های بقیع یا دیگر مکان های زیارتی؛
- قدم زدن در خیابان یا تجمع جلوی مغازه ها هنگام اقامه نماز جماعت؛
- رعایت نکردن حجاب اسلامی؛
- با صدای بلند دعا و ذکر گفتن هنگام طواف؛ زیرا این عمل سبب به هم خوردن تمرکز ذهنی دیگران می شود؛

- بوسیدن در و دیوار مسجدالحرام، به جز رکن یمانی و حجرالاسود که خود اهل سنت نیز این کار را انجام می دهند؛

- کشیدن نخ های پرده کعبه و بردن آن برای تبرک؛

- گرفتن عکس و فیلم برداری در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالحرام.

تقیه کردن پیروان اهل بیت علیهم السلام میان مخالفان مذهبی و اجتناب از ارتکاب اعمال تفرقه انگیز، منحصر در اعمال ذکر شده نیست؛ بلکه بسیاری از اعمال و گفتارهای دیگر را نیز شامل می شود و قاعده کلی که فقیهان بر پایه ه ه روایات پیشوایان دین در این باره بیان کرده اند آن است که پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام باید از هر گفتار یا کرداری که سبب ضرر جانی یا مالی یا آبرویی برای خود یا دیگران می شود یا موجب پدید آمدن نگرش منفی درباره شیعه یا امامان معصوم علیهم السلام و بروز اختلاف میان مسلمانان می گردد اجتناب کنند. چه آن عمل حرام باشد؛ همچون آزار رساندن یا سب دیگران یا واجب باشد؛ مانند اقامه نماز جماعت به امامت فردی امامی مذهب یا مستحب باشد؛ همچون استلام و بوسیدن ضریح پیامبر و قبور امامان معصوم علیهم السلام یا مکروه و یا حتی مباح باشد.

14. آداب ورود در ضیافت الهی (احرام)

اشاره

نخستین عملی که زائر خانه خدا برای ورود به ضیافت الهی و انجام دادن مناسک عمره یا حج به جا می آورد، احرام است. احرام از اعمال بسیار مهم حج و عمره و از لحظات بسیار حساس حج گزار در این سفر و بلکه در طول دوران زندگی اوست. زائر در این لحظه می خواهد به ندای مولا و پروردگار خود لبیک بگوید. او قصد دارد با خارج کردن لباس های دوخته و پوشیدن دو جامه احرام، گناه و معصیت و هر آنچه را رنگ غیر الهی دارد از خود دور گرداند و لباس بندگی و اطاعت را بر تن کند. زائر می خواهد با گفتن جملات «لبیک، اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک» و تکرار این کلمات، با خدای خویش پیمان ببندد تا هوس های نفسانی و تمایلات شیطانی را رها

کند و از این لحظه، بنده حقیقی و مخلص خدا شود و هر آنچه را خدا فرمان دهد اطاعت کند؛ چنان که در حدیثی منسوب به امام سجاد علیه السلام آمده است:

فَحِينَ نَزَلَتِ الْمِيقَاتُ، نَوَيْتَ أَنْكَ خَلَعْتَ ثَوْبَ الْمُعْصِيَةِ وَلَبِسْتَ ثَوْبَ الطَّاعَةِ. (1) آیا وقتی به میقات فرو آمدی، نیت کردی که لباس نافرمانی را از تن خارج کنی و لباس اطاعت را بپوشی؟.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود: «وَأَحْرَمَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَمْنَعُكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَيَحْبُجُّكَ عَنْ طَاعَتِهِ»؛ (2) «هنگام احرام، هر آنچه تو را از یاد خدا و طاعت او باز می دارد، بر خود حرام کن».

بر این اساس، لازم است زائر متوجه این مقام و موقعیت عظیم خود باشد و بداند که در این لحظه، در برابر چه کسی قرار گرفته است و قصد گفتن چه سخنان و انعقاد چه پیمانی را دارد. از این رو در حالات اولیای دین و ائمه معصوم علیهم السلام آمده است که آنان در لحظه احرام، بر خود می لرزیدند و از خوف شنیدن جواب رد پروردگار، به آسانی قادر به گفتن لبیک نبودند؛ از جمله در حالات امام سجاد علیه السلام آمده است:

حَجَّ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا أَحْرَمَ وَاسْتَوَتْ بِهِ رَاحِلَتُهُ اصْفَرَ لَوْنُهُ وَوَقَعَتْ عَلَيْهِ الرَّعْدَةُ وَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُكَبِّ. فَقِيلَ: أَلَا تُكَبِّي؟ فَقَالَ أَخْشَى أَنْ يَقُولَ لِي لَا لَيْتِكَ وَلَا سَعْدِيكَ. فَلَمَّا لَبَّى خَرَّ مَغْشِيًّا عَلَيْهِ وَسَقَطَ عَنْ رَاحِلَتِهِ. (3) امام زین العابدین علیه السلام حج را به جای آورد. پس هنگامی که قصد بستن احرام کرد و بر مرکب قرار گرفت، رنگ آن حضرت زرد شد و رعشه بر اندام حضرت افتاد و نتوانست لبیک بگوید. به آن حضرت گفته شد که آیا نمی خواهید لبیک بگویید؟! امام علیه السلام فرمود: «می ترسم لبیک بگویم، اما خداوند جواب رد به من بدهد و بگوید: لا لبیک و لا سعدیک» و چون لبیک گفت، مدهوش شد و از مرکب بر زمین افتاد.

(1). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 166؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 371.

(2). مصباح الشریعه، ص 48؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 172.

(3). عوالمی اللئالی، ج 4، ص 35.

ماجرایی همانند روایت مذکور نیز درباره حالات امام صادق علیه السلام، هنگام احرام گزارش شده است. (1)

بر این اساس، زائر باید به این امر بسیار مهم توجه کند که اگر در گذشته بارها به درگاه الهی توبه کرده و دوباره توبه خود را شکسته و خود را به گناه آلوده کرده، شایسته است در این لحظه حساس از صمیم قلب تصمیم بگیرد که دیگر به گناه باز نگردد و برای همیشه بنده خالص خدا شود. زائر پس از این پیمان، امید فراوان داشته باشد که خداوند متعال با نظر لطف و رحمت به وی می نگرد و او را به عنوان میهمان ویژه خود، خواهد پذیرفت.

محرم شدم به جامه احرام بنده وار آماده حضور و ملاقات کردگار

لیبک گفتم از دل و جان در حریم دوست گشتم ز شوق وصل، دل آرام و بی قرار

رفتم به سوی کعبه بینم جمال او یا تر کنم ز زمزم دل، چشم اشکبار

برای ورود به این ضیافت بزرگ و مهم الهی، آداب فراوانی بیان شده است که رعایت آنها موجب آمادگی بیشتر زائر برای ورود به میهمانی خداوند، کامل تر شدن عمل عمره و حج و افزایش پاداش می شود. آداب سفارش شده برای احرام، دو قسم است؛ بخشی از این آداب، مربوط به قبل از احرام و جزو مقدمات این عمل به شمار می رود و بخشی دیگر، مربوط به زمان آغاز احرام تا پایان آن است. در اینجا به عمده ترین آداب هر یک از این دو بخش اشاره می کنیم:

الف) آداب قبل از احرام

اشاره

قبل از پوشیدن لباس احرام و نیت این عمل، اعمال متعددی مستحب شمرده شده است که مهم ترین این اعمال عبارت است از:

یک - نگه داشتن موی سر و ریش قبل از احرام

مستحب است زائر سفر عمره مفرده یک ماه قبل از احرام و زائر سفر حج از ابتدای ماه ذی قعدة، موی سر و ریش خود را بلند نگه دارد و از حلق یا کوتاه کردن آنها

(1). الامالی، شیخ صدوق، ص 234؛ علل الشرایع، ج 1، ص 235.

ص: 210

خودداری کند؛ (1) امام صادق علیه السلام فرمود:

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ: سُؤَالٌ وَذُو الْقَعْدَةِ وَذُو الْحِجَّةِ، فَمَنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَفَرَّ شَعْرَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى هِلَالِ ذِي الْقَعْدَةِ وَمَنْ أَرَادَ الْعُمْرَةَ وَفَرَّ شَعْرَهُ شَهْرًا. (2) برای حج، ماه های خاصی است: شوال و ذی قعدة و ذی حجه. پس کسی که قصد حج دارد، موی خود را از هنگامی که نگاهش به هلال ماه ذی قعدة افتاد، نگه دارد و کسی که قصد عمره دارد، موی خود را یک ماه قبل از عمره نگه دارد.

در این باره روایات دیگری نیز از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است (3) و به علت تأکید بر این نکته، برخی از فقیهان، این عمل را واجب شمرده اند. (4)

ممکن است حکمت نگه داشتن موقبل از سفر، این باشد که مو مظهر زیبایی و توجه فرد به خود است و بی شک، تراشیدن یا کوتاه کردن آن، دل بر کردن از این تعلق دنیوی به حساب می آید. از این رو، چون موی بیشتر سبب افزایش زیبایی می گردد، تراشیدن و گذشت از آن نیز از ارزش و پاداش بیشتری برخوردار خواهد بود. بر این اساس، اینکه برخی از زائران قبل از احرام، موی سر خود را کوتاه می کنند تا حلق آسان تر انجام گیرد، برخلاف این حکمت است.

دو - نظافت بدن

همان گونه که انسان هنگام رفتن به میهمانی، خود را از آلودگی ها دور می کند، هنگام رفتن به میهمانی خدا و محرم شدن نیز مستحب است زائر بدن خود را تمیز کند و چرک و آلودگی های آن را از بین ببرد؛ (5) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

(1). تذکره الفقهاء، ج 7، ص 221؛ الحدائق الناضرة، ج 15، ص 2.

(2). الکافی، ج 4، ص 17؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 301.

(3). همان.

(4). تذکره الفقهاء، ج 7، ص 221؛ الحدائق الناضرة، ج 15، ص 2.

(5). تذکره الفقهاء، ج 7، ص 221؛ جواهر الکلام، ج 18، ص 175.

ص: 211

إِذَا انْتَهَيْتَ... إِلَى الْوَقْتِ مِنْ هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ وَأَنْتَ تُرِيدُ الْإِحْرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَانْتِفِ بِبَطْنِكَ، وَقَلِّمْ أَظْفَارَكَ، وَأَطْلِ عَانَتَكَ، وَخُذْ مِنْ شَارِبِكَ، وَلَا يَضُرُّكَ بِأَيِّ ذَلِكَ بَدَأْتَ... (1) هرگاه به یکی از میقات ها [که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای احرام تعیین کرده است،] رسیدی و قصد احرام داشتی، موی زیر بغل و پشت عانه خود را بتراش و ناخن ها و سبیل خود را کوتاه کن و با هر یک از این اعمال، آغاز کردی، ایرادی ندارد....

سه - مسواک زدن

از دیگر مستحبات قبل از احرام، مسواک زدن است؛ (2) در انتهای روایت مذکور، امام صادق علیه السلام فرمود: «ثُمَّ... اسْتَيْسَأْ»؛ (3) «پس از نظافت کردن بدنت، مسواک بزن».

از آنجا که زائر قصد سخن گفتن با حضرت حق را دارد، شایسته است بوی بد را از دهان خود بزدايد و آن را خوشبو کند. البته چون یکی از محرّمات احرام، بوی خوش است، بهتر است زائر هنگامی مسواک بزند که بوی خوش آن تا زمان فرارسیدن احرام از بین برود یا از خمیردندان های بی بو استفاده کند.

چهار - غسل کردن

از دیگر مستحبات مؤکد احرام، غسل کردن است. (4) البته برخی از فقیهان براساس روایات، آن را واجب شمرده اند. (5) در روایت پیشین، امام صادق علیه السلام فرمود:

«ثُمَّ... اغْتَسِلْ»؛ (6) «سپس غسل کن».

مکان این غسل، میقات است. اما اگر زائر احتمال می دهد آب در میقات نبوده یا مانعی برای غسل در میقات وجود دارد، می تواند غسل را در مدینه یا قبل از میقات

(1). تذکره الفقهاء، ج 7، ص 221؛ جواهر الکلام، ج 18، ص 175.

(2). مهذب الاحکام، ج 13، ص 64؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 652.

(3). الکافی، ج 4، ص 326؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 307.

(4). تذکره الفقهاء، ج 2، ص 143؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 653.

(5). تذکره الفقهاء، ج 2، ص 143؛ الحدائق الناضره، ج 4، ص 183.

(6). الکافی، ج 4، ص 326؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 307.

انجام دهد و سپس در صورت امکان، آن را در میقات اعاده کند. اثر غسل احرام اگر در ابتدای روز به جا آورده شود تا پایان آن روز و اگر در ابتدای شب به جا آورده شود تا پایان آن شب باقی است. اما اگر پس از غسل، به خواب رود یا یکی از محرمات احرام را مرتکب شود، مستحب است آن را در میقات یا شهر مکه اعاده کند (1) و اگر آب یافت نشود یا استفاده آن برای شخص ضرر داشته باشد، مستحب است تیمم کند. (2)

از آنجا که زائر پس از احرام، قصد ورود به حرم الهی و نیز مسجدالحرام را دارد و برای ورود به هر یک از این اماکن نیز غسل سفارش شده و ممکن است امکان یا فرصت غسل در میان راه یا محل اقامت در مکه وجود نداشته باشد، بهتر است زائر در میقات، نیت غسل ورود به حرم و غسل ورود به مسجدالحرام را نیز به نیت غسل احرام اضافه کند.

همچنین براساس روایت منسوب به امام سجاد علیه السلام، (3) شایسته است زائر هنگام غسل های سه گانه مذکور، غسل توبه از گناهان را نیز نیت کند. در ضمن، مستحب است هنگام غسل یا پس از آن، این دعا را بخواند: (4)

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهُورًا وَحِرْزًا وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَشِدَاءٍ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَدِّمْ. اللَّهُمَّ طَهِّرْ نِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مَحَبَّتِكَ وَمِدْحَتِكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ وَالِاتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

پنج - اقامه نماز قبل از احرام

عمل مستحب دیگر قبل از احرام، نماز واجب یا مستحب است؛ به تعبیر دیگر،

(1). جواهر الکلام، ج 18، صص 178-185؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 653.

(2). تذکره الفقهاء، ج 7، ص 223؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 653.

(3). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 166؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 371.

(4). العروه الوثقی، ج 4، ص 653؛ کتاب الحج، خویی، ج 2، ص 473.

ص: 213

مستحب است که احرام پس از نماز واجب یا مستحب، صورت پذیرد. برخی از فقها این کار را واجب شمرده اند. (1) امام صادق علیه السلام فرمود:

وَاعْلَمُ أَنَّهُ وَاسِعٌ لَكَ أَنْ تُحْرِمَ فِي كُلِّ ذُبُرٍ فَرِيضَتِهِ أَوْ ذُبُرٍ نَافِلَةٍ أَوْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ. (2) آگاه باش که می توانی بعد از نماز واجب یا مستحب، چه در شب و چه در روز، محرم گردی.

فقیهان بر اساس روایات گفته اند که از میان نمازهای واجب، اولویت با نمازهای واجب پنجگانه است و احرام پس از نماز ظهر - در غیر حج تمتع - برترین زمان احرام شمرده شده است (3) و اگر در زمان احرام، نماز واجبی نباشد مستحب است که احرام پس از شش یا چهار یا دو رکعت نماز مستحبی، انجام شود. (4) همچنین بیشتر فقها گفته اند: با وجود نماز واجب، خواندن نمازهای احرام مستحب است. (5) افزون بر این، مستحب است در نمازهای احرام، در رکعت اول پس از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم پس از حمد، سوره کافرون خوانده شود. (6)

(ب) آداب مقارن احرام

اشاره

انجام دادن برخی اعمال نیز از آغاز احرام تا پایان آن مستحب است که در اینجا به موارد مهم اشاره می کنیم:

یک - خواندن دعا

مستحب است زائر هنگام پوشیدن لباس احرام، این دعا را بخواند: (7)

(1). مستند الشیعه، ج 11، ص 274؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 654.

(2). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 169؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 344.

(3). مستند الشیعه، ج 11، ص 274؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 652.

(4). جواهر الکلام، ج 18، ص 190.

(5). مستند الشیعه، ج 11، ص 279؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 654.

(6). جواهر الکلام، ج 18، ص 190؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 654.

(7). کتاب الحج، خویی، ج 5، ص 468؛ مناسک الحج، سیستانی، ص 229.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوْدَىٰ بِهِ فَرْصِي وَأَعْبَدُ فِيهِ رَبِّي وَأُنْتَهِي فِيهِ إِلَىٰ مَا أَمَرَنِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَدَّ لِمَنَا فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَأَ ذِي وَمَلَجَنِي وَمَنْجَبَايَ وَذُخْرِي وَعَدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي. (1) همچنین خواندن دعاهایی خاص بعد از پوشیدن لباس احرام

(2) ، هنگام محرم شدن (3) و بعد از تلبیه (4) سفارش شده است که این دعاها در کتب ادعیه و آداب الحرمین و دیگر منابع مربوط آمده است.

دو - پوشیدن لباس سفید و پنبه ای

احرام در هر نوع لباس جایز است. ولی مستحب است که احرام گزار در لباس سفید و پنبه ای محرم گردد؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله لباس سفید را بهترین لباس شمرد و به مسلمانان فرمان داد تا زندگان را با آن بپوشانند و اموات را در آن کفن کنند. لباس احرام آن حضرت نیز سفید و پنبه ای بود. (5)

سه - اشتراط تحلل با خداوند

عمل مستحب دیگر هنگام شروع احرام، آن است که زائر با خداوند شرط کند که اگر مانعی از ادامه انجام دادن عمره یا حج برای او پیش آید، خداوند او را از احرام خارج یا حج او را به عمره تبدیل کند؛ (6) چنان که امام صادق علیه السلام درباره چنین شرطی در عمره مفرده و حج افراد، فرمود:

(1) . من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 527.

(2) . تذکره الفقهاء، ج 7، ص 222.

(3) . وسائل الشیعه، ج 12، ص 342؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 166.

(4) . تذکره الفقهاء، ج 7، صص 249 و 250؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 382.

(5) . تذکره الفقهاء، ج 7، ص 239؛ الحدائق الناضره، ج 15، ص 113.

(6) . جواهر الکلام، ج 18، ص 26؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 662.

ص: 215

الْمُعْتَمِرُ عُمْرَةً مُفْرَدَةً يَسْتَتِرُ عَلَى رَبِّهِ أَنْ يَحُلَّهُ حَيْثُ حَبَسَهُ، وَمُفْرَدُ الْحَجِّ يَسْتَتِرُ عَلَى رَبِّهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ حَاجًّا فَعُمْرَةً. (1) کسی که قصد عمره مفرده دارد با پروردگارش شرط می کند که او را همانجا که از ادامه عمره بازداشته، از احرام خارج کند و کسی که قصد حج افراد دارد با پروردگارش شرط کند که اگر نتوانست حج را به جا آورد، خداوند آن را به عمره تبدیل کند.

درباره حج تمتع نیز از آن حضرت نقل شده است که زائر خانه خدا پس از خواندن نماز نافله و حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، دست به دعا بردارد و بگوید:

خدایا! من قصد عمره تمتع و حج را بر اساس کتاب تو و سنت پیامبرت دارم. پس اگر مانعی پیش آمد که مرا از ادامه آن بازداشت، مرا از همانجا که منع کردی، با قدرتی که مرا با آن توانا ساختی، از احرام خارج کن. خدایا! اگر نتوانستم حج را به جا آورم، آن را به عمره تبدیل کن. (2)

لازم نیست که اشتراط تحلیل با زبان عربی یا گفتن جملات خاص انجام گیرد. بلکه اگر حج گزار با زبان و بیان خود نیز با خداوند چنین شرطی کند، این شرط محقق می شود و آثار خاص خود، از جمله پاداش الهی را در پی خواهد داشت.

چهار - تلفظ نیت احرام

اگر حج گزار نیت احرام عمره یا حج را تنها از قلب بگذراند، کفایت می کند. ولی فقیهان گفته اند مستحب است آن را بر زبان نیز جاری کند. (3) گفتنی است نیت احرام به هر لفظی گفته شود، جایز است ولی بهتر است به الفاظی که در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است، بیان شود. (4) آن حضرت فرمود:

(1). الکافی، ج 4، ص 335؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 82.

(2). الکافی، ج 4، ص 331؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 318.

(3). مستند الشیعه، ج 11، ص 28.

(4). العروه الوثقی، ج 4، ص 662.

إِذَا أَرَدْتَ الْإِحْرَامَ وَالتَّمَتُّعَ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ مَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ التَّمَتُّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَيَسِّرْ ذَلِكَ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي وَأَعِنِّي عَلَيْهِ. (1) هرگاه خواستی برای حج تمتع محرم گردی، چنین بگو: خدایا! من قصد عمره و حج تمتع که مرا مأمور به انجام دادن آن کرده ای، دارم. پس آن را بر من آسان کن و آن را از من بپذیر و مرا بر انجام دادن آن یاری فرما.

پنج - بلند گفتن تلبیه

برای مردان مستحب است که تلبیه را با صدای بلند بگویند؛ (2) چنان که حضرت علی علیه السلام فرمود:

جَاءَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ التَّلْبِيَةَ شِعَارُ الْمُحْرِمِ فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالتَّلْبِيَةِ: لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ... (3) جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به آن حضرت فرمود: تلبیه، شعار احرام گزار است، پس صدایت را به تلبیه و گفتن «لبیک اللهم لبیک...» بلند کن.

همچنین آن حضرت فرمود:

هرکس صدای خود را به تلبیه بلند کند، همه اهل زمین از جانب راست و چپ تا منتهای زمین، تلبیه را با او تکرار می کنند و دو فرشته الهی به او می گویند: بشارت می دهیم به تو، و خداوند به بنده ای جز به بهشت بشارت نمی دهد. (4)

شش - تکرار کردن تلبیه

عمل مستحب دیگر پس از احرام، تکرار تلبیه است؛ به ویژه هنگام بالا رفتن از بلندی یا نزول از آن، بعد از هر نماز واجب یا مستحب، هنگام خواب یا بیدار شدن، سحرها،

(1). الاستبصار، ج 2، ص 167؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 342.

(2). تذکره الفقهاء، ج 7، ص 239؛ الحدائق الناضره، ج 15، ص 113.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 326؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 379.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 203؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 379.

هنگام برخورد با همراهان و بعد از هرگونه تغییر حالتی در انسان. (1) استحباب تکرار تلبیه در عمره مفرده و تمتع، از زمان محرم شدن تا هنگام مشاهده خانه های مکه (2) و در حج، از زمان محرم شدن تا ظهر روز عرفه است. (3)

در تکرار کردن تلبیه لازم نیست محرم همه جملات آن را کامل بگوید؛ بلکه همین که جمله « لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ » را بگوید کفایت می کند و حتی برخی گفته اند بعید نیست که تنها گفتن لفظ « لَبَّيْكَ » کفایت کند. (4) درباره فضیلت تکرار تلبیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ لَبَّى فِي إِحْرَامِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا، أَشْهَدَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ بِرَاءَةٍ مِنَ النَّارِ وَبِرَاءَةٍ مِنَ النَّفَاقِ. (5) کسی که هفتاد مرتبه لبیک را از روی ایمان و اخلاص بگوید، خداوند هزار هزار فرشته را گواه می گیرد بر اینکه لبیک گوینده را از آتش جهنم و نفاق، مبرا خواهد کرد.

15. آداب ورود و حضور در حرم و شهر مکه

اشاره

زائر پس از احرام، وارد منطقه حرم امن الهی و شهر مکه می شود. حرم، منطقه و محدوده خاصی از اطراف مکه و مسجدالحرام است که از هر سو، آن را احاطه کرده و فاصله آن تا مسجدالحرام از هر طرف نزدیک 22 کیلومتر است (6) و محدوده مجموع حرم 16 فرسخ است (7) که بیشتر آن در شهر مکه و بخشی از آن در خارج مکه واقع شده است. محدوده حرم از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام با علامت، نشانه گذاری شده است و در حال حاضر با ستون های سیمانی بزرگی از بقیه سرزمین ها جدا شده است.

(1) . تذکره الفقهاء، ج 7، ص 253؛ العروه الوثقی، ج 4، ص 452.

(2) . مستند الشیعه، ج 11، ص 323؛ کتاب الحج، خویی، ج 2، ص 549.

(3) . العروه الوثقی، ج 4، ص 670؛ کتاب الحج، خویی، ج 2، ص 550.

(4) . العروه الوثقی، ج 4، ص 670؛ کتاب الحج، خویی، ج 2، ص 556.

(5) . الکافی، ج 4، ص 337؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 204.

(6) . القاموس الفقہی، ص 86؛ معجم الفاظ الفقہ الجعفری، ص 157.

(7) . جواهر الکلام، ج 20، ص 301.

در مورد منشأ ایجاد حرم، از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: پس از فرو آمدن آدم و حوا علیهما السلام به زمین، خداوند در مکان کعبه برای آنان خیمه ای برپا کرد و ستونی از یاقوت سرخ، وسط خیمه قرار داد. پس از نصب این ستون، نوری از آن به اطراف تابان شد و تا آنجا که این نور، کوه های اطراف را روشن کرد، حرم قرار داده شد. (1)

در برخی احادیث دیگر آمده است، پس از آنکه حضرت ابراهیم علیه السلام، حجرالاسود را در یکی از ارکان کعبه نصب کرد، نور آن اطرافش را روشن کرد و تا شعاعی که این نور، منطقه را روشن کرده بود، حرم قرار داده شد. (2)

این منطقه دارای قداست و احترام خاصی است؛ به طوری که انجام دادن بسیاری از اعمال، از جمله هتک حرمت انسان ها و تعرض به حیوانات و حتی گیاه و درختان این منطقه، حرام شمرده شده است و علت نامگذاری به حرم نیز حرام بودن این کارهاست.

بر اساس برخی روایات، تقدس و فضیلت این منطقه حتی از عرفات که سرزمینی بسیار مقدس است، بیشتر می باشد؛ چنان که از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «أَيُّهُمَا أَفْضَلُ الْحَرَمُ أَوْ عَرَفَةُ؟ فَقَالَ: الْحَرَمُ»؛ (3) «فضیلت حرم بیشتر است یا عرفات؟ امام علیه السلام فرمود: حرم فضیلت بیشتری دارد». همچنین آن حضرت فرمود:

کسی که در حرم دفن شود از فرع اکبر (هراس بزرگ قیامت) در امان خواهد بود. به امام عرض شد: «چه نیکوکار باشد و چه فاجر؟». امام علیه السلام فرمود: «چه نیکوکار باشد و چه فاجر». (4)

شهر مکه که داخل محدوده حرم قرار دارد، نیز یکی از مکان های مقدس و بلکه برترین شهر و مکان نزد خداوند تبارک و تعالی است. خداوند در قرآن کریم از این

(1). علل الشرایع، ج 2، صص 420 و 421؛ بحارالانوار، ج 11، ص 208.

(2). علل الشرایع، ج 2، ص 318؛ من لایحضره الفقیه، ج 1، صص 272 و 273.

(3). الکافی، ج 4، ص 462؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 478.

(4). الکافی، ج 4، ص 258؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 229.

شهر با عناوین شهر امن: (و هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) (1) سرزمین مبارک: (بِبَكَّةَ مُبَارَكًا) (2) مادر سرزمین ها: (لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى) (3) و شهری که خداوند برای آن حرمت قائل شده و ارتکاب بسیاری از اعمال را در آن حرام کرده: (هَذِهِ الْبَلَدُ الَّتِي حَرَّمَهَا) (4) یاد کرده است. امام صادق علیه السلام نیز درباره مکه فرمود:

أَحَبُّ الْأَرْضِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَكَّةُ وَمَا تُرْبُهُ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ تُرْبَتِهَا وَلَا حَجْرٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حَجَرِهَا وَلَا شَجَرٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ شَجَرِهَا وَلَا جَبَالٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ جِبَالِهَا وَلَا مَاءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ مَائِهَا. (5) محبوب ترین سرزمین ها نزد خداوند، مکه است و نزد خداوند هیچ خاکی محبوب تر از خاک مکه و هیچ سنگی محبوب تر از سنگ آن و هیچ درخت و کوه و آبی محبوب تر از درخت و کوه و آب مکه نیست.

همچنین آن حضرت فرمود:

مکه، حرم خدا و حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و حرم امیر مؤمنان علی علیه السلام است و نماز در آن برابر با صد هزار نماز و انفاق یک درهم در آن برابر با انفاق صد هزار درهم در غیر این سرزمین است. (6)

امام سجاد علیه السلام نیز در روایتی فرمود:

الطَّاعِمُ بِمَكَّةَ كَالصَّائِمِ فِيمَا سِوَاهَا وَصِيَامُ يَوْمٍ بِمَكَّةَ يَعْدِلُ صِيَامَ سَنَةٍ فِيمَا سِوَاهَا وَالْمَاشِي بِمَكَّةَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (7) کسی که در مکه غذا می خورد، همانند کسی است که در غیر مکه روزه دار است.

(1). تین: 3.

(2). آل عمران: 96.

(3). انعام: 92.

(4). نمل: 91.

(5). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 243؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 243.

(6). الکافی، ج 4، ص 586؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 31.

(7). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 227؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 289.

ص: 220

پاداش یک روز، روزه در مکه، برابر با پاداش یک سال روزه در غیر مکه است و کسی که در مکه راه برود، در حال عبادت خداوند است.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «صَلَّى بِمَكَّةَ تِسْعَ مِائَةٍ نَبِيٍّ»؛ (1) «در مکه نهصد پیامبر نماز خوانده اند».

بنابراین زائر با قدم گذاشتن در حرم و شهر مکه، در منطقه و سرزمینی بسیار مقدس قدم می گذارد. از این رو هم ورود در این دو منطقه و هم حضور در آنها، آداب و اعمال خاصی دارد که شایسته است زائر خانه خدا این آداب را رعایت کند تا از محبوبیت و قرب بیشتری نزد صاحب و میزبان این سرزمین برخوردار شود.

به آب توبه از زمزم وضو کن به چشم دل به صاحبخانه رو کن

مواظب باش اینجا کوی یار است ز شوقش جان دل ها بی قرار است

چو پروانه به گرد شمع جانان به گاه طوف بگذر از سر و جان

بخواه از قاضی الحاجات حاجات برون آور ز دل دست مناجات

الف) آداب ورود به حرم و شهر مکه

اشاره

وارد شدن به منطقه حرم و شهر مکه، آدابی دارد که برخی از آنها واجب و برخی دیگر مستحب است. ما در اینجا به آداب مهم آن اشاره می کنیم:

یک - احرام

به جز افرادی خاص، هرکس در هر زمانی قصد ورود به حرم و شهر مکه را داشته باشد، واجب است با احرام وارد این شهر شود. (2) امام صادق علیه السلام درباره علت احرام بستن هنگام ورود به حرم فرمود:

حُرِّمَ الْمَسْجِدُ لِعَلَّهِ الْكَعْبَةِ وَحُرِّمَ الْحَرَمُ لِعَلَّهِ الْمَسْجِدِ وَوَجَبَ الْإِحْرَامُ لِعَلَّهِ الْحَرَمِ. (3)

(1). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 364؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 88.

(2). الحدائق الناضرة، ج 15، ص 123؛ کتاب الحج، گلپایگانی، ج 2، ص 329.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 195؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 314.

مسجد الحرام به علت قداست کعبه، حرام شد و حرم به سبب قداست مسجد، حرام شد و احرام برای قداست حرم، واجب گردید.

در روایتی دیگر، امام رضا علیه السلام درباره حکمت احرام هنگام ورود به حرم فرمود:

همانا علت اینکه حج گزاران به احرام مأمور شدند، آن است که تا قبل از داخل شدن به حرم الهی و منطقه امن او خاشع شوند و از اشتغال به کارهای دنیا و زینت ها و لذت های آن دوری گزینند و در آن هدفی که به دنبال آن اند، کوشش کنند. افزون بر این، با این عمل، خدا را تعظیم و خود را برابر او ذلیل و کوچک می کنند. (1)

دو - طهارت و غسل

هنگام ورود به حرم و شهر مکه مستحب است شخص غسل کند؛ (2) امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام فرمود:

(طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ)؛ (3) «خانه ام را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه کنید». پس شایسته است بنده وارد مکه نشود؛ مگر آنکه طاهر باشد. عرق و چرک خود را برطرف و خود را پاکیزه کرده باشد. (4)

زائر می تواند غسل ورود به حرم مکه را قبل از ورود به مکه یا بعد از ورود و در محل اقامت خود انجام دهد؛ (5) چنان که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از آن حضرت سؤال کرد که آیا قبل از ورود به حرم، غسل کنم یا بعد از ورود؟! امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

لَا يَضُرُّكَ أَيُّ ذَلِكَ فَعَلْتَ وَإِنْ اغْتَسَلْتَ بِمَكَّةَ فَلَا بَأْسَ وَإِنْ اغْتَسَلْتَ فِي بَيْتِكَ حِينَ تَنْزِلُ بِمَكَّةَ فَلَا بَأْسَ. (6)

(1). علل الشرایع، ج 1، ص 274؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 314.

(2). الحدائق الناضرة، ج 16؛ جواهر الکلام، ج 5، ص 63.

(3). بقره: 125.

(4). الکافی، ج 4، ص 400؛ علل الشرایع، ج 2، ص 411.

(5). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 76.

(6). الکافی، ج 4، ص 398؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 97.

در هر جا انجام دادی ایرادی ندارد. اگر هنگام ورود در مکه انجام دادی ایرادی ندارد و نیز اگر هنگام فرود آمدن در منزل خود انجام دادی ایرادی ندارد.

چون در اینجا افزون بر غسل ورود به حرم و غسل ورود به شهر مکه، غسل ورود به مسجدالحرام نیز وارد شده، شایسته است هنگام غسل، زائر نیت هر سه غسل را داشته باشد. برخی از فقیهان غسل طواف را نیز مستحب شمرده اند. (1) از این رو شایسته است زائر نیت این غسل را نیز به قصد رجاء و امید ثواب داشتن، به نیت خود اضافه کند.

سه - ورود با خضوع، آرامش و وقار

هنگام ورود به حرم و شهر مکه، مستحب است زائر از مرکب پیاده شود و کفش ها را از پا بیرون آورد و با خضوع و خشوع و وقار وارد شود. (2) امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود که قصد ورود به مکه را داشت، فرمود:

إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى بَيْتِ مَيْمُونٍ أَوْ بَيْتِ عَبْدِ الصَّمَدِ فَاغْتَسِلْ لِي وَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ وَأَمْسِ حَافِيَاءَ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ. (3) هرگاه به چاه میمون یا چاه عبدالصمد رسیدی، غسل کن و کفش ها را از پا درآور و با پای برهنه و با حالت خضوع و وقار و آرامش، به سوی حرم و مکه حرکت کن.

همچنین آن حضرت فرمود:

مَنْ دَخَلَهَا بِسَكِينَةٍ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ، قُلْتُ: كَيْفَ يَدْخُلُهَا بِسَكِينَةٍ؟ قَالَ: يَدْخُلُ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُتَجَبِّرٍ. (4) هرکس با آرامش و سکینه وارد مکه شود، گناهانش بخشوده می شود. گفتم: «چگونه با سکینه وارد شود؟» حضرت فرمود: «بدون حالت تکبر و غرور وارد شود».

(1). مستند الشیعه، ج 12، ص 57؛ کشف الغطاء، ج 2، ص 309.

(2). جامع المدارک، ج 2، ص 491؛ دلیل الناسک، صص 225 و 226.

(3). الکافی، ج 4، ص 400؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 99.

(4). الکافی، ج 4، ص 401؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 202.

«ابان بن تغلب» نیز درباره چگونگی ورود امام صادق علیه السلام به حرم و شهر مکه چنین می گوید:

در سفر حج، امام صادق علیه السلام را همراهی می کردم. همین که آن حضرت به حرم رسید، از مرکب فرود آمد و غسل کرد و نعلین خود را به دست گرفت و با پای برهنه وارد حرم شد و من نیز همانند آن حضرت عمل کردم. سپس حضرت رو به من کرد و فرمود: «ای ابان! هرکس از روی تواضع برای خدای بزرگ همانند من عمل کند، خداوند صد هزار گناه از او محو کند و صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار درجه در بهشت برای او قرار دهد و صد هزار حاجت او را برآورد.» (1)

چهار - خواندن دعا هنگام ورود

مستحب است حج گزار هنگام ورود به حرم و شهر مکه، این دعا را بخواند: (2)

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ (وَأَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شَمِّهِ بَعِيدِهِ وَمِنْ فَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ الرُّفْعَةَ عَدَدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَأَمْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. در حال حاضر، چون بیشتر زائران به صورت دسته جمعی و با کاروان های سازمان یافته وارد حرم و شهر مکه می شوند، زائران اختیار پیاده شدن از وسیله نقلیه و رعایت همه این آداب را ندارند. اما رعایت برخی از این آداب، در همان حال حرکت و سوار بودن بر وسیله نقلیه نیز امکان پذیر است؛ به این صورت که هنگام ورود به منطقه حرم و شهر مکه که از مسجد تنعیم شروع می شود، زائران می توانند داخل وسیله نقلیه،

(1). الکافی، ج 4، ص 398؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 97.

(2). کتاب الحج، خویی، ج 5، ص 477؛ دلیل الناسک، ص 226.

برخی از مستحبات ورود به حرم، مانند دعای مذکور را به صورت دسته جمعی یا به تنهایی بخوانند و با توجه و خضوع و خشوع، وارد این سرزمین شوند.

پنج - ورود به منزل و محل اقامت

مستحب است زائر پس از ورود به شهر مکه، نخست به منزل و محل اقامت خود و سپس برای طواف و دیگر مناسک عمره و حج، وارد مسجدالحرام شود. (1) در حدیثی درباره سیره امیر مؤمنان علی علیه السلام هنگام ورود به مکه چنین آمده است: « أَنَّهُ كَانَ إِذَا قَدِمَ مَكَّةَ، بَدَأَ بِمَنْزِلِهِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ »؛ (2) «آن حضرت هرگاه به مکه می آمد قبل از آنکه طواف خانه را انجام دهد، وارد منزل و محل اقامت خود می گردید». امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «هرگاه حاجی یا عمره گزار وارد مکه شد، نخست به حفظ متاع و بار خود پردازد و سپس به مسجدالحرام رود». (3)

سبب رعایت این نکته، برطرف شدن نگرانی حج گزار از وضعیت اسکان و وسایل خویش است تا بعد از آن با آرامش و خیالی آسوده به اعمال خود پردازد. علت دیگر نیز آن است که اگر زائر غسل نکرده است، بتواند با ورود به محل اقامت خود غسل کند.

همچنین زائر با ورود به منزل و محل اقامت، می تواند نخست مقداری استراحت کند تا بعد از رفع خستگی به انجام دادن مناسک پردازد. بی شک زائر خسته، لذت عبادت را درک نخواهد کرد. به همین علت، در برخی روایات آمده است که در صورت احساس خستگی هنگام طواف، شخص می تواند طواف را رها کند. (4)

ب) آداب حضور در حرم و شهر مکه

اشاره

حضور در حرم امن الهی و شهر مکه نیز آداب و اعمالی دارد که لازم یا شایسته است زائر آنها را رعایت کند. مهم ترین این آداب عبارت است از:

(1). وسائل الشیعه، ج 13، ص 200؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 319.

(2). الکافی، ج 4، ص 399؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 201.

(3). دعائم الاسلام، ج 1، ص 311؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 319.

(4). وسائل الشیعه، ج 13، ص 388؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 405.

قرآن کریم در آیات متعددی، شهر مکه را سرزمین و شهر امان: (وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) (1) و حرم امن الهی: (أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا) (2) معرفی کرده است و معنای در امان و امن بودن این شهر، آن است که همه انسان ها و حتی حیوانات این سرزمین در امان اند و بر انسان ها واجب است که احترام و حرمت آنها را نگه دارند و کسی حق تعرض به آنان را ندارد؛ چنان که خداوند می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ) (مائده: 2)

ای کسانی که ایمان آورده اید! حرمت شعائر الهی و ماه حرام و قربانی بی نشان و نشاندار و راهیان خانه خدا را که فضل و خشنودی خدا را می طلبند، نگه دارید.

در این آیه، خداوند بر مسلمانان واجب کرده است که حرمت همه کسانی را که به قصد زیارت خانه خدا آمده اند و حتی حیواناتی را که برای قربانی به این سرزمین آورده شده اند و نیز حرمت ماه های حرام را که ماه های حج نیز جزو آنهاست، نگه دارند و هتک نکنند. بر اساس برخی روایات، حتی اگر قاتلی وارد این سرزمین شود، کسی حق تعرض به او را ندارد؛ چنان که در حدیثی یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا فِي الْحِلِّ ثُمَّ دَخَلَ الْحَرَمَ؟ فَقَالَ: لَا يُقْتَلُ وَلَا يُطْعَمُ وَلَا يُسَقَى وَلَا يُبَايَعُ وَلَا يُؤْوَى حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ، فَيَقَامَ عَلَيْهِ الْحَدُّ. (3) از امام صادق علیه السلام درباره فردی که شخصی را خارج حرم به قتل رسانده و سپس داخل حرم شده است، سؤال کردم که حکمش چیست؟! امام علیه السلام فرمود: «در حرم کشته نمی شود و غذا و آب به او داده نمی شود و معامله با او نمی گردد و کسی حق اذیت او را ندارد تا اینکه از منطقه حرم خارج گردد. سپس حد بر او جاری می شود».

(1). تین: 3.

(2). قصص: 57 و عنکبوت: 67.

(3). الکافی، ج 4، ص 228؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 419.

ص: 226

نه تنها انسان ها، اعم از مؤمن یا فاسق، در این سرزمین احترام دارند؛ بلکه حیوانات و حتی گیاه و درخت این سرزمین نیز دارای حرمت است و دیگران حق تعرض و از بین بردن آنها را ندارند؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ مَكَّةَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَهِيَ حَرَامٌ بِحَرَامِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يُنْفَرُ صَيْدُهَا وَلَا يُعْضَدُ شَجَرُهَا وَلَا يُخْتَلَى خَلَاهَا وَلَا تَحِلُّ لُقَطَتُهَا إِلَّا لِمُنْشِدٍ. (1) خداوند تبارک و تعالی، شهر مکه را از همان روز خلقت آسمان ها و زمین، حرام کرد. پس مکه به علت تحریم الهی تا روز قیامت دارای حرمت است. صید آن دنبال نمی شود و درخت آن قطع نمی گردد و حتی چوب خلالی از آن گرفته نمی شود و لقطه آن حلال نیست؛ مگر برای یابنده ای که قصد پیدا کردن صاحب آن را دارد.

بنابراین زائران خانه خدا باید توجه داشته باشند که در این شهر و حرم امن الهی باید نگاه و رفتارشان با دیگران و محیط اطراف خود تفاوت داشته باشد. در واقع همگان در این سرزمین، زائران و میهمانان الهی اند. اگر زائر چنین نگاهی داشته باشد، دیگر سیاهی یا سفیدی پوست، فقر یا غنی و حتی هم عقیده و مذهب نبودن، دلیلی بر اختلاف و بی حرمتی نخواهد بود. از این رو زائر باید به همه با دیده احترام نگاه کند و سعی کند تا جایی که امکان دارد کوچک ترین تعرض و بی احترامی به دیگران نداشته باشد.

این محبت از محبت ها جداست حب محبوب خدا حب خداست

یا به گفته شاعری دیگر:

پای سگ بوسید گفتند این چه بود گفت گاهگاهی کوی لیلی رفته بود

دو - اجتناب از ارتکاب و فکر معصیت

ارتکاب معصیت خداوند در همه جا حرام و دارای کیفر است. ولی گناه کردن در حرم امن الهی و شهر مکه، به سبب اختصاص ویژه آن به خداوند، از حرمت بیشتری

(1). الکافی، ج 4، ص 226؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 557.

ص: 227

برخوردار است و کیفر شدیدتری دارد؛ چنان که خداوند متعال می فرماید:

(وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ) (حج: 25)

هرکس بخواهد در این سرزمین (حرم الهی) از راه حق منحرف گردد و دست به ستم بیالاید، عذاب دردناکی به او می چشانیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَسَنَاتِ فِي الْحَرَمِ مُضَاعَفَةً وَالسَّيِّئَاتِ فِيهِ مُضَاعَفَةً. (1) خداوند پاداش اعمال نیک را در حرم دوبرابر و کیفر گناه و اعمال بد را نیز دوبرابر قرار داده است.

از برخی روایات استفاده می شود که نه تنها ارتکاب گناه در این سرزمین دارای کیفر و بلکه کیفری چند برابر است؛ بلکه فکر گناه نیز در این سرزمین، کیفر الهی را در پی دارد. در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام در این باره آمده است:

کیفر گناه در حرم الهی و مکه نسبت به سرزمین های دیگر، چند برابر است. از این رو اگر کسی در این سرزمین نیت گناه کردن داشته باشد، هرچند آن گناه را انجام ندهد خداوند برای او گناه می نویسد؛ زیرا خداوند در قرآن فرموده است: «هرکس اراده کند که در این سرزمین از راه حق منحرف شود و دست به ستم بیالاید، عذاب دردناکی به او می چشانیم» و این ویژگی در سرزمین های دیگر وجود ندارد. سپس حضرت فرمود: اصحاب فیل فقط اراده تخریب کعبه را داشتند. ولی خداوند آنان را پیش از آنکه مرتکب این گناه شوند، عذاب کرد. (2)

پس زائران سرزمین وحی، نه تنها باید گفتار و کردار خویش را کنترل کنند و مرتکب گناه نشوند؛ بلکه باید از افکار و نیت های خود نیز مراقبت کنند تا هیچ گونه انحرافی در آنها پدید نیاید و این ممکن نیست؛ مگر با استعانت از خداوند متعال و توجه و مراقبت کامل بر رفتار خویش.

(1). الکافی، ج 4، ص 196؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 224.

(2). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 363؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 86.

یکی از ویژگی های حرم مکه، همانند حرم مدینه، آن است که مسافر می تواند در این شهر نماز را کامل یا شکسته بخواند. البته بیشتر فقها گفته اند: «مستحب است مسافر در مکه نماز کامل را انتخاب کند و همه نمازهای خود را در این سرزمین تمام بخواند» (1) که در بحث آداب مدینه - به روایات این موضوع و فضیلت این عمل و وظیفه زائر در این باره - اشاره شد.

چهار - عبادت، ذکر و نماز بسیار

از دیگر اعمالی که امامان معصوم علیهم السلام بر انجام دادن آن در این سرزمین تأکید کرده اند، عبادت و ذکر الهی و نماز بسیار است؛ از جمله در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام خطاب به زائران و مجاوران این سرزمین آمده است:

وَأُنْظُرُ أَيْنَ أَنْتَ فَإِنَّمَا أَنْتَ فِي حَرَمِ اللَّهِ وَسَاحَةِ بِلَادِ اللَّهِ وَهِيَ دَارُ الْعِبَادَةِ، فَوَظَّنْ نَفْسَكَ عَلَى الْعِبَادَةِ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ وَالصَّدَقَةَ وَأَفْعَالَ الْبِرِّ مُضَاعَفَةٌ. (2) نگاه کن ببین در کجایی! همانا تو در حرم امن الهی و در شهر خدایی؛ شهری که خانه عبادت است. پس نفس خود را در این شهر به عبادت کردن وادار کن و بدان که پاداش نماز و روزه و صدقه و هر کار نیکی در این شهر، چند برابر است.

سپس حضرت در ادامه سخن خویش فرمود:

وَأَكْثِرْ مِنَ التَّسْبِيحِ وَالتَّهْلِيلِ وَالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَفْعَلِ الْخَيْرِ وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَطُولِ الْقُنُوتِ وَكَثْرَةِ الطَّوَافِ. (3) و تسبیح و تهلیل و صلوات بر محمد و آل محمد را فراوان بگو و امر به معروف و نهی از منکر و اعمال خیر را فراوان انجام بده و بر تو باد به خواندن نماز شب و طول قنوت و طواف فراوان.

(1). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 444؛ مختلف الشیعه، ج 3، ص 132؛ الحدائق الناضره، ج 11، ص 438.

(2). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 363؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 86.

(3). همان.

امام باقر علیه السلام نیز درباره حالات رسول خدا صلی الله علیه و آله در دو شهر مکه و مدینه فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله زیاد نماز خواندن در حرمین را دوست می داشت و توهم در این دو مکان، بسیار نماز بخوان». (1)

بنابراین زائر باید قدر فرصت اندک خود را در این سفر بداند و بیشتر وقت خود را به عبادت و ذکر الهی و نماز و کارهای خیر سپری کند که در این میان، نمازهای واجب از جمله نمازهای روزانه و نمازهای قضای فرد در اولویت است و پس از آن، نوبت به نمازهای مستحبی می رسد که از میان نمازهای مستحبی، نماز شب در صدر همه نمازهای مستحبی قرار دارد که در بحث اعمال و آداب مدینه به چند روایت درباره اهمیت نماز شب اشاره شد.

پنج - تلاوت قرآن و ختم آن

حرم و شهر مکه، شهر نزول قرآن است. آغاز نزول آیات قرآن و همچنین نازل شدن بسیاری از آیات آن در این سرزمین صورت گرفته است. بر این اساس، یکی از آداب و اعمالی که در این شهر به انجام دادن آن بسیار سفارش شده، تلاوت قرآن و ختم آن است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّةَ مِنْ جُمُعَةٍ إِلَى جُمُعَةٍ أَوْ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَكْثَرَ وَخَتَمَهُ فِي يَوْمٍ جُمُعَةٍ كُتِبَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ وَالْحَسَنَاتِ مِنْ أَوَّلِ جُمُعَةٍ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا إِلَى آخِرِ جُمُعَةٍ تَكُونُ فِيهَا وَإِنْ خَتَمَهُ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ فَكَذَلِكَ. (2) کسی که قرآن را در مکه از روز جمعه تا جمعه دیگر یا در مدت کمتر یا بیشتر ختم کند، خداوند برای او پاداش همه اعمال خیر و نیکی را که از نخستین جمعه این دنیا تا آخرین جمعه آن انجام می شود، برای او می نویسد و همچنین است اگر آن را در دیگر ایام هفته ختم کند.

(1). الکافی، ج 4، ص 524؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 425.

(2). الکافی، ج 2، ص 612؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 226.

امام زین العابدین علیه السلام نیز فرمود: «کسی که قرآن را در مکه ختم کند، نمی میرد تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله را در دنیا ببیند و جایگاهش را نیز در بهشت مشاهده کند». (1)

شش - زیارت مشاهد و قبور اولیای الهی و مؤمنان

در منطقه حرم و شهر مکه، مشاهد و قبور فراوانی از اولیای الهی وجود دارد که مستحب است زائر، این مشاهد و قبور را زیارت کند. (2) مهم ترین این مشاهد و قبور عبارت است از:

- غار حراء که محل عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت و جایگاه نزول نخستین آیات قرآن بر آن حضرت بود.

- غار ثور که محل مخفی شدن آن حضرت هنگام خروج از مکه است.

- قبرستان حجون یا جنه المعلاه که یکی از قبرستان های مهم و محل دفن بزرگان صدر اسلام بوده است؛ از جمله حضرت خدیجه، همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و مادر فاطمه زهرا علیها السلام، عبدالمطلب، جد رسول خدا صلی الله علیه و آله که چاه زمزم به وسیله آن حضرت احیا گردید، ابوطالب، عموی آن حضرت و پدر گرامی امیرمؤمنان علی علیه السلام، عبدمناف، جد اعلای پیامبر صلی الله علیه و آله، قاسم و عبدالله از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، سمیه و یاسر، پدر و مادر عمار از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله.

- مولد النبی، کنار مسجدالحرام که محل تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.

- شعب ابی طالب، پشت صفا و مروه که مشرکان، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و بنی هاشم را به مدت سه سال در این مکان در محاصره اقتصادی قرار دادند. خانه حضرت خدیجه علیها السلام و محل تولد فاطمه زهرا علیها السلام و بسیاری از بزرگان و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این مکان قرار داشته است.

(1) . من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 227؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 468.

(2) . الدرر، ج 1، ص 468؛ کلمه التقوی، ج 3، ص 499.

- حجر اسماعیل، داخل مسجدالحرام، محل دفن حضرت هاجر و اسماعیل و به نقلی، محل دفن بیش از هفتاد تن از پیامبران الهی است.

- صحرای عرفات که محل اجتماع زائران خانه خدا در حج واجب در روز نهم ذی حجه است. مکانی که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و از آن زمان تاکنون، مکان وقوف پیامبران و اولیای الهی و دیگر مسلمانان بوده است و نیز مکانی است که امام حسین علیه السلام، دعای عرفه را در آن مکان خواند.

- مشعر و منا که محل وقوف پیامبران و دیگر اولیای الهی هنگام به جا آوردن مناسک حج و قربانگاه حضرت اسماعیل علیه السلام و رمی شیطان از سوی حضرت ابراهیم علیه السلام و نیز مکان انجام دادن بسیاری از مهم ترین مناسک حج است.

- مساجد مکه، مانند مسجد نمره یا مسجد ابراهیم علیه السلام در عرفات، مسجد مشعر در مشعرالحرام که آیاتی از قرآن در این مکان بر پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام نازل شد، مسجد خیف در منا که محل نزول پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هنگام حضور در منا و محل نماز هفتاد نفر از پیامبران الهی بوده است، مسجد جن، نزدیک قبرستان ابوطالب که محل ایمان آوردن گروهی از جنیان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نزول آیاتی از قرآن در این مکان بوده است. مسجد تنعیم، ابتدای ورودی شهر مکه از مسیر مدینه که یکی از میقات های عمره مفرده است.

- میقات و مسجد حدیبیه، نزدیکی شهر مکه که محل صلح پیامبر صلی الله علیه و آله با مشرکان مکه بوده است و در حال حاضر یکی از میقات های عمره مفرده به شمار می رود و زائران سفر عمره و حج می توانند افزون بر زیارت این مکان، از آنجا برای عمره مفرده محرم شوند.

اماکن دیگری نیز در مکه و منطقه حرم وجود دارد که بر اساس روایات پیشوایان دین، رفتن به این مکان ها مستحب است. از این رو زائران سرزمین وحی می توانند با حضور در این مکان ها ضمن آگاه شدن از حوادث و وقایع تاریخی آنها، با اقامه نماز و خواندن زیارت و دعا، خود و دیگران را از برکات معنوی زیارت و حضور در این مساجد و مشاهد برخوردار کنند.

عمره مفرده از دیگر اعمالی است که زائران سفر عمره و حج می توانند در مکه از جانب خود یا دیگران به جا آورند. «زراره» از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام می گوید:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي يَلِي الْحَجَّ فِي الْفَضْلِ؟ قَالَ الْعُمْرَةُ الْمُفْرَدَةُ، ثُمَّ يَذْهَبُ حَيْثُ شَاءَ. (1) به امام باقر علیه السلام گفتم: «کدام عمل پس از حج، فضیلت بیشتری دارد؟» حضرت فرمود: «عمره مفرده. سپس به هر جا خواستی برو».

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «پاداش حج، بهشت است و عمره، کفاره هر گناهی است و با فضیلت ترین عمره، عمره ماه رجب است». (2) همچنین امام کاظم علیه السلام درباره تکرار عمره فرمود:

لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ، قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: أَيْ كُنْ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِكُلِّ عَشْرَةِ أَيَّامٍ عُمْرَةٌ. (3) برای هر ماهی یک عمره است. راوی می گوید: به امام علیه السلام گفتم: آیا در کمتر از این مدت هم می توان عمره انجام داد؟ امام فرمود: برای هر ده روز یک عمره است.

بر اساس این احادیث، فقیهان امامیه، تکرار عمره را مستحب مؤکد شمرده اند. اما درباره میزان فاصله میان دو عمره، رأی فقها متفاوت است. بیشتر فقیهان، فاصله میان دو عمره را شرط ندانسته و انجام دادن آن را در هر روز جایز شمرده اند (4) و برخی انجام دادن آن را در هر ده روز و عده ای در هر یک ماه جایز دانسته اند. (5)

بر این اساس، زائران می توانند با رجوع به فتوای مرجع تقلید خود، این عمل را در مکه برای خود یا به نیابت از دیگران، یک یا چند مرتبه به جا آورند.

(1). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 433؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 299.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 220؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 96.

(3). الکافی، ج 4، ص 534؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 458.

(4). الحدائق الناضره، ج 16، ص 318؛ مستند الشیعه، ج 11، ص 162؛ جواهر الکلام، ج 20، ص 464.

(5). جواهر الکلام، ج 20، ص 463؛ الحدائق الناضره، ج 16، ص 318.

«لقطه» به شیئی که روی زمین افتاده یا شیئی که مالک آن معلوم نیست، اطلاق می گردد. (1) لقطه گاه ممکن است در غیر منطقه حرم و شهر مکه و گاه در منطقه حرم و شهر مکه یافت شود. اگر انسان چیزی را در منطقه حرم بیابد، حکم برداشتن و تصرف در آن به سبب قداست خاص این سرزمین و حرمت ویژه زائران و ساکنان آن، با لقطه غیر این سرزمین متفاوت است؛ به طوری که در روایات ائمه معصوم علیهم السلام از برداشتن و تصرف در آن منع شده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

اللُّقْطَةُ لُقْطَتَانِ: لُقْطَةُ الْحَرَمِ تُعْرَفُ سَنَّهُ، فَإِنْ وَجَدْتَ صَاحِبَهَا، وَإِلَّا تَصَدَّقْتَ بِهَا؛ وَلُقْطَةُ غَيْرِهَا تُعْرَفُ سَنَّهُ، فَإِنْ جَاءَ صَاحِبُهَا، وَإِلَّا فَهِيَ كَسَبِيلِ مَالِكَ. (2) لقطه دو قسم است: لقطه حرم که باید یک سال اعلام شود. پس اگر مالک آن یافت شود، به او رد می شود و در غیر این صورت، صدقه داده می شود و لقطه غیر حرم که یک سال اعلام می شود و اگر برای آن مالکی یافت نگردد، همانند مال خود شخص است و شخص می تواند در آن تصرف کند.

همچنین آن حضرت فرمود:

اگر کسی چیزی را در منطقه حرم بیابد، برداشتن آن جایز نیست و اگر آن را برداشت، باید برای پیدا شدن مالک، شیء پیدا شده را یک سال اعلام کند. پس اگر صاحب آن مال پیدا شد، باید مال را به صاحبش بدهد و در غیر این صورت آن را صدقه دهد. اگر پس از صدقه دادن، مالک آن بیاید و به صدقه مالش رضایت ندهد، شخص باید عوض آن را به مالک بدهد. اما اگر شخصی در غیر حرم، مالی را پیدا کند، باید یک سال آن را اعلام نماید و اگر پس از یک سال، مالک آن پیدا نشود، آن مال همچون مال شخص است و وی می تواند هرگونه بخواهد در آن تصرف کند؛ هر چند در صورت پیدا شدن مالک، وی ضامن خواهد بود. (3)

(1). معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص 262؛ معجم المصطلحات والالفاظ الفقهیه، ج 3، ص 181.

(2). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 421؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 260.

(3). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 420.

در روایتی دیگر آمده است که شخصی از امام کاظم علیه السلام سؤال کرد:

مردی دیناری را در منطقه حرم پیدا کرده و آن را برداشته است. با آن چه کند؟ امام علیه السلام فرمود: «کار بدی کرده است. سزاوار نبوده است که آن را بردارد». راوی می گوید: «حال که برداشته است با آن چه کند؟!» امام علیه السلام فرمود: «آن را اعلام کند». راوی به امام علیه السلام عرض کرد: «آن را اعلام کرده، ولی صاحبش پیدا نشده است. اکنون با آن چه کند؟». امام فرمود: «به وطن خود بازگردد و آن را از جانب مالک به خانواده ای مسلمان صدقه دهد و اگر مالک پس از صدقه دادن پیدا شد، وی ضامن آن مال خواهد بود». (1)

بر اساس این روایات، فقیهان امامیه گفته اند که برداشتن لقطه در غیر منطقه حرم، مکروه است. اما کراهت آن در منطقه حرم شدیدتر است (2) و در صورتی که شخصی لقطه را بردارد و قیمت آن یک درهم یا بیشتر باشد، وظیفه دارد تا یک سال آن را اعلام کند و سپس مخیر است آن را صدقه دهد یا آن را برای صاحبش حفظ کند. (3)

با وجود این، بهترین کار در برخورد با شیء یا کالای بر زمین افتاده، در هر مکان، به ویژه برای زائران حج و عمره که با زبان مردم این سرزمین آشنایی ندارند و امکان اعلام شیء پیدا شده تا یک سال برای آنان وجود ندارد، اجتناب از برداشتن آن است؛ چنان که در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به آن سفارش شده است؛ از جمله در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است:

وَأَفْضَلُ مَا تَسَعَّمَلُهُ فِي اللَّقْطَةِ إِذَا وَجَدْتَهَا فِي الْحَرَمِ أَوْ غَيْرِ الْحَرَمِ أَنْ تَتْرُكَهَا، فَلَا تَأْخُذْ بِهَا وَلَا تَمَسَّهَا وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوْا مَا وَجَدُوا، لَجَاءَ صَاحِبُهَا فَأَخَذَهَا. (4) بهترین راه برخورد با لقطه حرم یا غیر حرم، آن است که آن را رها کنی و به آن دست نزنی؛ زیرا اگر مردم آنچه را می یابند رها کنند، صاحب آن مال خواهد آمد و آن را برخواهد داشت.

(1). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 421؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 260.

(2). منهاج الصالحین، خویی، ج 2، ص 139؛ مناسک حج، سیستانی، ص 140.

(3). الخلاف، ج 3، ص 585؛ تحریر الوسیله، ج 2، ص 225.

(4). فقه الرضا، ص 266؛ مستدرک الوسائل، ج 17، ص 124.

«فضیل بن یسار» نیز می گوید:

از امام باقر علیه السلام درباره لقطه حرم سؤال کردم؟ امام علیه السلام فرمود: «هرگز به آن دست نزن تا اینکه صاحبش بیاید و آن را بردارد». راوی به امام عرض کرد که اگر مال زیاد باشد [و احتمال نرسیدن آن به دست صاحبش وجود داشته باشد، تکلیف چیست؟] آن حضرت فرمود: «اگر شخصی همانند تو آن را بردارد که آن را اعلام کند، ایرادی ندارد». (1)

نه - دفن میت در حرم

از دیگر آداب و مستحبات این سرزمین، آن است که اگر فردی بیرون حرم یا داخل محدوده حرم از دنیا برود، مستحب است او را در حرم دفن کنند؛ (2) چنان که در حدیثی از «علی بن سلیمان» آمده است:

كَتَبْتُ إِلَيْهِ، أَسْأَلُهُ عَنِ الْمَيِّتِ يَمُوتُ بِعِرْفَاتٍ. يَدْفَنُ بِعِرْفَاتٍ أَوْ يُنْقَلُ إِلَى الْحَرَمِ؟ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟ فَكَتَبَ: يُحْمَلُ إِلَى الْحَرَمِ وَيَدْفَنُ فَهُوَ أَفْضَلُ. (3) در نامه ای از امام معصوم [امام هادی یا امام عسکری علیهما السلام] سؤال کردم که فردی در عرفات از دنیا می رود؛ آیا در عرفات دفن شود یا به حرم منتقل شود؟ کدام یک فضیلت بیشتری دارد؟ امام علیه السلام در پاسخ نوشت: «به حرم منتقل شود و در آنجا دفن گردد که فضیلت بیشتری دارد».

همچنین امام صادق علیه السلام درباره فضیلت دفن در حرم فرمود:

کسی که در حرم امن الهی دفن شود، از فرع اکبر (هراس بزرگ) در امان خواهد بود. راوی می گوید که از امام علیه السلام سؤال کردم که آیا این امر به افراد نیکوکار اختصاص دارد یا افراد فاسق را هم شامل می شود؟ امام علیه السلام فرمود: «شامل همه انسان ها اعم از نیکوکار و فاسق می شود». (4)

(1). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 421؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 260.

(2). جواهر الکلام، ج 4، ص 344؛ العروه الوثقی، ج 2، ص 141.

(3). الکافی، ج 4، ص 543؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 278.

(4). الکافی، ج 4، ص 258؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 162.

اشاره

پس از ورود به حرم و شهر مکه، زائر برای انجام دادن مناسک عمره یا حج یا دیگر عبادت ها وارد مسجدالحرام می شود. مسجدی که خداوند متعال در قرآن کریم پانزده مرتبه از آن یاد کرده است (1) و در روایات اسلامی، مقدس ترین مکان در سراسر عالم و مقدس ترین مسجد میان همه مساجد شمرده شده است؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

أَتَدْرُونَ أَيُّ الْبِقَاعِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً؟... قَالَ: ذَلِكَ مَكَّةُ الْحَرَامِ الَّتِي رَضِيَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ حَرَمًا وَجَعَلَ بَيْتَهُ فِيهَا، ثُمَّ قَالَ: أَتَدْرُونَ أَيُّ الْبِقَاعِ أَفْضَلُ فِيهَا عِنْدَ اللَّهِ حُرْمَةً؟... فَقَالَ: ذَلِكَ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ. (2) آیا می دانید کدام بقعه و مکان منزلت بیشتری نزد خداوند دارد؟... آن بقعه شهر مکه است که خداوند آن را حرم خود قرار داده و خانه اش را در آن بنا نهاده است. سپس فرمود: آیا می دانید کدام بقعه در شهر مکه دارای حرمت بیشتری نزد خداوند است؟ سپس فرمود: آن بقعه و مکان مسجدالحرام است.

مسجدالحرام، مسجدی است که خانه خدا در آن قرار داده شده و بر اساس آیات قرآن، نشانه های آشکار خداوند در آن واقع شده است؛ چنان که خداوند می فرماید: (فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ). (3) مقام ابراهیم که آثار گام های حضرت ابراهیم علیه السلام بر آن جای گرفته است و چاه زمزم که از صدها سال پیش به جوشش خود ادامه می دهد، از جمله نشانه های آشکار خداوند در این مسجد است. مسجدالحرام تنها مسجدی است که بر اساس روایات، پاداش یک رکعت نماز در آن برابر با صد هزار رکعت نماز در غیر آن است (4) و حتی بر اساس برخی روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام، اگر کسی یک نماز واجب در این مسجد اقامه کند، خداوند به برکت آن یک نماز، همه نمازهای او را از ابتدای

(1). بقره: 114، 149، 150، 191، 196 و....

(2). ثواب الاعمال، ص 205؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 69.

(3). آل عمران: 97.

(4). الکافی، ج 4، ص 526؛ ثواب الاعمال، ص 29.

زمان تکلیف تا پایان عمر، خواهد پذیرفت. (1)

بنابراین زائر باید توجه داشته باشد که به مکان بسیار مقدسی وارد می شود که جایگاه و حرمت ویژه ای نزد خداوند تبارک و تعالی دارد. از این رو هم ورود در این مسجد و هم حضور در آن، آداب خاصی دارد که شایسته است زائر آنها را رعایت کند.

الف) آداب ورود به مسجد الحرام

اشاره

ورود به مسجد الحرام آدابی دارد که مستحب است زائر هنگام ورود، این آداب را رعایت کند. در اینجا به برخی از این آداب اشاره می کنیم:

یک - تطهیر بدن و غسل

مستحب است زائر هنگام ورود به مسجد الحرام، نخست بدن خود را از آلودگی ها بزداید و غسل کند و سپس وارد مسجد الحرام شود. (2) در حدیثی از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا زنان نیز هرگاه وارد خانه خدا شوند، غسل کنند؟ امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود:

نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ (طَهْرًا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) وَيَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ لَا يَدْخُلَ إِلَّا وَهُوَ طَاهِرٌ قَدْ غَسَلَ عَنْهُ الْعُرْقَ وَالْأَذَى وَتَطَهَّرَ. (3) بله. همانا خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «و خانه ام را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و سجده کنندگان، پاکیزه سازید». پس شایسته است هیچ بنده ای داخل نشود؛ مگر طاهر بوده و عرق و آلودگی را از خود زدوده و غسل کرده باشد.

دو - ورود از باب بنی شیبه

مستحب است زائر هنگام ورود به مسجد الحرام، از باب بنی شیبه وارد شود. (4) فلسفه ورود از این مکان، آن است که اولاً، این همان دری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن وارد

(1) . من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 228؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 270.

(2) . تذکره الفقهاء، ج 8، ص 82؛ الحدائق الناضره، ج 16، صص 80 و 81.

(3) . علل الشرایع، ج 2، ص 411؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 201.

(4) . الحدائق الناضره، ج 16، ص 95؛ مستند الشیعه، ج 12، ص 61.

مسجد الحرام می شده است. ثانیاً، سنگی که بت هبل را در عصر جاهلیت از آن تراشیده و آن را در خانه کعبه نصب کرده بودند، از مأزمین (ابتدای مشعر از طرف عرفات) برداشته بودند و هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مکه را فتح کرد و بت هبل را سرنگون نمود، فرمان داد که آن بت را در همین مکان دفن کنند. (1) بر این اساس، ورود از این باب، افزون بر پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، پا گذاشتن بر بت و بت پرستی خواهد بود.

البته مکان این در، هنگام توسعه مسجد، داخل مسجد واقع شده است. اما رویه روی آن باب السلام است که زائران می توانند برای رعایت این استحباب، از این باب وارد مسجد الحرام شوند.

سه - سلام و دعا هنگام ورود

از دیگر آداب ورود به مسجد الحرام، آن است که زائر بر در مسجد بایستد و با خواندن این دعا، بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت ابراهیم علیه السلام و دیگر پیامبران الهی سلام دهد:

السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (2) گفتمی است خواندن دعاهاى ديگرى نيز بر در مسجد، مستحب شمرده شده

(3) که در کتاب های ادعیه و آداب الحرمین موجود است.

چهار - ورود با خشوع، آرامش و وقار

زائر هنگام ورود به مسجد الحرام باید توجه داشته باشد که قصد قدم گذاشتن به خانه خداوند تبارک و تعالی را دارد؛ خانه خداوندی که بالاترین حق را بر او و همه مخلوقات دیگر دارد. از این رو، شایسته است با خشوع و خضوع کامل و آرامش و وقار،

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 238؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 207.

(2). جواهر الکلام، ج 19، ص 284؛ الحدائق الناضره، ج 16، ص 96.

(3). جواهر الکلام، ج 19، ص 284.

وارد این خانه شود. به همین جهت گفته اند، مستحب است زائر هنگام ورود، کفش ها را از پا خارج کند و با پای برهنه و گام های کوتاه و آهسته وارد خانه خدا شود؛ (1) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَأَدْخُلْهُ حَافِيًا عَلَى السَّكِينَةِ وَالْوَفَّارِ وَالْخُشُوعِ وَقَالَ وَمَنْ دَخَلَهُ بِخُشُوعٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ إِنَّ شَاءَ اللَّهُ. (2) هرگاه داخل مسجدالحرام می شوی، با پای برهنه و آرامش و وقار داخل شو. سپس فرمود: کسی که با خشوع داخل مسجدالحرام شود، خداوند ان شاءالله او را می آمرزد.

پنج - دعا هنگام مشاهده کعبه

هنگام ورود و مشاهده خانه کعبه، مستحب است زائر رو به کعبه بایستد و دست ها را به آسمان بلند کند و این دعا را بخواند: (3)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنْاسِي كَيْ أَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي وَزُرِّي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ هَذَا بَيْتِكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ (مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ) اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَّرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَسِّدْ تَعْمَلِنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ. در روایات، دعاهاى دیگری نیز در این باره نقل شده است که در کتاب های ادعیه و آداب الحرمین آمده است.

ب) آداب حضور در مسجدالحرام

اشاره

در روایات اهل بیت علیهم السلام، برای حضور در مسجدالحرام نیز آداب و اعمال متعددی ذکر شده است که مهم ترین این آداب عبارت است از:

(1). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 96؛ مستندالشیعه، ج 12، ص 61.

(2). الکافی، ج 4، ص 401؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 100.

(3). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 96؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 285.

ص: 240

بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام، حجرالاسود یکی از فرشتگان عظیم الهی بوده است و پس از آنکه خداوند از حضرت آدم علیه السلام و ذریه او بر ربوبیت و توحید خویش و نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام و اجتناب از عبودیت و پیروی شیطان پیمان گرفت، این پیمان ها را در سینه این فرشته به ودیعه نهاد و او را همراه حضرت آدم علیه السلام در بهشت سکونت داد.

پس از اخراج حضرت آدم علیه السلام از بهشت و بنای کعبه از سوی آن حضرت، خداوند این فرشته را به دُزّی سفید تبدیل کرد و به حضرت آدم علیه السلام فرمان داد تا آن را در یکی از ارکان کعبه قرار دهد. (1) به مرور زمان این دزّ سفید بر اثر تماس با دست های گناهکاران به سنگی سیاه تبدیل شد. (2) به همین علت نام «حجرالاسود»، یعنی سنگ سیاه، بر آن نهاده شد.

پس از ورود به مسجدالحرام، نخستین عملی که در احادیث و کلمات فقیهان به آن سفارش شده، این است که زائر به سوی حجرالاسود برود و دست به دعا بردارد و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل ایشان صلوات فرستد و از خداوند بخواهد که اعمال او را قبول کند. سپس حجرالاسود را ببوسد و اگر نمی تواند، آن را استلام کند و اگر استلام نیز برایش ناممکن است، با دست به آن اشاره نماید و این دعا را قرائت کند:

اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِسُوءِ هَدْيِي بِالْمُؤَافَاهِ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ أَتَى هَدْيُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْحَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالْبَلَّاتِ وَالْعُرْزَى وَعِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ. (3) در واقع زائر خانه خدا با خواندن این دعا مقابل حجرالاسود، از ادای امانت خود و

(1). الکافی، ج 4، صص 185 و 186؛ علل الشرایع، ج 2، ص 430؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 195.

(2). علل الشرایع، ج 2، ص 427؛ بحارالانوار، ج 96، ص 219.

(3). وسائل الشیعه، ج 13، ص 314؛ مستند الشیعه، ج 12، ص 63؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 340.

پیمان هایی که با خدا منعقد کرده است، سخن می گوید. یادآوری و اقرار به این پیمان ها هنگام حضور نزد حجرالاسود، به منزله تجدید عهد با خداوند است تا این فرشته الهی در قیامت بر آن گواهی دهد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا أَخَذَ مَوَاقِيقَ الْعِبَادِ أَمَرَ الْحَجَرَ فَالْتَمَمَهَا وَلِذَلِكَ يُقَالُ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشَّ هَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ. (1) خداوند تبارک و تعالی، وقتی پیمان ها را از بندگان گرفت، به حجرالاسود فرمان داد تا آنها را درون خود نگه دارد. به همین علت [زائر هنگام قرار گرفتن در مقابل آن] می گوید: امانت و پیمانی را که بر آن عهد بسته بودم، در برابر تو ادا کردم تا در قیامت بر وفای به پیمانم گواهی دهی.

حضرت علی علیه السلام نیز در پاسخ سخن «عمر» که حجرالاسود را تنها سنگی بی نفع و ضرر شمرد، فرمود:

به خدا سوگند! خدا این سنگ را در روز قیامت مبعوث خواهد کرد؛ درحالی که دارای یک زبان و دو لب خواهد بود و به نفع کسانی که به عهد خود وفا کرده اند شهادت می دهد و این سنگ، دست خدا روی زمین است که بندگان به وسیله آن با خداوند بیعت می کنند. (2)

حجر را استلامی چند کردم و جودم را رها از بند کردم

نهادم دست بیعت در کف دوست دوباره زنده آن پیوند کردم

ولی زائران باید توجه داشته باشند که تنها در صورتی حجرالاسود را استلام کنند که سبب آزار رساندن به خود یا دیگران نشوند و در غیر این صورت، تنها به اشاره دست و تکبیر گفتن مقابل آن اکتفا کنند؛ چنان که در روایت است شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در طواف واجب و مستحب، حجرالاسود را استلام می کرد؛ چرا شما این کار را انجام نمی دهید؟!» آن حضرت در پاسخ فرمود:

(1). الکافی، ج 4، ص 184؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 314.

(2). علل الشرایع، ج 2، ص 426؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 320.

مردم در آن زمان، حق رسول خدا صلی الله علیه و آله را رعایت می کردند و هرگاه آن حضرت نزدیک حجر می شد، راه را بر آن حضرت باز می کردند. اما مردم الآن حق ما را نمی شناسند و من دوست ندارم ضعیفی را آزار برسانم یا خودم اذیت شوم. (1)

دو - طواف خانه خدا

اشاره

یکی از اعمال مهم مسجدالحرام، طواف خانه خدا و نماز طواف است که این عمل افزون بر اینکه یکی از مناسک واجب عمره و حج است، به طور مستقل نیز یکی از اعمال مستحب خانه خدا به شمار می رود؛ بدین صورت که زائر می تواند پس از تمام شدن اعمال عمره یا حج، بدون پوشیدن لباس احرام، نیت طواف مستحبی برای خود یا دیگران کند و هفت دور طواف خانه خدا نماید و سپس دو رکعت نماز آن را در هر جایی از مسجد اقامه کند. طواف خانه خدا از اعمالی است که فضیلت فراوانی نزد خداوند تبارک و تعالی دارد؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُبَاهِي بِالطَّائِفِينَ»؛ (2) «خداوند به طواف کنندگان، مباهات می کند».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَوْلَ الْكَعْبَةِ عَشْرِينَ وَمِائَةً رَحْمَةً، مِنْهَا سِتُّونَ لِلطَّائِفِينَ وَأَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ وَعَشْرُونَ لِلنَّاطِقِينَ. (3) خداوند عزوجل، اطراف کعبه 120 رحمت قرار داده است که شصت رحمت از آن، به طواف کنندگان، چهل رحمت برای نمازگزاران و بیست رحمت به نظرکنندگان به خانه کعبه اختصاص دارد.

در حدیثی دیگر از آن حضرت به نقل از پدرشان امام باقر علیه السلام آمده است:

کسی که هفت بار این خانه را طواف کند و دو رکعت نماز در هر مکان از مسجد

(1). الکافی، ج 4، ص 409؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 327.

(2). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 376؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 285.

(3). الکافی، ج 4، ص 240؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 207.

بخواند، خداوند شش هزار حسنه برای او می نویسد و شش هزار گناه از او محو می کند و شش هزار درجه بر درجات او می افزاید و شش هزار حاجت از حاجت های او را در دنیا یا آخرت برآورده می کند. (1)

طواف واجب و مستحب نیز، آداب و مستحبات خاصی دارد که موجب کامل تر شدن این عمل و تقرب بیشتر بنده به خداوند و بالا رفتن پاداش طواف می گردد. در اینجا به مهم ترین آداب طواف اشاره می کنیم:

آغاز کردن اعمال مسجد با طواف

مستحب است زائر پس از ورود به مسجدالحرام و پیش از هر عملی، به طواف خانه خدا، اعم از واجب یا مستحب، پردازد؛ (2) زیرا به نظر بیشتر فقیهان، تحیت مسجدالحرام، طواف است؛ همان گونه که تحیت و احترام دیگر مساجد با اقامه نماز محقق می شود؛ (3) مگر اینکه هنگام ورود به مسجدالحرام، امام جماعت مشغول نماز باشد یا وقت نماز نزدیک باشد یا وقت نماز شب یا نماز دیگری فوت شود (4) یا مطاف به سبب کسانی که طواف واجب دارند شلوغ باشد که در هر یک از این موارد و همانند آنها، اعمال دیگر در اولویت است و شروع به طواف، استحبایی نخواهد داشت.

استلام یا اشاره به حجرالاسود

قبل از شروع به طواف و نیز در هر شوط از آن، مستحب است که زائر نزد حجر برود و پس از حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله، آن را ببوسد یا با دست لمس کند. البته اگر امکان نداشت، با دست به حجر اشاره کند و تکبیر بگوید. (5)

(1). الکافی، ج 4، ص 411؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 303.

(2). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 110؛ الدروس، ج 1، ص 397.

(3). الدروس، ج 1، ص 397؛ منتهی المطلب، ج 10، ص 335؛ مهذب الاحکام، ج 14، ص 41.

(4). الدروس، ج 1، ص 397؛ الینایع الفقیه، ج 30، ص 417.

(5). الحدائق الناضره، ج 16، ص 116؛ تذکره الفقهاء، ج 8، ص 102؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 113.

حرکت از نزدیک کعبه

مستحب است طواف کننده هنگام طواف، در محدوده نزدیک کعبه حرکت کند. (1) برخی از فقیهان، استحباب نزدیک تر بودن به کعبه را به سبب شرافت این خانه دانسته اند و گفته اند: «هر چه فرد به کعبه نزدیک تر باشد از شرافت و پاداش بیشتری برخوردار است». افزون بر این، استلام و بوسیدن خانه که از دیگر مستحبات طواف است، آسان تر می شود و شبهه خروج فرد از محدوده طواف نیز به وجود نمی آید. (2)

البته استحباب این عمل در صورتی است که نزدیک کعبه زیاد شلوغ نباشد و طواف در این محدوده، برای خود یا دیگران به ویژه افراد ضعیف یا مریض مشقت فراهم نکند.

حرکت با اعتدال، وقار و آرامش

مستحب است طواف کننده گام ها را کوچک بردارد، چشم ها را پایین افکند و با حالت وقار، سنگینی و آرامش حرکت کند. (3) «عبدالرحمان بن سبابه» از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الطَّوَّافِ فَقُلْتُ أَسْرِعُ وَأَكْثِرُ أَوْ أَبْطِئُ قَالَ مَشَى بَيْنَ الْمَشْيَيْنِ. (4) از امام صادق علیه السلام از طواف سؤال کردم که آیا سریع حرکت کنم و طواف بیشتر انجام دهم یا آهسته حرکت نمایم؟ امام علیه السلام فرمود: «حد وسط میان آن دو».

امام کاظم علیه السلام نیز فرمود:

کسی که هنگام بالا آمدن خورشید، با سری برهنه و درحالی که گام ها را کوچک برمی دارد و چشمش را به پایین افکنده است و در هر شوط، حجرالاسود را بدون اینکه دیگری را آزار دهد استلام نماید و ذکر الهی بر زبانش باشد، طواف کند، خداوند به عدد هر گامی که برمی دارد، هفتاد هزار حسنه برای او می نویسد و هفتاد

(1). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 110؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 369.

(2). مجمع الفوائد، ج 7، ص 107.

(3). جواهر الکلام، ج 19، ص 35؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 113.

(4). الکافی، ج 4، ص 411؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 109.

هزار گناه از او محو می گردد و هفتاد هزار درجه بر درجات او می افزاید و از جانب او هفتاد هزار برده را آزاد می کند و درباره هفتاد نفر از اهل بیت خود، شفاعت می کند و هفتاد هزار حاجت او را در دنیا و آخرت بر می آورد. (1)

اشتغال به دعا، ذکر و قرائت قرآن

مستحب است طواف کننده از ابتدا تا انتهای طواف به یاد خدا باشد و زبان او به خواندن دعا، ذکر الهی یا قرائت قرآن مشغول باشد؛ (2) چنان که امام جواد علیه السلام فرمود:

طَوَّافُ الْفَرِيضَةِ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُتَكَلَّمَ فِيهِ إِلَّا بِالِدُّعَاءِ وَذِكْرِ اللَّهِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ. (3) در طواف واجب، شایسته نیست شخص، جز به دعا و ذکر الهی و تلاوت قرآن مشغول باشد.

در روایات، دعاهای زیادی برای طواف نقل شده است؛ برخی از دعاها برای همه شوطهای طواف و برخی دیگر برای قسمت هایی از طواف، همچون هنگام رسیدن مقابل در کعبه، رسیدن به حجر اسماعیل، مقابل ناودان، رسیدن به پشت کعبه، بین رکن یمانی و حجرالاسود، ذکر شده است (4) که زائران می توانند مراجعه به کتب ادعیه و آداب الحرمین این دعاها را بخوانند.

یکی از دعاها و اذکاری که در حال طواف به گفتن آن تأکید شده، صلوات بر محمد و آل محمد است؛ (5) چنان که عبدالرحمان بن نعیم از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَخَلْتُ طَوَّافَ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يُفْتَحْ لِي شَيْءٌ مِّنَ الدُّعَاءِ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَدَّ عَيْثُ فَكَانَ كَذَلِكَ فَقَالَ مَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِّمَّنْ سَأَلَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَتْ. (6)

(1). الكافي، ج 4، ص 412؛ وسائل الشيعه، ج 13، ص 306.

(2). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 125؛ الحدائق الناضره، ج 16، ص 121؛ دليل الناسك، ص 246.

(3). تهذيب الاحكام، ج 5، ص 127؛ وسائل الشيعه، ج 13، ص 403.

(4). الحدائق الناضره، ج 16، ص 121؛ جواهر الكلام، ج 19، ص 347.

(5). دليل الناسك، ص 264.

(6). الكافي، ج 4، ص 407؛ وسائل الشيعه، ج 13، ص 336.

به امام صادق علیه السلام گفتم: داخل طواف واجب شدم و دعایی به ذهنم نرسید؛ به جز صلوات بر محمد و آل محمد و هنگام سعی نیز چنین بود. آیا پاداشی دارم؟ امام علیه السلام فرمود: به هیچ درخواست کننده ای پاداشی همانند پاداشی که به تو داده شده است، نداده اند.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «در هر شوط که به در خانه کعبه رسیدی، بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرست». (1)

عمل مستحب دیگر هنگام طواف، قرائت قرآن است که بر اساس برخی روایات، برتر از ذکر گفتن هنگام طواف است؛ چنان که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید:

از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که قرائت قرآن در حال طواف، فضیلت بیشتری دارد یا ذکر گفتن؟ امام علیه السلام فرمود: «قرائت قرآن». سپس از امام علیه السلام سؤال کردم که اگر به آیه سجده دار رسیدم چه کنم؟ امام علیه السلام فرمود: «برای سجده با سر خود به سوی کعبه اشاره کن». (2)

گفتن اذکار دیگر همچون ذکرهای «سبحان الله»، «الحمد لله»، «لا اله الا الله»، «الله اکبر»، «لا حول و لا قوه الا بالله» و «استغفر الله ربی و اتوب الیه» از دیگر اعمال مستحب در حال طواف است که در برخی روایات منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله به گفتن آنها اشاره شده است. (3)

طواف فراوان

مستحب است شخص تا هنگامی که در مکه و مسجد الحرام است، زیاد طواف کند؛ (4) چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اسْتَكْبَرُوا مِنَ الطَّوْفِ فَإِنَّهُ أَقَلُّ شَيْءٍ يُوْجَدُ فِي صَحَائِفِكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (5)؛ «زیاد طواف کنید؛ زیرا در قیامت، طواف کمترین چیزی است که در نامه عمل شما یافت می شود».

(1). الکافی، ج 4، ص 407؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 104.

(2). الکافی، ج 4، ص 427؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 403.

(3). سنن ابن ماجه، ج 2، ص 986؛ نیل الاوطار، ج 5، ص 120.

(4). جواهر الکلام، ج 19، ص 361.

(5). عوالی اللئالی، ج 3، ص 165؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 368.

در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام نیز آمده است: «وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَطَوْلِ الْقُنُوتِ وَكَثْرَةِ الطَّوْفِ»؛ (1) «بر شما باد به نماز شب و طول قنوت و طواف فراوان». همچنین امام صادق علیه السلام درباره سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در طواف فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبانه روز، ده طواف انجام می داد؛ سه طواف در ابتدای شب و سه طواف در آخر شب و دو طواف پس از طلوع صبح و دو طواف بعد از ظهر و فاصله میان این طواف ها را استراحت می کرد. (2)

در حدیثی دیگر، امام صادق علیه السلام فرمود:

يُسَبِّحُ تَحْتَهُ أَنْ تَطُوفَ ثَلَاثِمِائَةٍ وَسِتِّينَ أَوْ جُوعًا عَدَدَ أَيَّامِ السَّنَةِ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَثَلَاثِمِائَةٍ وَسِتِّينَ شَوْطًا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَمَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنَ الطَّوْفِ. (3) مستحب است که شخص 360 طواف به عدد ایام سال انجام دهد و اگر نتوانست 360 دور طواف نماید و اگر توانایی این کار را نداشت به اندازه توان خود، طواف کند.

هرچند به جای آوردن طواف فراوان استحباب زیادی دارد، اما به شرط لحاظ دو نکته اساسی؛ یکی آنکه محدوده طواف زیاد شلوغ نباشد و طواف مستحب زائر، مانع طواف واجب دیگران یا به مشقت افتادن آنان نشود. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

أَوَّلُ مَا يُظْهِرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ: أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبَ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجْرَ الْأَسْوَدَ وَالطَّوْفَ. (4) نخستین عمل عادلانه ای که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام می دهد، آن است که منادی آن حضرت ندا می دهد که باید صاحبان اعمال مستحبی، حجرالاسود و طواف را به کسانی که عمل واجب دارند واگذار کنند.

نکته دیگر، آن است که زائر، طواف و عبادتش را با کسالت یا خستگی انجام ندهد

(1). مستدرک الوسائل، ج 9، صص 364 و 377؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 368.

(2). الکافی، ج 4، ص 428؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 411.

(3). الکافی، ج 4، ص 429؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 411.

(4). الکافی، ج 4، ص 427؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 328.

و این اعمال را بر خود تحمیل نکند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «دَعِ الطَّوْفَ وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ»؛ (1) «طواف را رها کن؛ در حالی که هنوز تمایل به انجام طواف در تو وجود دارد».

سه - نماز فراوان

مسجدالحرام مکانی است که نماز خواندن در آن از همه مکان ها و مساجد دیگر، از جمله مسجدالنبی صلی الله علیه و آله، فضیلت بیشتری دارد. در روایاتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام باقر و امام صادق علیهما السلام آمده است: «الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ»؛ (2) «نماز در مسجدالحرام برابر است با صد هزار رکعت نماز در مساجد دیگر».

بر همین اساس، در حدیثی دیگر، امام صادق علیه السلام فرمود: «در مسجدالحرام فراوان نماز بخوانید؛ زیرا برای هر بنده ای از سوی خداوند رزقی است که باید آن را به سوی خود جلب کند. (3) همچنین درباره سیره امام سجاد علیه السلام در این مکان آمده است:

اعْتَمَرَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجَبٍ فَكَانَ يُصَلِّي عِنْدَ الْكَعْبَةِ عَامَةً لَيْلِهِ وَنَهَارِهِ وَيَسْجُدُ عَامَةً لَيْلِهِ وَنَهَارِهِ. (4) علی بن الحسین علیه السلام در عمره رجبیه ای که به جا آوردند، شب و روز کنار کعبه مشغول نماز و سجده بود.

بر اساس روایات مذکور، فقیهان گفته اند: مستحب است افرادی که در مکه حضور می یابند، همه نمازهای خود، اعم از نمازهای واجب و مستحب را در مسجدالحرام اقامه کنند. (5)

چهار - نماز و دعا در حطیم

«حطیم»، بر اساس بیشتر روایات منقول از اهل بیت علیهم السلام، به فاصله میان رکن حجرالاسود و در خانه خدا گفته می شود و درباره علت نامگذاری اش گفته شده است

(1). الکافی، ج 4، ص 429؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 522.

(2). الکافی، ج 4، ص 526؛ وسائل الشیعه، ج 5، صص 271 و 272.

(3). وسائل الشیعه، ج 5، ص 272؛ جامع احادیث الشیعه، ج 4، ص 506.

(4). مصباح المتعجد، ص 801؛ اقبال الاعمال، ج 3، ص 218.

(5). مستند الشیعه، ج 13، ص 95.

که چون مردم همدیگر را در آنجا فشار می دهند. (1)

البته در روایتی دیگر، حطیم به محدوده مثلثی شکل، میان رکن حجرالاسود و مقام ابراهیم و در خانه خدا اطلاق گردیده است. (2) گفتنی است این مکان، فضیلت زیادی دارد و بلکه مقدس ترین مکان در مسجدالحرام و حتی روی کره زمین است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنْ تَهَيَّأَ لَكَ أَنْ تُصَلِّيَ صَلَاتَكَ كُلَّهَا عِنْدَ الْحَطِيمِ فَأَفْعَلْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ بُعْعِهِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَالْحَطِيمُ مَا بَيْنَ الْبَابِ وَالْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَهُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي فِيهِ تَابَ اللَّهُ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (3) اگر امکان دارد که همه نمازهایت (واجب و مستحب) را در حطیم بخوانی، این کار را انجام بده؛ زیرا حطیم با فضیلت ترین مکان روی کره زمین است و حطیم، بین در کعبه و رکن حجرالاسود است؛ زیرا حطیم مکانی است که توبه حضرت آدم علیه السلام در آنجا پذیرفته شد.

از امام هادی علیه السلام نیز سؤال شد، کدام مکان در مکه فضیلت بیشتری دارد؟ امام در پاسخ فرمود: «نزد جایگاه اول مقام ابراهیم؛ زیرا آنجا مقام حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله است». (4)

جایگاه اول مقام ابراهیم علیه السلام، چسبیده به کعبه و در فاصله میان حجر اسماعیل و رکن حجرالاسود بوده است که به سبب ازدحام مردم در آنجا برای نماز و زیارت، مقام در عصر خلیفه دوم، به مکان فعلی آن انتقال یافت. (5)

در عصر حاضر به علت زیادی جمعیت، محدوده حطیم در بیشتر اوقات در مسیر طواف کنندگان قرار دارد. از این رو زائران باید به حداقل نماز و دعا در این مکان و آن

(1). الکافی، ج 4، ص 527؛ علل الشرایع، ج 2، ص 400.

(2). الکافی، ج 4، ص 525؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 273.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 209؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 275.

(4). وسائل الشیعه، ج 5، ص 275؛ بحارالانوار، ج 96، ص 231.

(5). علل الشرایع، ج 2، ص 423؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 429.

ص: 250

هم در اوقات خلوت اکتفا کنند و از انجام دادن اعمال مستحبی هنگام شلوغ بودن این مکان، به شدت پرهیزند.

پنج - نماز، دعا و زیارت در حجر اسماعیل

حجر اسماعیل، محوطه ای است به شکل نیم دایره که چسبیده به خانه کعبه است و میان رکن شامی و عراقی قرار دارد. حجر به معنای اتاق، پناهگاه و دامان است و بدان سبب به این مکان حجر اسماعیل گفته شده که خانه حضرت اسماعیل علیه السلام بوده و قبر حضرت هاجر و اسماعیل در آنجا واقع شده است. (1)

سبب آنکه به دور حجر، دیوار کشیده شده، آن است که حضرت اسماعیل نمی خواست کسی روی قبر مادرش قدم گذارد. (2) در این مکان، افزون بر حضرت هاجر و اسماعیل علیهما السلام، دختران حضرت اسماعیل (3) و بسیاری از پیامبران الهی دفن اند. (4) از جمله اعمال مستحب در این مکان، نماز، عبادت و دعاست. امام صادق علیه السلام بافضیلت ترین مکان در مسجدالحرام را حطیم شمرد و فرمود: «وَبَعْدَهُ الصَّلَاةُ فِي الْحَجْرِ أَفْضَلُ»؛ «بعد از حطیم، اقامه نماز در حجر اسماعیل فضیلت بیشتری دارد». (5)

«ابوبلال مکی» نیز می گوید: «امام صادق علیه السلام را دیدم که داخل حجر اسماعیل شد و نماز خواند و سپس فرمود: اینجا مکان نماز شیر و شبیر، دو فرزند حضرت هارون علیه السلام است». (6) همچنین «طاووس یمانی» می گوید:

شب وارد حجر اسماعیل شدم. ناگاه امام زین العابدین علیه السلام را دیدم که داخل حجر اسماعیل شد و نماز گزارد. سپس سر به سجده گذاشت و فرمود: «عَبِيدُكَ بِفَنَائِكَ

(1). الکافی، ج 4، ص 210؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 354.

(2). الکافی، ج 4، ص 210؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 353.

(3). الکافی، ج 4، ص 210؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 354.

(4). الکافی، ج 4، ص 210؛ بحارالانوار، ج 12، ص 117.

(5). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 209؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 275.

(6). الکافی، ج 4، ص 214؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 274.

مَسْكِينِكَ بِفِنَانِكَ فَقِيرِكَ بِفِنَانِكَ سَأَلْتُكَ بِفِنَانِكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ»؛ (1) «خدایا! بنده کوچکت در آستانه ات آمده است. بنده مسکینت در آستانه ات آمده است. بنده فقیرت در آستانه ات آمده است. بنده سائلت به آستانه ات آمده است و از تو چیزی را طلب می کند که غیر تو، قادر به برآورده کردن آن نیست».

البته به سبب محدود بودن فضای حجر، زائران باید تنها در صورت امکان، به این مکان بروند و به حداقل نماز و دعا اکتفا کنند تا این فرصت برای دیگر زائران نیز فراهم شود.

شش - دعا در زیر ناودان کعبه

ساختمان کعبه در بناهای اولیه، بدون سقف بود تا اینکه در بازسازی پیش از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله، برای آن سقف و ناودانی از چوب قرار دادند. با گذشت سال های متمادی، حاکمان این سرزمین، ناودان هایی از نقره یا طلا روی آن نصب کردند و ناودان طلای کنونی را سلطان عبدالحمید عثمانی در سال 1270 ه. ق به خانه کعبه هدیه کرد. (2)

یکی از اعمال مستحب در مسجدالحرام، دعا زیر یا مقابل ناودان است؛ چنان که در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است: «وَتَعَمَّدُ تَحْتَ الْمِيزَابِ وَادْعُ عِدَّةَ كَثِيرًا»؛ (3) «به زیر ناودان برو و نزد آن بسیار دعا کن». در حدیثی دیگر، یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام «علی بن فرید» می گوید:

امام صادق علیه السلام را داخل حجر اسماعیل و زیر ناودان مشاهده کردم که رو به کعبه کرده و دست ها را باز نموده است و چنین به درگاه الهی دعا می کند: «اللَّهُمَّ اِزْهِمَّ صَدِّعِي وَقَلِّهِ حِيلَتِي اللَّهُمَّ اَنْزِلْ عَلَيَّ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَدْرِزْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ وَاذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ

(1). الارشاد، ج 2، ص 143؛ الغيبة، شیخ طوسی، ص 261.

(2). تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، ص 78.

(3). فقه الرضا، ص 222؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 422.

الرِّزْقِ وَلَا تَقْتُرْ عَلَيَّ اللَّهُمَّ اَرْحَمَنَا وَلَا تُعَذِّبْنِي اَرْضَ عَنِّي وَلَا تَسْحَطْ عَلَيَّ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ». (1)

استشفاء به آب ناودان پس از نزول باران نیز یکی دیگر از برکات این ناودان و اعمال مستحب مربوط به آن است که در سخنان پیشوایان دین به آن سفارش شده است؛ چنان که «مصارف»، یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام، می گوید:

یکی از برادران ما در مکه بیمار شد؛ به گونه ای که نزدیک بود از دنیا برود. در همین هنگام امام صادق علیه السلام را دیدم و آن حضرت را از وضع بیمار آگاه کردم. امام علیه السلام فرمود: «من اگر جای شما بودم، از آب ناودان به او می نوشانیدم». من به جست و جوی آب رفتم. ولی آبی نیافتم. در همین حال ابری ظاهر شد و شروع به باریدن کرد. به مسجد رفتم و ظرفی را خریدم و مقداری از آب ناودان تهیه کردم و به سرعت به آن بیمار رسانیدم. لحظه ای نگذشت که سلامتی خود را بازیافت. (2)

افزون بر این، داخل حجر و زیر ناودان، یکی از مکان هایی است که احرام بستن برای حج از آنجا دارای بیشترین فضیلت دانسته شده است. (3)

هفت - نماز و احرام نزد مقام ابراهیم

مقام ابراهیم، سنگی است با طول و عرض چهل سانتی متر و ارتفاع تقریبی پنجاه سانتی متر که در حال حاضر در محفظه ای کریستال در فاصله سیزده متری خانه کعبه قرار دارد. بنا به روایتی از امام صادق علیه السلام، این همان سنگی است که وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام پس از تجدید بنای کعبه مأمور شد همه انسان ها را به حج فرا بخواند، روی آن سنگ قرار گرفت و این پیام الهی را به همگان اعلام کرد و چون سنگ، تحمل آن حضرت و پیام سنگینش را نداشت، گام های حضرت ابراهیم علیه السلام در آن فرورفت. (4)

- (1). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 427؛ بحارالانوار، ج 96، ص 199.
- (2). الکافی، ج 6، ص 382؛ وسائل الشیعه، ج 25، ص 262.
- (3). تذکره الفقهاء، ج 7، ص 194؛ الحدائق الناضره، ج 14، ص 359.
- (4). علل الشرایع، ج 2، ص 423؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 56.

ص: 253

این سنگ در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام میان رکن حجرالاسود و حجر اسماعیل قرار داشت. اما در عصر جاهلیت آن را به مکان فعلی انتقال دادند. پس از بعثت، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به مکان اصلی آن منتقل کرد. ولی خلیفه دوم، به سبب ازدحام جمعیت، آن را به همان مکان عصر جاهلیت بازگرداند. (1)

مقام ابراهیم، دارای فضیلت بسیاری است. این سنگی است که به تصریح قرآن کریم، یکی از نشانه های آشکار الهی است؛ چنان که خداوند می فرماید: (فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ). (2) رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز درباره فضیلت مقام فرمود:

الرُّكْنُ وَالْمَقَامُ يَأْقُوتَانِ مِنْ يَأْقُوتِ الْجَنَّةِ طَمَسَ اللَّهُ نُورَهُمَا وَلَوْ لَا أَنَّ نُورَهُمَا طَمَسَ لِأَصْنَاءِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. (3) رکن و مقام، دو یاقوت از یاقوت های بهشت است که خداوند نور آنها را گرفته است و اگر خداوند نور آنها را نمی گرفت، بین مغرب و مشرق را روشن می کردند.

امام رضا علیه السلام نیز درباره فضیلت نماز نزد مقام ابراهیم فرمود:

با فضیلت ترین مکان برای نماز پس از حطیم، مقام ابراهیم است. پس از مقام ابراهیم، بافضیلت ترین مکان، حجر اسماعیل است و پس از حجر اسماعیل هر مکانی که به خانه کعبه نزدیک تر باشد، از فضیلت بیشتری برخوردار است. (4)

افزون بر استحباب نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام، احرام بستن برای حج واجب نیز در آنجا مستحب شمرده شده است (5) که در صورت امکان و داشتن فرصت، حج گزاران می توانند لباس احرام را در منزل و محل اقامت بپوشند و در حجر اسماعیل یا مقام، احرام حج را منعقد کنند.

(1). همان.

(2). آل عمران: 97.

(3). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 430؛ بحارالانوار، ج 12، ص 85.

(4). الکافی، ج 4، ص 525؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 273.

(5). تذکره الفقهاء، ج 7، ص 194؛ الحدائق الناضره، ج 14، ص 359.

ص: 254

کعبه دارای چهار رکن است: رکن حجرالاسود (رکنی که حجرالاسود در آن قرار دارد)، رکن عراقی (رکنی که به طرف عراق قرار دارد و بعد از رکن حجرالاسود در مسیر طواف قرار دارد)، رکن شامی (رکنی که به طرف شام قرار دارد و بعد از رکن عراقی قرار دارد) و رکن یمانی (رکنی که به طرف یمین قرار دارد و بعد از رکن شامی و قبل از رکن حجرالاسود واقع شده است).

از جمله اعمال مستحب در مسجدالحرام، استلام و چسباندن خود به این ارکان در طواف یا غیر طواف است؛ (1) چنان که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید: «رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْتَلِمُ الْأَرْكَانَ كُلَّهَا»؛ «امام صادق علیه السلام را دیدم که همه ارکان کعبه را استلام می کرد». (2)

در میان ارکان کعبه، استلام رکن یمانی و حجرالاسود و دعا نزد این دو رکن، از فضیلت و استحباب بیشتری برخوردار است و حتی برخی فقیهان به سبب تأکید این امر در روایات و طرح آن با تعبیرات خاص، استلام رکن یمانی را واجب شمرده اند؛ (3) امام باقر علیه السلام فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَسْتَلِمُ إِلَّا الرُّكْنَ الْأَسْوَدَ وَالْيَمَانِيَّ ثُمَّ يَقْبَلُهُمَا وَيَضَعُ خَدَّهُ عَلَيْهِمَا وَرَأَيْتُ أَبِي يَفْعَلُهُ. (4) رسول خدا صلی الله علیه و آله استلام نمی کرد مگر رکن حجرالاسود و رکن یمانی را و این دو رکن را می بوسید و گونه اش را بر آنها قرار می داد و پدرم را دیدم که چنین می کرد.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

با پدرم طواف می کردم؛ هرگاه به رکن حجرالاسود می رسید، آن را با دست لمس می کرد. اما وقتی به رکن یمانی می رسید خود را به آن چسباند. به پدرم گفتم: چرا

(1). الدروس، ج 1، ص 398؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 357.

(2). الکافی، ج 4، ص 408؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 106.

(3). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 131؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 355.

(4). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 106؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 338.

رکن حجر را تنها با دست لمس می کنید، اما خود را به رکن یمانی می چسبانید؟! پدرم فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من به سمت رکن یمانی نیامدم؛ مگر اینکه جبرئیل را دیدم که بر من سبقت گرفته و خود را به رکن یمانی چسبانده است. (1)

همچنین آن حضرت فرمود:

خداوند از روز خلقت آسمان ها و زمین، فرشته ای را موکل بر رکن یمانی کرده است و هیچ سخنی از دهان این فرشته خارج نمی شود؛ مگر آمین گفتن برای دعای کسانی که در این مکان، دعا می کنند. پس توجه داشته باشید که چه دعایی می کنید. (2)

در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام فرمود: «رکن یمانی دری است که ما اهل بیت، از آن وارد بهشت می شویم». (3) همچنین فرمود:

رکن یمانی، دری از درهای بهشت است که از روزی که گشوده گردیده، بسته نشده است و در آن نهی از نهرهای بهشت است که اعمال بندگان در آن افکنده می شود. (4)

همچنین آن حضرت فرمود:

رکن یمانی، دری از درهای بهشت است که بر روی شیعیان آل محمد صلی الله علیه و آله گشوده شده است و هیچ مؤمنی نزد آن دعا نمی کند؛ مگر اینکه دعایش بالا می رود تا به عرش الهی می رسد؛ درحالی که هیچ حجابی میان او و خداوند نیست. (5)

نُه - دعا و اقرار به گناهان در ملتزم

«ملتزم» به معنای محل التزام و چسبیدن است. به آن «متعوذ» به معنای محل پناه بردن و «مدعا» به معنای محل دعا نیز گفته شده است. به نظر برخی، ملتزم به فاصله بین در کعبه و حجرالاسود گفته می شود. اما قول دیگر، آن است که مکان ملتزم پشت کعبه و

(1). الکافی، ج 4، ص 408؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 338.

(2). الکافی، ج 4، ص 408؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 342.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 208؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 339.

(4). علل الشرایع، ج 2، ص 424؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 208.

(5). الکافی، ج 4، ص 409؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 106.

میان رکن شامی و رکن یمانی است. (1) روایات اهل بیت علیهم السلام مؤید همین قول است. (2) در این مکان، دعا، اقرار به گناهان و استغفار فراوان سفارش شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَمَّا طَافَ بِالْبَيْتِ فَأَنْتَهَى إِلَى الْمُلتَزِمِ فَقَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقْرَبَ لِرَبِّكَ بِدُنُوبِكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ فَوَقَفَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ لِكُلِّ عَامِلٍ أَجْرًا وَلَقَدْ عَمِلْتُ فَمَا أَجْرِي فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ يَا آدَمُ مَنْ جَاءَ مِنْ دُرِّيَّتِكَ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ فَأَقْرَبَ فِيهِ بِدُنُوبِهِ غَفَرْتُ لَهُ. (3) وقتی حضرت آدم علیه السلام به دور خانه خدا طواف کرد، به ملتزم آمد. پس جبرئیل علیه السلام به آن حضرت گفت: ای آدم! در این مکان، در پیشگاه پروردگارت، به گناهانت اعتراف کن.... سپس خداوند به آن حضرت وحی کرد که ای آدم! هرکس از ذریه و فرزندان تو به این مکان آید و به گناهانش اقرار نماید و همانند تو، توبه و استغفار کند، گناهانش را می آمرزم.

در حالات امام صادق علیه السلام نیز آمده است:

هرگاه آن حضرت به ملتزم می رسید، به موالیان و همراهان خود می فرمود: «از من دور شوید؛ زیرا می خواهم به گناهانم در برابر پروردگار در این مکان اقرار نمایم؛ زیرا هیچ بنده ای نیست که در این مکان به گناهانش اقرار نماید و استغفار کند، جز اینکه خداوند گناهان او را بیامرزد». (4)

در حالات امام جواد علیه السلام نیز آمده است:

آن حضرت به ملتزم، پشت کعبه می آمد و پیراهن را از شکم کنار می زد و خود را به خانه کعبه می چسباند و به مدت طولانی، با این حالت، دعا می کرد به گونه ای که دعای آن حضرت در این مکان به اندازه هفت شوط طواف طول می کشید. (5)

(1) . بحارالانوار، ج 71، ص 327؛ مشاهد و مشاعر حج، ص 205.

(2) . الکافی، ج 4، ص 410؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 281.

(3) . الکافی، ج 4، ص 194؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 346.

(4) . الکافی، ج 4، ص 410؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 346.

(5) . الکافی، ج 4، ص 532؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 281.

ندا آمد که من پیش تو هستم تو ای مسکین گم گشته کجایی؟

ده - دعا و استغفار در مستجار

«مستجار» به معنای محل پناه آوردن است. این مکان، پشت کعبه و روبه روی درِ خانه کعبه و نزدیک رکن یمانی قرار دارد. (1) به نظر بسیاری از فقیهان که برگرفته از روایات اهل بیت علیهم السلام است، مستجار و ملتزم به یک مکان گفته می شود. (2) از جمله اعمال مستحب در این مکان، چسبیدن به خانه کعبه و دعا کردن است؛ (3) چنان که امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

فَلَمَّا هَبَطَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْأَرْضِ طَافَ بِالْبَيْتِ فَلَمَّا كَانَ عِنْدَ الْمُسْتَجَارِ دَنَا مِنَ الْبَيْتِ فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي فَنُودِيَ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَكَ قَالَ يَا رَبِّ وَلَوْلَا دِي قَالَ فَنُودِيَ يَا آدَمُ مَنْ جَاءَنِي مِنْ وُلْدِكَ فَبَاءَ بِذَنْبِهِ بِهَذَا الْمَكَانِ غَفَرْتُ لَهُ. (4) هنگامی که آدم بر زمین فرود آمد و گرد خانه خدا طواف کرد، چون به مستجار رسید! به خانه نزدیک شد و دست ها را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! مرا ببامرز». پس ندا داده شد که تو را آمرزیدم. آدم علیه السلام گفت: «فرزندان مرا هم ببامرز». پس ندا داده شد که ای آدم! هرکس از فرزندان تو به نزد من آید و در این مکان از گناهان خود آمرزش طلبد، او را می آمرزم.

امام صادق علیه السلام نیز به یکی از اصحاب خود به نام «معاویه بن عمار» فرمود:

هرگاه طوافت به پایان رسید و به مستجار در پشت کعبه و نزدیک رکن یمانی رسیدی، دست هایت را روی کعبه باز کن و بدن و صورتت را به کعبه بچسبان و بگو: «اللهم البيت بيتك والعبد عبدك وهذا مكان العائذ بك من النار»؛ «خدایا! خانه،

(1). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 104؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 324.

(2). الوافی، ج 13، ص 837؛ مستند الشیعه، ج 12، ص 80؛ مهذب الاحکام، ج 14، ص 117.

(3). مستند الشیعه، ج 13، ص 92؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 353.

(4). تفسیر عیاشی، ج 1، ص 31؛ بحار الانوار، ج 96، ص 206.

خانه توست و بنده، بنده توست و این جایگاه کسی است که از آتش جهنم به تو پناه آورده است». پس در برابر پروردگارت به گناهایی که مرتکب شده ای اقرار کن؛ زیرا هر بنده مؤمنی به گناهانش در این مکان اقرار کند، خداوند گناهانش را می آمرزد. (1)

یازده - چنگ زدن به پرده کعبه و دعای فراوان

بنابر حدیثی از امام صادق علیه السلام، حضرت آدم علیه السلام نخستین کسی بود که کعبه را با پوششی از مو پوشاند و سپس «تُبَّع»، پادشاه حمیر، این کار را انجام داد و در پی آن، حضرت ابراهیم علیه السلام پوششی از برگ های درخت خرما بر آن قرار داد. حضرت سلیمان علیه السلام نیز نخستین کسی بود که خانه خدا را با پارچه قباطی پوشاند. (2) نخستین فردی هم که برای کعبه، پرده و لباسی قرار داد، حضرت اسماعیل علیه السلام بود و از آن به بعد، پرده داری کعبه، یکی از منصب های مهم و پرافتخار میان مکیان به حساب می آمد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در فتح مکه، کعبه را با پارچه یمانی پوشاند و حضرت علی علیه السلام در دوران حکومت خود، هر ساله پرده ای از عراق برای کعبه می فرستاد و در دوران حکومت عثمانی، پرده کعبه از موقوفات خانه خدا در مصر تهیه می شد و در حال حاضر، با اختصاص کارگاهی در مکه، پرده کعبه با نخ ابریشم و نیز با استفاده از طلا و نقره بافته می شود. (3)

از جمله اعمال مستحب در ارتباط با پرده کعبه، آن است که زائر به نزد خانه خدا آید و با چنگ زدن به آن، از خداوند آمرزش گناهان و حاجت های دیگر خود را بطلبد؛ (4) چنان که امام رضا علیه السلام فرمود:

(1). الکافی، ج 4، ص 411؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 107.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 235؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 208.

(3). تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، صص 94 و 95؛ مشاهد و مشاعر حج، صص 206 و 207.

(4). وسائل الشیعه، ج 13، ص 259؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 395.

فَقِفْ عِنْدَ الْمُسْتَجَارِ وَتَعَلَّقْ بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ وَادْعُ اللَّهَ كَثِيراً وَالْحِجَّ عَلَيْهِ وَسَلِّ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ. (1) پس نزد مستجار بایست و به پرده کعبه چنگ بزن و خداوند را بسیار بخوان و اصرار کن و حوائج دنیا و آخرت خود را طلب کن؛ زیرا او نزدیک و اجابت کننده است.

در نقلی دیگر از آن حضرت آمده است:

به پرده کعبه چنگ بزن و در دعا کردن تلاش کن و بسیار بر محمد و آل او صلوات بفرست و برای خود و دیگر مؤمنان دعا کن و هر خواسته ای که تمایل داشتی، از خداوند طلب کن. (2)

امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره معنا و راز چنگ زدن به پرده کعبه چنین فرمود:

هُوَ مِثْلُ رَجُلٍ لَهُ عِنْدَ آخَرَ جَنَائِهِ وَذَنْبٌ فَهُوَ يَتَعَلَّقُ بِثَوْبِهِ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ وَيَخْضَعُ لَهُ أَنْ يَتَجَافَى عَنْ ذَنْبِهِ. (3) این کار همانند آن است که فردی که در حق دیگری مرتکب جنایت و گناهی شده است، به جامه او چنگ می زند و در برابرش کرنش می کند تا از گناهی که در حق او کرده است، درگذرد.

از دیگر اعمال مستحب در ارتباط با پرده کعبه، تبرک جستن به پرده کعبه است؛ چنان که شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که آیا جایز است با پرده کعبه که گاهی به دست ما می رسد، لباس بدوزیم و خود را با آن بپوشانیم؟! امام علیه السلام فرمود:

يَصَلُّحُ لِلصُّبِّيَانِ وَالْمَصَاحِفِ وَالْمَخَدِّهِ تَبْتَعِي بِذَلِكَ الْبِرْكَهَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (4) شایسته است از پرده کعبه، برای لباس بچه ها و پوشش قرآن و پوشش بالشت استفاده شود و از آن برکت طلب کرد.

(1) . مستدرک الوسائل، ج 9، ص 393؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 296.

(2) . مستدرک الوسائل، ج 9، صص 393 و 394؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 296.

(3) . الکافی، ج 4، ص 224؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 449.

(4) . الکافی، ج 4، ص 229؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 253.

البته زائر باید توجه داشته باشد که استفاده و تبرک جستن به پرده کعبه هنگامی استحباب دارد که بخشی از پرده کعبه، از راه صحیح به دست زائر برسد. اما اگر خود شخص اقدام به بریدن یا حتی بیرون کشیدن نخ‌های پرده کعبه کند، ممنوع و حرام است.

دوازده - نگاه بسیار به خانه خدا

از دیگر اعمال مستحب در مسجدالحرام، نگاه بسیار به کعبه است؛ (1) چنان که حضرت علی علیه السلام فرمود:

إِذَا خَرَجْتُمْ حُجَّاجًا إِلَى بَيْتِ اللَّهِ فَأَكْثِرُوا النَّظَرَ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ فَإِنَّ لِلَّهِ مِائَةَ وَعِشْرِينَ رَحْمَةً عِنْدَ بَيْتِهِ الْحَرَامِ سِتُّونَ لِلطَّائِفِينَ وَأَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ وَعِشْرُونَ لِلنَّاطِرِينَ. (2) هرگاه برای حج به سوی خانه خدا رفتید، زیاد به خانه خدا نگاه کنید؛ زیرا خداوند نزد خانه اش 120 رحمت قرار داده است... و بیست رحمت از آنها به کسانی تعلق دارد که به کعبه نگاه کنند.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «کسی که به کعبه نگاه کند، تا مادامی که نگاهش را از آن برداشته است، پیوسته حسنه ای برای او نوشته و گناهی از او محو می شود». (3) در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام نیز آمده است: «در مسجدالحرام زیاد توقف کن و کمتر از آن خارج شو؛ زیرا نگاه کردن به خانه خدا عبادت است و تا هنگامی که شخص به کعبه نگاه می کند، گویا در حال نماز است». (4)

سیزده - نوشیدن و بر روی خود ریختن آب زمزم

آب زمزم یکی از نشانه های آشکار الهی و از معجزات حضرت اسماعیل و هاجر علیهما السلام در سرزمین مکه است. در روایتی از امام صادق علیه السلام در این باره آمده است:

(1). مهذب الاحکام، ج 14، ص 117؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 262.

(2). الخصال، ص 617؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 264.

(3). الکافی، ج 4، ص 240؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 205.

(4). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 357؛ بحار الانوار، ج 96، ص 346.

پس از آنکه حضرت ابراهیم علیه السلام، اسماعیل و هاجر علیهما السلام را در مکه بر جای گذاشت و خود به فلسطین بازگشت، حضرت اسماعیل علیه السلام تشنه شد. از این رو مادر برای پیدا کردن آب به طرف صفا رفت و چون آبی نیافت، به سوی مروه حرکت کرد و این مسیر را هفت مرتبه پیمود. ولی آبی پیدا نکرد و چون نزد فرزند خویش بازگشت، مشاهده کرد که آب از زیر پای کودک جاری شده است. (1)

این آب، سالیان و قرن های زیادی جوشش داشت تا اینکه خداوند بر اثر گناهان برخی قبایل مجاور این سرزمین و شکستن حرمت کعبه، آن را برای مدتی از جوشش انداخت و حتی مکان آن نیز ناپدید شد تا اینکه خداوند آن را به وسیله عبدالمطلب، جد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، دوباره جاری ساخت و از آن زمان تاکنون این آب به جوشش خود ادامه می دهد. (2)

در روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام، فضیلت و برکات زیادی برای این آب ذکر شده است؛ چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «مَاءٌ زَمَزَمَ خَيْرٌ مَاءٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ»؛ (3) «آب زمزم، بهترین آب روی کره زمین است». همچنین در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَاءُ زَمَزَمَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَأَمَانٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحُزْنٍ»؛ (4) «آب زمزم، شفا برای هر درد و مرض و امان از هر ترس و اندوهی است».

بر همین اساس، فقیهان، نوشیدن آب زمزم، ریختن آن روی بدن و خواندن دعایی خاص هنگام نوشیدنش را مستحب شمرده اند. (5) امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

هرگاه زائر از طواف و نماز طواف فارغ گردید، نزد زمزم برود و مقداری از آب آن بنوشد و مقداری دیگر بر سر و پشت و شکم خود بریزد و این دعا را بخواند:

(1). الکافی، ج 4، ص 202؛ علل الشرایع، ج 2، ص 432.

(2). تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، صص 89 و 90.

(3). الکافی، ج 6، ص 386؛ وسائل الشیعه، ج 25، ص 260.

(4). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 347؛ مکارم الاخلاق، ص 155.

(5). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 130؛ الحدائق الناضره، ج 16، ص 258.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ»؛ (1) «خدایا! این آب را علمی نافع و رزقی وسیع و شفا از هر درد و مرضی قرار ده».

برخی از فقها نیز گفته اند که مستحب است زائر از آب زمزم زیاد بنوشد و هنگام نوشیدن، برآوردن حوائج خود، همچون کسب علم، شفای از امراض روحی و جسمی، آمرزش گناهان، نجات از آتش جهنم و ورود به بهشت را نیت کند. (2)

چهارده - گریه نزد کعبه

مستحب است زائر در مسجدالحرام از خوف و خشیت الهی بگرید و به این وسیله، رحمت الهی را به سوی خود جلب کند؛ (3) «عبدالله بن سنان» می گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَ سُمِّيَتِ الْكَعْبَةُ بَكَّةً فَقَالَ لِيُبَكِّئَ النَّاسَ حَوْلَهَا وَفِيهَا. (4) از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که چرا کعبه را «بکه» نامیده اند؟! حضرت فرمود: «چون مردم در این خانه و اطراف آن گریه می کنند».

«افلح» نیز یکی از غلامان امام باقر علیه السلام می گوید:

با امام باقر علیه السلام به حج رفتم. هنگامی که آن حضرت وارد مسجدالحرام شد و چشم مبارک ایشان به کعبه افتاد، با صدای بلند گریه کرد. به آن حضرت عرض کردم: «پدر و مادرم فدایتان باد! کمی آهسته تر گریه کنید؛ زیرا مردم به شما نگاه می کنند». امام علیه السلام به من فرمود: «وای بر تو ای افلح! چرا گریه نکنم؟! شاید خداوند به سبب آن، با نظر رحمت به من نگاه کند و فردای قیامت نزد اورستگار گردم». سپس آن حضرت به دور خانه خدا طواف کرد و نزد مقام نماز گزارد و سر به سجده نهاد و آن گاه که سر از سجده برداشت، موضع سجده از اشک های چشم آن حضرت، خیس شده بود. (5)

(1). الکافی، ج 4، ص 430؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 144.

(2). الدروس، ج 1، ص 467؛ جواهر الکلام، ج 20، ص 66.

(3). جواهر الکلام، ج 20، ص 63؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 280.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 193؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 281.

(5). بحار الانوار، ج 46، ص 290؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 54، ص 280.

در حالات امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که آن حضرت پس از ورود به مسجدالحرام و به جای آوردن طواف و نماز طواف، سر به سجده می گذاشت و لحظاتی را با خدا مناجات می کرد و استغفار می طلبید و آن گاه که سر از سجده برمی داشت، از شدت گریه، گویا صورت مبارکش در آب فرو رفته است. (1)

پانزده - زیارت حضرت اسماعیل و دیگر پیامبران الهی علیهم السلام

داخل مسجدالحرام، اجساد مطهر پیامبران زیادی دفن شده اند. در حدیثی نقل شده است که در حجر اسماعیل، افزون بر حضرت اسماعیل و مادرش هاجر، قبور پیامبران الهی نیز قرار دارد. (2) امام باقر علیه السلام درباره دفن پیامبران الهی در مسجدالحرام فرمود: «إِنَّ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ لَمْ شَدَّ حُونَ مِنْ قُبُورِ الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ آدَمَ لَفِي حَرَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ (3) «میان رکن و مقام ابراهیم، پر از قبور پیامبران است و همانا آدم علیه السلام در حرم الهی دفن شده است». امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «دُفِنَ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ وَالْحَجَرِ الْأَسْوَدِ سَبْعُونَ نَبِيًّا»؛ (4) «میان رکن یمانی و حجرالاسود، هفتاد پیامبر دفن شده اند».

در حدیثی منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از دفن برخی پیامبران عظیم الشان الهی همچون حضرت نوح، هود، صالح و شعیب علیهم السلام در فاصله میان حجرالاسود و چاه زمزم یاد شده است. (5)

برای زیارت حضرت اسماعیل و هاجر علیهما السلام زیارت خاصی وارد شده است. برای زیارت قبور پیامبران دیگر نیز، خواندن زیارت جامعه صغیره سفارش شده است که این زیارات در کتب ادعیه و آداب الحرمین موجود است.

(1). قرب الاسناد، ص 40؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 440.

(2). الکافی، ج 4، ص 210؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 353.

(3). الکافی، ج 4، ص 214؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 269.

(4). الکافی، ج 4، ص 214؛ بحارالانوار، ج 1، ص 464.

(5). اخبار مکه، ج 1، ص 68؛ الدر المنثور، ج 1، ص 136.

اشاره

از جمله مکان های مقدس کنار مسجدالحرام، کوه صفا و مروه و فاصله میان آن دو است که «مسعی» نامیده می شود. این مکان، افزون بر سابقه تاریخی بسیار زیاد، محل به جا آوردن یکی از اعمال واجب عمره و حج، یعنی سعی است که در فاصله این دو کوه انجام می شود.

علت نامگذاری کوه صفا، آن است که «مصطفی»، یعنی حضرت آدم علیه السلام، نخست بر آن فرود آمد و علت نامگذاری کوه مروه نیز آن است که «مرأه» یعنی زن که مقصود از آن حضرت حوا علیها السلام است، نخست بر آن قدم نهاده است. (1)

این موضع، از مکان های بسیار مقدس سرزمین وحی است؛ مکانی است که پیامبران الهی، از حضرت آدم علیه السلام تا پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و دیگر اولیای الهی و مؤمنان، بر این دو کوه، وقوف کرده و فاصله میان آن دو را سعی کرده اند. حتی در برخی روایات آمده است که حضرت نوح علیه السلام آن هنگام که دنیا را آب فراگرفت، با کشتی، اعمال حج را انجام داد و فاصله میان صفا و مروه را سواره سعی کرد. (2)

مسعی مکانی است که حضرت هاجر، هفت مرتبه برای یافتن آب، آن را پیمود و چون در پی این تلاش، به سوی فرزندش بازگشت، نزد او چشمه ای جاری و زلال دید. (3) خداوند در قرآن کریم، صفا و مروه و سعی میان آن دو را از نشانه های خداوند و مناسک حج و عمره یاد می کند و می فرماید:

(إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ) (بقره: 158)

در حقیقت، صفا و مروه از شعائر الهی است. پس هرکس که حج خانه خدا یا عمره

(1). الکافی، ج 4، ص 190؛ علل الشرایع، ج 2، ص 431.

(2). الکافی، ج 4، صص 212 و 213؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 230.

(3). الکافی، ج 4، صص 201 و 202؛ بحار الانوار ج 12، ص 98.

به جای آورد، باکی بر او نیست که بر آن دو سعی کند و کسی که فرمان خدا را در انجام دادن کارهای نیک، اطاعت کند، خداوند قدر دان [از آن] آگاه است.

در روایات نیز مکان مذکور و سعی میان آنها از محبوب ترین و بافضیلت ترین مکان ها و اعمال نزد خداوند تبارک و تعالی دانسته شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ بُقْعَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمَسْعَى لِأَنَّهُ يُذَلُّ فِيهَا كُلُّ جَبَّارٍ» (1)؛ «هیچ بقعه ای نزد خداوند، محبوب تر از محل سعی میان صفا و مروه وجود ندارد؛ زیرا هر جباری در این مکان ذلیل می شود».

امام باقر علیه السلام نیز به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِذَا سَعَيْتَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ كَانَ لَكَ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ حَجَّ مَاشِيًا مِنْ بِلَادِهِ وَمِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَعْتَقَ سَبْعِينَ رَقَبَةً مُؤْمِنَةً. (2) آن گاه که هفت بار سعی بین صفا و مروه را انجام دادی، پاداشی نزد خداوند خواهی داشت؛ همانند کسی که از وطن خود پیاده حج را به جا آورده و همانند پاداش کسی که هفتاد بنده مؤمن را در راه خدا آزاد کرده است.

امام زین العابدین علیه السلام نیز فرمود: «کسی که میان صفا و مروه سعی کند، فرشتگان الهی برای او نزد خداوند شفاعت می کنند و شفاعت آنان درباره او پذیرفته می شود». (3)

چو هاجر سوی مسعی رهسپارم سر سعی صفا و مروه دارم

خداوندا! به من آبی بنوشان که شوید از ضمیر جان غبارم

در این مکان، هفت بار سعی میان صفا و مروه، از اعمال واجب در عمره یا حج است و انجام دادن مستقل آن، استحبابی ندارد. البته این عمل واجب، آداب و مستحباتی دارد که شایسته است حج گزار آنها را به جا آورد. آداب مهم این مکان و سعی در آن، چنین است:

(1). الکافی، ج 2، ص 434؛ علل الشرایع، ج 2، ص 433.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 203؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 219.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 208؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 469.

الف) شتاب در سعی پس از طواف

مستحب است که حج گزار پس از انجام دادن طواف و نماز طواف، بدون فاصله، سعی را انجام دهد. البته در صورت خسته بودن یا وجود عذری دیگر، می تواند آن را تا شب به تأخیر اندازد؛ (1) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنْ بَدَأَ بِالسَّعْيِ بَعْدَ الطَّوْفِ وَبَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ رُكْعَتَيْهِ فَذَلِكَ حَسَنٌ فَإِنْ أَخَّرَ السَّعْيَ بَعْدَ وَفَرَاقَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الطَّوْفِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ. (2) اگر حج گزار پس از طواف و نماز آن، بدون فاصله، سعی را انجام دهد، کار بهتری انجام داده است. اما اگر به علت عذری، میان طواف و سعی، فاصله بیندازد، ایرادی ندارد.

ب) طهارت و وضو داشتن

در سعی میان صفا و مروه، طهارت و داشتن وضو یا غسل، واجب نیست. ولی مستحب است زائر خود را تطهیر کند و وضو بگیرد و در صورت بر ذمه داشتن غسلی واجب، غسل کند. (3) در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا بَأْسَ أَنْ تَقْضِيَ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ إِلَّا الطَّوْفَ فَإِنَّ فِيهِ صَلَاةً وَالْوُضُوءُ أَفْضَلُ. (4) ایرادی ندارد که حج گزار، همه مناسک عمره و حج را بدون وضو انجام دهد؛ مگر طواف؛ زیرا در طواف، نماز هست. ولی وضو داشتن برای انجام دادن مناسک دیگر، بهتر است.

ج) نوشیدن آب زمزم قبل از سعی

مستحب است پس از طواف و نماز آن و قبل از رفتن به سوی سعی، زائر از آب زمزم بنوشد و مقداری از آن بر روی بدن خویش بریزد و در حالی که رو به کعبه است،

(1). جامع المدارک، ج 2، ص 514؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 121.

(2). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 411؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 426.

(3). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 257؛ مستندالشیعه، ج 12، ص 157.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 400؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 154.

این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ»؛ (1) «خدایا! این آب را علمی نافع و رزقی وسیع و شفای از هر درد و مرضی قرار ده».

(د) استلام یا اشاره به حجرالاسود

مستحب است حج گزار پیش از رفتن به صفا و مروه، نخست نزد حجرالاسود برود و آن را ببوسد یا استلام کند و در صورت نتوانستن، با دست به آن اشاره نماید و تکبیر بگوید؛ (2) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

ثُمَّ ارْجِعْ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَقَبِّلْهُ إِنَّ اللَّهَ تَطَعَتْ وَأَسَدَ تَقَبَّلَهُ وَكَبَّرَ ثُمَّ أَخْرَجَ إِلَى الصَّفَا. (3) پس از طواف، به طرف حجرالاسود برو و آن را اگر می توانی ببوس و اگر نتوانستی رو به آن کن و تکبیر بگو. سپس به طرف صفا خارج شو.

(ه) خروج از باب مقابل حجرالاسود

برای رفتن به صفا مستحب است زائر از در مقابل حجرالاسود با آرامش و وقار خارج شود و به طرف صفا و مروه برود؛ (4) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

ثُمَّ أَخْرَجَ إِلَى الصَّفَا مِنَ الْبَابِ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ الْبَابُ الَّذِي يُقَابِلُ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ حَتَّى تَقَطَعَ الْوَادِيَّ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ. (5) پس از طواف و نماز طواف، از دری که رسول خدا صلی الله علیه و آله از مسجد خارج می شد، خارج شو و آن در، مقابل حجرالاسود است... و بر تو باد به داشتن آرامش و وقار.

(و) بالا رفتن و وقوف طولانی بر صفا

از دیگر آداب سعی، آن است که زائر پس از رسیدن به کوه صفا، بالای کوه رود و

(1). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 258؛ دلیل الناسک، ص 283.

(2). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 258؛ مستندالشیعه، ج 12، ص 159.

(3). الکافی، ج 4، ص 512؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 252.

(4). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 130؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 413.

(5). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 146؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 476.

به اندازه تلاوت سوره بقره بر آن وقوف کند و اگر نمی تواند، هر اندازه که می تواند روی آن بایستد و رو به رکن حجرا لاسود کند و دعاهایی خاص را بخواند و هر یک از ذکرهای الله اکبر، لاله الا الله، الحمد لله و سبحان الله را صد مرتبه بر زبان جاری کند. (1)

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقِفُ عَلَى الصَّفَا بِقَدْرِ مَا يُقْرَأُ سُورَةُ الْبَقَرَةِ مُتَرَاتِلًا. (2) رسول خدا صلی الله علیه و آله به اندازه ای که می توان در آن وقت، سوره بقره را به صورت ترتیل تلاوت کرد، بر کوه صفا توقف می کرد.

افزون بر این، یکی از برکات ماندن طولانی بر صفا، زیاد شدن ثروت است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که می خواهد مالش زیاد شود، وقوف بر کوه صفا و مروه را طولانی کند». (3)

ز) انجام دادن سعی با آرامش و وقار

سعی میان صفا و مروه به صورت سواره نیز جایز است. ولی مستحب است زائر این مسافت را به صورت پیاده (4) همراه با آرامش و وقار و تواضع بپیماید؛ (5) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

ثُمَّ انْحَدِرْ مَشِيًّا وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ... ثُمَّ امْشِ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ حَتَّى تَأْتِيَ الْمَرْوَةَ. (6) سپس از کوه صفا به صورت پیاده و با آرامش و وقار پایین بیا... و پس از پایین آمدن نیز با آرامش و وقار حرکت کن تا به مروه برسی.

(1). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 259؛ جواهر الکلام، ج 19، صص 413-416.

(2). الکافی، ج 4، ص 432؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 146.

(3). الکافی، ج 4، ص 433؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 208.

(4). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 269؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 423.

(5). کتاب الحج، خویی، ج 5، ص 492؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 124.

(6). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 148؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 482.

ح) هروله کردن بخشی از سعی

در سعی میان صفا و مروه، مستحب است مردان بخشی از مسافت میان صفا و مروه را که با علامت خاصی معین شده است، هروله کنند؛ یعنی این مسافت را با حالت دویدن آهسته بپیمایند(1)؛ چنان که امام رضا علیه السلام فرمود:

فَإِذَا بَلَغْتَ حَدَّ السَّعْيِ... هَرُولٌ... وَقُلْ: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.(2) پس هرگاه به مکان هروله رسیدی، هروله کن و در حال هروله بگو: «خدایا! بیامرزم را و بر من رحم کن و گذشت نما از آنچه از گناهانم می دانی. پس تویی خداوند عزیز و کریم».

گفتنی است امام صادق علیه السلام درباره علت هروله کردن حج گزاران در این مکان، فرمود: «زیرا شیطان در این مکان بر حضرت ابراهیم علیه السلام ظاهر شد و آن حضرت از شیطان فرار کرد و آنجا یکی از منازل شیطان است».(3)

هروله از چنان اهمیت و فضیلتی برخوردار است که فقیهان بر اساس توصیه پیشوایان معصوم(4) علیهم السلام، گفته اند در صورت ترک هروله به سبب فراموشی یا غلی دیگر، مستحب است حج گزار به صورت عقب عقب، به ابتدای مکان هروله بازگردد، سپس مسافت مذکور را دوباره با هروله طی کند.(5)

ط) دعا و ذکر فراوان

مستحب است در سعی میان صفا و مروه، سعی کننده هم در حال راه رفتن و هم در حالت هروله، به دعا و ذکر الهی اشتغال داشته باشد. (6) برای سعی میان صفا و مروه،

(1). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 134؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 424.

(2). مستدرک الوسائل، ج 9، ص 444؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 404.

(3). علل الشرایع، ج 2، ص 433؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 252.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 537؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 447.

(5). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 212؛ مستندالشیعه، ج 12، ص 187.

(6). شرایع الاسلام، ج 1، ص 204؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 428.

دعاهایی خاص از پیشوایان معصوم علیهم السلام وارد شده است که این ادعیه در منابع روایی (1) و کتاب های دعا و آداب الحرمین ذکر شده است.

همچنین حج گزار می تواند هر دعا یا حاجتی را که خود تمایل داشته باشد در این مکان مقدس از خداوند طلب کند. افزون بر دعا، گفتن اذکاری خاص در حال سعی سفارش شده است؛ چنان که در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است:

فَإِذَا جُرْتَ حَدَّ السَّعْيِ فَأَقْطِعِ الْهَرُولَةَ... وَأَكْثِرْ مِنَ التَّسْبِيحِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّهْلِيلِ وَالتَّمْجِيدِ وَالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى تَبْلُغَ الْمَرْوَةَ. (2) پس آن گاه که از حد هروله گذشتی، هروله را قطع کن... و ذکرهای سبحان الله، الله اکبر، لا اله الا الله، الحمد لله و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله را فراوان بر زبان جاری کن تا به مروه برسی.

(ی) گریه کردن یا خود را به گریه زدن

از دیگر آداب سعی، گریه کردن یا خود را به گریه زدن است؛ (3) چنان که در حدیثی از امام صادق علیه السلام در این باره آمده است:

فَإِذَا أَتَيْتَ الْمَرْوَةَ فَاصْبِرْ... وَادْعُ كَمَا دَعَوْتَ عَلَى الصَّفَا وَاسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَوَائِجَكَ... وَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَبِكِ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرْ عَلَى الْبُكَاءِ فَتَبَاكَ وَاجْهَدْ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ عَيْنَيْكَ الدَّمُوعُ وَلَوْ مِثْلَ رَأْسِ الدُّبَابِ. (4) هرگاه به مروه رسیدی، بر آن صعود کن و همان گونه که در صفا دعا کردی، در اینجا نیز دعا کن و از خداوند حاجت هایت را بطلب و به درگاه خداوند عزوجل تضرع و گریه کن و اگر نتوانستی گریه کنی، خود را به گریه بزنی و تلاش کن تا از چشمانت حتی به قدر سر مگسی اشک خارج شود.

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 535؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 481.

(2). فقه الرضا، ص 220؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 444.

(3). دلیل الناسک، ص 228؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 125.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 536؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 446.

اشاره

از دیگر اعمال عمره مفرده و تمتع و حج، حلق و تقصیر است که افزون بر تکلیفی واجب در حج و عمره، از جایگاه و فضیلت زیادی نزد خداوند تبارک و تعالی برخوردار است. قرآن کریم نیز در آیات متعددی از این دو عمل یاد کرده است؛ از جمله در آیه ای از ورود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همراه مسلمانان به مسجدالحرام، با سرهای حلق و تقصیر شده، خبر می دهد و می فرماید:

(لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ...) (فتح: 27)

شما بدون شک به خواست خدا، در حالی که سر تراشیده و مو و ناخن کوتاه کرده اید، با خاطری آسوده وارد مسجدالحرام خواهید شد.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود:

فَإِذَا حَلَقَ شَعْرَهُ لَمْ يَسْقُطْ شَعْرَةٌ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ لَهُ بِهَا نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1) حج گزار آن گاه که سر خود را بتراند، خداوند به عدد هر مویی که از سر او ساقط می شود، برای او نوری در قیامت قرار می دهد.

همچنین آن حضرت فرمود:

آن گاه که مؤمن سرش را در منا بتراند و سپس موهای خود را دفن کند، در روز قیامت هر یک از این موها در حالی محشور می شود که زبانی آزاد دارد و با نام صاحبش لبیک می گوید. (2)

سر بکش از تیغ و فرود آر سر کرده ز سر تیر علایق به در

گر سر مویی است علایق تو را نیست یکی خدمت لایق تو را

در عمره مفرده، مکلف، میان تراشیدن سر یا کوتاه کردن مو و ناخن مخیر است. (3)

(1). تفسیر عیاشی، ج 1، ص 100؛ بحارالانوار، ج 96، ص 315.

(2). الکافی، ج 4، ص 502؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 214.

(3). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 332؛ کتاب الحج، خوبی، ج 3، ص 210.

ولی در عمره تمتع، وظیفه او تقصیر است و حلق سر بر وی حرام است. (1) در حج نیز با توجه به وجوب یا استحباب سفر، تکلیف حج گزار متفاوت است. افزون بر اعمال واجب حلق و تقصیر برای این دو عمل، آدابی نیز ذکر شده است که سبب کامل تر شدن آنها و پاداش بیشتر حج گزار می گردد که در اینجا به این آداب اشاره می کنیم:

الف) اختیار حلق

در عمره مفرده که مکلف، مخیر میان حلق و تقصیر است و در حج برای کسانی که میان انتخاب حلق یا تقصیر مخیرند، حلق از فضیلت بیشتری برخوردار است؛ (2) چنان که در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَامَ فِي الْعُمْرَةِ الْمَبْتُوتَةِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّينَ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلِلْمُقَصِّرِينَ؟ فَقَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّينَ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلِلْمُقَصِّرِينَ؟ فَقَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُقَصِّرِينَ. (3) رسول خدا صلی الله علیه و آله در عمره مفرده فرمود: «خدایا! حلق کنندگان را بیامرزد». به آن حضرت عرض شد: «و نیز تقصیرکنندگان را؟» حضرت دوباره فرمود: «خدایا! حلق کنندگان را بیامرزد». به آن حضرت عرض شد: «همچنین تقصیرکنندگان را؟» حضرت فرمود: «خدایا! تقصیرکنندگان را نیز بیامرزد».

در نقلی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که آن حضرت سه بار برای حلق کنندگان از خداوند طلب رحمت کرد. (4) یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نیز به نام «سالم بن ابی فضیل» می گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «ما با عمره وارد مکه شدیم. تقصیر کنیم یا حلق؟»

(1). الروضة البهية، ج 2، ص 228؛ كتاب الحج، خویی، ج 5، ص 105.

(2). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 317؛ جواهر الكلام، ج 19، ص 233.

(3). تهذيب الاحكام، ج 5، صص 243 و 438؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 511.

(4). فتح: 27.

حضرت فرمود: «حلق کنید؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حلق کنندگان سه مرتبه از خدا طلب رحمت کرد. ولی برای تقصیرکنندگان یک مرتبه».(1)

همچنین آن حضرت فرمود: «حلق از تقصیر بهتر است؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله سر خود را هم در حجه الوداع و هم در عمره حدیبیه حلق کرد».(2)

(ب) شروع از موهای جلوی سر

محرم در حلق یا تقصیر عمره یا حج ایرادی ندارد که حلق یا تقصیر را از هر قسمت سر یا ریش شروع کند. ولی مستحب است که پس از گفتن بسم الله و رو به قبله قرار گرفتن و خواندن دعایی خاص، حلق یا تقصیر را از موهای جلوی سر شروع کند؛(3) در روایتی از امام رضا علیه السلام در این باره آمده است:

هرگاه قصد تراشیدن سرت را داشتی، رو به قبله شو و از موهای جلوی سر شروع کن و تا انتهای موهای روییده بر دو استخوان موازی گوش حلق کن و پس از حلق بگو: «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» ؛ «خدایا! به عدد هر مویی، برای من نوری در قیامت قرار ده».(4) همچنین درباره سیره امام جواد علیه السلام در عمره آمده است:

امام جواد علیه السلام در سفر عمره، قصد تقصیر موهای سر را داشت. حلاق نخست از موهای اطراف سر شروع کرد. اما امام علیه السلام به او فرمود: «نخست از موهای جلوی سر شروع کن». او نیز تقصیر را از موهای جلوی سر آغاز کرد.(5)

ممکن است حکمت این عمل آن باشد که بیشترین زیبایی مو، برای موهای جلوی

(1) . من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 453؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 225.

(2) . مستدرک الوسائل، ج 10، ص 134؛ بحار الانوار، ج 96، ص 301.

(3) . تذکره الفقهاء، ج 8، ص 336؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 246؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 169.

(4) . من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 50؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 137.

(5) . الکافی، ج 4، ص 439؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 517.

سر است. از این رو، در حلق یا تقصیر، توصیه شده است که احرام گزار، نخست از آنچه نزد او محبوب تر است آغاز کند.

ج) تقصیر از همه مو و ناخن ها

در صورتی که وظیفه شخص، تقصیر است یا در تخییر میان حلق و تقصیر، تقصیر را برگزیده است، مستحب است که به موهای سر یا یک قسمت از سر اکتفا نکند. بلکه شایسته است که از موهای قسمت های مختلف سر، اعم از جلو، جانب راست، جانب چپ، عقب و موهای سیل و ریش نیز مقداری کوتاه کند و قسمتی از ناخن های خود را نیز بگیرد؛ (1) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا فَرَعْتَ مِنْ سَعِيكَ وَأَنْتَ مُتَمَتِّعٌ فَقَصِّرْ مِنْ شَعْرِكَ مِنْ جَوَانِبِهِ وَلِحْيَتِكَ وَخُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَقَلِّمْ أَظْفَارَكَ وَأَبْقِ مِنْهَا لِحْجَكَ... (2) هرگاه از سعی در عمره تمتع فارغ شدی، از موی همه قسمت های سر و ریش و سیل خود کوتاه کن و ناخن های خود را بگیر. ولی مقداری از آن را برای حج خود نگهدار.

یکی از اصحاب موسی بن جعفر علیه السلام نیز می گوید:

موسی بن جعفر علیه السلام را مشاهده کردم که هنگام خروج از احرام عمره، مقداری از موهای اطراف سر را کوتاه کرد. سپس به حلاق اشاره نمود که مقداری از موهای سیل و اطراف ریش آن حضرت را نیز کوتاه کند و پس از کوتاه کردن همه این قسمت ها، حضرت از مکان خویش بلند شد. (3)

د) تقصیر در مروه

در عمره مفرده یا تمتع، تقصیر در هر جای شهر مکه از جمله منزل و محل اقامت جایز است. ولی فقیهان گفته اند: مستحب است این عمل در مروه انجام شود. (4)

(1). الدروس، ج 1، ص 414؛ مهذب الاحکام، ج 14، ص 141.

(2). الکافی، ج 4، ص 439؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 375.

(3). الکافی، ج 4، ص 439؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 516.

(4). الدروس، ج 1، ص 414؛ الحدائق الناضره، ج 16، ص 300.

ه) دفن موهای حلق شده در منا

مستحب است حج گزار پس از حلق موهای خود در حج، آنها را در سرزمین منا دفن کند؛ (1) امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: «أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ كَانَا يَأْمُرَانِ أَنْ تُدْفَنَ شُعُورُهُمَا بِمِنَى»؛ (2) «امام حسن و امام حسین علیهما السلام دستور می دادند که موهایشان در منا دفن شود».

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام که ابتدای بحث آوردیم، از محشور شدن موهای دفن شده در منا در قیامت و لیبیک گفتن آنها از جانب حج گزار، یاد شده است. از این رو در احادیث متعدد دیگری آمده است که اگر کسی به سبب عذری، در مکه یا مکان دیگری سرش را حلق کرد، مستحب است که موهایش را به منا بفرستد تا در آنجا دفن شود. (3)

و) تأخیر حلق و تقصیر پس از بازگشت

اگر حج گزار در عمره یا حج، سر خود را تراشید، مستحب است کوتاه کردن یا حلق سر خود را در مرتبه بعد، به تأخیر اندازد؛ زیرا تا زمانی که موی حلق (موی تازه بعد از تراشیدن) روی سر مکلف قرار دارد، خداوند پاداش طواف برای او می نویسد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا يَزَالُ الْعَبْدُ فِي حَدِّ الطَّوَافِ بِالْكَعْبَةِ مَا دَامَ حَلْقُ الرَّأْسِ عَلَيْهِ»؛ (4) «بنده تا مادامی که موی حلق روی سر وی قرار دارد، در حال طواف کعبه است».

19. همانند شدن با احرام گزاران در ایام حج

در عمره تمتع، احرام گزار می تواند پس از انجام دادن سعی و تقصیر عمره، از احرام خارج شود و لباس های معمولی خود را بپوشد. ولی فقیهان گفته اند: مستحب است

(1). الحدائق الناضرة، ج 17، ص 236؛ مستند الشیعه، ج 12، ص 382.

(2). وسائل الشیعه، ج 14، ص 221.

(3). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 242؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 219.

(4). الکافی، ج 4، ص 547؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 215.

شخص متمتع و نیز اهالی شهر مکه که عمل عمره و حج را به جا نمی آورند، از آغاز مناسک حج تا پایان آن، خود را همانند احرام گزاران کنند و همچون آنان با دو تکه لباس سفید ندرخته (لباس احرام) در مکه رفت و آمد کنند؛ (1) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

يَنْبَغِي لِمُتَمِّعٍ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ إِذَا أَحَلَّ أَنْ لَا يَلْبَسَ قَمِيصاً وَلَيْسَبَةَ بِالْمُحْرِمِينَ. (2) سزاوار است که محرم پس از انجام دادن عمره تمتع و خروج از احرام، لباسی نپوشد و خود را با احرام گزاران همانند کند.

درباره اهل مکه نیز آمده است:

در ایام حج، شایسته نیست که اهل مکه لباس بپوشند. بلکه سزاوار است که خود را همانند احرام گزاران کنند و شایسته است که حاکم، آنان را توصیه و وادار به این عمل کند. (3)

در این روایات، افزون بر اینکه به زائران خانه خدا و مجاوران این خانه توصیه شده است که در ایام مناسک حج، لباس احرام بپوشند، به والیان اسلامی حاکم در این سرزمین نیز سفارش شده است که مردم را به انجام دادن این عمل ترغیب و وادار کنند که از این سفارش مؤکد، دو مطلب استفاده می شود:

مطلب نخست آن است که داخل لباس احرام بودن و رفت و آمد کردن با این لباس در شهر مکه، سبب خشنودی خداوند متعال است. در واقع او دوست دارد که در این ایام، همگان را در پوشش لباس احرام ببیند؛ هر چند آن افراد مشغول انجام دادن اعمال عمره یا حج نباشند.

مطلب دوم آن است که وقتی پوشیدن لباس احرام، بدون تکلیف و جویی، نزد خداوند محبوب است، بی شک پوشیدن آن در حال احرام به طریق اولی، موجب کسب

(1). الدروس، ج 1، ص 415؛ جواهر الکلام، ج 20، ص 457.

(2). الکافی، ج 4، ص 441؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 160.

(3). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 447؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 514.

رضای پروردگار خواهد بود. بنابراین اگر اعمال برخی زائران، به دلایلی، همچون پیری و ناتوانی، به طول انجامید و نتوانستند همچون دیگران زودتر از لباس احرام خارج شوند، نباید باعث نگرانی آنان شود. بلکه باید خوشحال باشند که توفیق حضور بیشتر در حال احرام برای آنان فراهم شده است و از محبوبیت و پاداش بیشتری نزد خداوند برخوردار شده اند.

20. آداب ورود و وقوف در عرفات

اشاره

عرفات نام سرزمینی مقدس با مساحتی حدود هجده کیلومتر مربع است که در فاصله حدود 21 کیلومتری مسجدالحرام و خارج از منطقه حرم واقع شده است.

سبب نامگذاری این سرزمین به عرفات، آن است که در این سرزمین، حضرت آدم علیه السلام به گناهایش اعتراف کرد و فرزندان آن حضرت نیز به پیروی از ایشان به گناهان خود اعتراف می کنند. (1) همچنین ممکن است بدان سبب باشد که حضرت آدم و حوا علیهما السلام پس از هبوط از بهشت و جدایی از یکدیگر، با هم در این سرزمین ملاقات کردند و یکدیگر را شناختند (2) یا بدان سبب است که جبرئیل در این مکان به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: به گناهات اعتراف کن و با مناسک حج خود آشنا شو (3) یا چون معرفت شخص به خدای متعال و معارف دین در این سرزمین زیاد می شود، این سرزمین را عرفات نامیده اند. (4)

به هر حال عرفات، سرزمینی بسیار مقدس و مبارک است که خداوند در آن، نظر ویژه ای به بندگان خویش دارد و درهای لطف و رحمت خویش را بر آنان می گشاید؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

- (1). کنزالدقائق، ج 2، ص 196؛ آثار اسلامی مکه و مدینه، ص 130.
- (2). ماوراء الفقه، ج 2، ص 235؛ مشاهد و مشاعر حج، ص 138.
- (3). علل الشرایع، ج 2، ص 436؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 196.
- (4). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 169؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 372.

ص: 278

قسم به کسی که مرا به عنوان بشیر و نذیر فرستاد! خداوند در دنیا ابوابی دارد به نام های: باب رحمت، باب توبه، باب حاجات، باب تفضل، باب احسان، باب جود، باب کرم و باب عفو که همه این ابواب را بر اهل عرفات می گشاید و همانا برای خداوند، صد هزار فرشته وجود دارد که با هر یک از این فرشتگان، 120 هزار فرشته دیگر است و این فرشتگان، رحمت الهی را به اهل عرفات نازل می کنند. (1)

امام باقر علیه السلام نیز به نقل از آن حضرت فرمود:

إِذَا وَقَّتْ بِعِرْفَاتٍ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ، فَلَوْ كَانَ عَلَيْكَ مِنَ الدُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ وَزَبَدِ الْبَحْرِ لَغَفَرَهَا اللَّهُ لَكَ. (2) پس آن گاه که در عرفات تا غروب خورشید وقوف کردی، اگر گناهان تو به اندازه شن های بیابان و ستارگان آسمان و قطرات باران باشد، خداوند آنها را می آمرزد.

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود:

مَا يَفْقُ أَحَدٌ عَلَى تِلْكَ الْجِبَالِ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ؛ فَأَمَّا الْبُرُّ فَيَسْتَجَابُ لَهُ فِي آخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ وَأَمَّا الْفَاجِرُ فَيَسْتَجَابُ لَهُ فِي دُنْيَاهُ. (3) هیچ شخص نیکوکار یا فاسقی در آن کوه ها (عرفات، مشعر و منا) وقوف نمی کند؛ مگر اینکه خداوند دعایش را مستجاب می کند. دعای نیکوکار هم درباره دنیا و هم آخرتش مستجاب می شود. اما دعای فاسق، تنها درباره دنیایش مستجاب می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

آن گاه که شامگاه عرفه فرا می رسد، خداوند خطاب به ملائکه اش می فرماید: به بندگان و کنیزانم نگاه کنید که چگونه پریشان وضع و غبار آلودند. من شما را گواه می گیرم که حاجیان و غیر حاجیان آنان را آمرزیدم. پس آنقدر خداوند در این روز و شب، بندگانش را از آتش جهنم آزاد می کند که در هیچ روزی همانند آن، آزاد نکرده است. (4)

(1). وسائل الشیعه، ج 13، ص 55؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 419.

(2). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 20؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 161.

(3). الکافی، ج 4، ص 262؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 210.

(4). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 32؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 469.

بر اساس روایات ائمه علیهم السلام، سبب وقوف در این سرزمین - که بیرون از حرم قرار دارد - آن است که میهمانان الهی در آستانه ورود به حرم و خانه خدا، تضرع و انابه کنند و پس از پاک شدن از گناهان، به خانه میزبان وارد شوند. (1)

یا رب به دیار برکات آمده ایم با روی سیاه در عرفات آمده ایم

شرمنده ز طاعتیم و نادم ز گناه سوی تو به امید نجات آمده ایم

عمل واجبی که حاجیان در این سرزمین انجام می دهند، آن است که باید از ظهر روز عرفه، یعنی روز نهم ذی حجه، تا غروب شرعی با نیت در این سرزمین حضور داشته باشند که در اصطلاح فقه به آن «وقوف» می گویند. (2)

افزون بر عمل واجب یاد شده، حضور در این سرزمین، آداب و اعمال مستحب فراوانی دارد که شایسته است حج گزار این آداب را به جا آورد که در اینجا به آنها اشاره می کنیم:

الف) حرکت و حضور با آرامش، وقار و تواضع

از جمله آداب مهم این سرزمین، آن است که حج گزار از همان آغاز حرکت به سوی این سرزمین، با خضوع، آرامش و وقار حرکت کند (3) و هنگام وارد شدن به عرفات (4) و حضور در این سرزمین نیز حالت سکینه، وقار و آرامش خود را حفظ کند.

ب) تلاوت دعا هنگام حرکت

مستحب است حج گزار هنگام حرکت از مکه به طرف عرفات، این دعا را بخواند: (5)

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَدَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ وَقَوْلَكَ صَدَقْتُ وَأَمْرَكَ اتَّبَعْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي أَجَلِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنَّا.

(1). الكافي، ج 4، ص 224؛ تهذيب الاحكام، ج 5، ص 448.

(2). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 32؛ جامع احاديث الشيعة، ج 11، ص 469.

(3). الكافي، ج 4، ص 454؛ تهذيب الاحكام، ج 5، ص 167.

(4). من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 541؛ وسائل الشيعة، ج 13، ص 538.

(5). تذكرة الفقهاء، ج 8، ص 167؛ كتاب الحج، خوبی، ج 5، ص 495.

ج) تلبیه گفتن تا عرفات

مستحب است حج گزار از هنگام حرکت تا رسیدن به عرفات و ظهر روز عرفه، تلبیه را تکرار کند. اما با رسیدن وقت ظهر شرعی، گفتن تلبیه جایز نخواهد بود. (1)

د) طهارت و غسل

وقوف در عرفات بدون وضو و غسل نیز جایز است. اما از مستحبات مؤکد، آن است که حج گزار در این سرزمین، با طهارت و غسل باشد؛ (2) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «وَلَا تَقِفْ إِلَّا وَأَنْتَ عَلَى طَهْرٍ وَقَدْ اغْتَسَلْتَ»؛ (3) «و در سرزمین عرفات وقوف نکن؛ مگر اینکه با طهارت و غسل کرده باشی». فقیهان گفته اند: بهتر است غسل هنگام زوال خورشید و ظهر شرعی انجام شود. (4)

ه) اصرار در دعا و مناجات

از بهترین آداب و اعمال مستحب در این سرزمین، دعا و مناجات است که در احادیث فراوانی از پیشوایان دین بر انجام دادن و اصرار بر این عمل تأکید شده است؛ از جمله در حدیثی منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است:

وَاجْتَهِدْ فِي الدُّعَاءِ وَالتَّضَرُّعِ وَالْحَيْحِ قَائِمًا وَقَاعِدًا إِلَى أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ. (5) در دعا و تضرع کردن به درگاه خدا تلاش بسیار کن و در این عمل چه ایستاده و چه نشسته تا هنگام غروب خورشید اصرار نما.

در روایتی از امام صادق علیه السلام به جمع خواندن نماز ظهر و عصر در این سرزمین توصیه شده و درباره سبب آن آمده است:

(1). الحدائق الناضرة، ج 15، ص 95؛ جواهر الکلام، ج 18، ص 274؛ کتاب الحج، خوبی، ج 5، ص 495.

(2). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 400؛ کتاب الحج، خوبی، ج 5، ص 496؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 134.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 541.

(4). جواهر الکلام، ج 19، ص 13؛ کتاب الحج، خوبی، ج 5، ص 496؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 134.

(5). فقه الرضا، ص 223؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 27.

وَإِنَّمَا تَعْجَلُ الْعَصْرَ وَتَجْمَعُ بَيْنَهُمَا لِتُفَرِّغَ نَفْسَكَ لِلدُّعَاءِ فَإِنَّهُ يَوْمٌ دُعَاءٍ وَمَسْأَلَةٍ. (1) همانا بدان سبب در خواندن نماز عصر تعجیل می گردد و نماز ظهر و عصر با هم خوانده می شود تا وقت تو برای دعا فارغ گردد؛ زیرا روز عرفه، روز دعا و درخواست است.

همچنین آن حضرت پس از توصیه به خواندن دعایی خاص، فرمود: «اگر این دعا تمام شد و خورشید هنوز غروب نکرده بود، خواندن دعا را دوباره از اول اعاده کن و از دعا و تضرع کردن و درخواست حاجت خسته نشو». (2)

بر اساس برخی احادیث، حج گزار و میهمان الهی می تواند در این سرزمین، هر دعا و حاجتی را که به ذهنش می رسد، اعم از دنیوی یا اخروی از خداوند بخواهد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «وَتَخَيَّرَ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ مَا أَحْبَبْتَ وَاجْتَهِدْ فَإِنَّهُ يَوْمٌ دُعَاءٍ وَمَسْأَلَةٍ»؛ (3) «هر دعایی که دوست داشتی برای خودت انتخاب کن و در دعا کردن بسیار تلاش کن؛ زیرا روز عرفه، روز دعا و درخواست است».

ولی ائمه معصوم علیهم السلام، دعاهاى خاصی را نیز برای این سرزمین ذکر کرده اند که خواندن آنها در اولویت قرار دارد؛ (4) از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «آیا دوست داری به تو دعای روز عرفه را که دعای پیامبران قبل از من در این سرزمین بود بیاموزم؟» امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «بله یا رسول الله». سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را برای آن حضرت قرائت فرمود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَخَيْرٌ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَدِينِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ تَرَاتِي وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي

(1). الكافي، ج 4، ص 467؛ تهذيب الاحكام، ج 5، ص 179.

(2). من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 542؛ وسائل الشيعه، ج 13، ص 542.

(3). الكافي، ج 4، ص 464؛ تهذيب الاحكام، ج 5، ص 182.

(4). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 384؛ جواهر الكلام، ج 19، ص 50.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ وَسْوَاسِ الصَّدْرِ وَمِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيَّاحُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيَّاحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ. (1) از جمله دعاهای دیگری که خواندنش در این روز سفارش شده، دعای عرفه امام حسین و امام سجاد علیهما السلام است.

(2) همچنین مستحب است نزدیک غروب آفتاب این دعا را که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام غروب آفتاب تلاوت می کرد، خوانده شود: (3)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ تَشْتِئِ الْأَمْرِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. أَصَبِحَ ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَأَصْبَحَ وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سَأِلَ، وَأَجُودَ مَنْ أَعْطَى، وَأَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحِمَ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَأَلْبَسَنِي عَافِيَتِكَ، وَأَصْرَفَ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ. (4) پس از غروب آفتاب نیز مستحب است این دعا را که امام صادق علیه السلام به خواندن آن سفارش فرمود، خوانده شود:

(5) اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ أَبَدًا مَا أَبَيْتَنِي وَأَقْلَبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحِجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَهِ وَالْعَافِيَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيهِمَا أَرْجِعْ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيهِ. (6) هنگام حرکت و خروج از عرفات نیز توصیه شده است که حج گزار دعای

(1) . من لايحضره الفقيه، ج 2، ص 542؛ تهذيب الاحكام، ج 5، ص 183.

(2) . الحدائق الناضرة، ج 16، ص 39؛ دليل الناسك، ص 333.

(3) . مدارك الاحكام، ج 7، ص 412؛ الحدائق الناضرة، ج 16، ص 389.

(4) . الكافي، ج 4، ص 464؛ وسائل الشيعه، ج 13، ص 559.

(5) . الحدائق الناضرة، ج 16، ص 389؛ كتاب الحج، خويي، ج 5، ص 500.

(6) . تهذيب الاحكام، ج 5، ص 187؛ وسائل الشيعه، ج 13، ص 560.

ص: 283

« اللهم اعتقني من النار » ؛ «خدایا! مرا از آتش جهنم نجات بده» را که امام صادق علیه السلام هنگام حرکت از عرفات تکرار می کرد، بسیار تکرار کند. (1)

و) قرائت قرآن

از دیگر آداب و اعمال مستحب در سرزمین عرفات، قرائت ده آیه نخست سوره بقره، سه مرتبه قرائت سوره توحید، آیه الکرسی، آیات 54 تا 56 سوره اعراف، سوره فلق و سوره ناس است. (2) همچنین در برخی روایات و منابع فقهی، خواندن صدمرتبه سوره توحید، سوره قدر، و آیه الکرسی سفارش شده است. (3)

ز) فراوان ذکر گفتن

عمل مستحب دیگر در این سرزمین، گفتن ذکر است؛ مانند زیاد صلوات فرستادن بر پیامبر و آل آن حضرت علیهم السلام، صدمرتبه الحمد لله، صدمرتبه سبحان الله، صدمرتبه الله اکبر، صدمرتبه لا اله الا الله، صدمرتبه «ما شاء الله لا قوة الا بالله» (4) و هفتاد مرتبه ذکر «استغفر الله ربی و اتوب الیه». (5)

افزون بر آداب مذکور، مستحبات دیگری نیز برای این سرزمین ذکر شده است که برخی از آنها عبارت اند از:

- رو به قبله بودن هنگام وقوف، چه در حال عبادت باشد و چه مشغول کار دیگری همچون استراحت باشد.

- نیت وقوف را علاوه بر قلب، بر زبان نیز جاری کند.

- خطبه خواندن قبل از نماز ظهر و آگاه کردن مردم با مناسک و احکام حج.

- جمع خواندن نماز ظهر و عصر با یک اذان و دو اقامه.

(1). مناسک حج، امام خمینی، ص 195؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 140.

(2). جواهر الکلام، ج 19، ص 54؛ دلیل الناسک، ص 336.

(3). الکافی، ج 4، ص 464؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 135.

(4). کتاب الحج، خویی، ج 5، ص 497؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 135.

(5). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 388؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 55.

- دور ساختن هر آنچه موجب تشویش حواس می گردد. به همین علت توصیه شده است که شخص، اثاث خود را دور خویش جمع کند و راه عبور و مرور دیگران را از جلو و کنار خود ببندد تا رفت و آمد دیگران، سبب پرت شدن حواس او نشود.

- پناه بردن به خداوند از شر شیطان؛ زیرا بر اساس برخی روایات، هیچ مکانی نزد شیطان برای غافل کردن بنده از خدا، محبوب تر از سرزمین عرفات نیست. (1)

- هفتاد بار درخواست بهشت کردن از خداوند با گفتن ذکر «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» .

21. آداب ورود و وقوف در مشعرالحرام

اشاره

مشعرالحرام که به آن «مُزْدَلِفَه» و «جُمَع» نیز گفته می شود، سرزمین کوچکی است با طول حدود چهار هزار متر که میان عرفات و سرزمین منا قرار دارد. «مشعر»، اسم مکان از ماده شعور است و بدان سبب به این سرزمین مشعر گفته شده است که انسان بعد از شناخت در عرفات، در این مکان به شعور و آگاهی می رسد. (2)

«مزدلفه» نیز از ریشه «ازدلاف» به معنای قرب، درجه و منزلت است و چون جبرئیل در این سرزمین به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «ازدلف الی مشعر الحرام»؛ (به مشعرالحرام نزدیک شو) به آن مزدلفه گفته اند (3) و بدان علت به آن «جُمَع» گفته اند که حضرت آدم علیه السلام در این مکان، میان نماز مغرب و عشا جمع کرد (4) یا بدان سبب که مستحب است در این مکان، نماز مغرب و عشا جمع خوانده شود. (5)

مشعرالحرام، در محدوده حرم و ابتدای ورود به آن قرار دارد و سرّ وقوف دوباره در این سرزمین، براساس روایات پیشوایان دین، آن است که حج گزار قبل از ورود به

(1). الکافی، ج 4، ص 464؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 182.

(2). مشاهد و مشاعر حج، ص 250.

(3). علل الشرایع، ج 2، ص 436؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 11.

(4). علل الشرایع، ج 2، ص 436؛ بحارالانوار، ج 96، ص 266.

(5). وسائل الشیعه، ج 14، ص 15؛ مستدرک الوسائل، ج 4، ص 50.

مسجدالحرام، در این سرزمین تقوا و خوف از خدا را شعار خود قرار دهد(1) و با تضرع و دعا و ناله در این مکان و قربانی و رمی جمرات و حلق در منا، آلودگی های خود را بزدايد و با روحی طاهر به حرم امن الهی و بیت الله الحرام وارد شود.(2) این سرزمین در پیشگاه خداوند، فضیلت فراوانی دارد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَطَوَّلَ عَلَيْكُمْ فِي جَمْعِكُمْ هَذَا، فَوَهَبَ مُسِيئَتِكُمْ لِمُحْسِنِكُمْ، وَأَعْطَى مُحْسِنِكُمْ مَا سَأَلَ.(3) خداوند در این سرزمین بر شما منت نهاده و گناهکاران شما را به سبب نیکوکارانتان بخشوده است و به نیکوکارانتان آنچه را بخواهند، عطا می کند.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

أَنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَا تُغْلَقُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ لِأَصْوَاتِ الْمُؤْمِنَانَ لَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَنَا رَبُّكُمْ وَأَنْتُمْ عِبَادِي أَدَيْتُمْ حَقِّي وَحَقِّي عَلَيَّ أَنْ أَسْأَلَ تَجِيبَ لَكُمْ فَيَحْطُّ اللَّهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ عَمَّنْ أَرَادَ أَنْ يَحْطَّ عَنْهُ ذُّوبُهُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ.(4) همانا درهای آسمان، به سبب دعاهاى مؤمنان، در شب مشعر بسته نمی شود.... خداوند جلیل می فرماید: «من پروردگار شمايم و شما بندگانم هستيد؛ حق مرا ادا کردید. پس واجب است بر من که شما را اجابت کنم». پس خداوند در آن شب، گناهان کسانی که اراده محو شدن گناهانشان را دارد، محو می کند و کسانی که قصد آمرزش آنان را دارد، می آمرزد.

شب مشعر شب راز و نیاز است در رحمت به روی خلق باز است

رسد آواز هل من تائب باز گناهکاران کنون وقت نیاز است

بیايد ای گناهکاران بیايد که حق، بخشنده و بنده نواز است

فغان و ناله و آه گناهگار به تاریکی شب، پس چاره ساز است

نفس باقی و فرصت هست در دست الا ای عاصیان هنگام راز است

(1). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 170؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 373.

(2). الکافی، ج 4، ص 224؛ علل الشرایع، ج 2، ص 443.

(3). سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1006؛ کنز العمال، ج 5، ص 63.

(4). الکافی، ج 4، ص 469؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 212.

عمل واجب حاجیان در این سرزمین، درنگ و وقوف در آن، از طلوع صبح روز دهم ذی حجه تا طلوع آفتاب است. (1) ولی افزون بر این، برای این سرزمین، آداب و مستحبات فراوانی نیز ذکر شده است که در اینجا به آداب مهم آن اشاره می‌کنیم:

الف) حرکت با آرامش و وقار

مستحب است حج گزار هنگام حرکت از عرفات به طرف مشعر با اعتدال، آرامش و وقار حرکت کند و از شتاب در حرکت بپرهیزد و هنگام حرکت نیز زبان و قلبش به استغفار مشغول باشد؛ (2) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا عَرَبَتِ الشَّمْسُ فَأَفِضْ مَعَ النَّاسِ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ وَأَفِضْ بِاللَّيْلِ تَغْفَارًا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (بقره: 1 صلی الله علیه و آله صلی الله علیه و آله) (3) آن گاه که خورشید غروب کرد، با مردم کوچ کن؛ درحالی که با آرامش و وقاری و در حال کوچ استغفار کن؛ زیرا خداوند عزوجل می فرماید: «سپس کوچ کنید از همانجا که مردم کوچ می کنند و استغفار کنید از خدا؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است».

سپس آن حضرت فرمود:

از حرکت با شتاب که بسیاری از مردم آن را انجام می دهند اجتناب کن؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام سفر حج فرمود: «ای مردم! حج، با حرکت دادن تند اسبان و دواندن شتران انجام نمی شود. بلکه باید تقوای الهی را پیشه کرده و نیکو حرکت کنید، ضعیفی را پایمال نکنید و با اعتدال حرکت کنید». پیامبر نیز خود افسار شتر را تا آنجا می کشید که سر شتر به پاهای آن حضرت نزدیک می شد و در همان

(1). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 436؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 85.

(2). مستند الشیعه، ج 12، ص 231؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 62؛ مهذب الاحکام، ج 14، ص 204.

(3). الکافی، ج 4، ص 467؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 187.

هنگام خطاب به مردم می فرمود: «ای مردم! بر شما باد به آرامش». سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «در حرکت باید از سنت پیامبر پیروی کرد». (1)

در حالات امام صادق علیه السلام هنگام حرکت از عرفات نیز، چنین آمده است:

مشاهده کردند آن حضرت پس از غروب آفتاب در عرفات ایستاد و حرکت نکرد. از آن حضرت سؤال کردند که چرا کوچ نمی کنید؛ در حالی که مردم همه در حال کوچ اند؟ حضرت در پاسخ فرمود: «من از شلوغی خوف دارم و می ترسم که در به رنج افتادن انسانی شریک گردم». (2)

(ب) تأخیر انداختن نماز مغرب و عشا تا مشعر

مستحب است حج گزار نماز مغرب و عشا را به تأخیر اندازد تا به مشعرالحرام برسد و این دو نماز را در آنجا با یک اذان و دو اقامه بخواند؛ (3) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا تُصَلِّ الْمَغْرِبَ حَتَّى تَأْتِيَ جَمْعًا وَإِنْ ذَهَبَ ثُلُثُ اللَّيْلِ»؛ (4) «نماز مغرب را در عرفات نخوان تا به سرزمین جمع (مشعرالحرام) برسی؛ هر چند یک سوم شب بگذرد».

در حدیثی دیگر، آن حضرت فرمود:

این دو نماز را نخوان تا اینکه به جمع (مشعرالحرام) برسی؛ هر قدر از شب که بگذرد؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز مغرب و عشا را با یک اذان و دو اقامه در مشعرالحرام اقامه کرد؛ همان گونه که نماز ظهر و عصر را در عرفات این گونه اقامه کرد. (5)

البته استحباب این مسئله در صورتی است که حج گزار به موقع به مشعرالحرام برسد یا حداقل بعد از رسیدن به مشعر، به اندازه اقامه نماز مغرب و عشا وقت داشته باشد.

(1). همان.

(2). الکافی، ج 4، ص 467؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 6.

(3). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 194؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 64.

(4). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 188؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 12.

(5). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 188؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 12.

ص: 288

اما اگر احتمال می دهد که ممکن است بر اثر ازدحام جمعیت و ترافیک ماشین ها به موقع به مشعرالحرام نرسد، لازم است که نماز خود را قبل از حرکت بخواند.

ج) احیاء و شب زنده داری شب مشعر

شب مشعرالحرام یکی از شب های مبارک و بافضیلتی است که بر بیدار بودن و عبادت در آن، بسیار تأکید شده است؛ (1) هرچند شخص در وطن خود باشد و در مشعرالحرام حضور نداشته باشد؛ (2) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَطَعَتْ أَنْ تُحْيِيَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ فَأَفْعَلُ فَإِنَّهُ بَلَّغْنَا أَنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَا تُغْلَقُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ لِأَصْوَاتِ الْمُؤْمِنَانَ لَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ. (3) اگر می توانی آن شب [شب مشعرالحرام] را احیاء بداری، این عمل را انجام ده؛ زیرا به ما خبر رسیده است که درهای آسمان در این شب به سبب دعاهاى مؤمنان بسته نمى شود. صدای مؤمنان در این شب بر اثر کثرت مناجات، همچون صدای زنبور عسل است.

همچنین آن حضرت فرمود:

امیر مؤمنان علی علیه السلام بسیار دوست می داشت که چهار شب، خود را برای عبادت، فارغ کند: شب اول رجب، شب عید قربان، شب عید فطر و شب نیمه شعبان. (4)

بنابراین، شب مشعر، شب راز و نیاز است. شب عبادت است، شبی است که شایسته است انسان با تضرع به درگاه الهی، گناهان و آلودگی های خود را بزداید و آمرزش آنها را از خداوند طلب کند.

اما با تأسف باید گفت بسیاری زائرانی که در این سرزمین و در این شب بسیار

(1). جواهر الکلام، ج 19، ص 81؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 19.

(2). سداد العباد و رشاد العباد، ص 342.

(3). الکافی، ج 4، ص 469؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 189.

(4). وسائل الشیعه، ج 7، ص 478؛ مستدرک الوسائل، ج 6، ص 148.

روحانی و مقدس، در حال غفلت به سر می برند و وقتی به مشعر می رسند، به جای عبادت و راز و نیاز با خداوند، به دنبال گوشه ای برای خوابیدن و استراحت می گردند که به یقین چنین افرادی خود را از برکات عظیم معنوی این شب محروم می کنند که جبران آن به آسانی امکان پذیر نخواهد بود.

(د) دعا و ذکر فراوان

مستحب است مؤمنان و حج گزاران در این شب برای خود و دیگران، فراوان دعا کنند و همه اوقات خویش را به ذکر الهی و تضرع و ابتهال بگذرانند. (1)

حج گزار می تواند هر دعا و خواسته مشروعی را در این سرزمین از خداوند بخواهد. ولی دعاها و ذکرهای خاصی نیز برای این سرزمین ذکر شده است که خواندن این دعاها و اذکار اولویت دارد؛ از جمله آنها، استغفار هنگام حرکت به طرف مشعر و ذکر « اللهم اعتقني من النار » است که امام صادق علیه السلام هنگام حرکت از عرفات آن را بر زبان جاری می کرد. (2) همچنین زائر هنگامی که به سرزمین مشعر رسید، مستحب است این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقِيَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ. (3) همچنین مستحب است حج گزار پس از نماز صبح در مشعر الحرام، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمت ها و تفضلات حضرت حق را یادآوری کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد و سپس این دعا را بخواند:

(4)

(1). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 199؛ مهذب الاحکام، ج 14، ص 226؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 81.

(2). مناسک الحج، گلپایگانی، ص 140؛ کتاب الحج، شاهرودی، ج 4، ص 8.

(3). الحدائق الناضرة، ج 16، ص 429؛ کتاب الحج، خوبی، ج 5، ص 502.

(4). جواهر الکلام، ج 19، ص 69؛ کتاب الحج، خوبی، ج 5، ص 502.

اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَكَرِّبِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقِهِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتِي وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي. همچنین مستحب است که در این سرزمین، هر کدام از ذکرهای الله اکبر، الحمد لله، سبحان الله و لا اله الا الله را صدبار تکرار کند و سپس صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بفرستد. (1)

ه) جمع کردن سنگریزه های رمی جمرات

سنگریزه های رمی جمرات که هفتاد سنگریزه است را می توان از هر نقطه حرم جمع کرد. ولی مستحب است این سنگریزه ها از سرزمین مشعر جمع آوری شود. (2) در جمع آوری سنگریزه ها نیز این اعمال مستحب شمرده شده است:

- سنگریزه ها شبانه از مشعر جمع آوری شود.

- سنگریزه به رنگ سر مه ای باشد؛

- نقطه دار باشد؛

- شکسته نشده باشد؛

- سخت نباشد. بلکه تا حدودی سست باشد؛

- اندازه آن به اندازه بند انگشت باشد؛

- در صورت آلوده بودن، شسته شود. (3)

افزون بر آداب ذکر شده برای این سرزمین، آداب دیگری نیز بیان شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

- با طهارت بودن هنگام وقوف در مشعر؛

(1). الحدائق الناضرة، ج 19، ص 80؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 141.

(2). جواهر الکلام، ج 19، ص 80؛ مستند الشیعه، ج 12، ص 272.

(3). الحدائق الناضرة، ج 16، صص 475 و 476؛ مستند الشیعه، ج 12، ص 276.

- توقف و گام نهادن در مشعرالحرام برای شخص ضروره (کسی که برای نخستین بار حج را به جا می آورد)؛

- هفت مرتبه به گناهان اعتراف کردن؛

- حرکت کردن به طرف منادکی قبل از طلوع خورشید؛

- استغفار از گناهان هنگام حرکت به طرف منا؛

- هروله کردن هنگام عبور از وادی محسر (سرزمین میان مشعر و منا که خداوند اصحاب فیل را در آن نابود کرد) به مقدار صد قدم و خواندن این دعا: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَأَخْلُفْنِي فِي مَنْ تَرَكَتُ بَعْدِي».

همچنین مستحب است، اگر هروله را به عمد یا از روی فراموشی یا غفلت ترک کرد، دوباره به قبل از وادی محسر بازگردد و این مسافت را به صورت هروله طی کند. (1)

- عبور نکردن از وادی محسر قبل از طلوع آفتاب. (2)

22. آداب ورود و وقوف در منا

اشاره

«منا» دره ای به طول حدود 2/5 تا 3/5 کیلومتر و عرض 500 تا 700 متر است که بعد از وادی محسر آغاز و به جمره عقبه ختم می شود. منا به معنای آرزوست و بر اساس حدیثی از امام صادق علیه السلام، بدان سبب به این سرزمین منا گفته شده است که جبرئیل در این سرزمین به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «تمن یا ابراهیم»؛ (3) «ای ابراهیم! آرزوی خودت را از خدا بخواه».

در حدیثی از امام رضا علیه السلام نیز آمده است که جبرئیل در این سرزمین به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: ای ابراهیم! هر آرزویی داری در این سرزمین از خداوند بخواه و

(1). مناسک الحج، گلپایگانی، ص 14؛ دلیل الناسک، ص 375.

(2). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 213؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 11.

(3). علل الشرایع، ج 2، ص 435؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 197.

حضرت ابراهیم علیه السلام در نفس خویش آرزو کرد که خداوند به جای ذبح فرزندش، قوچی را برای فدیة و قربانی قرار دهد و خداوند نیز آرزوی ابراهیم علیه السلام را برآورده کرد. (1) این سرزمین نیز نزد خداوند، بسیار مقدس و مبارک است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أَخَذَ النَّاسُ مَنَازِلَهُمْ بِمَنَى نَادَى مُنَادٍ يَا مَنَى قَدْ جَاءَ أَهْلَكَ فَاتَّسِعِي فِي فِجَاجِكَ وَأَتْرَعِي فِي مَثَابِكِ وَمُنَادٍ يُنَادِي لَوْ تَدْرُونَ بِمَنْ حَلَلْتُمْ لَا يَتَّقْتُمْ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْمَغْفَرَةِ. (2) آن گاه که مردم در منازل خود در منا، جای می گیرند، منادی الهی ندا می دهد که ای منا! اهل تو آمدند، پس دره هایت را گشاده و پاداشت را کامل عطا کن و منادی دیگری نیز خطاب به مردم می گوید: اگر بدانید به میهمانی چه کسی وارد شده اید، یقین خواهید کرد که شما را می آمرزد و اموالی را که هزینه کرده اید، جایگزین خواهد کرد.

همچنین حضرت در حدیثی دیگر فرمود:

آن گاه که حج گزاران در منازل خود در منا، جای می گیرند، منادی الهی از جانب خداوند خطاب به آنان ندا می دهد: اگر آمده اید تا خداوند از شما راضی شود، پس بدانید که من از شما راضی شدم. (3)

همچنین آن حضرت فرمود:

آن گاه که حج گزار پس از اقامت در منا از آن کوچ می کند، فرشته ای از فرشتگان الهی دستش را به کتف حج گزار می گذارد و خطاب به او می گوید: «خداوند گناهانت را آمرزید. پس زندگی را از نو آغاز کن». (4)

نسیمی از صبای دوست دارم به گوش دل ندای دوست دارم

میان این همه دل بستگی ها تمنای منای دوست دارم

(1). علل الشرایع، ج 2، صص 435 و 436؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 98.

(2). الکافی، ج 4، ص 256؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 209.

(3). الکافی، ج 4، ص 262؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 209.

(4). وسائل الشیعه، ج 11، ص 106.

در این سرزمین، حاجیان روزهای دهم تا دوازدهم و برخی تا سیزدهم ذی حجه حضور دارند و اعمال واجبی همچون رمی جمرات، قربانی، حلق یا تقصیر و بیتوته در این سرزمین را به جا می آورند. البته افزون بر اعمال واجب مذکور و مستحبات هر یک از آنها، خود حضور در این سرزمین، آداب و مستحبات خاصی دارد که شایسته است حاجیان در حد توان و امکان، این اعمال را به جا آورند. در اینجا به مهم ترین این آداب اشاره می کنیم:

الف) دعا و مناجات

بر اساس روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام، یکی از حکمت های توقف در سرزمین منا، همانند دو موقف دیگر، پرداختن به دعا و مناجات و تضرع و طلب بخشش از خداوند است. از این رو، یکی از اعمال مهم در این مکان، دعا و مناجات و تضرع به درگاه خداوند است.

برای سرزمین منا، همچون عرفات و مشعر، هم دعای خاص وارد شده است و هم به طور عام، مؤمنان به دعا و مناجات در این سرزمین توصیه شده اند. از جمله دعاهای خاص این سرزمین، خواندن این دعاست که در روایتی از امام صادق علیه السلام به آن سفارش شده است: (1) «اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِنِّي مِمَّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ، فَاسْأَلْكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيْنَا بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ». (2).

در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام نیز این دعا برای هنگام ورود به منا سفارش شده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو وَلاَ كَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ عَمَلِي اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ مِنِّي وَمَا دَلَلْتَنَا عَلَيْهِ وَمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمُقَاسَاةِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ فِيهَا بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَائِكَ وَأَهْلٍ

(1). شرایع الاسلام، ج 1، ص 188؛ مسالك الافهام، ج 2، ص 292.

(2). الكافي، ج 4، ص 461؛ تهذيب الاحكام، ج 5، ص 178.

طَاعَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَنْ تُؤَفِّقَ لَنَا مَا وَفَّقْتَ لَهُمْ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ. (1) افزون بر این، در روایات منقول از اهل بیت علیهم السلام، به مطلق دعا و مناجات در این سرزمین با هر حاجت و زبانی که زائر تمایل داشته باشد، سفارش شده است؛ از جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه ای که برای مسلمانان در روز عید قربان در این سرزمین ایراد کردند، خطاب به آنان فرمود:

ای مردم! این روز، روز ریختن خون در این سرزمین است. پس کسی که بانیت صادق در این سرزمین قربانی کند، اولین قطره خونی که از قربانی او بر زمین می ریزد، کفاره گناهایش خواهد بود و نیز روز دعاست. پس به درگاه الهی در این سرزمین دعا کنید؛ زیرا سوگند به کسی که جان من در دست اوست، از این مکان هیچ کس باز نمی گردد؛ مگر اینکه گناهایش آمرزیده شود؛ به جز صاحبان گناهان کبیره ای که بر گناه خود اصرار ورزیده و قصد دل کندن از آن را نداشته باشند. (2)

امام رضا علیه السلام نیز فرمود:

فَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ الذَّبْحِ فَأْتِ رَحْلَكَ وَصَلِّ رُكْعَتَيْنِ وَادْعُ اللَّهَ وَسَلِّ حَاجَتَكَ. (3) هرگاه از ذبح قربانی فارغ شدی، به مکان اقامت خود بیا و دو رکعت نماز بخوان و دعا کن و حاجت خود را از خداوند بطلب.

(ب) مبادرت به رمی جمره عقبه

یکی از اعمالی که حج گزار در سرزمین منا انجام می دهد، رمی جمرات است. این عمل نزد خداوند فضیلت و پاداش فراوانی دارد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِذَا رَمَيْتَ الْجِمَارَ، كَانَ لَكَ بِكُلِّ حَصَاةٍ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، تُكْتَبُ لَكَ لِمَا يُسْتَقْبَلُ مِنْ عُمْرِكَ. (4)

(1). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 16؛ جامع احادیث الشیعه، ج 11، ص 459.

(2). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 129؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 97.

(3). مستدرک الوسائل، ج 8، ص 80؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 97.

(4). الکافی، ج 4، ص 480؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 203.

هرگاه جمرات را رمی کنی، برای توبه عدد هر سنگریزه ای که می اندازی، ده حسنه خواهد بود که برایت در هر سال از عمرت نوشته می شود.

امام صادق علیه السلام نیز درباره رمی کنندگان جمرات فرمود: «در مقابل هر سنگریزه ای که مکلف می اندازد، گناه کبیره هلاک کننده ای از او محو می شود». (1)

به نظر برخی فقیهان، مستحب است حج گزار پس از رسیدن به منا و قبل از انجام دادن هر کار دیگری، نخست جمره عقبه را رمی کند و سپس به کارهای دیگر مشغول شود. (2) در رمی هر یک از جمرات سه گانه، افزون بر انجام دادن اعمال واجب رمی، آداب و مستحبات دیگری نیز وارد شده است که مهم ترین این آداب عبارت است از:

- در حال رمی، با طهارت و وضو باشد؛

- در حال رمی، پیاده باشد؛

- قبل از رمی سنگ ها، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصَيَاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي»؛

- هنگام رمی، فاصله میان او و جمره عقبه، ده یا پانزده ذراع باشد. ولی در جمره اولی و وسطی، فاصله ای نباشد؛

- جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی کند و جمره اولی و وسطی را رو به قبله رمی کند؛

- سنگریزه ها را بر انگشت ابهام بگذارد و با ناخن انگشت شهادت پرتاب کند؛

- با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید؛

- هر سنگی را که می اندازد این دعا را بخواند: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا»؛

(1). الکافی، ج 4، ص 480؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 214.

(2). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 214؛ تحریر الاحکام، ج 1، ص 615.

- پس از برگشت به جایگاه خود در منا این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ». (1)

ج) کامل کردن اعمال حج در روز دهم و یازدهم

حج گزار می تواند باقیمانده اعمال حج، یعنی اعمال مکه، را تا بعد از ایام منا به تأخیر اندازد. ولی فقیهان گفته اند: مستحب است که این اعمال را در روز عید قربان و اگر نتوانست در روز یازدهم به جا آورد؛ (2) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا بَأْسَ أَنْ يُؤَخَّرَ زِيَارَةُ الْبَيْتِ إِلَى يَوْمِ النَّفْرِ إِمَّا يُسْتَحَبُّ تَعْجِيلُ ذَلِكَ مَخَافَةَ الْأَحْدَاثِ وَالْمَعَارِضِ. (3) ایرادی ندارد که زیارت و طواف کعبه را تا روز کوچ کردن به تأخیر اندازد. البته مستحب است که در انجام دادن اعمال مکه، به سبب ترس از پیشامد کردن حادثه یا مانعی، عجله کند.

البته عمل به این توصیه استحبابی، در صورتی است که امکان رفتن به مکه و انجام دادن باقیمانده اعمال، بدون مشقت زیاد، وجود داشته باشد. اما در عصر حاضر که به علت ازدحام جمعیت و ترافیک بسیار راه ها، این امر به آسانی امکان پذیر نیست، توصیه می شود که حج گزاران تا حد امکان از انجام دادن این عمل استحبابی بپرهیزند و تابع قوانین حاکم بر جمع و کاروان خود باشند.

د) اقامت در منا در ایام تشریق

روزهای دهم تا دوازدهم ذی حجه و به نقلی تا روز سیزدهم ذی حجه، «ایام تشریق» نام دارد. سبب نامگذاری این روزها، آن است که چون در عصر جاهلیت در این ایام

(1). مستند الشیعه، ج 13، ص 67؛ جواهر الکلام، ج 19، ص 107؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 145.

(2). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 348؛ الحدائق الناضره، ج 17، ص 273.

(3). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 250؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 245.

گوشت های قربانی را زیر نور خورشید خشک می کردند و یا بدان علت که ذبح یا نحر قربانی را تا بعد از بیرون آمدن نور خورشید به تأخیر می انداختند، این ایام را بدین اسم نام نهاده اند. (1)

مقدار واجب حضور حاجیان در سرزمین منا در این ایام، همان مدت انجام دادن هر یک از اعمال واجب این سرزمین است و حج گزار می تواند اوقات اضافه را در مکان های دیگر، از جمله مکه، حضور داشته باشد و به اعمال واجب مکه یا طواف مستحبی و کارهای دیگر خود بپردازد. ولیکن مستحب است همه اوقات خود - به جز مقدار لازم برای اعمال مکه را در سرزمین منا حضور داشته باشد؛ (2) چنان که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي مَكَّةَ أَيَّامَ مِنِّي بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنْ زِيَارَةِ الْبَيْتِ فَيَطُوفُ بِالْبَيْتِ تَطَوُّعًا فَقَالَ الْمَقَامُ بِمِنِّي أَفْضَلُ وَأَحَبُّ إِلَيَّ. (3) از امام صادق علیه السلام درباره مردی که در ایام منا به مکه می آید و پس از انجام دادن اعمال مکه مشغول طواف خانه کعبه می شود، سؤال کردم که آیا عمل او جایز و دارای فضیلت است؟! امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «حضور و اقامت در منا فضیلت بیشتری دارد و برای من، محبوب تر از حضور در مکه و انجام دادن طواف مستحبی است».

ه) تعلیم و تعلم مناسک و معارف دین

فرصت منا و حضور حاجیان به مدت سه روز در این سرزمین مقدس، یکی از بهترین فرصت ها برای عالمان دین است تا از این اوقات گرانبها که همگان از بسیاری مظاهر دنیوی همچون زن و فرزند و کار دور شده اند، استفاده کنند و حاجیان را از باقیمانده مناسک و احکام حج و معارف دین آگاه سازند؛ چنان که «رافع بن عمر» می گوید:

(1). القاموس الفقهي، 194؛ معجم الفاظ الفقه الجعفري، ص 78.

(2). جواهر الكلام، ج 20، ص 32؛ مستند الشيعه، ج 13، ص 69؛ جامع المدارك، ج 2، ص 540.

(3). الكافي، ج 4، ص 515؛ من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 479.

رسول خدا صلی الله علیه و آله را در منا، در حالی که سوار بر قاطر بود، هنگام بالا آمدن روز مشاهده کردم که خطبه می خواند و علی علیه السلام نیز سخنان آن حضرت را برای مردم بیان می کرد و مردم برخی نشسته و برخی ایستاده بودند. (1)

بر همین اساس، فقیهان یکی از آداب و اعمال مستحب این سرزمین را با تاسی به پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام، خطبه خواندن و آگاه کردن حاجیان با مناسک و معارف دین دانسته اند. (2) افزون بر تعلیم و تعلم مناسک حج در این سرزمین، شایسته است حاجیان با معارف دیگر دین، به ویژه اعتقادات همچون مسئله توحید، نبوت و امامت بیشتر آشنا شوند.

در روایتی آمده است که شخصی به امام سجاد علیه السلام عرض کرد که ما هنگام فراغت و بیتوته در منا، هم به یاد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله هستیم و هم از فضایل پدران و نیاکان خود یاد می کنیم و هدفمان فخرفروشی نیست؛ بلکه می خواهیم حقوق آنها را ادا کنیم. آیا این کار رواست؟! امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

أَوْلَا أُنَبِّئُكُمْ بِمَا هُوَ أَبْلَغُ فِي قَضَاءِ الْحُقُوقِ مِنْ ذَلِكَ؟ قَالُوا: بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ. قَالَ: أَفَضَلُ مِنْ ذَلِكَ أَنْ تَجَدُّوا عَلَيَّ أَنْفُسِي كُمْ ذِكْرَ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَالشَّهَادَةِ بِهِ وَذِكْرَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَالشَّهَادَةَ لَهُ بِأَنَّهُ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَذِكْرَ عَلِيِّ وَلِيِّ اللَّهِ وَالشَّهَادَةَ لَهُ بِأَنَّهُ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَذِكْرَ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ بِأَنَّهُمْ عِبَادُ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ. (3) آیا به شما خبر دهم از عملی که در ادای حقوق، برتر از عمل شماست؟! آنان پاسخ دادند: «بله یا بن رسول الله!». حضرت فرمود: «برتر از کار شما این است که بر خود تجدید کنید یاد توحید الهی و گواهی به آن و یاد محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و گواهی به اینکه آن حضرت سرور پیامبران الهی است و یاد حجت خداوند علی بن

(1). مسند احمد، ج 3، ص 477؛ سنن ابی داود، ج 1، ص 437.

(2). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 165؛ جواهر الکلام، ج 20، ص 32.

(3). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 41؛ بحار الانوار، ج 96، ص 253.

ابی طالب علیه السلام و گواهی به اینکه آن حضرت سید اوصیاء و جانشینان پیامبران است و یاد امامان پاک و معصوم از آل محمد و اینکه آنان بندگان مخلص الهی اند».

«هشام بن حکم» نیز می گوید:

از امام صادق علیه السلام در منا از پانصد مسئله کلامی سؤال کردم و به آن حضرت گفتم: «من در هر یک از این مسائل چنین می گویم؛ ولی مخالفان چنین می گویند». حضرت فرمود: «تو در پاسخ چنین بگو». (1)

همچنین یکی از شیعیان آن حضرت می گوید:

فَأْتَيْتُهُ بِمِنَى وَالنَّاسُ حَوْلَهُ كَأَنَّهُ مُعَلِّمٌ صَبِيَّانٍ، هَذَا يَسْأَلُهُ وَهَذَا يَسْأَلُهُ. (2) در منا به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و مشاهده کردم که مردم اطراف آن حضرت گرد آمده اند؛ گویا آن حضرت معلم بچه هاست و آنان دائم از حضرت سؤال می کنند.

این روایات، هم به حج گزاران و هم به روحانیان و عالمان دین، این درس را می دهد که شایسته است آنان از فرصت های حج، به ویژه فرصت حضور در سرزمین منا بیشترین استفاده را کنند و حج گزاران، مسائل شرعی و اعتقادی و شبهاتی را که درباره مسائل دینی دارند، از روحانیان بپرسند و روحانیان نیز با کمال متانت و صبر، به همه مسائل پاسخ دهند.

(و) تکبیر گفتن پس از نمازها

عمل دیگری که در ایام منا به آن سفارش شده، تکبیر گفتن پس از نمازهای واجب است. (3) خداوند، در قرآن کریم مسلمانان را به ذکر الهی در روزهایی خاص فرمان می دهد و می فرماید: (وَ اذْكُرُوا اللّٰهَ فِيْ اَيَّامٍ مَّعْدُوْدَاتٍ). (4) همچنین در آیه ای دیگر یکی از

(1). الکافی، ج 1، ص 262؛ بحار الانوار، ج 26، ص 138.

(2). الکافی، ج 2، ص 161؛ مستدرک الوسائل، ج 15، ص 211.

(3). تذکره الفقهاء، ج 4، ص 151؛ الحدائق الناضره، ج 17، ص 319.

(4). بقره: 203.

ص: 300

حکمت های تشریح حج را یاد خدا در روزهایی معلوم، برشمرده شده است: (وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ ... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ). (1)

در احادیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که مراد از «ایام معدود و معلوم» در این آیات، ایام تشریح یعنی روز دهم تا دوازدهم ذی حجه است (2) و مقصود از ذکر در این آیات، تکبیر گفتن پس از نماز ظهر روز عید تا نماز صبح روز دوازدهم است. (3)

در برخی احادیث دیگر آمده است که حج گزار، تکبیرهای مذکور را چنین بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ». (4)

(ز) نماز و ذکر الهی در مسجد خیف

مسجد «خیف» از مساجد مقدسی است که در منطقه منا و نزدیک محل رمی جمرات قرار دارد. خیف در لغت به معنای سرایشی است و چون این مسجد در سرایشی کوه واقع شده، به آن خیف می گویند. محل این مسجد، مکانی است که بر اساس روایات، هفتاد (5) یا هفتصد (6) یا هزار (7) یا هفتاد هزار پیامبر در آن نماز خوانده اند. (8)

بر پایه روایتی دیگر، حضرت آدم علیه السلام در این مکان دفن شده است و قبر آن حضرت در این مسجد قرار دارد. (9) همچنین محل این مسجد همان مکانی است که

(1). حج: 27 و 28.

(2). معانی الاخبار، ص 297؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 271.

(3). الکافی، ج 4، ص 516؛ تهذیب الاحکام، ج 3، ص 139.

(4). الکافی، ج 4، ص 516؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 544.

(5). مستدرک الوسائل، ج 3، ص 420؛ بحار الانوار، ج 96، ص 347.

(6). الکافی، ج 4، ص 214؛ بحار الانوار، ج 14، ص 464.

(7). الکافی، ج 4، ص 519؛ من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 230.

(8). مستدرک الوسائل، ج 3، ص 420؛ جامع احادیث الشیعه، ج 4، ص 522.

(9). مستدرک الوسائل، ج 3، ص 420؛ بحار الانوار، ج 96، ص 348.

رسول خدا صلی الله علیه و آله خطبه حجه الوداع را در آن ایراد فرمود و نیز هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به منا می آمد، در محل این مسجد فرود می آمد. (1)

بر این اساس، فقیهان گفته اند: مستحب است حج گزار همه نمازهای واجب و مستحب خود را در این مسجد به جا آورد؛ (2) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

صَلَّ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَهُوَ مَسْجِدٌ مِنِّي وَكَانَ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَكُونَ مُصَلَّاتَكَ فِيهِ فَافْعَلْ فَإِنَّهُ قَدْ صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ. (3) در مسجد خیف نماز بگزار و آن مسجدی است که در منا واقع شده و محل نماز و سجده رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.... پس اگر می توانی همه نمازهایت را در آن مسجد بخوانی، این کار را انجام بده؛ زیرا این مسجد، مکانی است که هزار پیامبر در آن نماز گزارده اند.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

کسی که در مسجد خیف در منا، صد رکعت نماز به جا آورد، قبل از آنکه از آن خارج شود، همانند کسی است که هفتاد سال خداوند را عبادت کرده است و کسی که در این مکان، صد مرتبه تسبیح بگوید، خداوند پاداش آزاد کردن یک برده را به او می دهد و کسی که در آن صد مرتبه ذکر لا اله الا الله بگوید، برابر است با انفاق کردن اموالی در راه خدا به اندازه خراج دو شهر کوفه و بصره. (4)

البته در عصر حاضر به سبب ازدحام جمعیت و دور بودن محل استقرار حاجیان از مسجد و خوابیدن حاجیان دیگر کشورها در طول روز در آن، امکان خواندن نمازهای واجب و حتی نمازهای مستحبی در آن، مگر با مشقت فراوان وجود ندارد. هر چند شایسته است حاجیان در صورت امکان، حداقل از خواندن چند رکعت نماز مستحبی در این مکان دریغ نکنند.

(1). آثار اسلامی مکه و مدینه، ص 139؛ مشاهد و مشاعر حج، ص 266.

(2). الحدائق الناضرة، ج 17، ص 331؛ جواهر الکلام، ج 20، ص 44.

(3). الکافی، ج 4، ص 519؛ من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 230.

(4). من لایحضره، الفقیه، ج 1، ص 230؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 270.

گفتنی است پس از انجام دادن اعمال منا، حج گزاران برای به جا آوردن باقیمانده اعمال حج، عازم مکه و مسجدالحرام می شوند که در بازگشت مجدد آنان به مکه نیز رعایت همان آدابی که در ابتدای ورود به این شهر و مسجدالحرام ذکر گردید، مستحب شمرده شده است.

23. کوتاه کردن اقامت در مکه

از آداب دیگر سفر عمره و حج، آن است که زائر و حج گزار پس از پایان اعمال عمره مفرده یا حج واجب، اقامت خود را در شهر مکه کوتاه کند و پس از انجام دادن مناسک، این شهر را ترک نماید؛ (1) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ نُسُكَهُ فَلْيَرْكَبْ رَاحِلَتَهُ وَلْيَلْحَقْ بِأَهْلِهِ فَإِنَّ الْمَقَامَ بِمَكَّةَ يُفْسِدُ الْقَلْبَ. (2) هرگاه هر یک از شما مناسک خود را تمام کرد، مرکب خود را سوار شود و به اهل خویش بپیوندد؛ زیرا اقامت در مکه، سبب فساد قلب می شود.

همچنین آن حضرت فرمود: «هرگاه از مناسک حج فارغ شدی، زود به وطن خود بازگرد؛ زیرا این عمل، شوق بازگشت به مکه را در تو زیاد می کند». (3) آن حضرت در روایتی دیگر فرمود:

اقامت در شهر مکه، خوشایند نیست؛ زیرا مکه شهری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را از آن اخراج کردند. افزون بر این، اقامت در مکه موجب فساد قلب می شود؛ زیرا شخص مقیم در این شهر، همان اعمالی را که در غیر مکه انجام می دهد، مرتکب می شود. (4)

بنابراین یکی از حکمت های خروج سریع زائر پس از مناسک، آن است که زائر با اقامت بیشتر در این سرزمین مقدس ممکن است مرتکب گناه و هتک حرمت این

(1). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 447؛ مستند الشیعه، ج 13، ص 308.

(2). علل الشرایع، ج 2، ص 446؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 235.

(3). الکافی، ج 4، ص 543؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 254.

(4). علل الشرایع، ج 2، ص 446؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 194.

سرزمین شود. سبب دیگر نیز، آن است که زیاد ماندن در مکه، موجب کاهش عظمت این سرزمین نزد زائر و در نتیجه باعث قساوت قلب او می شود.

همچنین اقامت کمتر و بازگشت سریع به وطن، شوق بازگشت را برای زائر افزایش می دهد. (1) سبب دیگر که در روایت اخیر و برخی روایات دیگر به آن اشاره شده (2) آن است که زائر با کوتاه کردن اقامت خود در مکه، با رسول خدا صلی الله علیه و آله همدردی می کند و با چنین نیتی مستوجب پاداش الهی خواهد بود.

اما در مقابل، روایاتی از پیشوایان معصوم علیهم السلام نقل شده است که حکایت از فضیلت و استحباب اقامت در شهر مکه دارد؛ از جمله در حدیثی، «علی بن مهزیار» از امام رضا علیه السلام سؤال کرد:

الْمَقَامُ بِمَكَّةَ أَفْضَلُ، أَوِ الْخُرُوجُ إِلَى بَعْضِ الْأَمْصَارِ؟ فَكَتَبَ: الْمَقَامُ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ أَفْضَلُ. (3) آیا اقامت در شهر مکه فضیلت بیشتری دارد یا خروج به شهرهای دیگر؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «اقامت نزد خانه خدا فضیلت بیشتری دارد».

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

هرکس یک سال در مکه اقامت کند، خداوند گناهان نود ساله او و خانواده و هرکس که شخص مقیم برای او استغفار کند، قبیله و همسایگانش را می آمرزد و سالیان متمادی آنان را از گزند آفات در امان نگه می دارد. (4)

با توجه به این دو دسته از روایات، برخی از فقیهان در جمع و سازش میان آنها گفته اند: روایات اخیر مربوط به افرادی است که اطمینان دارند در صورت اقامت در مکه مرتکب گناه نمی شوند یا به افرادی اختصاص دارد که اقامت مستمر ندارند و پس از اقامت مدت کوتاهی در مکه، از این شهر خارج می شوند و دوباره به این شهر

(1). جواهر الکلام، ج 20، ص 71؛ مدارک الاحکام، ج 8، ص 271.

(2). علل الشرایع، ج 2، ص 452؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 235.

(3). وسائل الشیعه، ج 13، ص 232؛ هدایه الامه، ج 5، ص 201.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 227؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 88.

باز می گردند(1) تا کمتر مرتکب گناه شوند یا عظمت این شهر و کعبه نزد آنان کاهش نیابد. ولی برای غیر این افراد، کراهت اقامت در مکه به قوت خود باقی است و مستحب است پس از انجام دادن مناسک عمره و حج، از شهر مکه خارج شوند.

24. صدقه دادن خرما پس از اعمال عمره و حج

مستحب است در پایان هر یک از اعمال عمره یا حج یا هنگام خروج از مکه، حج گزار مقداری خرما بخرد و آن را به نیت محرمانی که ممکن است بر اثر غفلت یا فراموشی هنگام احرام مرتکب شده است، صدقه دهد؛(2) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا دَخَلْتَ مَكَّةَ فَأَشْتَرِ بِدِرْهَمٍ تَمْرًا فَتَصَدَّقْ بِهِ لِمَا كَانَ مِنْكَ فِي إِحْرَامِكَ لِلْعُمْرَةِ . فَإِذَا فَرَّغْتَ مِنْ حَجِّكَ فَأَشْتَرِ بِدِرْهَمٍ تَمْرًا فَتَصَدَّقْ بِهِ .
(3) هرگاه داخل مکه شدی، یک درهم خرما بخر و آن را برای کفاره محرمانی که هنگام عمره انجام دادی، صدقه بده و آن گاه که از اعمال حج نیز فارغ شدی، یک درهم خرما بخر و آن را صدقه بده.

همچنین آن حضرت فرمود:

مستحب است بر مرد و زن که خارج نشوند از مکه مگر اینکه یک درهم خرما بخرند و آن را به سبب محرمانی که در حال احرام یا هنگام حضور در منطقه حرم انجام داده اند، صدقه بدهند.(4)

در برخی روایات دیگر، به انجام دادن این عمل هنگام خروج از مکه توصیه شده است.(5) عده ای از فقها نیز بر اساس این روایات، این عمل را هنگام خارج شدن از مکه

(1). الدروس، ج 1، ص 471؛ الحدائق الناضرة، ج 17، ص 347؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 231.

(2). جواهر الکلام، ج 20، ص 68؛ الحدائق الناضرة، ج 17، ص 343؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 149.

(3). معانی الاخبار، ج 340؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 150.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 483؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 292.

(5). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 483؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 292.

مستحب شمرده اند. (1) البته مهم، اصل انجام دادن این عمل پس از پایان مناسک عمره و حج است؛ هرچند اگر این عمل هنگام خروج از مکه باشد بهتر است؛ زیرا اگر چه ارتکاب محرماتی که بر شخص حرام است، بیشتر در حال احرام اتفاق می افتد، ولی منطقه حرم نیز محرماتی دارد که ممکن است زائر پس از پایان مناسک و هنگام حضور در مکه، از روی غفلت یا فراموشی، آنها را مرتکب شود. از این رو بهتر است هنگام خروج از مکه کفاره مذکور را بپردازد.

ضمن اینکه از روایت نخست فهمیده می شود که اگر شخص برای اعمال حج به مکه آمده، شایسته است این عمل را هم پس از تمام شدن عمل عمره و هم پس از پایان اعمال حج و هنگام خروج از مکه به جا آورد.

25. وداع با کعبه

آخرین ادب حضور در این سرزمین، وداع با خانه خدا و این سرزمین مقدس است؛ (2) چنان که ائمه علیهم السلام در سخنان خود بر آن تأکید داشته اند؛ برای مثال امام صادق علیه السلام فرمود: « إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مَكَّةَ، وَتَأْتِيَ أَهْلَكَ، فَوَدِّعِ الْبَيْتَ »؛ (3) «هرگاه خواستی از مکه خارج شوی و نزد اهل خویش بازگردی، با خانه خدا وداع کن».

در نقلی منسوب به امام رضا علیه السلام نیز آمده است:

هرگاه قصد خروج از مکه را داشتی، هفت بار به نیت وداع به دور خانه خدا طواف کن و رکن حجرالاسود و دیگر ارکان کعبه را در هر شوط استلام نما و از خداوند بخواه که این سفر را سفر آخر تو به این سرزمین قرار ندهد و آن گاه که از طواف فارغ شدی، مقابل رکن حجرالاسود بایست و خدا را بسیار بخوان و در دعا بسیار کوشش کن و درحالی که اشک از چشمانت جاری است بگو:

(1). تذکره الفقهاء، ج 8، ص 382؛ دلیل الناسک، ص 490؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 173.

(2). مستند الشیعه، ج 13، ص 89؛ جواهر الکلام، ج 20، ص 53.

(3). الکافی، ج 4، ص 530؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 280.

«أَيُّونَ تَأْتِيُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ وَإِلَيْهِ رَاغِبُونَ». سپس از قسمت باب حناطین خارج شو و مقابل در خروج، سر به سجده گذار و از خداوند بخواه که اعمال تو را قبول فرماید. (1)

همچنین «ابراهیم بن محمود» می گوید:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدَعَّ الْبَيْتَ، فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْ بَابِ الْمَسْجِدِ خَرَّ سَاجِدًا، ثُمَّ قَامَ، فَاسْتَقْبَلَ الْكَعْبَةَ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَلَّبُ عَلَى آلَا إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ. (2) امام رضا علیه السلام را مشاهده کردم که با کعبه وداع کرد و هنگام خروج از در مسجد،

سر به سجده گذاشت. سپس به پا خواست و رو به کعبه کرد و فرمود: «خدایا! من باز می گردم، درحالی که ایمان دارم خدایی جز تو وجود ندارد».

«علی بن مهزیار» نیز می گوید:

در سال 225 ه. ق امام جواد علیه السلام را مشاهده کردم که پس از بالا آمدن آفتاب با خانه خدا وداع کرد. آن حضرت نخست طواف کرد و در هر شوط، رکن یمانی را استلام می نمود و چون به دور هفتم رسید، رکن یمانی و حجرالاسود را با دست استلام کرد. سپس دست ها را به صورت کشید. پس از آن نزد مقام ابراهیم رفت و پشت مقام، دو رکعت نماز خواند. سپس به ملتزم در پشت کعبه رفت و پیراهن را از شکم کنار زد و در آنجا ایستاد و به مدت طولانی دعا کرد. آن گاه از در حناطین خارج شد. (3)

فقیهان اسلامی باتوجه به این روایات، آداب متعددی را برای طواف وداع ذکر کرده اند که مهم ترین این آداب عبارت است از:

الف) مستحب است طواف کننده در هر شوط از طواف وداع، رکن یمانی و رکن حجرالاسود را استلام کند و اگر امکان استلام در هر شوط وجود نداشته باشد، در

(1). فقه الرضا، ص 231؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 163.

(2). الکافی، ج 4، ص 531؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 21.

(3). الکافی، ج 4، ص 532؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 281.

ص: 307

شوط اول و شوط هفتم، استلام نماید و در غیر این صورت، در هر شوط با دست به حجرالاسود اشاره کند و تکبیر بگوید.

ب) در شوط هفتم یا در پایان طواف، به مستحار بیاید و با چسباندن خود به کعبه، بسیار دعا کند.

ج) سپس مستحب است به نزد در کعبه آید و دست‌ها را بر در خانه خدا گذارد و این دعا را بخواند: «الْمِسَّ كَيْنُ عَلِيَّ بِابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْحَجَّةِ».

د) حمد و ثنای الهی را به جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و دعای ذیل را که در آن پس از حمد و ثنای الهی، خواسته‌هایی متعدد، از جمله قبولی اعمال، بخشایش گناهان، توفیق مجدد زیارت خانه خدا و حفظ شخص و اهل و عیال او پس از بازگشت از حج، از خداوند خواسته شده است، بخواند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَّقَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينَ اللَّهُمَّ أَفْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِجاً مُسْتَجَاباً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَقْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبِرِّ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ اللَّهُمَّ إِنْ أَمْتَنِي فَاعْفِرْ لِي وَإِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ حَمَلْتَنِي عَلَيَّ دَوَابِّكَ وَسَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَقْدَمْتَنِي حَرَمَكَ وَأَمْنَكَ وَقَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَارْزُدْ عَنِّي رِضًا وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى وَلَا تُبَاعِدْنِي وَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنَ الْآنَ فَاعْفِرْ لِي قَبْلَ أَنْ تَنَائِيَ عَنْ بَيْتِكَ دَارِي فَهَذَا أَوْ أَنْ ائْتِيَ رَافِي إِنْ كُنْتَ أَدْنَتْ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا عَنْ بَيْتِكَ وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكَ وَلَا بِهِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي حَتَّى تُبَلِّغَنِي أَهْلِي فَإِذَا بَلَغْتَنِي أَهْلِي فَاعْفِرْ لِي مُؤَنَّهُ عِبَادِكَ وَعِيَالِي فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَمَنِي. (1)

(1). الكافي، ج 4، ص 531.

ص: 308

ه) رفتن به سوی آب زمزم و نوشیدن از آن بدون اینکه آب را بر سر و بدن خویش بریزد و سپس این دعا را بخواند:

«أَيُّونَ تَأْتِيُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ إِنَّ شَاءَ اللَّهُ» .

و) خارج شدن از باب حناطین که در حال حاضر، مقابل رکن شامی قرار دارد.

ز) سجده طولانی هنگام خارج شدن از در مسجد و تلاوت این دعا پس از سر برداشتن از سجده: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُنْقَلِبُ عَلَى الْآلِ إِلَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» .

(1)

(1) . مستند الشیعه، ج 13، ص 89؛ کتاب الحج، خویی، ج 5، ص 511؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص 172.

ص: 309

فصل چهارم: آداب پس از سفر عمره و حج

فصل چهارم: آداب پس از سفر عمره و حج

اشاره

ص: 311

پس از به جا آوردن اعمال و مناسک، سفر عمره و حج پایان می پذیرد و حج گزاران با کوله باری از دستاوردهای معنوی، به سرزمین خود باز می گردند و پس از اندک زمانی به کار و زندگی روزمره خود مشغول می شوند.

از این رو برخی از زائران و مسافران این سرزمین ممکن است گمان کنند باتوجه به انجام دادن کامل اعمال سفر حج و عمره، تکلیف خود را به طور شایسته به جا آورده اند و دیگر مسئولیت و وظیفه ای در ارتباط با این سفر ندارند؛ در حالی که چنین تفکری، برخلاف سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام است.

درواقع پس از بازگشت از سفر نیز، حج گزار و دیگر مؤمنان، آداب و وظایف متعددی در این ارتباط بر عهده دارند که شایسته یا لازم است آنها را رعایت کنند. البته برخی از آداب و تکالیفی که زائر یا دیگر مؤمنان پس از بازگشت از سفر بر عهده دارند، همچون ولیمه دادن و به بدرقه زائر رفتن، جزو آداب مستحب پس از سفر و محدود به زمانی خاص است. ولی برخی دیگر از این آداب همچون حفظ دستاوردهای سفر و بقای بر پیمان هایی که زائر با خداوند و اولیای الهی منعقد کرده، جزو وظایف و تکالیف لازم حج گزار به شمار می رود که اختصاص به زمانی خاص و محدود ندارد. بلکه وظایفی است که بر اثر حضور در این سرزمین و انجام دادن مناسک عمره و حج

تا پایان عمر بر ذمه حج گزار مستقر شده است و او وظیفه دارد به این تکالیف و وظایف تا پایان حیات خویش پایبند باشد و در حفظ و رعایت آنها اهتمام ورزد.

بر این اساس، می توان گفت که سفر عمره و حج نه تنها با اتمام مناسک و بازگشت زائر، پایان نیافته است، بلکه در حقیقت این سفر به نوعی دیگر آغاز شده است. از این رو حج گزاران باید توجه داشته باشند که بعد از بازگشت از سفر نیز وظایف متعدد و سرنوشت سازی را در پیش رو دارند که توجه و عمل به آنها، سعادت دنیا و آخرت را برای آنان به همراه خواهد داشت.

بیشتر آدابی که برای پایان سفر و بازگشت از عمره و حج در روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ذکر شده است، به شخص زائر و مسافر این سرزمین مربوط است. ولی برخی از این آداب، از جمله وظایف اخلاقی و شرعی است که دیگران نسبت به زائر خانه خدا بر ذمه دارند که شایسته یا لازم است همگان این آداب را رعایت کنند و ما در اینجا به آنها اشاره می کنیم:

1. نیت انجام دادن دوباره عمره و حج

از جمله اهداف خلقت و قرار دادن خانه خدا روی زمین، بقا و تداوم حیات مادی و معنوی بشر است؛ چنان که قرآن کریم نیز در آیه ای به این مسئله اشاره می کند و می فرماید: (جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ)؛ «خداوند، کعبه و بیت الحرام را مایه قوام و ایستادگی مردم قرار داد». (مائده: 97)

در روایات، مراد از (قیاماً لِلنَّاسِ) قوام و احیای دین، معیشت و زندگی مردم دانسته شده است. (1) افزون بر این، در احادیث فراوان دیگر، مکه و سفر حج، سبب حیات مادی و دنیوی انسان ها و ترک آن از اسباب نابودی آدمیان شمرده شده است؛ چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

(1). علل الشرایع، ج 2، ص 396؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 60.

الله الله في بيوت ربكم، لا- تُخَلُّوهُ مَا بَقِيْتُمْ، فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكْتُمْ لَمْ تُنَاطِرُوا. (1) خدا را، خدا را در نظر داشته باشید درباره خانه پروردگارتان. پس تا زمانی که حیات دارید آن را خالی نگذارید؛ زیرا اگر حج و خانه خدا ترک شود، مهلت داده نخواهید شد.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

خداوند به وسیله آن دسته از شیعیان ما که به حج می روند، آن دسته از شیعیانی را که به حج نمی روند حفظ می کند و اگر همه آنان حج را ترک کنند، هلاک خواهند شد. سپس آن حضرت برای اثبات این سخن خود به آیه 252 بقره استناد کرد که در آن، خداوند از حفظ برخی از انسان ها به وسیله برخی دیگر سخن به میان آورده است. (2)

بر این اساس، همه مؤمنان وظیفه دارند با فراهم شدن امکانات و مقدمات رفتن به حج یا عمره، در این سفر الهی قدم گذارند.

بی شک، نیت و عزم رفتن به سفر حج و عمره، اختصاص به افرادی که تاکنون به این سفر نرفته اند، ندارد. بلکه حتی آنهایی که مکرر به این سفر رفته اند و یا در حال بازگشت از سفر حج و عمره اند، شایسته است عزم و نیت بازگشت به مکه و مدینه و انجام دادن مجدد مناسک عمره و حج و زیارت قبور اولیای معصوم الهی علیهم السلام را داشته باشند.

داشتن چنین قصدی، علاوه بر در پی داشتن پاداش الهی و آثار معنوی دیگر، موجب افزایش عمر انسان می شود و اگر فردی چنین قصدی نداشته باشد، اسباب کوتاهی عمر خود را رقم زده است؛ چنان که امام زین العابدین علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ فَلْيُؤْمَمْ هَذَا الْبَيْتَ وَمَنْ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ وَهُوَ يَنْوِي الْحَجَّ مِنْ قَابِلِ زَيْدٍ فِي عُمْرِهِ وَمَنْ حَرَجَ مِنْ مَكَّةَ وَلَا يَنْوِي الْعُودَ إِلَيْهَا فَقَدْ قَرَّبَ أَجَلَهُ وَدَنَا عَذَابَهُ. (3)

(1). نهج البلاغه، نامه 47؛ الکافی، ج 7، ص 51.

(2). الکافی، ج 2، ص 451؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 28.

(3). وسائل الشیعه، ج 11، ص 151؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 207.

ص: 315

کسی که دنیا و آخرت می خواهد، قصد این خانه را کند و کسی که از مکه بازگردد و قصد انجام دادن حج را در آینده داشته باشد، بر عمرش افزوده می شود. ولی کسی که از مکه خارج شود و قصد بازگشت مجدد به مکه را نداشته باشد، اجل او نزدیک و عذابش تسریع شده است.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«یزید بن معاویه» حج را به جا آورد و در بازگشت، شعری را بر زبان جاری کرد که مضمونش چنین بود: «هنگامی که به کوه ثافل (میان مکه و مدینه) رسیدیم از آن پس هرگز برای حج و عمره تا زنده ایم باز نخواهیم گشت». به دنبال این سخن، خداوند عمرش را کوتاه کرد و مرگش را قبل از موعد اجل مقدرش، نزدیک ساخت. (1)

بر این اساس، شایسته است زائران سفر عمره و حج، همان گونه که در گذشته، نیت آمدن به این سفر معنوی را داشتند و برای رسیدن به این مقصد تلاش کردند و اموال زیادی را در این راه هزینه نمودند، پس از بازگشت نیز این عزم و نیت را داشته باشند تا اگر مقدمات رفتن مجدد به این سفر برای آنان فراهم گردید، عازم این سفر شوند و در غیر این صورت، حداقل از برکات دنیوی و اخروی داشتن چنین نیتی محروم نشوند.

2. هدیه خریدن و هدیه دادن

اشاره

از دیگر آداب و مستحبات سفر عمره و حج، سوغاتی آوردن و هدیه دادن آن به دیگران است که در قرآن کریم و برخی احادیث پیشوایان دین بر آن توصیه و تأکید شده است؛ برای مثال خداوند می فرماید:

(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ... لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ) (بقره: 197 و 198)

حج در ماه های معینی است... اگر در این زمان در طلب فضل و روزی خدا رفتید، گناهی بر شما نیست.

(1). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 444؛ وسایل الشیعه، ج 11، ص 152.

ص: 316

امام صادق علیه السلام درباره طلب فضل الهی در آیه مذکور فرمود:

مراد از فضل خدا در آیه، رزق است. از این رو، حج گزار بعد از خروج از احرام و پایان یافتن مناسک خود، می تواند در موسم حج، کالایی را بخرد یا بفروشد. (1)

گفتنی است در عصر جاهلی، برخی افراد، خرید و فروش در موسم حج را برای حج گزار حرام می دانستند. از این رو خداوند با نزول آیه مذکور، این اندیشه باطل را نفی کرد و خرید و فروش در موسم حج را عملی مباح شمرد. (2) همچنین آن حضرت، یکی از حکمت های تشریح حج را رونق تجارت و منفعت اقتصادی انسان ها برشمرد و فرمود:

فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا وَلِيَنْزِعَ كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التَّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَلِيَنْتَفِعَ بِذَلِكَ الْمُكَارَى وَالْجَمَالُ... وَلَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ إِنَّمَا يَتَّكِلُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَمَا فِيهَا هَلَكُوا وَخَرِبَتِ الْبِلَادُ وَسَقَطَ الْجَلْبُ وَالْأَرْبَاحُ... فَذَلِكَ عَلَيْهِ الْحَجُّ. (3) پس خداوند در حج، مردم را از مشرق و مغرب زمین جمع کرد تا... هر گروهی از تجارت های خود از شهری به شهری دیگر سود برند و کرایه دهندگان و صاحبان شتر بهره مند گردند... و اگر هر گروه و قومی تنها بر تجارت در سرزمین خود و آنچه در آن است بسنده کند، هلاک می شدند و سرزمین ها از آبادی و منفعت خارج می شد و تجارت و سود مردم از بین می رفت... پس این است علت و فلسفه حج.

امام رضا علیه السلام نیز یکی از علت های تشریح حج را سود اقتصادی خریداران و فروشندگان دانست و فرمود:

حج برای همه مردم در شرق و غرب عالم منفعت دارد؛ چه آنان که در خشکی اند و چه آنان که در دریا به سر می برند و چه آنان که حج می گزارند و چه آنان که در حج نیستند؛ اعم از تاجران، واردکنندگان کالا، فروشندگان و خریداران، کاسبان و

(1). وسائل الشیعه، ج 11، ص 60؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 223.

(2). مجمع البیان، ج 2، ص 47؛ المیزان، ج 2، ص 85.

(3). علل الشرایع، ج 2، ص 406؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 14.

کرایه دهندگان مرکب ها، فقرا و مسکینان... و نیازهای مردم در اطراف و اکناف زمین برآورده می شود. (1)

در احادیثی دیگر امام صادق علیه السلام هزینه خرید هدیه حج را جزو حج شمرده و فرمود: «هَدِيَّةُ الْحَجِّ مِنَ الْحَجِّ»؛ (2) «هدیه سفر حج، از حج است». و نیز فرمود: «الْهَدِيَّةُ مِنَ نَفَقَةِ الْحَجِّ»؛ (3) «هدیه آوردن، جزو نفقه حج است».

معنای این احادیث، آن است که هزینه خرید هدایای حج، جزو هزینه های حج محسوب می شود و پاداش آن همچون پاداش اموالی است که حج گزار در راه حج هزینه می کند. (4) بر این اساس، یکی از آداب و اعمال شایسته برای زائران خانه خدا، خریداری هدیه و اعطای آن به دیگران پس از بازگشت از سفر است.

الف) اهمیت هدیه و سوغاتی

اسلام به برقراری روابط اجتماعی و ایجاد مهر و محبت میان افراد جامعه، اهمیت زیادی قائل شده و برای آن، توصیه و راه های متعددی ارائه کرده است تا مؤمنان پیوند میان خود را مستحکم کنند و از تفرقه و اختلاف دوری گزینند و یکی از راه های استحکام این پیوند خریدن و دادن هدیه به یکدیگر است؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ إِلَى سَفَرٍ ثُمَّ قَدِمَ عَلَى أَهْلِهِ فَلْيُهْدِهِمْ وَلْيُطْرِفُهُمْ وَلَوْ حِجَارَةً. (5) هرگاه یکی از شما برای سفر از خانه خارج شود، سپس وارد بر اهل خویش گردد، باید برای آنان هدیه بیاورد و آنان را به این وسیله خوشحال کند؛ هرچند به آوردن سنگی باشد.

(1). عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 126؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 13.

(2). الکافی، ج 4، ص 280؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 148.

(3). همان.

(4). وسائل الشیعه، ج 11، ص 184.

(5). مکارم الاخلاق، ص 366؛ بحار الانوار، ج 73، ص 283.

ص: 318

و نیز آن حضرت در روایتی دیگر فرمود: «هدیه دادن، دوستی و برادری را مستحکم می کند و کینه ها را از میان می برد. پس به یکدیگر هدیه دهید تا میان شما محبت و دوستی ایجاد شود». (1)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

هرگاه یکی از شما به سفر می رود و از سفر باز می گردد، باید برای اهل خویش در حد توان خود هدیه ای بیاورد؛ هرچند به آوردن سنگی باشد. همانا حضرت ابراهیم علیه السلام هرگاه دلش تنگ می شد، از نزد اهل خود به دیدار قوم خویش می رفت. در بازگشت یکی از این سفرها چیزی نداشت تا به خانه بیاورد. از این رو، برای آرامش همسرش ساره، مقداری ریگ در خورجین مرکبش ریخت و به خانه آمد و سپس آن را کناری نهاد و به نماز ایستاد و چون ساره آمد و خورجین را باز کرد دید که داخل آن پر از آرد است. از آن آرد برداشت و نان پخت و ابراهیم را صدا زد تا از آن نان بخورد. سپس ابراهیم علیه السلام با مشاهده نان ها از ساره سؤال کرد این نان از کجاست؟! ساره پاسخ داد که این نان از آردی است که از سفر آورده بودی. ابراهیم چون این سخن را شنید، سر به آسمان بلند کرد و گفت: «بارخدا! گواهی می دهم که تو خلیل و دوست بنده خود هستی». (2)

تأکید بر آوردن هدیه، هرچند به آوردن سنگ در روایات مذکور، نشانگر اهمیت هدیه آوردن و شدت استحباب آن است؛ زیرا این کار آثار و برکات فراوان از جمله خوشحال کردن خدا و رسول و امامان معصوم علیهم السلام را در پی دارد. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي، وَمَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ، وَمَنْ سَرَّ اللَّهَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ. (3)

(1). مکارم الاخلاق، ص 266؛ بحار الانوار، ج 74، ص 166.

(2). وسائل الشیعه، ج 11، ص 459؛ جامع الاحادیث الشیعه، ج 16، ص 517.

(3). الکافی، ج 2، ص 188؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 349.

ص: 319

کسی که مومنی را خوشحال کند، مرا خوشحال کرده است و کسی که مرا خوشحال نماید، رسول خدا صلی الله علیه و آله را خوشحال کرده است و کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را خوشحال کند، خداوند تبارک و تعالی را خوشحال نموده است.

(ب) بایسته های هدیه خریدن و هدیه دادن

اشاره

خریدن هدیه و هبه آن به دیگران آداب خاصی دارد که غفلت از آنها گاه سبب بی اثر شدن این عمل نیک و حتی محرومیت از پاداش عظیم اخروی آن می شود. در اینجا برخی از مهم ترین آداب و بایسته های این عمل را بیان می کنیم:

یک - مقدم داشتن تکالیف و هزینه های واجب

بی تردید باید شخص مسلمان و مؤمن در عمل به تکالیف الهی، به اهمیت و جایگاه تکالیف توجه داشته باشد و آنچه را از اهمیت بیشتری برخوردار است، در اولویت قرار دهد. بنابراین از آنجا که برخی تکالیف همچون واجبات و محرمات از اهمیت بیشتری برخوردارند، باید آنها را از برخی تکالیف دیگر همچون مستحبات و مکروهات که دارای اهمیت کمتری اند، مقدم داشت.

در سفر عمره و حج، زائر خانه خدا درباره هزینه های این سفر، دو نوع تکلیف دارد: تکلیف لازم و ضروری و تکلیف مستحب و غیر ضروری؛ برای مثال، تأمین نفقه خود و زن و فرزند، یکی از تکالیف واجب مؤمن و زائر خانه خداست که شخص وظیفه دارد به این تکلیف اهتمام ورزد و آن را بر هزینه های غیر ضروری و مستحب مقدم بدارد. اما گاهی مشاهده می شود که افرادی برای تأمین نفقه خود و زن و فرزند خویش در تنگنا قرار دارند. ولی با وجود این، اموال زیادی را که گاهی با وام و قرض گرفتن به دست آورده اند، صرف خرید هدیه و سوغاتی می کنند.

همچنین پرداخت خمس و زکات و دیگر بدهی های واجب، از دیگر تکالیف واجب مسافران این سرزمین است که باید نسبت به خرید هدیه در اولویت قرار گیرد. ولی

برخی زائران به جای عمل به این تکالیف واجب، اموال زیادی را صرف خرید هدیه برای خویشاوندان و آشنایان می کنند که هر یک از این اعمال، در واقع بی اعتنایی به تکالیف الهی و سفارشات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به شمار می رود که در احادیث متعددی، حج گزاران را به پرداخت حق خدا و خلق او در همه زمان ها، به ویژه قبل از سفر عمره و حج، فرمان داده اند. (1)

دو - خلوص نیت

از دیگر آداب خریدن و دادن هدیه، آن است که شخص مکلف، این عمل را تنها برای رضای خداوند انجام دهد و از داخل کردن اهداف و نیت های غیرالهی بپرهیزد. بی تردید اگر انسان هدفی جز خدا در این عمل داشته باشد، ضرر و خسارت او دو چندان خواهد بود؛ زیرا از یک سو، اموالش از دست او رفته است و از سوی دیگر، عمل او نه تنها ارزشی نزد خدا ندارد، بلکه گاه کیفر الهی را نیز به دنبال دارد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اقسام هدیه فرمود: «الْهَدِيَّةُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ. هَدِيَّةٌ مُكَافَاةٌ وَهَدِيَّةٌ مُصَانَعَةٌ وَهَدِيَّةٌ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ»؛ (2) «هدیه بر سه گونه است: هدیه جبرانی، هدیه رشوه ای و تملق آمیز و هدیه برای خداوند عزوجل».

بر اساس سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله انگیزه انسان ها در دادن هدیه متفاوت است؛ برخی برای آنکه دیگران به آنان هدیه ای داده اند یا خواهند داد، به دیگران هدیه می دهند که چنین هدیه دانی ارزشی ندارد؛ زیرا نیت هدیه دهنده برای خدا نیست. از این رو امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «عُدُّ مَنْ لَا يَعُوذُكَ وَأَهْدِي إِلَى مَنْ لَا يُهْدِي إِلَيْكَ»؛ (3) «به عیادت کسی برو که تو را عیادت نمی کند و به کسی هدیه بده که به تو هدیه نمی دهد».

نیت برخی دیگر در دادن هدیه، استفاده سوء از شخص هدیه گیرنده و رسیدن به

(1). در فصل دوم این کتاب که به آداب پیش از سفر اختصاص یافته است، به برخی از این روایات اشاره شد.

(2). الکافی، ج 5، ص 141؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 378.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 300؛ وسائل الشیعه، ج 17، ص 288.

ص: 321

اهداف و مقاصد خاص خویش است که این قسم از هدیه نیز بهره ای نزد خداوند ندارد. بلکه دادن چنین هدیه هایی، حرام و کیفر الهی را در پی دارد.

تنها قسم سوم از هدیه، برای رضای خداوند است. بنابراین باید هدیه زائر خانه خدا از این قسم باشد که چنین هدیه ای علاوه بر داشتن برکات دنیوی، پاداش اخروی را نیز در پی خواهد داشت.

سه - همسانی هدیه با سفر

شخص مسافر می تواند هرگونه هدیه ای را مشروط به اینکه از نظر شرع ممنوع نباشد، برای دیگران بیاورد. اما در سفرهای معنوی همچون سفر عمره و حج یا زیارت عتبات، شایسته است هدیه زائر این سفرها، رنگ و بوی معنوی داشته باشد و شخص هدیه گیرنده را به یاد این سرزمین ها بیندازد؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

بَلَّغْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ حِينَ نَظَرَ إِلَى زَمْرَمَ لَوْ لَأَنِّي أُشُقُّ عَلَى أُمَّتِي، لَأَخَذْتُ مِنْهُ ذَنْبًا أَوْ ذَنْبَيْنِ. (1) به ما چنین رسیده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که چشمش به آب زمزم افتاد فرمود: «اگر کار برای امتم سخت نمی شد، از آب زمزم یک یا دو دلو برمی داشتم».

همچنین آن حضرت به نقل از پدرشان امام باقر علیه السلام فرمود:

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَهْدِي مِنْ مَاءِ زَمْرَمَ وَهُوَ بِالْمَدِينَةِ. (2) رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیوسته در مدینه از مسافران مکه درخواست می کرد که برای آن حضرت آب زمزم هدیه بیاورند.

بنابراین سزاوار است که هدیه زائران سفر حج و عمره و عتبات، هدیه ای معنوی همچون آب زمزم، سجاده نماز، تسبیح و مهر باشد یا حداقل کنار هدیه های مادی،

(1). الکافی، ج 4، ص 430؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 144.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 208؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 245.

این گونه هدایا نیز وجود داشته باشد تا هدیه گیرندگان را به یاد این سرزمین و سفر عمره و حج و زیارت کربلا بیندازد و آنان را به خداوند نزدیک سازد.

چهار - خرید هدیه در حد توان

نباید زائر در خریدن هدیه، خود را به تکلف و زحمت بیندازد و هدیه ای خارج از توان مالی اش بخرد که بر اثر خریدن آن، زندگی و خانواده اش با سختی و مشکلات روبه رو شوند؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ تَكْرِمِهِ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ... أَنْ يُنَحِّفَهُ بِمَا عِنْدَهُ وَلَا يَتَكَلَّفَ لَهُ شَيْئًا وَقَالَ... لَا أُحِبُّ الْمُتَكَلِّفِينَ. (1) از نشانه های تکریم و احترام شخص به برادر مسلمانش، آن است که از آنچه نزدش وجود دارد، هدیه دهد و برای هدیه دادن، خود را به زحمت نیندازد. سپس حضرت فرمود: «من کسانی که خود را به تکلف و زحمت می اندازند، دوست ندارم».

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز فرمود: «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ تَدُلُّ عَلَى عَقْلِ فَاعِلِهَا... وَالْهَدِيَّةُ عَلَى قَدْرِ مُهْدِيهَا»؛ (2) «سه چیز نشانگر عقل شخص است...: [یکی از آن سه چیز آن است که] هدیه را به اندازه توان خویش به دیگران بدهد».

پنج - نافع بودن هدیه برای هدیه گیرنده

در خریدن هدیه برای دیگران، باید نافع بودن آن را برای شخص هدیه گیرنده در نظر گرفت؛ به طوری که بتواند از آن در زندگی خود استفاده کند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود:

لَأَنَّ أَهْدِي لِأَخِي الْمُسْلِمِ هَدِيَّةً تَنْفَعُهُ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِمِثْلِهَا. اگر به برادر مسلمان خود هدیه ای دهم که از آن نفع برد، نزد من خوش تر است از اینکه همانند آن هدیه را در راه خدا انفاق کنم.

(1). الکافی، ج 5، ص 143 و ج 6، ص 276؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 275.

(2). تحف العقول، ص 323؛ بحار الانوار، ج 75، ص 238.

ولی بسیاری از افراد، تنها ملاکشان در خرید، قیمت آن جنس است و کاری به سودمندی هدیه شان ندارند. چنین هدایایی نه تنها بهره ای برای شخص هدیه دهنده ندارد، بلکه اگر به سبب رعایت نکردن حرمت مؤمن، موجب تحقیر هدیه گیرنده شود، غضب الهی را نیز به دنبال خواهد داشت.

شش - تبعیض نگذاشتن میان هدیه گیرندگان

نباید در خرید هدیه، میان هدیه گیرندگان، به ویژه فرزندان، فرقی گذاشته شود؛ زیرا این کار ممکن است سبب بروز اختلاف و تفرقه فرزندان یا دیگر خویشاوندان شود.

البته اگر در تفاوت قائل شدن میان افراد، ملاک و امتیاز عقلانی و شرعی وجود داشته باشد، تفاوت قائل شدن ایرادی ندارد. البته در همین موارد نیز باید به گونه ای عمل کرد که زمینه بروز اختلاف فراهم نشود.

هفت - قبول هدیه و جبران آن

از دیگر آداب هدیه، پذیرش آن است؛ هر چند اندک و ناچیز باشد و در مقابل نیز شخص هدیه گیرنده باید بکوشد تا از هدیه دهنده تشکر کند و عمل او را در حد توان خود جبران نماید؛ چنان که شخصی از امام صادق علیه السلام از حکم گرفتن هدیه سؤال کرد و آن حضرت فرمود:

أَلَيْسَ هُمْ مُصَلِّينَ؟ قُلْتُ بَلَى، قَالَ: فَلْيَقْبَلْ هَدِيَّتَهُمْ وَلْيُكَافِهِمْ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَوْ أُهْدِيَ إِلَيَّ كُرَاعٌ لَقَبِلْتُ وَكَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ وَلَوْ أَنَّ كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا أَهْدَى إِلَيَّ وَسَدِّقًا مَا قَبِلْتُ وَكَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ؛ أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِي زُبْدُ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَطَعَامُهُمْ. (1) آیا هدیه دهنده مسلمان نیست؟! گفتم: بله. مسلمان است. امام فرمود: باید هدیه او را قبول کند و آن را جبران کند؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر پاچه گوسفندی به من هدیه شود، آن را قبول خواهم کرد؛ زیرا پذیرش آن جزو دین است و اگر کافر یا

(1). الکافی، ج 5، ص 141؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 378.

مناقضی، شتری را به من هدیه دهد، آن را قبول نمی‌کنم؛ زیرا آن هم جزو دین است. خداوند طعام مشرکان و منافقان را بر من منع کرده است.

در مقابل، رد احسان و قبول نکردن هدیه دیگران، عملی ناپسند شمرده شده است؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « إِذَا عُرِضَ عَلَيَّ أَحَدِكُمْ الْكَرَامَةَ فَلَا يَرُدُّهَا، فَإِنَّمَا يَرُدُّ الْكَرَامَةَ الْحِمَاؤُ »؛ (1) «اگر به یکی از شما کرامت و احسانی عرضه شد، آن را رد نکنند؛ زیرا الاغ است که کرامت را رد می‌کند».

البته اگر فردی در دادن هدیه، هدف غیر شرعی داشته باشد، شایسته و بلکه گاه لازم است که هدیه گیرنده، چنین هدیه ای را قبول نکند و در صورت قبول، آن را به صاحبش بازگرداند.

ج) مکان تهیه هدیه و سوغاتی

نکته ضروری در پایان این بحث، آن است که هرچند از برخی آیات قرآن (2) و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، - که در ابتدای بحث اشاره شد - استفاده می‌شود که اراده الهی بر این قرار گرفته است تا تجارت در سرزمین مکه رونق داشته باشد و افزون بر ساکنان و مجاوران این سرزمین، حج گزاران و انسان های دیگر از منافع مادی و اقتصادی آن بهره مند شوند، ولی باتوجه به اوضاع کنونی جهان اسلام و این سرزمین، به زائران این سفر توصیه می‌شود که در خرید هدیه و سوغاتی در مکه و مدینه، به حداقل نیاز اکتفا کنند و سوغاتی های خود را از وطن تهیه کنند که در صورت عمل به این توصیه، هم در رونق تجارت این سرزمین شریک خواهند بود و هم از برکات و منافع مادی و معنوی فراوان دیگری بهره مند می‌شوند. برخی از علل مهم عمل به این سفارش، عبارت است از:

(1). قرب الاسناد، ص 92؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 101.

(2). قصص: 57 و....

1. فرصت زائر در سفرهای زیارتی، بسیار محدود است و اگر قرار باشد که بخش زیادی از وقت خود را در بازارها برای خرید هدایا و سوغاتی صرف کند، به یقین بخشی از بهترین و ارزشمندترین اوقات خود را از دست داده است؛ در حالی که می تواند به جای گذراندن وقت خود در بازارها و مغازه ها، اوقات گرانبهای خود را در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالحرام، به زیارت و دعا پردازند و از پاداش مضاعف عبادت در این مکان ها بهره مند شود.

2. در حال حاضر تمام یا غالب کالاهای موجود در مکه و مدینه، از کشورهای غیر مسلمان وارد می شود و در واقع سود اصلی نیز نصیب آنان می شود؛ در حالی که اگر زائران، خریدشان را از مملکت خود انجام دهند، سود این تجارت نصیب مسلمانان و هم وطنانش می شود و با این عمل می توانند زندگی و نیازهای ضروری خود را تأمین کنند.

3. قیمت کالاها در کشورهای دیگر، از جمله این سرزمین، در بسیاری از موارد، گران تر از وطن است. بر این اساس، شخص زائر همان کالایی را که می تواند در وطن با قیمت کمتری بخرد، با زحمت و هزینه بیشتر، از آنجا می خرد.

4. اگر هدیه و سوغاتی در وطن تهیه شود، در صورت معیوب بودن کالا، زائر می تواند آن را مسترد یا تعویض کند. اما اگر از جایی دیگر تهیه شود و معیوب باشد، بازگرداندن آن غیر ممکن است.

5. زائر به سبب داشتن فرصت کافی در وطن، می تواند کالا و هدیه مناسب تری را بخرد. ولی در کشورهای دیگر به ویژه سفر عمره چون وقت کافی وجود ندارد، فرصت تهیه کالا- و هدیه ای مناسب اندک است و حتی در بسیاری اوقات، این مسئله موجب خرید کالای نامناسب و گاه تقلبی می شود.

6. بی شک با خرید هدیه از وطن، سختی های فراوان حمل و نقل آن نیز از بین می رود و زائر با خاطری آسوده به سرزمین خود بازمی گردد.

حضرت آیت الله خامنه ای به طور مکرر بر این توصیه تأکید دارند. از جمله در دیداری با کارگزاران حج در این باره می فرمایند:

«هیچ جا مثل مسجدالحرام نمی شود، هیچ جا مثل مسجدالنبی صلی الله علیه و آله نمی شود، این فرصت در اختیار شما و حاجی است. خیلی بی سعادت می خواهد که کسانی این را رها کنند و بروند در بازار، در این دکان و آن دکان و یک جنس بنجلی را به دو برابر قیمت بخرند و آن را با هواپیما به ایران بیاورند، این کار خیلی غلط است.»

خرید را همه جا می شود انجام داد. در مکه و مدینه باید به سراغ کاری بروید که در جایی دیگر نمی شود انجام داد و در آن جا می توان انجام داد و آن کار نگاه به کعبه و نمازگزاردن در مسجدالحرام است، بوسیدن جای پای پیامبر است، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در این شهر راه رفته و حرف زده است. این فضا پر از امواج صدای نبی اکرم است و حیف است انسان در این فضا تنفس نکند. این دیگر کجای دنیا پیدا می شود؟» (1)

ایشان در دیداری دیگر با کارگزاران حج فرمودند:

من با سوغاتی خریدن مخالف نیستم، اما با این بازارگردی ها مخالفم. خیلی بد است که یک عده عطش بازارگردی دارند. این کارها شما و ملت شما را سبک می کند، حیف است. می روند یک جنس های غالباً بی کیفیتی می خرند که با همان کمپانی های داخل آن کشور میزبان بند و بست دارند.

در کشور ما خوشبختانه کالاهای داخلی با کیفیت خوب، متنوع و زیبا به دست کارگر ایرانی و برادر خودتان ساخته شده است. بعضی ها قبل از این که به سفر مکه بروند سوغاتی های سفر را در اینجا می خرند و آن را نگه می دارند و بعد از این که از سفر برگشتند همان را به عنوان سوغاتی سفر به دیگران هدیه می دهند، این کار، کار خیلی خوبی است. (2)

بر این اساس، به زائران سرزمین وحی توصیه می شود که در اوضاع کنونی، تنها به

(1). دیدار کارگزاران حج با مقام معظم رهبری، 31 مرداد 1394.

(2). دیدار کارگزاران حج با مقام معظم رهبری، 11 مهر ماه 1390.

ص: 327

خرید و آوردن سوغاتی های معنوی، همچون آب زمزم، سجاده و مانند آنها بسنده کنند و سوغاتی های دیگر خود را قبل از سفر تهیه کنند.

3. استقبال و ملاقات حج گزار

از دیگر آداب و مستحبات سفر، آن است که مسافر عمره و حج، دیگر مؤمنان را از بازگشت خود به وطن باخبر سازد و آنان نیز به استقبال و دیدار او بروند؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

حَقُّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ وَحَقُّ عَلَى إِخْوَانِهِ إِذَا قَدِمَ أَنْ يَأْتُوهُ. (1) بر مسلمان لازم است هرگاه که به سفر می رود، برادران دینی اش را از سفر خود آگاه سازد و بر برادران دینی او نیز لازم است که هرگاه از سفر بازمی گردد، به دیدار او آیند.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «وَقُرُّوا الْحَاجَّ وَالْمُعْتَمِرِينَ، فَإِنَّ ذَلِكَ وَاجِبٌ عَلَيْكُمْ»؛ (2) «حاجیان و عمره گزاران را تکریم کنید؛ زیرا این کار بر شما واجب است». همچنین امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

ای کسانی که به حج نرفته اید! خوشرویی کنید بر چهره کسی که از حج آمده است و با آنان مصافحه کنید و آنان را بزرگ بدارید؛ زیرا این کار بر شما واجب و لازم است و شما را در پاداش عمل آنان شریک می گرداند. (3)

این عمل افزون بر اینکه تعظیم شعائر الهی به حساب می آید و سبب تبلیغ و ترویج دین و مناسک حج و عمره می شود، پاداش زیادی نیز برای استقبال کنندگان دارد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ عَانَقَ حَاجًّا بِغُبَارِهِ كَانَ كَأَنَّمَا اسْتَلَمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ. (4)

(1). الکافی، ج 2، ص 174؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 448.

(2). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 228؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 446.

(3). الکافی، ج 4، ص 264؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 228.

(4). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 300؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 446.

کسی که حج گزار را در حالی که غبار حج بر چهره اوست زیارت کند، همانند کسی است که حجرالاسود را زیارت کرده است.

از این روایت به دست می آید که شایسته است مؤمنان، خیلی زود و قبل از آنکه زائر از حال و هوای حج خارج شود و به دنیا و کارهای دنیوی مشغول گردد، به دیدار او بروند؛ چنان که امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «خیلی زود و قبل از آنکه حج گزاران و عمره گزاران به گناه آلوده شوند، به دیدار آنان بروید و با آنان مصافحه کنید».(1) رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

حج گزار در ضمانت خداوند قرار دارد. اگر هنگام اعمال حج از دنیا برود، او را داخل بهشت می کنند و اگر بازگردد، در حالی باز می گردد که پیروز بوده و خداوند گناهان او را بخشوده است. پس قبل از آنکه حاجیان به گناه آلوده شوند، دعای آنان را مغتنم شمارید؛ زیرا خداوند دعای آنان را رد نمی کند.(2)

پیشوایان معصوم علیهم السلام ضمن ترغیب مؤمنان به استقبال از حج گزاران، به چگونگی رفتار کردن و سخن گفتن با آنان در این استقبال اشاره کرده اند؛ در حدیثی درباره سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره آمده است:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ لِلْقَادِمِ مِنْ مَكَّةَ قَبْلَ اللَّهِ مِنْكَ وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ.(3) رسول خدا صلی الله علیه و آله به کسی که از مکه می آمد، می فرمود: «خداوند اعمال تو را قبول کند و اموالی را که هزینه کرده ای جایگزین نماید و گناهانت را ببخشد».

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز فرمود:

هرگاه برادر دینی شما از مکه آمد، میان دو چشم و لبان او که حجرالاسود را بوسیده، - حجرالاسودی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را بوسیده است - و چشم او که به

(1). الکافی، ج 4، ص 256؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 228.

(2). ثواب الاعمال، ص 293؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 104.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 299؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 446.

خانه کعبه نظر کرده است و محل سجده و پیشانی او را ببوسید و به او درود فرستید و بگویید: «خداوند اعمال را قبول فرماید و تلاش تو را شکر گوید و اموالی را که هزینه کرده ای جایگزین کند و این سفر را سفر آخر تو به خانه اش قرار ندهد». (1)

در حدیثی دیگر نیز آمده است:

غلام امام صادق علیه السلام به ملاقات شخصی به نام «صدقه الاجدب» که از مکه آمده بود رفت و پس از حمد و ثنای الهی به او گفت: «خداوند اعمال تو را قبول فرماید و اموالت را جایگزین کند و حج تو را بپذیرد و آن را سبب پاک شدن گناهانت قرار دهد». این خبر به گوش امام صادق علیه السلام رسید. آن حضرت به غلام خود فرمود: «به صدقه چه گفتی؟». غلام آنچه را گفته بود تکرار کرد. سپس امام علیه السلام فرمود: «چه کسی این گونه سخن گفتن را به تو آموخت». وی گفت: «از فرزندتان ابوالحسن یاد گرفتم». حضرت فرمود: «سخنان خوبی گفتی. هرگاه یکی از برادران دینی تان را که از حج برگشته است ملاقات کردید، چنین سخنانی به او بگویید». (2)

البته مقصود امامان معصوم علیهم السلام این نیست که در ملاقات حاجیان، عین همین سخنان گفته شود. بلکه مقصود آن است که سخن یا مطلبی با همین مضامین یا نزدیک به آنها بیان شود. از این رو شخص می تواند با زبان و فرهنگ حاکم بر شهر و منطقه خود این سخنان را بگوید.

4. ولیمه و اطعام مؤمنان

اشاره

هرچند ولیمه و اطعام مؤمنان به طور مطلق عملی نیک است، اما در چند مورد خاص، از جمله هنگام بازگشت از سفر عمره و حج، بر آن سفارش و تأکید شده است؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

(1). تحف العقول، ص 123؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 441.

(2). تهذیب الاحکام، ج 5، ص 444؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 447.

ص: 330

لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي حَمْسٍ فِي عُرْسٍ أَوْ حُرْسٍ أَوْ عِدَارٍ أَوْ وَكَارٍ أَوْ رِكَازٍ. فَالْعُرْسُ التَّرْوِيجُ وَالْحُرْسُ النَّفَاسُ بِالْوَلَادِ وَالْعِدَارُ الْخِتَانُ وَالْوَكَارُ الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ وَالرِّكَازُ الرَّجُلُ يَفْدَمُ مِنْ مَكَّةَ. (1) ولیمه ای نیست مگر در پنج مورد: هنگام عروسی و ازدواج، هنگام ولادت بچه، هنگام ختنه کردن، هنگام خرید خانه و هنگامی که شخص از سفر مکه بازمی گردد.

همچنین آن حضرت فرمود: «حج مبرور، پاداشی جز بهشت ندارد. از آن حضرت سؤال شد یا رسول الله! نیکی حج چیست؟ آن حضرت فرمود: سخن نیکو و اطعام». (2)

الف) اهمیت و جایگاه ولیمه و اطعام

اطعام به دیگران به ویژه مسلمان و مؤمن، در اسلام از جایگاه رفیعی برخوردار است و پاداش فراوانی دارد؛ از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: «أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَإِطْيَابُ الْكَلَامِ»؛ (3) «کدام عمل دارای فضیلت بیشتری است؟ حضرت فرمود: طعام دادن به دیگران و سخن خوب گفتن».

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «أَكَلَهُ يَأْكُلُهَا أَخِي الْمُسْلِمُ عِنْدِي، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ عَتَقِ رَقَبَةٍ»؛ (4) «یک لقمه ای که مسلمان نزد من بخورد محبوب تر است نزد من از آزاد کردن برده ای در راه خدا». در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «هر مؤمنی که یک مؤمن، اعم از ثروتمند یا فقیر را طعام دهد، پاداشی همانند آزاد کردن بنده ای از فرزندان اسماعیل را نزد خداوند خواهد داشت». (5) همچنین آن حضرت به یکی از اصحاب خود فرمود:

آیا در هر روزی یک بنده آزاد می کنی؟! گفتیم: «نه». امام فرمود: «در هر ماه

(1). من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 402 و ج 4، ص 356؛ تهذیب الاحکام، ج 7، ص 409.

(2). مستدرک الوسائل، ج 7، ص 409؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 166.

(3). وسائل الشیعه، ج 24، ص 289؛ جامع احادیث الشیعه، ج 8، ص 489.

(4). وسائل الشیعه، ج 24، ص 293.

(5). وسائل الشیعه، ج 24، ص 293؛ بحار الانوار، ج 71، ص 366.

چطور؟! گفتیم: «نه». سپس فرمود: «در هر سال چطور؟». گفتیم: «نه». سپس امام علیه السلام فرمود: «سبحان الله! آیا دست یکی از برادران شیعه ات را نمی گیری تا او را به خانه ات ببری و او را اطعام کنی؟! به خدا قسم فضیلت این عمل بالاتر است از اینکه برده ای از فرزندان اسماعیل را در راه خدا آزاد کنی». (1)

ب) آداب ولیمه و اطعام

اشاره

ولیمه و اطعام دیگران همچون هر عمل نیک دیگر در صورتی نزد خداوند پذیرفته و مستحق پاداش است که ولیمه دهندگان آن را با آداب و شرایط خاص انجام دهند. بنابراین مؤمنانی که اموال زیادی را برای ولیمه دادن دیگران پس از این سفر هزینه می کنند، بکوشند تا در حد توان، این عمل را با آداب و شرایطی که در شرع اسلام بیان شده است، به جا آورند تا از خیرات و برکات این عمل نیز در دنیا و آخرت بهره مند شوند.

برای ولیمه و میهمانی، آداب فراوانی در روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام بیان شده است که به برخی از آداب مهم آن اشاره می کنیم:

یک - اخلاص و تحصیل رضای الهی

از آداب مهم ولیمه، آن است که تنها برای رضای خدا انجام گیرد؛ چنان که خداوند در قرآن، یکی از ویژگی های ابرار را تحصیل رضایت الهی در اطعام خویش می داند و می فرماید:

(إِنَّ الْأَبْرَارَ... وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا... إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا) (انسان: 5 و 8 و 9)

ابرار کسانی اند که مسکین و یتیم و اسیر را تنها برای دوستی خدا اطعام می کنند و به آنان می گویند: «ما تنها برای رضای خدا، شما را اطعام می کنیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم».

(1). وسائل الشیعه، ج 24، ص 294؛ جامع احادیث الشیعه، ج 8، ص 501.

ص: 332

بر اساس این آیات، ابرار، اطعام دیگران را تنها برای محبت و رضای خدا انجام می دهند و از اطعام شوندهگان نه تنها پاداشی نمی خواهند، بلکه حتی امید تشکر زبانی هم از آنان ندارند؛ زیرا وقتی عملی برای خدا انجام گرفت، خداوند خود از انجام دهندگان آن سپاسگزاری می کند و پاداش آنان را بیشتر از عوض و پاداشی که از انسان ها انتظار می رود، عطا خواهد کرد. اما در مقابل، اگر ولیمه دهندگان، عمل خود را برای کسب رضایت دیگران یا اهداف غیر الهی دیگری انجام دهند، نه تنها پاداشی نزد خداوند نخواهند داشت، بلکه در دنیا و آخرت، زیان خواهند دید؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَطْعَمَ طَعَاماً رِيَاءً وَسَمِعَهُ، أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِثْلَهُ مِنْ صَدِيدِ جَهَنَّمَ وَجَعَلَ ذَلِكَ الطَّعَامَ نَاراً فِي بَطْنِهِ حَتَّى يَفْضِي بَيْنَ النَّاسِ. (1) کسی که دیگران را برای ریا و خودنمایی اطعام کند، خداوند او را به همان اندازه از چرکانه جهنم می خوراند و آن طعام را در شکم او به آتش تبدیل می نماید تا زمانی که میان انسان ها قضاوت کند.

متأسفانه بسیاری از افرادی که در مجالس ولیمه و اطعام، چه در ولیمه عمره یا حج و چه در مجالس دیگر همچون مجلس عزا یا عروسی، به دنبال اهداف و اغراض غیر الهی اند؛ برای مثال مهمانی را در مکانی بسیار مجلل برگزار می کنند یا غذاهای متنوعی تهیه می کنند تا دیگران از آنان تعریف و تمجید نمایند یا برای ولیمه تنها از افرادی خاص که دارای ثروت یا موقعیت اجتماعی اند، دعوت می کنند.

بی تردید برگزاری چنین مجالسی، نه تنها ارزش و پاداشی نزد خداوند ندارد، بلکه این افراد، هم در دنیا و هم در آخرت از زیانکاران خواهند بود؛ زیرا در دنیا اموال خود را هزینه کرده اند و در آخرت نیز خداوند به سبب اهداف غیر الهی شان از آنان بازخواست خواهد کرد.

(1). ثواب الاعمال، ص 286؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 287.

ص: 333

دو - اولویت دادن به مؤمنان

در مجالس ولیمه، اگر چه طعام دادن همگان دارای پاداش است، ولی بهتر است افراد مؤمن و باتقوا در اولویت دعوت قرار داشته باشند؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَطْعَمُوا طَعَامَكُمْ الْأَتْقِيَاءَ»؛ (1) «طعام خود را به انسان های باتقوا بخورانید». امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

اگر مؤمنی را غذا دهم تا سیر شود برای من بهتر است از اینکه افقی از مردم (غیر مؤمنان) را طعام دهم. از آن حضرت سؤال شد که افقی از مردم چه تعدادند؟! حضرت فرمود: صد هزار نفر. (2)

همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر فرمود:

ای ابوذر! به جز مؤمن با کسی هم نشین نشو و جز به شخص باتقوا، طعامی مده و خود نیز طعام افراد فاسق را نخور. ای ابوذر! به کسی طعامی بده که او را برای خداوند دوست داری و خود نیز طعام کسی را بخور که او را برای خداوند دوست داری. (3)

بر اساس این گونه روایات، فقیهان گفته اند: مستحب است در ولیمه و اطعام، مؤمنان را دعوت کنند؛ زیرا آنان برترند و مقام بالاتری در پیشگاه خداوند دارند و دعای آنان نیز در حق صاحب طعام زودتر به اجابت می رسد. (4) البته اگر امکان ندارد که همه دعوت شوندگان مؤمن باشند، حداقل میان آنان و دیگران جمع کند.

سه - دعوت از فقرا همراه با اغنیا

در مجالس ولیمه و اطعام مستحب است که افراد فقیر و مسکین نیز دعوت شوند (5) و حتی بسیاری از فقیهان گفته اند: دعوت این افراد دارای اولویت بوده و فضیلت بیشتری

(1). مستدرک الوسائل، ج 16، ص 253؛ جامع احادیث الشیعه، ج 8، ص 505.

(2). الکافی، ج 2، ص 200؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 306.

(3). الامالی، طوسی، ص 535؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 274.

(4). مسالک الافهام، ج 7، ص 27؛ حدائق الناضره، ج 23، ص 32.

(5). مسالک الافهام، ج 7، ص 28؛ جواهر الکلام، ج 29، ص 48.

دارد؛ (1) چنان که در حدیثی از پیشوایان معصوم علیهم السلام آمده است: « نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ وَلِيمَةٍ يُخَصُّ بِهَا الْأَغْنِيَاءَ وَيُتْرَكُ الْفُقَرَاءُ »؛ (2) «رسول خدا صلی الله علیه و آله از ولیمه ای که فقط ثروتمندان دعوت شده باشند و فقرا را شونند، نهی فرمود».

همچنین آن حضرت فرمود: « شَرُّ الطَّعَامِ، طَعَامُ الْوَلِيمَةِ يُدْعَى لَهَا الْأَغْنِيَاءُ وَيُتْرَكُ الْفُقَرَاءُ »؛ (3) «بدترین طعام، غذای ولیمه ای است که تنها ثروتمندان به آن دعوت شده باشند و فقرا را گردند».

چهار - تهیه طعام نیکو

اگر شخص میهمان، بدون دعوت به خانه میزبان آمده است، بر میزبان لازم نیست خود را در پذیرایی از میهمان به زحمت اندازد. بلکه هرچه در خانه اش موجود است کفایت می کند. اما اگر کسی فرد یا افرادی را به میهمانی دعوت کند، توصیه شده است که خود را به زحمت اندازد و غذایی نیکو برای آنان تهیه کند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أَتَاكَ أَخُوكَ فَأْتِهِ بِمَا عِنْدَكَ وَإِذَا دَعَوْتَهُ فَتَكَلَّفْ لَهُ. (4) هرگاه برادر دینی ات به خانه ات آمد، هرآنچه نزد تو هست برایش بیاور. ولی اگر او را دعوت کردی، در پذیرایی او، خودت را به زحمت افکن.

همچنین آن حضرت فرمود: «اعْمَلْ طَعَامًا وَتَتَوَقَّى فِيهِ وَادْعُ عَلَيْهِ أَصْحَابَكَ»؛ (5) «غذایی طبخ کن و آن را نفیس و نیکو قرار ده و یارانت را برای خوردن آن دعوت کن». یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام «ابی حمزه» می گوید:

با گروهی، منزل امام صادق علیه السلام بودیم. آن حضرت برای ما طعامی آورد که تاکنون غذایی به نیکویی و لذیذی آن نخورده بودیم. سپس حضرت خرمایی آورد که به جهت نیکو بودن آن، به همدیگر نگاه کردیم. سپس یکی از ما به امام علیه السلام عرض

(1). العروه الوثقی، ج 5، ص 478؛ مهذب الاحکام، ج 24، ص 10.

(2). الکافی، ج 6، ص 282؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 300.

(3). صحیح بخاری، ج 6، ص 144؛ السنن الکبری، ج 7، ص 262.

(4). الکافی، ج 6، ص 276؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 278.

(5). الکافی، ج 6، ص 281؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 300.

کرد: «خداوند از این طعامی که نزد شما خوردیم، در قیامت از ما سؤال خواهد کرد؟» امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: «خداوند کریم تر و بزرگوارتر از این است که طعام گوارایی را به شما بدهد و سپس از شما درباره آن سؤال کند. اما از شما درباره نعمت محمد و آل محمد علیهم السلام که به شما عطا کرده است، سؤال خواهد کرد». (1)

البته به زحمت انداختن خود و طعام نیکو آماده کردن در ولیمه، در صورتی استحباب دارد که شخص، توانایی تهیه چنین طعامی را داشته باشد. اما اگر توان مالی برای تهیه چنین طعامی را نداشته باشد، باید در حد توانایی اش از دیگران پذیرایی کند و خود یا خانواده اش را به مشقت نیفکند.

در حدیثی آمده است که امام صادق علیه السلام گاه به میهمانان غذایی نیکو می داد و گاه نان و روغن به آنان می خورانید. به آن حضرت عرض کردند بهتر است امور زندگی را به گونه ای تدبیر کنید که همیشه اعتدال در آن باشد. حضرت در پاسخ فرمود:

إِنَّمَا تَدْبِيرُنَا مِنَ اللَّهِ إِذَا أَوْسَعَ اللَّهُ عَلَيْنَا أَوْسَعًا وَإِذَا قَتَّرَ قَتْرًا. (2) تدبیر امور ما از ناحیه خداوند است؛ هرگاه بر ما وسعت بخشد، ما نیز وسعت می بخشیم و هرگاه بر ما تنگ گیرد، ما نیز تنگ می گیریم.

پنج - شرکت نکردن در مجالس ولیمه بدون دعوت

فرد میهمان باید در مجلسی حاضر شود که از او دعوت شده باشد؛ وگرنه شرکت در آن جایز نیست؛ مگر اینکه یقین داشته باشد صاحب مجلس از حضور وی راضی است؛ امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «مَنْ أَكَلَ طَعَامًا لَمْ يَدْعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا أَكَلَ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ»؛ (3) «کسی که طعامی را که به آن دعوت نشده است بخورد، گویا قطعه ای از آتش را خورده است».

(1). الکافی، ج 6، ص 280؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 297.

(2). الکافی، ج 6، ص 280؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 296.

(3). الکافی، ج 6، ص 270؛ تهذیب الاحکام، ج 9، ص 92.

ص: 336

همچنین اگر شخص به تنهایی دعوت شده است، نباید فرزند خود یا دیگران را همراه ببرد؛ چنان که آن حضرت فرمود:

إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يَسْتَشِيرَنَّ وَلَدَهُ فَإِنَّهُ إِنْ فَعَلَ أَكَلَ حَرَامًا وَدَخَلَ غَاصِبًا. (1) هرگاه یکی از شما به طعامی دعوت شود، فرزند خود را به دنبال خود به آن مجلس نبرد؛ زیرا اگر این عمل را انجام دهد، طعام حرامی را خورده و به مکان غصبی وارد شده است.

شش - پذیرش دعوت مسلمان برای مجلس ولیمه

از دیگر آداب مجالس ولیمه، اجابت دعوت مؤمن است؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَوْصِي الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ أَنْ يُجِيبَ دَعْوَةَ الْمُسْلِمِ وَلَوْ عَلَى خَمْسَةِ أَمْيَالٍ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ. (2) حاضران و غایبان از امت خود را وصیت می کنم که دعوت مسلمان را اجابت کنند؛ هرچند فاصله میان آنان پنج میل (حدود دو فرسخ) باشد؛ زیرا این عمل از دین است.

همچنین آن حضرت درباره سیره و روش خویش در این باره فرمود:

اگر مؤمنی مرا به پاچه گوسفندی دعوت کند دعوت او را اجابت می کنم؛ زیرا این عمل از دین است. اما اگر مشرک و منافقی مرا به غذایی دعوت کند، او را اجابت نمی کنم؛ زیرا این عمل نیز از دین است. (3)

بر اساس این گونه از روایات، فقیهان گفته اند: در صورتی که مسلمانی، مسلمان دیگری را به مجلس اطعام یا مجلسی دیگر دعوت کرد، مستحب مؤکد است که دعوت او را بپذیرد. (4)

(1). الکافی، ج 6، ص 270؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 234.

(2). الکافی، ج 6، ص 274؛ تهذیب الاحکام، ج 9، ص 94.

(3). الکافی، ج 6، ص 274؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 268.

(4). جواهر الکلام، ج 36، ص 473؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 268.

اشاره

از دیگر آداب سفر عمره و حج که شاید بتوان آن را مهم ترین و اساسی ترین هدف این سفر معنوی و حکمت اصلی تشریح این دو عبادت به شمار آورد، آن است که حج گزار پس از پایان مناسک و بازگشت به وطن، دستاوردهای این سفر مقدس و معنوی را حفظ کند و بر پیمانی که در این سفر با گفتار و کردار خویش با خداوند و اولیای او منعقد کرده است تا پایان عمر باقی بماند؛ در بخشی از روایت منقول از امام رضا علیه السلام درباره فلسفه تشریح حج آمده است:

إِنَّمَا أُمِرُوا بِالْحَجِّ لِعَلَّهُ الْوَفَاءُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَطَلَبِ الزِّيَادَةِ وَالْخُرُوجِ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ الْعَبْدُ تَائِباً مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنِفاً لِمَا يَسْتَقْبِلُ... ثَابِتاً عَلَى ذَلِكَ دَائِماً. (1) همانا مردم مأمور به حج شدند تا به سوی خداوند کوچ کنند و از او طلب زیادی نمایند و از هر گناهی که تاکنون انجام داده اند، خارج شوند؛ درحالی که از گذشته خود توبه کرده و زندگی جدیدی را آغاز می کنند... و برای همیشه بر این اهداف، ثابت قدم باقی بمانند.

امام صادق علیه السلام نیز پس از بیان اهداف تشریح حج و کارهایی که شایسته است حج گزار آنها را در این سفر رعایت کند، خطاب به هر یک از حج گزاران فرمود:

وَاسْتَقِيمَ عَلَى شَرْطِ حَجِّكَ وَوَفَاءَ عَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَ رَبَّكَ وَأَوْجِبَتْهُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (2) بر شروط حج خود و عهدی که با پروردگارت منعقد کردی و آن را برای خداوند واجب نمودی، تا روز قیامت پایدار بمان.

همچنین امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

کسی که حج را به جا آورد و دوستان ما را دوست بدارد و از دشمنان ما دوری گزیند و نفسش را بر اطاعت از ما وادار کند، سپس در این موقف (مکه) حاضر

(1). علل الشرایع، ج 1، ص 273؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 13.

(2). مصباح الشریعه، ص 49؛ بحار الانوار، ج 96، ص 125.

شود و امانتی را که خداوند بر ذمه او قرار داده است، به حجرالاسود تسلیم نماید و بر عهدهای ما که او را ملزم به آن کرده است پایدار بماند، آن شخص، حج گزار واقعی است. (1)

گفتنی است در روایت نخست، امام رضا علیه السلام زائران را به ثابت قدم بودن بر اهداف و دستاوردهای حج برای همیشه و تا پایان عمر فرمان داده است. در روایت دوم، منسوب به امام صادق علیه السلام، از استقامت بر شروط حج و پابندی بر عهد و پیمان های حج گزار با خداوند متعال یاد شده و در روایت سوم نیز از وفای حج گزاران به پیمان های خود با اولیای الهی و امامان معصوم علیهم السلام سخن به میان آمده است.

از این روزاثر پس از سفر عمره و حج، وظیفه دارد ضمن ثابت قدم بودن بر اهداف و دستاوردهای سفر عمره و حج، بر عهد و پیمانی که در این سفر با خداوند و دیگر اولیای الهی منعقد کرده است، برای همیشه و تا پایان عمر خویش پایبند باشد و آنها را نقض نکند.

الف) دستاوردها و پیمان های حج گزار در عمره و حج

اشاره

عمره و حج چه اهداف و دستاوردهایی داشته است که حج گزار باید تا پایان عمر بر آنها ثابت قدم باشد و از آنها اعراض نکند؟! زائر سرزمین وحی چه عهد و پیمان هایی در این سفر با خداوند و اولیای او منعقد کرده است که باید تا قیامت بر این عهد و پیمان ها باقی بماند و آنها را نقض نکند؟!

بی شک، دستاوردها و پیمان های عمره و حج، فراوان است و به نوعی همه اهداف این مناسک و پیمان هایی که حج گزار با گفتار و کردار خویش با خداوند و اولیای الهی منعقد کرده را شامل می شود. اما در اینجا ما به مهم ترین دستاوردها و پیمان هایی که شایسته است زائران پس از بازگشت به حفظ و بقای آنها اهتمام ورزند، اشاره می کنیم:

(1). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 40؛ بحار الانوار، ج 96، ص 258.

ص: 339

یکی از اهداف و دستاوردهای مهم سفر عمره و حج، توبه از گذشته و کوچ کردن زائر به سوی خداوند است. این سفر دل‌کنند و بریدن از دنیا و هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطان و روی آوردن به خداوند است. در این سفر حج گزار تصمیم گرفته است که از هر آنچه غیر خداوند است روی برگرداند و به سوی خداوند بازگردد و بنده حقیقی او شود. از همه گناهانی که تاکنون انجام داده است توبه کند و آن‌گاه زندگی جدیدی را آغاز نماید.

بر این اساس، اگر حج گزار تاکنون اهل غیبت، تهمت، دروغ، بدزبانی، بداخلاقی و هر گناه دیگر زبانی و غیر زبانی بوده است، باید پس از بازگشت از سفر عمره و حج، تصمیم بگیرد که دیگر اهل غیبت و تهمت و دروغ نباشد. بدزبانی و بداخلاقی را ترک کند و گناهانی را که قبل از سفر مرتکب می‌شده است، انجام ندهد؛ وگرنه عمره و حج زائر، دستاوردی نداشته و حتی خداوند، عمره و حج او را که برای انجام دادن آن زحمت و تلاش فراوانی کشیده است، به وی باز می‌گرداند؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ عَلامَةِ قَبُولِ الْحَجِّ إِذَا رَجَعَ الرَّجُلُ، رَجَعَ عَمَّا كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْمَعَاصِي. هَذَا عَلامَةُ قَبُولِ الْحَجِّ، وَإِنْ رَجَعَ مِنَ الْحَجِّ ثُمَّ انْهَمَكَ فِيمَا كَانَ عَلَيْهِ مِنْ زَنَى أَوْ خِيَانَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ، فَقَدْ رُدَّ عَلَيْهِ حَجُّهُ. (1) علامت قبول حج، آن است که وقتی حج گزار از حج بازمی‌گردد، از گناهانی نیز که پیش‌تر مرتکب می‌شده است، بازگردد. این علامت قبولی حج است. اما اگر از حج بازگردد و سپس به همان گناهانی که در گذشته مرتکب می‌شده است، همچون زنا، خیانت یا گناهان دیگر، مشغول شود، حج او به وی بازگردانده می‌شود.

دستاورد دیگر این سفر، ادا کردن حقوق مادی و معنوی دیگران و پاک کردن اموال و درآمد خویش است. زائر در این سفر، حقوقی را که خداوند یا بندگان بر ذمه او

(1). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 165؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 227.

داشته اند، ادا کرده و اموال و درآمد خود را پاک و حلال نموده است یا حداقل با حسابرسی اموال و درآمد خود در این سفر، میزان حقوق دیگران در اموال خود را محاسبه کرده است تا پس از بازگشت از سفر، این حقوق را از اموال خود خارج کند. از این رو در بازگشت از سفر باید این دستاورد بزرگ را حفظ کند و ضمن پرداخت حقوق باقی مانده خدا و خلق، تا پایان عمر نگذارد که حقی از دیگران بر ذمه وی باقی بماند و مال حرام یا شبهه ناکی به درآمد و دارایی او راه یابد.

همچنین زائر در این سفر توفیق یافته است که همیشه با وضو و طهارت باشد و نیز به نماز اهمیت دهد؛ به طوری که همه نمازهای خویش را در اول وقت و در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله یا مسجدالحرام و با جماعت اقامه کند. از این رو، پس از بازگشت از سفر نیز باید به وضو و نماز اهمیت بدهد و سعی کند در همه حال با طهارت باشد و همه نمازهای خود را در اول وقت به جا آورد و تا جایی که امکان دارد نمازهای خود را در مسجد و به جماعت بخواند.

افزون بر این، اگر زائر پیش از سفر با قرآن مأنوس نبوده است، در این سفر این توفیق بزرگ نصیب او شده است که با قرآن مأنوس شود و هر روز را با تلاوت سوره هایی از قرآن کریم سپری نماید و حتی برخی موفق شده اند یک یا چند بار قرآن را در این سرزمین مقدس ختم کنند. پس زائر باید با پایان یافتن این سفر، همچنان به این روش نیکوی خود ادامه دهد و حداقل در هر روز آیاتی از قرآن را تلاوت کند تا خداوند نام او را در زمره غافلان از کتاب خدا ثبت نکند.

دستاورد دیگر این سفر، اخلاق نیک او در طول سفر بوده است. در این سفر، اخلاق عموم زائران، به برکت این سرزمین مقدس و دور بودن آنان از مشکلات و گرفتاری های زندگی، نیکو و پسندیده بوده است و در حد توان در برابر مشکلات و سختی های سفر، صبوری و از خودگذشتگی نشان داده اند. از این رو باید زائر خانه خدا پس از پایان این سفر نیز بکوشد در همه مراحل زندگی و با همگان، به ویژه خانواده خویش، با روی

خوش و اخلاق پسندیده رفتار کند و از بداخلاقی و برخورد نامناسب بپرهیزد.

دستاورد مهم دیگر این سفر که مهم ترین و بالاترین دستاورد و نتیجه اصلی آن به شمار می رود، روحیه بندگی و تسلیم بودن زائر در برابر خداوند است. در این سفر، زائر، همه یا بیشتر دستورهای الهی مربوط به این سفر را اطاعت کرده است؛ به طوری که هم به واجبات الهی عمل کرده و هم از محرمات الهی اجتناب نموده است. در واقع او نه تنها دستورهای خداوند را در واجبات و محرمات اطاعت کرده است، بلکه کوشیده است مستحبات این مناسک را به جا آورد و از مکروهات آن دوری گزیند. بنابراین، او باید در بازگشت به وطن، این دستاورد عظیم را حفظ کند و بندگی خود را در وطن و شهر خود نیز نشان دهد و از همه دستورهای خداوند، پیروی کند و تسلیم محض پروردگار باشد.

دو - عهد و پیمان ها در عمره و حج

افزون بر اهداف و دستاوردهای ذکر شده، حج گزار در طول اعمال عمره و حج، با گفتار و کردار خویش عهد و پیمان های متعددی با پروردگار و اولیای معصوم او منعقد کرده است که وظیفه دارد تا پایان عمر بر آنها پایدار بماند.

از جمله، زائر در آغاز مناسک عمره و حج و هنگام احرام بستن در میقات، با گفتن لبیک و تکرار مکرر آن، در واقع با خداوند عهد بسته است که خدایا! من دعوت تو را اجابت کردم و هر آنچه غیر تو است را ترک می گویم؛ چنان که در نقلی منسوب به امام زین العابدین علیه السلام آمده است:

فَحِينَ لَبَّيْتُ، تَوَيْتَ اَنَّكَ نَطَقْتَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ بِكُلِّ طَاعَةٍ وَصَدِّمْتَ عَنْ كُلِّ مَعْصِيَةٍ. (1) آن گاه که لبیک گفتمی، آیا نیت کردی که هر طاعتی را برای خدا انجام می دهی و هر گناهی را ترک خواهی کرد؟!

(1). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 167؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 31.

ص: 342

همچنین زائر هنگامی که وارد مسجدالحرام می شود و با دست یا با اشاره، حجرالاسود را استلام می کند، از یک سو با خداوند متعال پیمان می بندد که مطیع خداوند باشد و از نافرمانی او بپرهیزد و از سوی دیگر پیمان هایی که در گذشته از جمله در عالم ذر یا مواقعی دیگر با خداوند و اولیای الهی منعقد کرده، همچون پیمان و اقرار بر ربوبیت خداوند، نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام را تجدید می کند؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

اسَّ تَلَمُّوا الرُّكْنَ، فَإِنَّهُ يَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، يُصَافِحُ بِهَا خَلْقَهُ مُصَافِحَةَ الْعَبْدِ أَوْ الرَّجُلِ، يَسَّ هُدًى لِمَنْ اسَّ تَلَمَّهُ بِالْمُؤَافَاهِ. (1) رکن حجرالاسود را استلام کند؛ زیرا حجرالاسود به منزله دست راست خداوند روی زمین است که خداوند با آن با بندگان مصاحفه می کند؛ همچون مصاحفه مالک با بنده خود یا کسی که وارد بر شخصی می شود و حجرالاسود در قیامت، به نفع کسانی که بر عهد و پیمان خود باقی مانده اند، شهادت می دهد.

این مضمون در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز آمده است. (2) امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

حجرالاسود فرشته ای عظیم از فرشتگان الهی بود و هنگامی که خداوند از فرشتگان بر ربوبیت خود و نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و جانشینی علی علیه السلام پیمان گرفت، پهلوهای فرشتگان به لرزه افتاد و نخستین فرشته ای که به این پیمان ها اقرار کرد، او بود؛ زیرا محبت و عشق او به حضرت محمد و آل آن حضرت علیهم السلام از همه فرشتگان بیشتر بود. از این رو خداوند او را از میان فرشتگان برگزید و پیمان های مذکور را درون او به ودیعه نهاد و او در قیامت در حالی می آید که دارای زبانی ناطق و چشمی بیناست و به نفع هرکسی که بر عهد خود تا آن مکان باقی مانده و پیمان الهی را حفظ کرده است، گواهی می دهد. (3)

(1). علل الشرایع، ج 2، ص 424؛ تهذیب الاحکام، ج 5، ص 102.

(2). علل الشرایع، ج 2، ص 426؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 321.

(3). الکافی، ج 4، ص 186؛ علل الشرایع، ج 2، صص 429-431.

امام زین العابدین علیه السلام نیز فرمود:

مَنْ حَجَّ وَوَالَى مُوَالِيَنَا، وَهَجَرَ مُعَادِيَنَا، وَوَطَّنَ نَفْسَهُ عَلَى طَاعَتِنَا، ثُمَّ حَضَرَ هَذَا الْمُوقِفَ، مَسَّ لَمَّا إِلَى الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ مَا قَلَّدَهُ اللَّهُ مِنْ أَمَانَاتِنَا، وَوَفِيًّا بِمَا أَلْزَمَهُ مِنْ عُهُودِنَا، فَذَلِكَ هُوَ الْحَاجُّ. (1) کسی که حج را به جا آورد و دوستان ما را دوست بدارد و از دشمنان ما دوری گزیند و نفسش را بر اطاعت از ما وادارد، سپس در این موقف (مکه) حاضر شود و امانتی که خداوند بر ذمه او قرار داده را به حجرالاسود تسلیم کند و بر عهدهای ما که او را ملزم به آن کرده است پایدار بماند، آن شخص، حج گزار واقعی است.

همچنین حج گزار در رمی جمرات، در واقع شیطان و همه اعمال منتسب به او را رمی و از خود دور می کند و با این عمل با خداوند عهد می بندد که از شیطان و اعمال شیطانی دوری گزیند و هر کاری را که خدا دوست دارد انجام دهد؛ چنان که در روایت منسوب به امام سجاد علیه السلام آمده است:

فَعِنْدَ مَا رَمَيْتَ الْجِمَارَ نَوَيْتَ أَنْتَكَ رَمَيْتَ عَدُوَّكَ إِبْلِيسَ وَغَضِبَ بِهِ بِتَمَامِ حَجِّكَ النَّفِيسِ؟ (2) آیا موقع رمی جمار این نیت را کردی که با این عمل، دشمن خود ابلیس را رمی می کنی و او را با کامل کردن حج نفیس خود به غضب می آوری؟!

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: « وَازِمِ الشَّهَوَاتِ وَالْخَسَاسَةَ وَالذَّنَاءَةَ وَالْأَفْعَالَ الذَّمِيمَةَ عِنْدَ رَمِي الْجَمْرَاتِ »؛ (3) «با رمی جمرات، همه شهوت ها و سستی ها و اعمال مذموم را رمی کن».

همچنین پیرو خاندان وحی و رسالت، با پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام و قبول مذهب تشیع، در واقع با پیشوایان معصوم خود پیمان بسته است که بر ولایت آنان ثابت قدم بماند و از راه و دستوره های آنان پیروی کند و هنگامی که زائر در سفر عمره و حج یا

(1) . مستدرک الوسائل، ج 10، ص 40؛ بحار الانوار، ج 96، ص 258.

(2) . مستدرک الوسائل، ج 10، ص 171؛ جامع احادیث الشیعه، ج 10، ص 373.

(3) . مصابح الشریعه، ص 49؛ بحار الانوار، ج 96، ص 125.

دیگر سفرهای زیارتی، به زیارت این قبور مطهر می رود و در برابر قبور آنان، زیارت نامه می خواند، افزون بر تجدید پیمان گذشته خود با اولیای الهی بر ولایت، خود را از جهت اعتقادی و عملی ملزم به پیروی از آنان می کند؛ چنان که در حدیثی از پیشوایان معصوم علیهم السلام آمده است: «إِنَّ زِيَارَتَنَا إِنَّمَا هِيَ تَجْدِيدُ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ الْمَأْخُودِ فِي رِقَابِ الْعِبَادِ»؛ (1) «همانا زیارت ما تجدید عهد و پیمانی است که از بندگان گرفته شده است».

سپس زائر هنگام زیارت این خاندان، خطاب به آنان چنین می گوید:

حِثُّكَ يَا مَوْلَايَ، زَائِرًا لَكَ وَمُسَلِّمًا عَلَيْكَ وَلَا نِذَاءً بِكَ وَقَاصِدًا إِلَيْكَ، أُجَدِّدُ مَا أَخَذَ اللَّهُ لَكُمْ فِي رَقَبَتِي مِنَ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ وَالْوَلَايَةِ لَكُمْ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، مُعْتَرِفًا بِالْفَرْضِ مِنْ طَاعَتِكُمْ. (2) ای مولای من! نزد تو آمدم تا تورا زیارت کنم و بر تو درود فرستم و به تو پناه آوردم و تورا قصد کردم تا عهد و پیمانی را که خداوند به پذیرش ولایت و دوستی شما و برائت از دشمنان شما از من گرفته است، تجدید نمایم و اعتراف می کنم که اطاعت شما بر من واجب است.

و در جملاتی دیگر، خطاب به امامان معصوم خود، چنین می گوید:

أَشْهَدُ اللَّهُ وَأُشَدُّ بِكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بِعَدْوِكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ، ... مُوَالٍ لَكُمْ وَلَا أَوْلِيَاءَ لَكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَيِّئٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، ... أَخِيذٌ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ. (3) خداوند و شما را گواه می گیرم که من به شما و آنچه شما به آن اعتقاد دارید، ایمان دارم و به دشمنان شما و آنچه شما به آن کفر می ورزید، کفر می ورزم. ... من، شما و دوستان شما را دوست دارم و از دشمنان شما بغض دارم و با آنان دشمنم. در صلح و سازشم با کسانی که شما با آنان سازش دارید و جنگ دارم با کسانی که شما با

(1). مستدرک الوسائل، ج 10، ص 223؛ بحار الانوار، ج 99، ص 197.

(2) همان.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 614؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 99.

آنان جنگ دارید. صحیح و حق می دانم آنچه را شما صحیح و حق می شمارید و باطل می شمارم آنچه را شما باطل می شمارید. مطیع شمایم... سخن شما را پذیرفته ام و به فرمان شما عمل می کنم.

عهد و پیمان با خداوند و اولیای الهی، به اعمال و گفتارهای ذکر شده اختصاص ندارد. بلکه در هر یک از اعمال و مناسک عمره و حج که حج گزار انجام می دهد و نیز در هر یک از زیارات و مشاهدی که وی در آنها قدم می گذارد، به نوعی اسرار و اهدافی نهفته است که شخص با انجام دادن هر یک از این اعمال، با خداوند و اولیای الهی پیمان می بندد که اسرار و اهداف مذکور را در زندگی خویش عملی کند. از این رو شایسته است زائر پس از بازگشت از این سفر، در حد فهم و توان خویش، اسرار و اهداف مذکور را محقق سازد و به عهد و پیمان های خود، تا پایان عمر، پایدار و ثابت قدم باقی بماند.

ب) راه های حفظ دستاوردها و پیمان ها

اشاره

پس از تحصیل دستاوردها و انعقاد پیمان های مذکور، وظیفه مهم تری که زائر خانه خدا پس از بازگشت بر عهده دارد، حفظ این دستاوردها و باقی ماندن بر عهد و پیمان های خود تا پایان عمر است. اهمیت بیشتر این مسئله بدان سبب است که هرچند ممکن است به دست آوردن چیزی، دشوار باشد، اما دشوارتر از آن، حفظ آن دستاوردهاست؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود: «الإِثْبَاءُ عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ»؛ (1) «باقی ماندن بر عمل و حفظ آن، سخت تر از خود عمل است».

سبب این امر، آن است که وقتی انسان سرمایه ای را به دست می آورد، به ویژه سرمایه های معنوی، شیاطین جن و انس تلاش زیادی می کنند تا آن را از انسان برابند. بر این اساس، انسان مؤمن به ویژه زائران سفر معنوی عمره و حج، باید بسیار مواظب

(1). الکافی، ج 2، ص 296؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 75.

ص: 346

باشند که این سرمایه های گرانبهائی را که در این سفر با زحمت فراوان به دست آورده اند، به آسانی از دست ندهند و آنها را تا پایان عمر برای خویش نگه دارند.

حال، راه حفظ این دستاوردها و سرمایه ها چیست؟! حج گزاران باید چه اعمال و رفتارهایی انجام دهند تا بتوانند این سرمایه ها را نگه دارند و بر پیمان هایی که در این سفر با خداوند و اولیای الهی منعقد کرده اند باقی بمانند؟!

روش های مختلفی برای حفظ این سرمایه های معنوی وجود دارد که در اینجا به مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

یک - به ودیعه سپردن اعمال، نزد خداوند متعال

هرچند قدرت شیطان و شیطان صفتان، زیاد است؛ به گونه ای که با روش های مختلف برای وسوسه و گمراهی و از بین بردن سرمایه های معنوی انسان می کوشند، اما بی تردید قدرت خداوند بسیار بالاتر و برتر از همگان است. بر همین اساس، در احادیث پیشوایان دین، به طور مکرر سفارش شده است که مؤمنان در همه کارها، به ویژه درباره دین و سرمایه های معنوی خود، از خداوند یاری بخواهند و سرمایه ها و اعمال خود را نزد او به ودیعه بسپارند؛ از جمله در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که هرگاه متاعی به دست آوردید، آن را به امانت نزد خداوند بسپارید و چنین بگویید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَحْرَسُكَ بِمَا مِنْ لِي بِدِينِي وَدِينِ عِيَالِي، وَأَحْرَسُهُ لِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَبِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَبِعِزَّتِكَ الَّذِي لَا يَدُلُّ، وَبِسُلْطَانِكَ الْقَاهِرِ الْغَالِبِ لِكُلِّ شَيْءٍ. (1) خدایا! این سرمایه را نزد تو به امانت می سپارم. ای کسی که امانتت را ضایع نمی کند و از تو می خواهم که از آن محافظت کنی. پس این امانت را برای من حفظ

(1). مستدرک الوسائل، ج 13، ص 293؛ جامع احادیث الشیعه، ج 18، ص 22.

ص: 347

و از آن نگهداری کن؛ با چشمی که هرگز نمی خوابد و به تکیه گاه خودت که هرگز دست کسی به آن نمی رسد و به عزت خودت که هرگز خوار نمی گردد و با سلطنتت که قاهر و غالب بر هر سلطنت و قدرتی است.

در دعایی از امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز درباره استعانت از خداوند برای حفظ سرمایه های مادی و معنوی چنین آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ دِينِي وَنَفْسِي وَجَمِيعَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ فَاجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَحِفْظِكَ وَعِزِّكَ وَمَنْعِكَ. (1) خدایا! دین و جان و همه نعمت هایی را که به من عطا کرده ای، نزد تو به امانت می سپارم. پس مرا در پناه و حفظ و عزت و قدرت بالغه ات حفظ کن.

امام باقر علیه السلام نیز در دعایی فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ دِينِي وَنَفْسِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأَعُوذُ بِكَ يَا عَظِيمُ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ جَمِيعاً وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يُبْلِسُ بِهِ إِبْلِيسُ وَجُنُودُهُ. (2) خدایا! دین و جان و دنیا و آخرت و اهل و مال خود را نزد تو به ودیعه می گذارم و از شر همه خلائق و از شر وسوسه های ابلیس و لشکریانش به تو پناه می برم.

بر این اساس، شایسته است حاجیانی که از سفر عمره و حج، بازگشته اند، همه دستاوردهای معنوی و نیز پیمان هایی را که با خداوند و اولیای او منعقد کرده اند، نزد خداوند به ودیعه گذارند و از خداوند بخواهند که آنان را در حفظ این دستاوردها و باقی ماندن بر این عهد و پیمان ها یاری کند. گفتنی است اگر این عمل، بدون درنگ پس از پایان مناسک عمره و حج و در مسجدالحرام و نزد خانه کعبه صورت گیرد، بهتر خواهد بود؛ زیرا زمان و مکان به ویژه مسجدالحرام و کنار خانه خداوند در پذیرش دعای انسان تأثیر بیشتری دارد.

(1). فلاح السائل، ص 253؛ بحارالانوار، ج 83، ص 117.

(2). الکافی، ج 2، ص 528؛ بحارالانوار، ج 83، ص 293.

ص: 348

اگر انسان سرمایه های مادی اش را راکد گذارد و به جریان نیندازد، گاه در معرض سرقت قرار می گیرد و گاه به جای رشد، از ارزش آن کاسته می شود. سرمایه های معنوی نیز این گونه است؛ به طوری که اگر شخص مؤمن، آنها را در زندگی اش به کار نبندد، شیطان آنها را می رباید یا به جای رشد معنوی، در مراتب سقوط گام می نهد. بر این اساس، یکی از راه های حفظ این دستاوردها و دور کردن شیطان از انسان، مواظبت مداوم بر اعمال خیر و دستاوردهای نیک این سفر است. در حدیثی امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الَّذِي يُبَاعِدُ الشَّيْطَانَ مِنَّا؟ قَالَ: ... الْمُوَظَبَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ. (1) از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد که ای رسول خدا! چه عملی شیطان را از ما دور می کند؟ حضرت فرمود: «مواظبت بر عمل صالح، دنباله شیطان را به طور کلی قطع می کند».

برای تحقق این هدف، حج گزار باید از همان لحظات آغازین بازگشت، برای حفظ دستاوردهای معنوی اش بکوشد و همه تلاش و همت خود را در این راه به کار بندد؛ زیرا به تأخیر انداختن اعمال خیر، همان فرصتی است که شیطان به دنبال آن است؛ به طوری که در بسیاری از موارد، همین فاصله اندک را به فاصله طولانی تبدیل می کند و زمینه را برای جدا شدن انسان از این معنویات فراهم می کند. از این رو امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ وَلَا تَقُلْ غَدًا أَوْ بَعْدَ غَدٍ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَالسَّوِيْفِ حَتَّى أَتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَعْتَهُ وَهُمْ غَافِلُونَ، فَتَقْدُوا عَلَى أَعْوَادِهِمْ إِلَى قُبُورِهِمْ الْمُظْلِمَةَ الضَّيِّقَةَ. (2) باقیمانده عمرت را تدارک نما و برای انجام دادن اعمال خیر، امروز و فردا نکن؛ زیرا

(1). بحارالانوار، ج 60، ص 264 و ج 66، ص 403.

(2). الكافي، ج 2، ص 136؛ بحارالانوار، ج 70، ص 75.

گذشتگان شما بدان علت هلاک شدند که خود را گرفتار آرزوها کردند و در انجام دادن اعمال خیر، امروز و فردا کردند تا اینکه مرگ، در حالی که غافل بودند به سراغ آنان آمد و آنان سوار بر تابوت هایشان به سوی قبرهای تنگ و تاریک منتقل شدند.

بر این اساس، حج گزار باید با مواظبت بر دستاوردهای معنوی سفر، در حفظ آنها تلاش کند. به عنوان نمونه، اگر در طول سفر همیشه با وضو و طهارت بودن، سعی نماید که پس از سفر نیز هیچ گاه این سنت نیکو را ترک نکند. یا اگر در طول سفر همیشه نماز را در اول وقت و با جماعت اقامه می کرده است پس از سفر نیز سعی نماید هر روز نماز خود را در اول وقت و با جماعت اقامه کند و یا اگر اخلاق او در سفر نیک گردیده است تلاش کند که پس از سفر نیز با همگان در همه حالات با اخلاق نیک و پسندیده برخورد کند.

ولی بسیار مشاهده می شود که حج گزاران و زائران این سفر به این مسئله مهم توجه ندارند و دستاوردهای معنوی خود را به راحتی از دست می دهد؛ برای مثال از همان ابتدای بازگشت، به جای اقامه نماز اول وقت و نیز شرکت در نماز جماعت، سرگرم کارهای روزمره همچون پذیرایی از میهمان ها و کارهایی همانند آن می شوند و این تکلیف مهم الهی را به روزهای آینده موکول می نمایند. بی تردید، بی توجهی آنان به این تکلیف مهم، مصداق همان تسویف و به تأخیر انداختن اعمال خیر است که پیشوایان دین علیهم السلام، مؤمنان را از ارتکاب آن به شدت نهی کرده اند.

سه - حضور مداوم در مجالس موعظه و تذکر

خداوند، طبیعت انسان را به گونه ای خلق کرده است که اگر گفتار یا کرداری به طور مداوم به او یادآوری نشود، آن گفتار یا عمل به تدریج فراموش می شود. به همین علت، خداوند متعال با وجود اینکه اعمال خیر و شر را در فطرت انسان به ودیعه نهاده است، برای هدایت و ارشاد او، پیامبران فراوانی را پی در پی به سوی بشر فرستاده است تا آنان، اعمال خیر به ودیعه نهاده شده در فطرت انسان را به او یادآوری کنند.

پس از پیامبران الهی نیز با وجود کتاب های آسمانی، اوصیای پیامبران و عالمان دین مأمور شدند معارف و آموزه های دینی را پیوسته به مؤمنان یادآوری کنند تا این آموزه ها و معارف در معرض غفلت و فراموشی قرار نگیرد.

دستاورد و سرمایه معنوی به دست آمده از سفر عمره و حج نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ به طوری که اگر حج گزار پس از بازگشت از سفر، این دستاوردها و معارف الهی را یادآوری نکند و پیوسته با آنها سر و کار نداشته باشد، پس از گذشت اندک زمانی، همه آنها به دست فراموشی سپرده می شود و شیطان هر آنچه را حج گزار در این سفر به دست آورده است، از او می گیرد.

بنابراین یکی دیگر از راه های مهم حفظ دستاوردها، آن است که زائران پس از بازگشت از سفر عمره و حج، با شرکت در مجالس موعظه و تذکر یا مطالعه کتاب های معارف دینی، پیوسته این دستاوردها و آموزه ها را یادآوری کنند.

6. انتقال معارف دین و اخبار اهل بیت علیهم السلام

اشاره

از دیگر برکات سفر حج و عمره، آن است که حج گزاران با مطالعه کتاب یا شرکت در جلسات مناسک حج و عمره و ارتباط با عالمان و کارشناسان دین در این سفر، افزون بر آگاهی از مناسک و احکام عمره و حج، با معارف دیگر دین، همچون عقاید، اخلاق و تاریخ اسلام آشنا می شوند و فهم و درک خود را از دین افزایش می دهند.

بر این اساس، یکی از توصیه های خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به حج گزاران، پس از بازگشت از سفر، آن است که آشنایی با معارف و آموزه های دین و روایات امامان معصوم علیهم السلام نباید به شخص حج گزار و زمان حضور در مکه و مدینه محصور و محدود گردد. بلکه شایسته و لازم است، حاجیان پس از بازگشت به وطن، این معارف و علوم را به دیگران انتقال دهند و آنان را نیز از برکات و منافع معنوی این سفر بهره مند گردانند؛ چنان که امام رضا علیه السلام یکی از حکمت های تشریح حج را همین نکته دانست و فرمود:

ص: 351

فَإِنْ قِيلَ فَلِمَ أُمِرَ بِالْحَجِّ قِيلَ لِعَلِّهِ الْوَفَادَةَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ... مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّقْوَى وَنَقْلِ الْأَخْبَارِ الْأَيْمَةِ: إِلَى كُلِّ صَمْعٍ وَنَاحِيَةٍ، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ) (توبه: 122) و (لِيَسْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ) (حج: 28)(1) اگر گفته شود که چرا مردم مأمور به حج شدند؟ در پاسخ گفته می شود: بدان علت که مردم به سوی خدا کوچ کنند. افزون بر این، مردم در حج تقفه می کنند و با معارف دین آشنا می شوند و سپس اخبار امامان علیهم السلام به هر منطقه و ناحیه ای از سرزمین های اسلامی منتقل می شود؛ همان گونه که خداوند تبارک و تعالی در قرآن می فرماید: «چرا از هر گروهی دسته ای به سفر نمی روند تا دانش دین خود را بیاموزند و چون بازگشتند مردم خود را هشدار دهند. باشد که از زشتکاری حذر نمایند». همچنین خداوند می فرماید: «تا شاهد منافع خویش باشند».

در این روایت، امام رضا علیه السلام یکی از حکمت های تشریح حج را، آشنایی حج گزاران با احکام و معارف دین در این سفر و انتقال این معارف به دیگران پس از بازگشت دانسته است. سپس آن حضرت برای اثبات کلام خود، به آیه 122 سوره توبه و آیه 28 سوره حج، استشهاد فرموده است که در آیه نخست، خداوند متعال به مسلمانان فرمان داده است که باید گروهی از میان هر قوم و قبیله برای آشنایی با احکام و معارف دین، به مراکز علمی سفر کنند تا پس از آشنا شدن با احکام و معارف دینی، دیگران را در بازگشت از سفر علمی، انذار کنند و آنان را از ارتکاب اعمال قبیح و ناروا برحذر دارند.

استشهاد امام علیه السلام به آیه نخست، تکلیف حج گزاران را سنگین تر می کند؛ زیرا خداوند در این آیه، تبلیغ و ترویج معارف دینی را بر گروهی از مؤمنان مقرر کرده است تا با هجرت از سرزمین خود و کسب معارف دین، افراد ناآشنای با مسائل و معارف دینی را انذار کنند و آنان را به آنچه فرا گرفته اند، آشنا سازند.

(1). علل الشرایع، ج 1، ص 273؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 13.

ص: 352

در آیه دوم نیز، خداوند یکی از حکمت های تشریح حج را مشاهده منافع آن دانسته است و استشهاد امام علیه السلام به آیه، حکایت از آن دارد که از جمله منافع عمره و حج، آشنایی حج گزاران و دیگران با معارف و احکام دین است؛ به این بیان که حج گزاران با هجرت از سرزمین خود و رفتن به مکه و مدینه، با معارف دین آشنا می شوند و دیگر مؤمنان نیز با حضور نزد حج گزاران و فراگرفتن بخشی از معارف دین از آنان، با این احکام و معارف آشنا می شوند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در یکی از خطبه هایش در سرزمین منا، بر فراگرفتن سخنان خود از سوی حج گزاران و انتقال آن به دیگران تأکید کرد. ایشان در آغاز سخن خود، خطاب به حاضران فرمود:

نَصَّرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَامِي، فَوَعَاهَا وَحَفِظَهَا وَبَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا، فَرُبَّ حَامِلٍ فِقْهٍ غَيْرِ فِقْهِهِ وَرُبَّ حَامِلٍ فِقْهِهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ. (1) خداوند در قیامت شاداب گرداند چهره بنده ای را که سخنان من را بشنود و آن را به یاد بسپارد و حفظ کند و سپس آن را به کسانی برساند که این سخنان را نشنیده اند. چه بسا حامل فقهی که خود فقیه نباشد و چه بسا حامل فقهی که سخن مرا به کسی که از او فقیه تر است، می رساند.

آن حضرت پس از گفتن این سخن، احکام و معارف دینی مختلفی را برای مردم بیان کرد و در پایان پس از اقرار گرفتن از مردم درباره شنیدن سخنان آن حضرت، خطاب به آنان فرمود: «أَلَا فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ»؛ (2) «آگاه باشید! پس کسانی که حاضرند این مطالب را به غایبان برسانند».

این توصیه پیامبر صلی الله علیه و آله به حج گزاران، اختصاص به مسلمانان صدر اسلام و حج گزاران عصر آن حضرت ندارد. بلکه خطاب آن حضرت، عام است که همه حج گزاران در همه

(1). الکافی، ج 1، صص 403 و 404؛ وسائل الشیعه، ج 27، صص 89 و 90.

(2). تحف العقول، ص 34؛ بحار الانوار، ج 73، ص 350.

زمان ها را شامل می شود. افزون بر این، مطلب دیگری که از روایت پیامبر صلی الله علیه و آله به دست می آید، آن است که در انتقال معارف دین و اخبار ائمه علیهم السلام لازم نیست که شخص انتقال دهنده، عمق سخن و روایات معصومان علیهم السلام را درک کند. بلکه گاه صرف انتقال سخنان و مطالب اهل بیت علیهم السلام، فوایدی را به دنبال دارد؛ زیرا چه بسا این مطالب برای خود انتقال دهنده سودمند نباشد. ولی مخاطبان با فهم بالاتر، می توانند این مطالب را درک کنند و از آنها بهره مند شوند.

معارف و آموزه های قابل انتقال به دیگران

زائران و حج گزاران، در بازگشت از سفر عمره یا حج، شایسته است چه معارفی از دین را به دیگران انتقال دهند؟! اخباری که در احادیث امامان معصوم علیهم السلام به انتقال آنها سفارش شده است، چه نوع اخباری است؟!

گفتنی است معارف و اخباری که مسافر عمره و حج می تواند پس از بازگشت از سفر به دیگران انتقال دهد، فراوان است و به نوعی، همه معارف دینی و هر آنچه را زائر در این سفر با چشم و گوش خود دیده یا شنیده است شامل می شود. البته برخی از آنها دارای اهمیت بیشتری است.

موضوع ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام از مهم ترین معارف دین اسلام است که حج گزار، نخست لازم است در این سفر، معرفت بیشتری به آن پیدا کند و سپس آن را به دیگران انتقال دهد؛ زیرا افزون بر اهمیت موضوع ولایت و نقش عظیم آن در شناخت صحیح معارف دینی، این موضوع در سفر حج بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و آن حضرت ضمن اعلام آن به حاضران، فرمان داد حاضران، آن را به دیگر مسلمانان برسانند.

آن حضرت هنگام اعلام ولایت امیر مؤمنان علیه السلام، به حج گزاران فرمود: « يَا مَعْشَرَ

الْمُسْلِمِينَ هَذَا وَلِيَّكُمْ مِنْ بَعْدِي فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ؛ (1) «ای گروه مسلمانان! این [علی علیه السلام] ولی شما پس از من است. پس حاضران، این خبر را به افراد غایب برسانند».

تمسک به قرآن و اهل بیت عصت و طهارت علیهم السلام و پیروی از آموزه ها و سفارشات این دو یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله، از دیگر توصیه های ایشان در حجه الوداع بود که حاضران را به ابلاغ آن به غایبان، فرمان داد و فرمود:

فَإِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي... فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ. (2) من میان شما دو چیز را به یادگار می گذارم که اگر به آن دو تمسک کنید، گمراه نخواهید شد: یکی کتاب خداست و دیگری عترت و اهل بیت من.... پس باید شاهدان، این سخن را به غایبان برسانند.

احادیث و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام درباره عمره و حج و جایگاه رفیع این دو امر میان تعالیم دین، از دیگر موضوعاتی است که شایسته است حاجیان، آن را برای دیگران بیان کنند؛ زیرا در این سفر، احادیث و سخنان فراوانی در ارتباط با اهمیت و نقش عمره و حج در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان و جایگاه آن در احیای دیگر دستوره های دین برای زائر بازگو می شود و او شناخت زیادی به این موضوع پیدا می کند. از این رو شایسته است حج گزار با ترویج و تبلیغ حج و عمره و اهمیت آن در اسلام، دیگران را نیز به انجام دادن این دو عبادت ترغیب و تشویق کند.

بحث نماز، به ویژه نماز اول وقت و شرکت در نمازهای جماعت، از دیگر مباحث مهم و قابل انتقال به دیگران است؛ زیرا افزون بر اهمیت و جایگاه والای نماز و مسائل مربوط به آن در دین و توصیه پیشوایان معصوم علیهم السلام به آن، این عبادت در سرزمین وحی جلوه و بروز ویژه ای دارد؛ به طوری که زائران و مجاوران این سرزمین، هنگام رسیدن

(1). الکافی، ج 1، ص 291؛ التفسیر الصافی، ج 2، ص 52.

(2). تحف العقول، ص 34؛ بحار الانوار، ج 73، ص 350.

وقت نماز، بارها کردن کسب و کار خود در نمازهای جماعت شرکت می کنند و بسیاری از آنان می کوشند همه نمازهای خویش، اعم از واجب و مستحب را در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالحرام اقامه کنند.

ولی، این عبادت و دستور مهم دین، در دیگر سرزمین های اسلامی، جایگاه خود را باز نیافته است و مسلمانان در این سرزمین ها به نماز، به ویژه نماز اول وقت و نماز جماعت، اهمیت لازم را نمی دهند. بنابراین، شایسته است زائران پس از بازگشت به وطن، از تبلیغ و ترویج این مسئله، کوتاهی نکنند و در حد توان، دیگران را به این موضوع ترغیب و تشویق کنند.

از دیگر توصیه های امامان معصوم علیهم السلام در این سفر، بازدید از مشاهد و مساجد مهم در صدر اسلام بود؛ مانند محل جنگ احد، مسجد قبا، مساجد سبعه و موضع جنگ احزاب و مسجد ذوقبلتین در مدینه و نیز غار حرا، شعب ابی طالب و قبرستان ابوطالب در مکه و دیگر مکان های تاریخی.

یکی از حکمت های ترغیب پیشوایان دین به زیارت این اماکن، آن است که زائران و مسلمانان، با حوادثی که در این مشاهد رخ داده و زحماتی که برای حفظ اسلام در این مکان ها کشیده شده است، آشنا شوند تا خود نیز در مواقع نیاز همانند مسلمانان صدر اسلام برای حفظ دین و اسلام، از مال و حتی جان خود بگذرند.

از این رو شایسته است زائران آنچه را در این مکان ها دیده یا شنیده اند، برای دیگر مؤمنان بازگو کنند تا دیگران نیز بدانند که اسلام و دینی که در حال حاضر با آرامش و آسایش در سایه آن زندگی می کنند، به آسانی به دست آنان نرسیده است. بلکه برای حفظ و اعتلای آن، زحمات فراوانی کشیده شده و خون های زیادی ریخته شده است.

همچنین احادیث و سخنان پیشوایان دین علیهم السلام درباره صبر و تحمل سختی ها، کمک به افراد ناتوان و نیازمند، انفاق اموال در راه خدا، توجه به دعا و استغفار و قرائت قرآن، حجاب و پوشش بانوان و دیگر موضوعاتی که زائران در این سفر مقدس با آن مأنوس

بوده و به آنها معرفت و آگاهی بیشتری پیدا کرده اند، از دیگر مباحثی است که شایسته است زائران در بازگشت از سفر، در حد توان و معرفت خود، به دیگر مؤمنان و مسلمانان منتقل کنند.

بی شک، آموزه های قابل انتقال از سفر عمره و حج، در معارف ذکر شده منحصر نیست. بلکه زائر هر آنچه را در این سفر، از معارف دین و اخبار ائمه معصوم علیهم السلام فراگرفته یا عمل کرده است می تواند به عنوان سوغاتی معنوی این سفر، به سرزمین خود ببرد و به تبلیغ و ترویج آنها پردازد.

البته حج گزاران در انتقال معارف دین و اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، تکلیفی یکسان ندارند. بلکه هر یک از آنان به اندازه توان و فهم و درک خود، در این باره موظف اند.

7. نگه داشتن حوله احرام برای کفن

سرزمین وحی و آنچه به آن تعلق و ارتباط دارد، از قداست و ارزش زیادی نزد خداوند برخوردار است. از این رو خداوند، مسلمانان را به رعایت احترام ماه های حج و حج گزارانی که قصد خانه خدا می کنند و حتی حیواناتی که برای قربانی حج انتخاب می شوند، فرمان می دهد و تعرض کنندگان به این افراد و حیوانات را به عقوبتی سخت، تهدید می کند و می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهُدَىٰ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمِّينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ... وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) (مائده: 2)

ای کسانی که ایمان آورده اید! حرمت شعائر الهی و ماه حرام و قربانی های بی نشان و نشاندار و راهیان بیت الله الحرام که فضل پروردگار خود را می طلبد نگه دارید... و از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید که مجازات خداوند شدید است.

خداوند در آیه ای دیگر، سنگی را که ابراهیم علیه السلام روی آن قرار گرفت و کعبه را بنا نهاد یا پس از بنای کعبه با قرار گرفتن روی آن، انسان ها را به حج خانه خدا فراخواند، از

آیات الهی قرار داد؛ چنان که می فرماید: (فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ)؛ «در مسجدالحرام، نشانه های آشکار الهی وجود دارد [که از جمله آنها] مقام ابراهیم است» (آل عمران: 97).

لباس و حوله احرام نیز همچون دیگر اشیای متعلق به این سرزمین، به سبب تعلق آن به عمره و حج و همراه بودن با حج گزار در همه اماکن مقدس این سرزمین، قداست و ارزش بالایی نزد خداوند دارد.

از این رو در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و برخی از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است که آنان این دو تکه لباس را نگهداری می کردند تا برای کفن کردن آنان هنگام مرگ استفاده شود و خداوند آنان را با همین لباس احرام، در قیامت محشور گرداند؛ از جمله در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

كَانَ ثَوْبًا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الَّذِي أَحْرَمَ فِيهِمَا يَمَانِيَيْنِ، عَبْرِيٌّ وَظَفَارٍ وَفِيهِمَا كُفْنٌ. (1) دو لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله که در آن محرم شد، یمنی و از منطقه عبّر و ظفار بود و در همین دو پارچه احرام، آن حضرت کفن گردید.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز فرمود:

إِنِّي كَفَّنْتُ أَبِي فِي ثَوْبَيْنِ شَطَوِيَيْنِ، كَمَا أَنَّ يُحْرَمُ فِيهِمَا وَفِي قَمِيصٍ مِنْ قُمْصِيهِ وَعِمَامَةٍ كَانَتْ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِي بُرْدٍ اشْتَرَيْتُهُ بِأَزْبَعِينَ دِينَارًا. (2) من پدرم را در دو لباس شطوی (منطقه ای در مصر) که در آن محرم می گردید و در پیراهنی از پیراهن هایش و در عمامه ای که از امام علی بن حسین علیه السلام بر جای مانده بود و بردی که خود به چهل دینار خریده بود، کفن کردم.

بر اساس این روایات، فقهای اسلامی گفته اند: مستحب است انسان در لباسی که با آن نماز خوانده یا عمره و حج به جا آورده است، کفن شود. (3)

(1). الکافی، ج 4، ص 339؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 334.

(2). الکافی، ج 1، ص 476 و ج 3، ص 149؛ تهذیب الاحکام، ج 1، ص 434.

(3). وسائل الشیعه، ج 3، ص 16؛ الحدائق الناضره، ج 4، ص 8؛ مدارک العروه، ج 7، ص 183.

از این روش شایسته است حج گزاران با اقتدای به پیشوایان معصوم، لباس احرام عمره و حج خود را نگه دارند و وصیت کنند که آنان را با همین لباس، کفن نمایند تا ان شاءالله در قیامت با لباس حج گزاران خانه خدا محشور گردند و خداوند به برکت این لباس ها بر آنان ترحم کند و از گرفتاری های سخت عالم برزخ و قیامت نجات دهد.

ص: 359

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

صحیفه ه ه سجادیه.

1. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری مشعر، 1381 ه. ش.
2. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، تحقیق: سید محمد باقر الخرسان، نجف، دارالنعمان، 1386 ه. ق.
3. اخبار مکه، محمد بن عبدالله الازرقی، تحقیق: رشدی صالح ملحس، بی جا، انتشارات الشریف الرضی، 1411 ه. ق.
4. الاختصاص، شیخ مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالمفید، 1414 ه. ق.
5. الارشاد، شیخ مفید، تحقیق: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، دارالمفید، 1414 ه. ق.
6. الاستبصار، شیخ طوسی، تحقیق: السید حسن الخرسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1390 ه. ش.
7. الاعتقادات فی دین الامامیه، شیخ صدوق، تحقیق: عصام عبدالسعید، بیروت، دارالمفید، 1414 ه. ق.
8. اعمال الحرمین، علی بن الشیخ منصور المرهون، بی جا، دارالهدی، 1422 ه. ق.
9. اقبال الاعمال، سید بن طاووس، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1414 ه. ق.
10. الامالی، شیخ طوسی، قم، دارالثقافه للطباعه والنشر، 1414 ه. ق.
11. الامالی، شیخ مفید، تحقیق: حسین الاستاد ولی، علی اکبر غفاری، بیروت، دارالمفید، 1414 ه. ق.
12. الامالی، شیخ صدوق، تحقیق: بخش پژوهش های اسلامی مؤسسه بعثت، قم، مؤسسه بعثت، 1417 ه. ق.

13. الامان من اخطار الاسفار و الزمان، سيد بن طاووس، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، 1409 هـ. ق.
14. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بيروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 هـ. ق.
15. بوستان سعدی، مصلح بن عبدالله، تهران، انتشارات انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، 1359 هـ. ش.
16. تاج العروس من جواهر القاموس، زبیدی، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، 1414 هـ. ق.
17. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، 1415 هـ. ق.
18. تحریر الوسیله، روح الله موسوی خمینی، نجف، دارالکتب العلمیه، 1390 هـ. ق.
19. تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرّانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1404 هـ. ق.
20. تذکره الفقهاء، علامه حلی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1417 هـ. ق.
21. تذکره المتقین، شیخ محمد بهاری، تحقیق: احمد فرهومند، تهران، بی جا 1329 هـ. ش.
22. التفسیر الصافی، مولی محسن فیض کاشانی، تحقیق: شیخ حسین اعلمی، قم، مؤسسه الهادی، 1416 هـ. ق.
23. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: سید طیب موسوی، نجف، منشورات مکتبه الهدی، 1387 هـ. ق.
24. التفسیر الکبیر، فخرالدین رازی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
25. تفسیر بیضاوی، بیضاوی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
26. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش (عیاشی)، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
27. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا قمی، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وزارت ارشاد اسلامی، 1407 هـ. ق.
28. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، بی جا، بی تا.
29. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تحقیق: سید حسن الخرسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1364 هـ. ش.
30. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، تحقیق: سید حسن الخرسان، قم، منشورات الشریف الرضی، 1368 هـ. ش.
31. جامع احادیث الشیعہ، سید حسین طباطبائی بروجردی، قم، 1397 هـ. ق.

32. جامع البيان عن تأويل اى القرآن، محمد بن جرير طبرى، تحقيق: شيخ خليل ميس، بيروت، دارالفكر، 1415 هـ. ق.
33. جامع السعادات، ملا محمد مهدى نراقى، تحقيق: سيد محمد كلانتر، نجف، دارالنعمان، بى تا.
34. الجامع الصغير، جلال الدين سيوطى، بيروت، دارالفكر، 1401 هـ. ق.
35. جامع المدارك، سيد احمد خوانسارى، تحقيق: على اكبر غفارى، قم، مؤسسه اسماعيليان، 1405 هـ. ق.
36. الجامع لاحكام القرآن، قرطبى، تحقيق: احمد عبدالعليم البردونى، بيروت، داراحياء التراث العربى، بى تا.
37. جواهر الكلام، محمد حسن نجفى، به كوشش قوچانى و ديگران، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1367 هـ. ش.
38. الحدائق الناضره فى احكام العتره الطاهره، محقق بحراني، قم، مؤسسه نشر اسلامى، بى تا.
39. خصائص الائمة، الشريف الرضى، تحقيق: محمد هادى امينى، مشهد، مركز پژوهش هاى آستان قدس رضوى، 1406 هـ. ق.
40. النخصال، شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم، مؤسسه نشر اسلامى، 1403 هـ. ق.
41. الخلاف، شيخ طوسى، تحقيق: جماعه من المحققين، قم، مؤسسه نشر اسلامى، 1407 هـ. ق.
42. دعائم الاسلام، قاضى نعمان المغربى، تحقيق: آصف بن على اصغر فيضى، قاهره، دارالمعارف، 1383 هـ. ق.
43. الدروس الشرعيه فى فقه الاماميه، شهيد اول، قم، مؤسسه نشر اسلامى، 1417 هـ. ق.
44. دليل الناسك، سيد محسن حكيم، تحقيق: سيد محمد قاضى طباطبايى، چاپ سوم، بى جا، مدرسه دارالحكم، 1416 هـ. ق.
45. ديوان قصائد و مثنويات، پروين اعتصامى، چاپ دوم، تهران، ابوالفتح اعتصامى، 1360 هـ. ق.
46. ديوان حافظ، شمس الدين محمد حافظ، تهران، انتشارات سروش، 1367 هـ. ش.
47. ديوان ناصر خسرو، حكيم ناصر خسرو قباديانى، تحقيق: مجتبى مينوى و مهدى محقق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بى تا.
48. ربيع الابرار و نصوص الاخيار، محمود بن عمر زمخشرى، تحقيق: عبدالامير مهنا، بيروت، مؤسسه اعلمى، 1412 هـ. ق.
49. رسائل الشهيد الثانى، شهيد ثانى، تحقيق: مركز الابحاث و التراث الاسلاميه، قم، انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی، 1421 ه. ق.

50. الرسائل، روح الله الموسوی الخمينی، تحقیق: مجتبی طهرانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، 1365 ه. ش.
51. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، شیخ ابوالفتوح رازی، تحقیق: یاحقی و ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1371 ه. ش.
52. روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمدتقی مجلسی، تحقیق: کرمانی و اشتهاوردی، بی جا، بنیاد فرهنگ اسلامی، بی تا.
53. سداد العباد و رشاد العباد، شیخ محمد آل عصفور، تحقیق: شیخ محسن آل عصفور، قم، المحلاتی، 1421 ه. ق.
54. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
55. سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، 1410 ه. ق.
56. سنن الترمذی، محمد بن عیسی بن ترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، 1403 ه. ق.
57. السنن الکبری، احمد بن حسین بیهقی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
58. السیره النبویه، ابن کثیر، به کوشش مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالمعرفه، 1396 ه. ق.
59. شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، تحقیق: عدّه من الافاضل، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، 1362 ه. ش.
60. صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر، 1401 ه. ق.
61. صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج النیسابوری، بیروت، دارالفکر، بی تا.
62. صحیفه امام، روح الله موسوی خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر و آثار امام خمینی، 1386 ه. ش.
63. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء، 1377 ه. ش.
64. العروه الوثقی، سید محمدکاظم یزدی، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، 1420 ه. ق.
65. علل الشرایع، شیخ صدوق، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف، المكتبه الحیدریه، 1385 ه. ق.
66. عوالی اللثالی، ابن ابی الجمهور احسائی، تحقیق: سید شهاب الدین نجفی مرعشی، قم، سید الشهداء، 1403 ه. ق.
67. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، تحقیق: شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه اعلمی، 1404 ه. ق.
68. عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، نجف، محمد کاظم الشیخ صادق الکتبی، 1369 ه. ق.

69. الغيبه، شيخ طوسی، تحقیق: طهرانی و ناصح، قم، مؤسسه معارف اسلامی، 1411 ه. ق.

ص: 364

70. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، سید محمود هاشمی شاهرودی، قم، دائره المعارف فقه اسلامی، 1382 ه. ش.
71. فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، معاونت امور روحانیون حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، 1387 ه. ش.
72. فقه الرضا، علی بن بابویه قمی، تحقیق: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام، 1406 ه. ق.
73. فلاح السائل، سید بن طاووس، بی جا، بی تا.
74. القاموس الفقهی، سعدی ابو حیب، دمشق، دارالفکر، 1408 ه. ق.
75. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1413 ه. ق.
76. قواعد الاحکام، علامه حلی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1413 ه. ق.
77. القواعد الفقهیة، محمد حسن بجنوردی، تحقیق: مهریزی و درایتی، قم، نشر الهادی، 1419 ه. ق.
78. القواعد الفقهیة، ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، 1411 ه. ق.
79. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1363 ه. ش.
80. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، تحقیق: شیخ جواد القیومی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1417 ه. ق.
81. کتاب الحج، ابوالقاسم خویی، قم، لطفی، 1364 ه. ش.
82. کتاب الحج، سید محمدرضا موسوی گلپایگانی، قم، بی نا، 1400 ه. ق.
83. کتاب الحج، سید محمود شاهرودی، تقریر: محمد ابراهیم جناتی، بی جا، بی تا.
84. کتاب الطهاره، شیخ انصاری، تحقیق: لجنه تحقیق تراث الشیخ الاعظم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، 1428 ه. ق.
85. الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقاویل، زمنخسری، مصر، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی، 1385 ه. ق.
86. کشف الغطاء، شیخ جعفر کاشف الغطاء، تحقیق: تبریزیان، ذاکری و حلی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات، 1422 ه. ق.
87. کشف اللثام، الفاضل الهندی، قم، نشر اسلامی، 1416 ه. ق.
88. کلمه التقوی، محمد امین زین الدین، بی جا، 1413 ه. ق.

89. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1405 ه. ق.
90. کنز العمال، متقی هندی، تحقیق: شیخ بکری حیانی، بیروت، الرساله، 1413 ه. ق.
91. کنز الفوائد، ابی الفتح محمد بن علی کراجی، قم، مکتبه المصطفوی، 1369 ه. ش.
92. لسان العرب، ابن منظور، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1408 ه. ق.
93. ماوراء الفقه، سید محمد صدر، قم، دارالمحبین، 1427 ه. ق.
94. مثنوی معنوی، جلال الدین محمد بن محمد مولوی، تهران، علی اکبر علمی، بی تا.
95. مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران، مرتضوی، 1362 ه. ش.
96. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق: لجنه من العلماء، بیروت، مؤسسه الاعلمی، 1415 ه. ق.
97. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابی بکر هیشمی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، 1408 ه. ق.
98. مجمع الفائده والبرهان، محقق اردبیلی، تحقیق: عراقی، اشتهاردی و یزدی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
99. المجموع، محیی الدین نووی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
100. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق: سید جلال الدین حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه. ق.
101. مختلف الشیعہ فی احکام الشریعہ، علامه حلی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1413 ه. ق.
102. مدارک الاحکام، سید محمد عاملی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1410 ق.
103. مدارک العروه، شیخ علی پناه اشتهاردی، تهران، دارالاسوه، 1417 ه. ق.
104. مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، محمدباقر مجلسی، تحقیق: سید مرتضی عسکری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1404 ه. ق.
105. المزار، شیخ مفید، تحقیق: سید محمدباقر ابطحی، بیروت، دارالمفید، 1414 ه. ق.
106. المزار، محمد بن جعفر المشهدی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1419 ه. ق.
107. مسالک الافهام، شهید ثانی، قم، مؤسسه معارف اسلامی، 1413 ه. ق.
108. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1408 ه. ق.

109. مستند الشيعه، احمد بن محمد مهدي النراقي، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، 1415 ه. ق.

110. مسند احمد، احمد بن حنبل، بيروت، دارالصادر، بی تا.

111. مشاهد و مشاعر حج، عبدالرحمان انصاری، مصطفی آخوندی و عزیز حجتی، قم، زمينه سازان

ص: 366

ظهور امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1384 هـ. ش.

112. مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقه، منسوب به امام جعفر صادق عليه السلام، بيروت، مؤسسه اعلمى، 1400 هـ. ق.
113. مصباح المتهدج، شيخ طوسى، بيروت، مؤسسه فقه الشيعه، 1411 هـ. ق.
114. معانى الاخبار، شيخ صدوق، قم، مؤسسه نشر اسلامى، 1379 هـ. ق.
115. معجم الفاظ الفقه الجعفرى، احمد فتح الله، الدمام، مطابع المدخول، 1415 هـ. ق.
116. معجم المصطلحات والالفاظ الفقيهيه، محمود عبدالرحمان عبدالمنعم، قاهره، دارالفضيله، بى تا.
117. معجم مقاييس اللغه، ابن فارس، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبليغات، 1404 هـ. ق.
118. المغنى، عبدالله بن قدامه، بيروت، دارالكتاب العربى، بى تا.
119. مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمى، تحقيق: سيد محمدرضا نورى نجفى، قم، مكتبه العزيزى، 1385 هـ. ش.
120. مكارم الاخلاق، فضل بن حسن طبرسى، بى جا، منشورات الشريف الرضى، 1392 هـ. ق.
121. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، بى تا.
122. مناسك حج، روح الله موسوى خمينى، قم، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، 1370 هـ. ش.
123. مناسك حج، محمدرضا موسوى گلپايگانى، قم، دارالقرآن الكريم، 1413 هـ. ق.
124. مناقب آل ابى طالب، ابن شهر آشوب، تحقيق: لجنه من اساتذه، نجف، المكتبه الحيدريه، 1376 هـ. ق.
125. منهاج البراعه، حبيب الله هاشمى خويى، تحقيق: سيد ابراهيم ميانجى، تهران، بنياد فرهنگ امام مهدي، بى تا.
126. منهاج الصالحين، ابوالقاسم خويى، قم، مدينه العلم، 1410 هـ. ق.
127. مهذب الاحكام فى بيان الحلال والحرام، سيد عبدالاعلى موسوى سبزوارى، بى جا، مكتبه آيه الله السيد السبزوارى، 1413 هـ. ق.
128. الميزان فى تفسير القرآن، محمد حسين طباطبايى، قم، مؤسسه نشر اسلامى، بى تا.
129. نور الثقلين، عبد على بن جمعه عروسى حوزى، تحقيق: سيد هاشم رسولى محلاتى، قم، مؤسسه اسماعيليان، 1412 هـ. ق.
130. نيل الاوطار، محمد بن على بن محمد الشوكانى، بيروت، دارالجيل، 1973 م.
131. هدايه الامه الى احكام الاثمه، شيخ حر عاملى، مشهد، بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان مقدس رضوى، 1412 هـ. ق.

132. الوافی، سید محسن فیض کاشانی، تحقیق: ضیاءالدین حسینی، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، 1406 ه. ق.

133. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، شیخ حر العاملی، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1412 ه. ق.

134. یادداشت های استاد مطهری، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، 1427 ه. ق.

ص: 368

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

